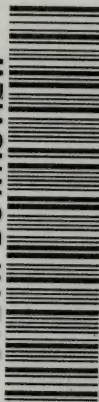


UTL AT DOWNSVIEW



. D RANGE BAY SHLF POS ITEM C
39 10 05 03 13 004 2

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

K


Cevdet, Ahmet

Mecelle-'i ahkām-i

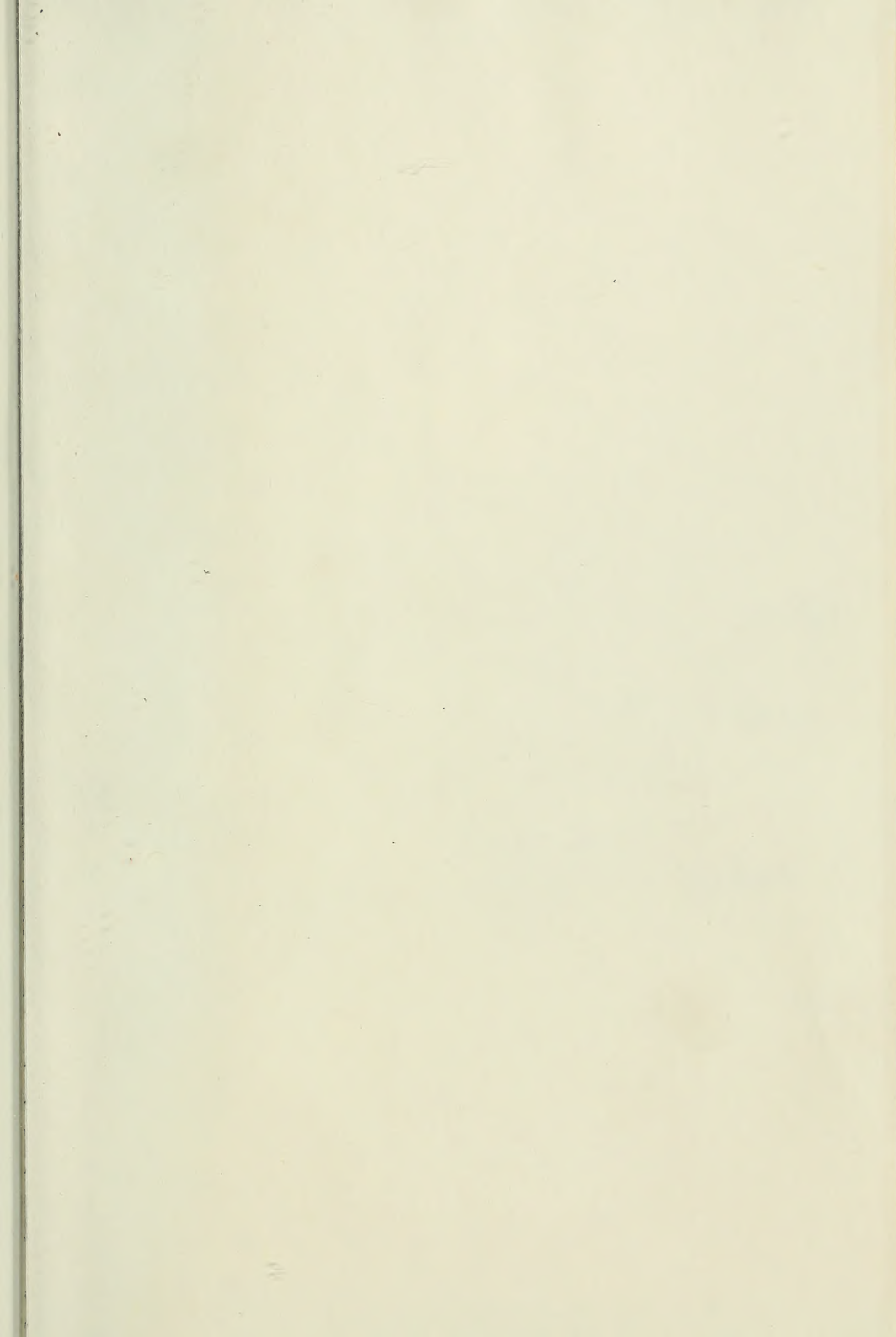
'adliye

C4242M4

1883



Digitized by the Internet Archive
in 2010 with funding from
University of Toronto



2734

SF/18



Cevdet, Ahmet, Paşa

مجله احکام عدلیه

Mecelle-i ahkām-ı adliye

استامبول

اشبهو مجله عدلیه ناظری و مجله جمعیت جلیله سی رئیس
دولت و احمد جودت پاشا حضرتلرینک ترتیب و تنسیق
و معارف نظارت جلیله سی رخصت رسمیه سیله بو دفعه
(مطبعة عثمانیه ده) طبع اولمشدر .

دین

۱۳۰۰

مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتی

۲

(مقدمه ایکی مقاله بی حاویدر)

مقاله اولی • علم فقهك تعریف و تقسیمی

۲۰

» ثانی • قواعد فقهیه بیاننده در

۲۲

(کتاب البیوع بر مقدمه ایله یدی بایدر)

مقدمه • بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه

۳۹

باب اول • عقد بیعه متعلق مسائل بش فصلدر

۵۰

فصل اول • رکن بیع حقنده در

۵۰

» ثانی • قبولك ایجابیه • موافق اولسنه لزومی

۵۳

» ثالث • مجلس بیع حقنده در

۵۶

» رابع • شرطله بیع حقنده در

۵۸

» خامس • اقاله بیع حقنده در

۵۹

باب ثانی • بیعه متعلق مسائل بیاننده درت فصلدر

۶۱

فصل اول • مبیعك شروط و اوصافی حقنده

۶۱

» ثانی • بیعی جائز اولوب اولیان شیر حقنده

۶۲

» ثالث • مبیعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیاننده

۶۵

» رابع • صراحه ذکر اولقسزین بیعه داخل

۷۲

اولوب اولیان شیر بیاننده

باب ثالث • ثمنه متعلق مسائل بیاننده ایکی فصلدر

۷۵



- ۷۵ فصل اول • ثمنك او صافي و احوالنه مترتب مواد
 ۷۷ » ثاني • وعدة ايله صاتش حقنده اولان مواد
 ۷۹ باب رابع • بعد العقد ثمن و ثمنده تصرفه
 متعلق مسائل بيانده اولوب ايكي

فصلدر

- ۷۹ فصل اول • بعد العقد وقبل القبض بايعك ثمنده
 و مشتريتك مبيعهده حقي

تصرفلري

- ۷۹ فصل ثاني • ثمن و مبيعك تزويد و تنزيلي بيانده
 ۸۳ باب خامس • تسليم و تسلمه متعلق مسائل التي فصلدر
 ۸۳ فصل اول • تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتي بيانده
 ۸۷ » ثاني • مبيعك حق حبسنه دائر مواد
 ۸۸ » ثالث • مكان تسليم حقنده
 ۸۹ » رابع • تسليمك و نتي و لوازم تماميتي بيانده
 ۹۰ » خامس • هلاك مبيعه مترتب اولان مواد
 ۹۱ » سادس • سوم شرا و سوم نظر حقنده
 ۹۳ باب سادس • خيارات بيانده اولوب يدي فصلدر
 ۹۳ فصل اول • خيار شرط حقنده در
 ۹۵ » ثاني • خيار وصف
 ۹۶ » ثالث • خيار نقد
 ۹۷ » رابع • خيار تعيين

- ۹۸ « خامس . خيار رؤيت »
 ۱۰۲ « سادس . خيار عيب »
 ۱۰۹ « سابع . غبن وتغرير »
 ۱۱۱ باب سابع . مبيعك انواع واحكامي بياننده التي
 فصلدر

- ۱۱۱ فصل اول . بيعك انواعي
 ۱۱۲ « ثاني . انواع بيعك احكامي
 ۱۱۵ « ثالث . سلم حقه در
 ۱۱۶ « رابع . استصناع بيانده در
 ۱۱۸ « خامس . بيع مريضك احكامي
 ۱۲۰ « سادس . بيع الوفا حقه در

(كتاب الاجارات بر مقدمه ايله سكر بادر)

- ۱۲۴ مقدمه . اجارهيه متعلق اصطلاحات فقهيه
 ۱۲۷ باب اول . ضوابط عموميه بيانده در
 ۱۳۲ « ثاني . عقد اجارهيه متعلق درت فصلدر
 ۱۳۲ فصل اول . ركن اجارهيه دائر مسائل
 ۱۳۵ « ثاني . اجاره نك شرايط انعقاد و نفاذي حقه در
 ۱۳۶ « ثالث . صحت اجاره نك شرائطي حقه در
 ۱۳۸ « رابع . اجاره نك بطلان و فسادى حقه در
 ۱۴۰ باب ثالث . اجرتيه متعلق مسائل بيانده اوچ فصلدر

- ۱۴۰ فصل اول • بدل اجاره حقننده در
- ۱۴۱ « ثانی • اجرتك سبب لزومنه و اجرتك اجرتيه
- کیفیت استحقاقنه متعلق مسائل
- ۱۴۶ فصل ثالث • اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی
- خپس ایدوب ایده مامسی حقننده در
- ۱۴۷ باب رابع • مدت اجاره یه متعلق مسائل
- ۱۵۰ باب خامس • خیارات حقننده اولوب اوچ فصلدر
- ۱۵۰ فصل اول • خیاری شرط حقننده
- ۱۵۴ « ثانی • خیاری رؤیت حقننده
- ۱۵۵ « ثالث • خیاری عیب حقننده
- ۱۵۹ باب سادس • مأجورك انواع و احکامی بیننده
- اولوب درت فصلدر
- ۱۵۹ فصل اول • اجاره عقاره متعلق مسائل
- ۱۶۲ « ثانی • اجاره عروض حقننده
- ۱۶۳ « ثالث • اجاره حیوان حقننده
- ۱۷۰ « رابع • اجاره آدمی حقننده
- ۱۷۵ باب سابع • بعد العقد آجر و مستأجرك وظیفه
- و صلاحیتلرینه دائر اولوب اوچ
- فصلدر
- ۱۷۵ فصل اول • تسلیم مأجور حقننده در
- ۱۷۷ « ثانی • ماقدینك مأجورده تصرفلرینه دائر

- ۱۷۸ » ثالث • رد و اعاده مأجوره متعلق مواد
 ۱۸۰ باب ثامن • ضمانات بیاننده اولوب اوچ فصلدر
 ۱۸۰ فصل اول • ضمان منفعت حقنده
 ۱۸۲ » ثانی • مستأجر ك ضمانی حقنده
 ۱۸۵ » ثالث • اجير ك ضمانی حقنده

(کتاب الکفاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)

- ۱۹۰ مقدمه • کفالتہ دائر اصطلاحات فقہیہ
 ۱۹۲ باب اول • عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلدر
 ۱۹۲ فصل اول • رکن کفالتہ دائر در
 ۱۹۳ » ثانی • شرائط کفالتہ متعلقدر
 ۱۹۶ باب ثانی • کفالتک احکامی حقنده اولوب اوچ فصلدر
 ۱۹۶ فصل اول • کفالت منجزه و معلقه و مضافه نك حکمی
 ۲۰۰ » ثانی • کفالت بالنفسك حکمی
 ۲۰۰ » ثالث • کفالت بالمالک احکامی
 ۲۰۶ باب ثالث • کفالتدن برأت حقنده اوچ فصلدر
 ۲۰۶ فصل اول • بعض ضوابط عمومیه بیاننده
 ۲۰۷ » ثانی • کفالت بالنفسدن برأت حقنده
 ۲۰۸ » ثالث • کفالت بالمالدن برأت حقنده

(کتاب الحواله بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

صمیمه

- ۲۱۲ مقدمه • حواله به دائر اصطلاحات قتهیه
۲۱۳ باب اول • عقد حواله بیاننده اولوب ایکی
فصلدر

- ۲۱۳ فصل اول • وکن حواله بیاننده در
۲۱۴ » ثانی • شرائط حواله بیاننده
۲۱۶ باب ثانی • احکام حواله بیاننده در

(کتاب الرهن بر مقدمه ایله درت بابدر)

- ۲۲۲ مقدمه • رهنه دائر اصطلاحات قتهیه
۲۲۳ باب اول • عقد رهنه دائر اولوب اوچ فصلدر
۲۲۳ فصل اول • رکن رهنه دائر مسائل بیاننده در
۲۲۴ » ثانی • انعقاد رهنک شرائطی حقهنده
۲۲۴ » ثالث • مرهونک زواید متصله سی و رهنندن
صکره واقع اولان تبدیل و زیاده
حقهنده در

- ۲۲۶ باب ثانی • راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل
۲۲۷ باب ثالث • مرهونه متعلق مسائل حقهنده ایکی
فصلدر

- ۲۲۷ فصل اول • مرهونک مؤنت و مصافی حقهنده
۲۲۸ » ثانی • رهن مستعار حقهنده

- ۲۲۹ باب رابع • رهنك احكامی بیانده درت فصلدر
 ۲۲۹ فصل اول • رهنك احكام عمومیه سی بیانده
 ۲۳۳ » ثانی • راهن و مرتهنك رهنده تصرفری
 ۲۳۵ » ثالث • ید عدلده اولان رهنك احكامی
 ۲۳۶ » رابع • بیع رهن حقهده

(کتاب الامانات بر مقدمه ایله اویچ بابدر)

- ۲۴۰ مقدمه • اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه
 ۲۴۱ باب اول • اماناته دائر بعض احكام عمومیه
 ۲۴۴ باب ثانی • ودیعه حقهده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۴۴ فصل اول • عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل
 ۲۴۵ » ثانی • ودیعه نك احكامی و ضماناتی حقهده
 ۲۵۷ باب ثالث • عاریت حقهده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۵۷ فصل اول • عقد و شرط اعاره یه متعلق مسائل
 ۲۵۹ » ثانی • عاریتك احكام و ضماناتی حقهده

(کتاب الهبه بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

- ۲۷۰ مقدمه • هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه
 ۲۷۱ باب اول • عقد هبه یه متعلق مسائل ایکی فصلدر
 ۲۷۱ فصل اول • رکن و قبض هبه یه دائر مسائل
 ۲۷۵ » ثانی • شرائط هبه بیانده در

- ۲۷۷ باب ثانى • احكام هبه بياننده اولوب ايكي فصلدر
 ۲۷۷ فصل اول • هبه دن رجوع حقنده
 ۲۸۱ » ثانى • هبه مريض حقنده در

(كتاب الغصب بر مقدمه ايله ايكي بابدر)

- ۲۸۴ مقدمه • غصب و اتلافه دائر اصطلاحات فقهيه
 ۲۸۶ باب اول • غصب حقنده اولوب اوچ فصلدر
 ۲۸۶ فصل اول • غصبك احكامي بياننده
 ۲۹۱ » ثانى • غصب عقاره متعلق بعض مسائل
 ۲۹۴ » ثالث • غاصب الغاصبك حكمي بياننده
 ۲۹۵ باب ثانى • اتلاف بياننده اولوب درت فصلدر
 ۲۹۵ فصل اول • مباشرة اتلاف حقنده
 ۲۹۸ » ثانى • تسبباً اتلاف بياننده
 ۳۰۰ » ثالث • طريق عامده احداث اولنان شيلره
 دائر

- ۳۰۲ » رابع • جنایات حيوان حقنده در
 (كتاب الحجر والاكره والشفعة بر مقدمه ايله اوچ بابدر)
 ۳۰۸ مقدمه • حجر و اكره و شفعية متعلق
 اصطلاحات فقهيه
 ۳۱۱ باب اول • حجره متعلق مسائل بياننده درت
 فصلدر

- ۳۱۱ فصل اول • صنوف واحكام محجورين حقنده
- ۳۱۳ » ثانی • صغیر و مجنون و معتوه دار مسائل
- ۳۲۰ » ثالث • سفید محجور حقنده
- ۳۲۲ » رابع • مدیون محجور حقنده
- ۳۲۴ باب ثانی • اگر اهه متعلق مسائل
- ۳۲۶ باب ثالث • شفعه حقنده اولوب درت فصلدر
- ۳۲۶ فصل اول • مراتب شفعه بیانده
- ۳۳۰ » ثانی • شرائط شفعه حقنده
- ۳۳۳ » ثالث • طلب شفعه یه دائر
- ۳۳۵ » رابع • حکم شفعه یه دائر

(کتاب الشریکت بر مقدمه ایله سکنز بایدر)

- ۳۴۰ مقدمه • شرکته متعلق اصطلاحات فقهیه
- ۳۴۳ باب اول • شرکت دلاک بیانده اولوب اوج فصلدر
- ۳۴۳ فصل اول • شرکت ملکک تعریف و تقسیم
- ۳۴۶ » ثانی • اعیان مشترکه نک کیفیت تصرفنه دائر
- ۳۵۴ » ثالث • دیون مشترکه حقنده در
- ۳۶۲ باب ثانی • قسمت حقنده اولوب طقوز فصلدر
- ۳۶۲ فصل اول • قسمتک تعریف و تقسیم بیانده
- ۳۶۶ » ثانی • شرائط قسمت بیانده در

۳۷۰	»	ثالث	•	قسمت جمع
۳۷۳	»	رابع	•	قسمت تفريق
۳۷۶	»	خامس	•	كيفية قسمت
۳۷۸	»	سادس	•	خيارات بيانده
۳۸۰	»	سابع	•	قسمت فسخ و اقاله سي حقنده
۳۸۱	»	ثامن	•	احكام قسمت حقنده
۳۸۶	»	تاسع	•	مهائنه بيانده در
۳۹۲	»	باب ثالث	•	حيطان و جيرانه متعلق مسائل در

فصلدر

۳۹۲	فصل اول	•	احكام املاكه دائر بعض قواعد
۳۹۴	» ثاني	•	معاملات جواريه بيانده در
۴۰۱	» ثالث	•	طريق نقل حقنده در
۴۰۴	» رابع	•	حق مرور و مجرى و مسيله دائر
۴۰۸	باب رابع	•	شركت اباحه حقنده التي فصلدر
۴۰۸	فصل اول	•	مباح اولوب اوليان شيلر حقنده
۴۱۱	» ثاني	•	مباح اولان شيلرك استملاكى حقنده
۴۱۳	» ثالث	•	مباح اولان شيلرك احكام عموميه سي
۴۱۵	» رابع	•	حق شرب و شفه بيانده در
۴۱۸	» خامس	•	احياء موات حقنده در
۴۲۱	» سادس	•	قبول و ضولر و اشجارك حريمى

حقنده

۴۲۴	»	سابع	• احکام صیده متعلق اولان مسائل
۴۲۹	باب خامس	• نفقات مشترکه بیاننده ایکی فصلدر	
۴۲۹	فصل اول	• اموال مشترکه نك تعهیرات و مضارفی	
۴۳۴	»	ثانی	• نهر و مجر الرک کری و اصلاحی
۴۳۷	باب سادس	• شرکت عقد بیاننده اولوب الی فصلدر	
۴۳۷	فصل اول	• شرکت عقدك تعریف و تقسیمی	
۴۴۰	»	ثانی	• شرکت عقدك شرائط عمومیه سی
۴۴۱	»	ثالث	• شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی
۴۴۴	»	رابع	• شرکت عقده متعلق ضوابط بیاننده
۴۴۸	»	خامس	• شرکت مفاوضه یه دائر در
۴۵۱	»	سادس	• شرکت عنان مباحثی حقنده
۴۶۷	باب سابع	• مضاربیه حقنده اولوب اوچ فصلدر	
۴۶۷	فصل اول	• مضاربیه نك تعریف و تقسیمی	
۴۶۸	»	ثانی	• مضاربیه نك شروط طی حقنده
۴۷۰	»	ثالث	• مضاربیه نك احکامی حقنده
۴۷۵	باب ثامن	• مزارعه و مسافاة حقنده ایکی فصلدر	
۴۷۵	فصل اول	• مزارعه بیاننده در	
۴۷۸	»	ثانی	• مسافات بیاننده در

(کتاب الوکاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)

۴۸۲	مقدمه	• وکالت حقنده اصطلاحات و فقهیه
۴۸۳	باب اول	• وکالتك رکن و تقسیمی حقنده در

- ۴۸۶ باب ثانی • شرط وکالت بیانده در
 ۴۸۸ باب ثالث • وکالتک احکامی حقننده الی فصلدر
 ۴۸۸ فصل اول • وکالتک احوال عمومیه می بیانده
 ۴۹۲ » ثانی • شریایه وکالت حقننده در
 ۵۰۱ » ثالث • بیعه وکالت حقننده در
 ۵۰۴ » رابع • مأموره دائر اولان مسائل
 ۵۰۸ » خامس • خصوصیه وکالت حقننده در
 ۵۰۹ » سادس • عزل وکیلله دائر مسائل بیانده

(کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ایله درت بادر)

- ۵۱۵ مقدمه • صلح و ابرایه دائر اصطلاحات فقهیه
 ۵۱۶ باب اول • عقد صلح و ابرا ایدنلره دائر در
 ۵۲۰ » ثانی • مصالحه نك احوال و شروطی حقننده
 ۵۲۱ » ثالث • مصالحه عنه حقننده اولوب ایکی فصلدر
 ۵۲۱ فصل اول • صلح عن الاعیان حقننده در
 ۵۲۴ » ثانی • دیندن و حقوق سائر دین صلح حقننده
 ۵۲۵ باب رابع • احکام صلح و ابرا حقننده ایکی فصلدر
 ۵۲۵ فصل اول • احکام صلحه دائر اولان مسائل
 ۵۲۶ » ثانی • ابرایه دائر اولان مسائل

(کتاب الاقرار درت بادر)

- ۵۳۲ باب اول • اقرارک شرائطی بیانده در

- ۵۳۶ » ثانی • اقرارک وجوه صحیحی بیانندہ
- ۵۳۸ » ثالث • اقرارک احکامی حقندہ اوچ فصلدر
- ۵۳۸ فصل اول • احکام عمومیه بیانندہ در
- ۵۴۰ » ثانی • نفی ملک و نام مستعار بیانندہ
- ۵۴۳ » ثالث • اقرار مریض حقندہ در
- ۵۵۰ باب رابع • اقرار بالکتابہ بیانندہ در

(کتاب الدعوی بر مقدمہ ایله ایکی بابدر)

- ۵۵۶ مقدمہ • دعوی حقندہ اصطلاحات فقہیہ
- ۵۵۷ باب اول • دعوانک شروط و احکامی درت فصلدر
- ۵۵۷ فصل اول • دعوانک شروط صحیحی
- ۵۶۳ » ثانی • دفع دعوی حقندہ
- ۵۶۵ » ثالث • خصم اولوب اولیانلر بیانندہ در
- ۵۷۲ » رابع • تناقض بیانندہ در
- ۵۸۰ باب ثانی • مرور زمان حقندہ در

(کتاب البینات بر مقدمہ ایله درت بابدر)

- ۵۹۰ مقدمہ • بعض اصطلاحات فقہیہ بیانندہ
- ۵۹۱ باب اول • شہادت حقندہ اولوب سکز فصلدر
- ۵۹۱ فصل اول • شہادتک تعریف و نصابی

- ۵۹۲ » ثانی • شهادتک کیفیت اداسی حقنده
- ۵۹۶ » ثالث • شهادتک شروط اساسیه می
- ۵۹۹ » رابع • شهادتک دعوائیه موافقتی
- ۶۰۳ » خامس • شاهدلرک اختلافی بیاننده
- ۶۰۵ » سادس • تزکیه و تکلیف شهود حقنده
- ۶۱۰ » سابع • شاهدلرک شهادتدن رجوعی حقنده
- ۶۱۲ » ثامن • تواتر حقنده در
- ۶۱۳ باب ثانی • حج خطیه و قرینه قاطعه ایکی فصلدر
- ۶۱۳ فصل اول • حج خطیه بیاننده در
- ۶۱۴ » ثانی • قرینه قاطعه بیاننده در
- ۶۱۴ باب ثالث • تکلیف بیاننده در
- ۶۱۹ باب رابع • ترجیح بینات و تحالفه دائر درت
فصلدر
- ۶۱۹ فصل اول • تنازع بالایدی بیاننده در
- ۶۲۱ » ثانی • ترجیح بینات حقنده در
- ۶۲۷ » ثالث • سوز کیمک اولدیغنه و تحکیم حاله دائر
- ۶۳۰ » رابع • تحالفه دائر در

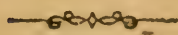
(کتاب القضا بمقدمه ایله درت بادر)

- ۶۳۶ مقدمه • قضا حقنده اصطلاحات فقهیه
- ۶۳۸ باب اول • حکامه دائر اولوب درت فصلدر

- ۶۳۸ فصل اول . حاکمک اوصافی بیانده
 ۶۳۸ » ثانی . حاکمک آدابى بیانده
 ۶۴۰ » ثالث . حاکمک وظائفى حقننده
 ۶۴۵ » رابع . صورت محاکمه یه دائر در
 ۶۴۸ باب ثانی . حکمه دائر اولوب ایکی فصلدر
 ۶۴۸ فصل اول . حکمک شروطی بیانده در
 ۶۵۰ » ثانی . حکم غیابی بیانده در
 ۶۵۲ باب ثالث . دعوانک بعد الحکم رؤیتی حقننده
 ۶۵۳ باب رابع . تحکیمه دائر مسائل بیانده در

❀ متفرقات ❀

- ۶۵۸ کتاب بینات حقننده بعض وصایایى
 شامل مذکره
 ۶۶۱ بلا بینه مضمونیه عمل و حکم جائز
 اوله بیله جک صورتده سندات
 شرعیة نك تنظیمی حقننده تعلیمات
 سنیه
 ۶۷۱ تعلیم اصول تحلیف



مَدَن و مَدَن اَهَم
مَدَن اَهَم مَدَن
مَدَن اَهَم مَدَن
مَدَن اَهَم مَدَن

✽ مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتیدر ✽

محاط علم عالی و کالت پناهیلری بیورلدیغی اوزره
 علم فقہک امر دنیایه تعلق ایدن جهتی مناسکات
 و معاملات و عقود قسملرینه منقسم اولدیغی کبی ملل
 تمدنه نك قوانین اساسیه سی دخی بو اوج قسمه تقسیم
 و معاملات قسمی قانون مدنی دیو توسیم اولنور فقط
 بو عصرلرده معاملات تجاریه پك زیاده توسیع ایلش
 اولدیغندن پولیچه و افلاس کبی پك چوق خصوصلرده
 قانون اصلیدن استثنای اولمش و بو مسائل استثناییه یی
 حاوی بشقه جده برده تجارت قانوننامه سی تنظیم قلمشدر که
 خصوصیات تجاریه ده معمول به اولوب جهات سائر ده
 ینه قانون مدنی به مراجعت قلمیور مثلا بر محکمه تجارتده
 تجارت قانونی حکمنجه رؤیت اولنان بر دعوانك رهن
 و کفالت و وکالت کبی بعض خصوصیات متفرعه سنده
 قانون اصلی به مراجعت اولنسه یور جرائم مدن نشأت
 ایدن حقوق عادیه دعوالرندن دخی بو منوال اوزره
 معامله ایدیلییور قانون مدنی به مقابل دولتعلییه ده
 قدیم و حادثا پك حقوق قوانین و نظامات یا بلش در

و اگر چه بونلر کافه معاملاتک فصل و تسویه سنه کافی
 دکل ایسه ده علم فقهک معاملات قسمی بو خصوصده
 اولان احتیاجاته کافی و وافیدر و دعاوینک شرع و قانونه
 حواله سنجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمیزده
 حقوق مجلسلری حکامک تحت ریاستلرنده بولنه رق
 امور شرعیه بی شرمارؤیت ایتدکاری کبی مجالس تمیزده
 نظاما رؤیت اولسان ماده لر دخی انلرک معرفتیه فصل
 و بو مثالو مشکلات حل اولمقده در شو قدر که قوانین
 و نظامات ملکیه نک اصل و مرجعی علم فقه اوله رق
 نظاما رؤیت اولسان موادک دخی نیجه خصوصات
 متفرعه سی مسائل فقهیه یه تطبیق ایله فصل و حسم اولانه
 کلوب مجالس تمیز اعضاسی ایسه مسائل فقهیه یه
 مطلع اولمق لرندن کویا حاکم افندیلر قوانین و نظامات
 موضوعه نک خار یخنده اوله رق مرا فعاتی استدکاری
 قابله دو که یورلر نظر بله باقوب بر طاقم سوء ظننره ذهاب
 ایله کفتکویه باعث اولیورلر .

دوات علیه نک تجارت محکمه لرنده دخی تجارت
 قانوننامه همایونی دستور العمل اولوب دعوانک تجارت
 تعلق ایتمیان خصوصات متفرعه سنده عظیم مشکلات
 چکلمکده در شویله که اورو پا قانونلرینه مراجعت

اولنسه چونكه بونلر با اراده سنيه موضوع قوانین
اولدیلرین محاکم دولتعلیه ده مدار حکم اوله من شرعه
حواله اولدیلرینه دخی محاکم شرعیه او مثلاً خصوصیات
متفرعه ده مرافعه بی اساسندن طومغه مجبور اولور
حالبو که ای محکمه بک اصول محاکمه سی اساساً مختلف
اولدیلرین الطبع ایشده چتالاق پیدا اولدیغی جهتله
بو مثلاً خصوصیاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه ده
مراجعت ایله میور محاکم تجارت اعضاسی کتب
فقهیه ده مراجعت ایتمسون دینلورسه بو دخی قابل
دکدر زرافن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی
مجالس تمیز اعضاسیله هم حالدر .

علم فقه ایسه بر بحر بی پایان اولوب بوندن درر
مسائل لازمی استنباط ایله حل مسئه ایده بیلک خیلیدن
خیلی مهارت و ملکه ده موقوفدر علی الخصوص مذهب
حنفی اوزره طبقات متفاوته ده بک چوق مجتهدلر کلوب
اختلافات کتیره وقوعبولش و فقه حنفی فقه شافعی
کی تنقیح ایله یوب بک متشعب و متشیت اولمشدر
ایشته بونجه اقوال متخالفیه ایچنده قول صحیحی تمیز
ایله حوائک اکا تطبیقنده عظیم مسرت واردر قالدیکه
تبدل اعصار ایله عرف وعادته مبتنی اولان مسائل

فقہیہ دخی تبدل ایدر مثلاً قدمای فقہا عندندہ استرا
اولہ جق خانہ نک بر او طہ سنی کورمک کافیدر ومتأخرین
عندندہ هر او طہ سنی کورمک لازمدر بوایسہ عن دلیل
بر اختلاف اولمیوب بلکه انشأت حقندہ عرف وعاد نک
اختلافندن نشأت ایتشدر کہ مقدما خانہ لک هر او طہ سی
بر طرز اوزرہ یا پیلہ کلدیکندین بر او طہ سنی کورمک
سارینی کورمکدن مغنی ایش مؤخرأ خانہ لک او طہ لری
مختلف یا بلق عادت اولدیغندن هر او طہ سنی کورمک
لازم کلمشدر حقیقت حالده لازم اولان کیفیت ایسہ
مقصد شرایہ کورہ بر علم کافی حاصل ایتکدن عبارت
اولمسیلہ اصل قاعدہ شرعیہ تغیر ایتیوب فقط بونک
حوادثہ امر تطبیق تبدل احوال زمان ایله تبدل
ایدیور بو مثلاًو اختلاف زمانی ایله اختلاف برہانی
بینی فرق و تمیز ایتک دخی خیلی دقتہ محتاجدر
مسائل فقہیہ یی احاطہ ایله غورینہ اطلاع ایسہ پک
کوچدر و برارالق مسائل فقہ حنفی یی جمع واحاطہ
ایتک اوزرہ عصرک فقہا و فضلاسی جمع ایدیلہ رک
تاتارخانہ و فتاوی جہانگیرہ کبی کتابلر تألیفہ ہمت
اولنش ایسہ دہ ینہ بالجلہ فروع فقہیہ و اختلافات
مذہبیہ حصر واحاطہ ایدیلہ مامشدر .

وفي الواقع كتب فتاوی حوادثك قواعد فقهیه
 تطبیقه دائر و یرلش اولان فتوالری حاوی مؤلفات
 دیمك اولوب حالبو كه بونجه عصرلردن برو سادات
 حنفیه طرفندن و یرلش اولان فتاوانك جمع واحاطه سی
 نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دكلدر بناء علیه
 (ابن نجیم) بر طاقم قواعد و مسائل کلیه یی جمع ایدرك
 بونرك تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج ایلک
 یولنده برکوزل چغراچش ایسه ده اندن صکره کی
 عصرلرك عالم و فقیه یتشدرمك یولنده اولکی سماحتی
 کوریه مدیکندن انك اثرینه اقتفا ایله اچش اولدیغی
 چغری شاهراه ایدمیله جك ذاتلر ظهور یله بو یولده
 بذل جهد ایللرینه مساعد اولماشدر و شمدی ایسه
 هر طرفده علوم شرعیه ده مهارتلو ذواته ندرت کلدیکندن
 محاکم نظامیه ده لدی الايجاب کتب فقهیه مر اجعته
 حل شبهه ایدمیله جك اعضا بولندرمق شویله طورسون
 ممالک محروسه ده کائن بوقدر محاکم شرعیه کافی قضات
 بولمق مشکل اولمشر .

بناء علی ذلک اختلافندن عاری و بالکمال اقوال
 مختارهی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهه دائر سهیل
 المأخذ برکتاب یا پلسه هر کس قولایلقله مطالعه ایدرك

معاملاتی اکا تطبیق و بویله مضبوط بر کتاب اولدینی
 حالد نائب افند یلره عظیم فائده سی اوله جغی **ک**
 مجالس نظامیه اعضاسیله امر اداره ده بولنان مأمورین
 دخی بالمطالعہ مسائل شرعیہ انتساب ایله لدی الایجاب
 ایشلرینی و سعلری مرتبه شرع شریفه توفیق ایدرلر
 وهم محاکم شرعیه ده معتبر و مرعی و همدہ مجالس
 نظامیه ده حقوق دعواری ایچون قانون وضعندن مستغنی
 اولور مطالعه سنده مبنی اویله بر اثر جلیک وجوده
 کلمی خلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی
 بونک ایچون مجلس تنظیمات دائره سنده بر جمعیت علیه
 تشکیل ایدلمش و خلیجه مسائل یازلمش ایکن حیر فعله
 کله میوب بودخی (الامور مرهونه باوقاتها) حکمنجه
 تأسیسی اهم اولان بر چوق مواد خیریه کبی مضبوط
 اعصار اولان عصر محاسن حصر همایونه قالمشدر .

موقفیت جلیله حضرت پادشاهی ثمره فیض بهره سی
 اوله رق مشاهد اعین افتخار اولان بونجه آثار حسنه
 صره سنده بودخی حصوله کملک اوزره علم ققهدن
 عصرک احتیاجاته کوره روزمره ظهوره کلان معاملاتک
 تطبیقنه کافی اوله بیله جک اویله بر اثر خیرک وجوده
ککتورلمسی امر اهمی عاجزلرینه حواله ییورلمش

اولدیغندن بر موجب اراده علیه دیوان احکام عدلیه
 دائره سنده بالاجتماع فقهک معاملات قسمندن کثیر الوقوع
 و معاملات عصره **کوره** بدیهی الزوم اولان مواد
 حقنده سادات حنفیه نک اقوال معتبره سی جمع ایدیلرک
 متعدد کتابلره تقسیم و (احکام عدلیه) اسمیه توسیم
 اولنق اوزره بر مجله ترتیبینه بالابتدار مقدمه سیله کتاب
 اولی ختام بوله رق بر نسخه سی ذات حقایق ایات
 حضرت فتوی پناهی یه و یرلدیکی کبی علم فقهده مهارت
 و معلومات کافیه سی اولان دیگر بعض ذوات فخریه
 دخی بر نسخه سی بالاعطا اولنان اختارات اوزرینه
 تعدیلات لازمه اجرا اولندقدنصکره تبیض ایله حضور
 حقایق ظهور و کالت پناهیلرینه عرض اولندی بونک
 لسان عربی یه نقل و ترجمه سی دردست اولدیغی کبی
 دیگر کتابلر دخی جمع و تألیف اولنق اوزره در .

بالمطالعہ محاط علم عالی بیوریلورکه مقدمه نک ایکنجی
 مقاله سی (ابن نجیم) ایله انک مسلکینه سالک اولان
 فقهاک جمع ایلدکاری قواعد فقهیه اولوب حکام شرع
 بر نقل صریح بولمقچہ یالکز بونلرله حکم ایدمز لیکن
 مسائل فقهیه نک انضباطنه کلی فائده لری اوله رق
 ار باب مطالعه مسائلی ادله سیله ضبط ایتش اولورلر

و مائورین سائریه هر خصوصه مرجع اوله یلور
و بونرله بر آدم معاملاتنی مهما امکن شرعه توفیق
و تقریب ایده یلور بناء علیه کتاب یا خود باب عنوانیه
یا زیلوب مقدمه درج اولمشدر کتب فقهیه ده
اکثر یا مسائل ایله مبادی مخلوط اوله رق ذکر اولمش
ایسه ده بوجه ده هر کتابه متعلق اولان اصطلاحات
اول کتابک مقدمه سی اولق اوزره ذکر اولنه رق
مسائل سازجه ترتیب اوزره یاز یلوب فقط بومسائل
اساسیه بی ایضاح ضمننده مثال اوله رق کتب قنوا دن
برخیلی مسائل درج وعلاوه اولمشدر .

فی زمانناجر یان ایدن اخذ واعطا اکثر یا بعض
شرائطه مربوط اولوب مذهب حنفیده ایسه صلب
عقدده درمیان اولنان انواع شرائطک اکثری بیعی
مفسد اولدیغی جهتله کتاب البیوعک المهم مجتبی
(بیع بالشرط) فصلی اوله رق جمعیت عاجزانه مزجه
پک چوق بحث و مناظره بی موجب اولدیغدن مباحثات
جاریه نک خلاصه سی بوجه آتی ایراد اولنق مناسب
کورلشدر .

(بیع بالشرط) حقننده اکثر مجتهدینک اقوالی
یکدیگره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزیه ایچون

و مذهب حنبلیه ده علی الاطلاق بایع کندوسی ایچون
 مبیعه منفعت مخصوصه شرط ایده بیلور لیکن بایعهده
 بوصلاحیت اولوبده مشتری طرفنده اولماماسی رأی
 و قیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحمه الله علیه
 حضرتلریله هم عصر اولوبده مؤخرأ اتباعی منقرض
 اولان مجتهد لردن (ابن ابی لیلی) ایله (ابن شبرمه)
 رحمه الله علیهما حضرتینی دخی بوخصوصه یکدیگره
 ضد تام اوله رق برر رأیده بولمشلدر شویله که
 ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع و شرط فاسد و ابن
 شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز و همده شرط
 جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی (المسلمون عند شروطهم)
 حدیث شریفنه مباین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو
 حدیث شریفه تمامیله موافق ایسهده بایع و مشتری
 اجراسی جائز و قابل اولمیان شرطلر درمیان ایده بیلوب
 شرطه رعایت ایسه بقدرالامکان اولیق فقها عندنده
 مسلماتدن اولمسایله شرطه رعایت مسئلهسی تخصیص
 واستثنا قبول ایدر برقاعده در بناء علی ذلک مذهب
 حنفیده بر طریق متوسط اتخاذ اولنه رق بیعک شرائطی
 (جائز) و (مفسد) و (لغو) دیو اوچ قسمه تقسیم

اولمشدن شو بله که عقد بیع مقتضایه اولیوب
 یا خود مقتضای عقد بیعی تأیید ایتیو بده احد طرفینه
 نافع اولان شرط مفسد و اکا معلق اولان بیع فاسد
 اولور و برطرفه نفعی اولمیان شرط بیه صحیح
 و شرط لغودر زرا بیع و شرادن مقصد تملیک و تملک
 خصوصی یعنی بلا مانع و مزاحم مشتری مک بیعه و بایع
 ثمنه مالک اولمی کیفیتدر حالو که برطرفه نافع اولان
 شرط اجرا سنی اولطرف طالب و طرف آخرانندن
 هارب اوله رق منازعه یه مؤدی اوله بیلور بوضورتده
 ایسه عقد بیع تمام اولماش دیمک اولور فقط عرف
 و عادت منازعه بی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط
 متعارف ایله بیع تجویز اولمشدن .

معاملات تجاریه بروجه مشروح ذاتا مستثنی
 برحالده اولوب اصنافک اکثر یسنده دخی برر معامله
 متعارفه تقرر ایتدیکنه و عرف طاری دخی معتبر
 اولدیغنه نظرا فسادی موضوع بحث اوله جق یا لکز
 برطاقم متفرق و مشتت الیش و یرش ایدنلرک خارج
 از عرف و عادت ایتدکلری شرطلر قالوب بونلرک دخی
 چندان ذکر و بحث کوتورر یری اولدیغندن معاملات
 عصرک تیسیری ایچون مذهب حنفینک خارجنده

اوله رق ابن شبرمه مذهبنك اختیاری مناسب كورلیوب
سائر فصللرده اولدیغی کبی باب اولك دردنجی فصلنده
دخی مذهب حنفی اوزره بیعی مفسد اولیان شرطلرك
بیانیله اکتفا اولمشدر .

الحاصل بوجملهده مذهب حنفینك خارجنه
چیقلیوب مواد مندرجه سنك اکثری الحاله هده
فتوا خانهده معتبرو معمول به اولدیغی جهتله بونلر
حقنדה بحثه لزوم كورلر فقط ینه ققهای حنفیه دن
بعض قول ائمه نك اقوال معتبره سی ناسه ارفق
ومصلحت عصره اوفق اولق حسیله اختیار اولمش
ایدو كندن بونلرك مأخذ مقبوله واسباب موجبیه سی
بروجه آتی بیان اولنور .

یوز طقسان یدنجی و ایکی یوز بشنجی مادهلر
موجبینجه معدومك بیعی صحیح دكلدر حالبو كه
كل وانكنار کبی شكوفه وسبزه ومیوه محصولاتی
مثلا حق الورود اوله رق بعض افرادی ظهور ایتدن
دیكر بعض افرادی حصوله كلوب کچر اولدیغی
جهتله اکثریا بومثلولرك ظهور ایتش و ایده جك
اولان محصولاتی طویدن اوله رق صاتلق عرف
وعادت اولمشدر و بومثللو محصولانده موجوده تبعاً

معدومك دخی برابر اوله رق طوپدن صاتلمسی (امام
 محمد بن حسن الشیبانی) رحمه الله علیه حضرت تلی
 استحسانا تجوز بیورمش و (امام فضلی) و (شمس
 الائمة الحلوانی) و (ابوبکر بن فضل) رحمه الله
 علیهم انک قولیه افتا ایش اولدقلرندن وناسی
 بو مثلانو عرف وعادتلرندن کچورمک قابل اوله میوب
 حالو که معاملات ناسی فساده نسبتدن ایسه مهما امکان
 صحته جمل ایتک اولی اولدیغندن بوجمله ده دخی
 قول محمد بالترجیح ایکی یوز یدنجی ماده ا کا موافق
 اوله رق یازلمشدر

(صبره) مسئله سنده مثلا کیه سی شوقدر
 غروشه اولق اوزره بر یغین بغدادی صاتلدوده (امام
 اعظم) رحمه الله علیه حضرت تلینک غندنده یالکز بر کیه سی
 حقنده بیع صحیح اولور واماین رحمه الله علیهما
 غنذرنده اول یغین تماما صاتلمش اوله رق قاچ کیه
 چیقارسه ا کا کوره ثمنی و یرلک لازم کلوب معاملات
 ناسی تیسیر ایتک حسیله صاحب هدایه کی نیجه
 فقها دخی بو خصوصده انلرک قولی اختیار ایش
 اولدقلرندن ایکی یوز یکرمنجی ماده اول منوال اوزره
 تحریر قلمشدر

امام اعظم حضرتلرینک عندندنه خیاری شرطک
مدتی اوچ کوندن زیاده اوله میوب امامین عندندنه
ایسه هر قاج کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه
و بو خصوصده دخی انلرک قوی حال و مصلحتنه اوفق
کور لیدیکنه مبنی اختیار اولنه رق اوچیوزنجی مادهده
مدت مطلق اوله رق درج اولمشدر

خیار نقدده دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده
مدتک اطلاقی خصوصنده (امام محمد) علیه رجه
الصمد حضرتلری منفرد ایسهده مصلحت ناسه اوفق
اولق حسیله انک قوی اختیار اولنه رق اوچیوز
اون اوچنجی مادهده دخی فلان وقته قدر دیو مدت
اطلاقی اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرتلرینک عندندنه استصناعا
منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور
ایسهده امام ابو یوسف رجه الله علیه حضرتلرینک
عندندنه مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالده
رجوع ایده من شمدی ایسه عالمده یک چوق کار کاهلر
یاپیله رق بونجه توپلر و تفنکار و واپور لر مقاوله
و سپارش ایله یادیریله کلوب استصناع کیفیتی
مصلح جسمیه جاریدن اولسیله مستصنع عقده

استصناعی فسخنده مخیر اولسی نیجه مصالح جسمیه بی
 اخلاص ایله جکندن واستصناع خصوصی خلاف
 قیاس اوله رق عرف ناسه مبنی استحسانا مشروع
 اولان سلمه مقیس وعرفه مستند بر کیفیت اولدیغندن
 مصلحت عصره نظرا امام ابو یوسف قولنک اختیارینه
 لزوم کور یله رک اوچیز طقسان ایکنجی ماده اکاموافق
 اوله رق یازلمشدر .

مسائل مجتهد فیهاده امام المسلمین حضرتلری
 هر قنخی قول ایله عمل اولنق اوزره امر ایدرسه
 موجبجه عمل اولنق واجب اولدیغندن معروضات
 مبسوطه نزد حقایق وفد وکالتینهایلرنده دخی قرین
 تصویب بیورلدیغی حالده مجله ملفوفه نك بالاسی
 خط همایون حضرت خلافتینهای ایله توشیح
 بیورلق بابتده

فی ۱۸ ذی الحجه ۲۸۵ و فی ۱۰ مارت ۲۸۵

مفتش اوقاف همایون

سید خلیل

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد خلوصی

ناظر دیوان احکام عدلیه

احمد جودت

عن اعضاء

شواری دولت

سیف الدین

عن اعضاء شورای

دولت محمد

امین

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت

ابن عابدین زاده

علاء الدین

* مجله احکام عدلیه *

(بر مقدمه ایله اون الی کتابی شاملدر)

کتاب اول بیوع حقهده در	
» ثانی اجازات »	
» ثالث کفالت »	
» رابع حواله »	
» خامس رهن »	
» سادس امانات »	
» سابع هیه »	
» ثامن غصب »	
» تاسع حجز و اکراء و شفعه »	
» عاشر انواع شرکت »	
» حادی عشر وکالت »	
» ثانی عشر صلح و ابرا »	
» ثالث عشر اقرار »	
» رابع عشر دعوی »	
» خامس عشر بینات و تحلیف »	
» سادس عشر قضا »	

❀ کتاب البیوع ❀

(اخطار)

اشبو مجله ده مندرج مسائل اساسیه سازجه بی
شرح و ایضاح ضمننده ایجاب و لزومنه کوره مثال
اوله رق کتب فتاوا دن اخذ و درج اولان مسائلک
تقریقنه علامت اولق اوزره مسائل اساسیه اشبو
بیوک و امثله و علاوات سائر ده کوجک حروفله ترتیب
و طبع ایتدیرلدی .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✽ صورت خط همايون ✽

موجب‌به عمل اولنه

(✽ مقدمه ✽)

(ایکی مقاله بی حاو یدر)

(مقاله اولی)

(علم فقهک تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱ ماده

علم فقه مسائل شرعیة عملیه بی بیل‌کندر

مسائل فقهیه یا امر آخرته تعلق ایدر که احکام عباداتدر

و یا خود امر دنیا به تعلق ایدر که مناسکات و معاملات

و عقوبات قسملرینه تقسیم اولنور . شویله که جناب حق

بونظام عالمک وقت مقدره دک بقاسنی اراده ایدوب بو

ایسه نوع انسانک بقاسنه ونوعک بقاسنی تناسل وتوالد

ایچون ذکور و انثاک ازدواجنه منوطدر . و برده

نوعك بقاسی اشخاصك عدم انقطاعیله در . انسان
 ایسه اعتدال مزاجی حسیله بقاده غذا و لباس و مسکنجه
 امور صناعیه به محتاج اولور بو دخی افرادی بیننده
 تعاون و اشتراك حصولنه توقف ایدر . الحاصل
 انسان مدتی الطبع اولدیغندن سائر حیوانات کبی
 منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت ایله یکدیگره
 معاونت و مشارکته محتاجدر . حالبوکه هر شخص
 کندویه ملایم اولان شیئی طلب و مزاجهم اولان شیئه
 غضب ایدر اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خللدن
 محفوظ قالمسی ایچون كرك ازدواج و كرك مابه التمرن
 اولان تعاون و اشتراك خصوصلرنده بر طاقم قوانین
 مؤیده شرعیه به محتاج اولور که اولکیسی قتهك
 مناحات قسمی و ایکنجیسی معاملات قسمیدر و امر
 تمدنك بو منوال اوزره پایدار اولسی ایچون احکام جزا
 ترتیبی لازم کلوب بو دخی قتهك عقوبات قسمیدر .
 اشبو معاملات قسمتك کثیر الوقوع اولان مسائلی
 کتب معتبره دن جمع ایله کتابلره و کتابلر بابلره و بابلر
 فصللاره تقسیم اولنق اوزره بو مجله نك تألیفنه ایتدار
 اولنمشدر . ایشته محاکمه معمول به اوله جق مسائل
 فرعیه بر وجه آتی ابواب و فصولده ذکر اولنه جق

مسائلدر . انجق محققین فقها مسائل فقهیه بی بر طاقم
قواعد کایه ارجاع ایشدر در که هر بری نجه مسائلی
محیط و مشتمل اوله رق کتب فقهیه ده مسائلدن اولق
اوزره بو مسائلک اثباتی ایچون دلیل اتخاذا اولنور .
و اول امرده بو قواعدک تفهیمی مسائله استیناس حاصل
ایدر و مسائلک ذهنلرده تقریرینه وسیله اولور .
بناء علی ذلک طقساں طقوز قاعده فقهیه جمع ایله
مقصوده شروعدن مقدم بر وجه آتی مقاله ثانیه اولق
اوزره ایراد اولنور . و اگرچه بونلردن بعضیسی
منفردا اخذ اولند قدّه بعضی مستثنیاتی بولنور ایسه ده
یکدیگرینی تخصیص و تقیید ایتد کارندن من حیث المجموع
کایت و عمومیتلرینه خلل کلز .

❀ مقاله ثانیه ❀

(قواعد فقهیه بیاننده در)

۲ ماده

بر ایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در
یعنی بر ایش اوزرینه ترتب ایده جک حکم اول ایشدن
مقصد نه ایسه اکا کوره اولور

۳ ماده

عقودده اعتبار مقاصد و معانی یه در الفاظ و مبانی یه
د کدر

بناء علی ذلک (بیع بالوفا) ده رهن حکمی جریان ایدر

۴ ماده

شک ایله یقین زائل اولماز

۵ ماده

بر شیئک بولندیغی حال اوزره قالمسی اصلدر

۶ ماده

قدیم قدیمی اوزره ترک اولنور

۷ ماده

ضرر قدیم اولماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلک بر کیمسه بر ینک مالنی تلف ایدو بده مقدارنده

اختلاف ایتمه لر سوز متلفک اولوب مال صاحبی ادما

ایتدیکی زیاده بی اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا (شرکت مضار به) ده کار اولوب اولمیدیغنده

اختلاف اولسه عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربك
اولوب صاحب سرمایه کار اولدیغنی اثباته محتاج
اولور
۱۰ ماده

بر زمانه ثابت اولان شیئك خلافه دلیل اولدیقه
بقاسیله حکم اولنور
بناء علی ذلک بر زمانه برشی بر کیسه نك ملکی اولدیغنی
ثابت اولسه ملکیتی ازاله ایدن بر حال اولدیقه ملکیتك
بقاسیله حکم اولنور
۱۱ ماده

بر امر حادثك اقرب اوقاتنه اضافتی اصلدر
یعنی حادث اولان بر ایشك سبب وزمان وقوعنده
اختلاف اولسه زمان بعیده نسبتی اثبات اولدیقه حاله
اقرب اولان زمانه نسبت اولنور
۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر
۱۳ ماده

تصریح مقابله سنده دلالت اعتبار یوقدر
۱۴ ماده

مورد نصدده اجتهاده مساع یوقدر

۱۵ ماده

على خلاف القياس ثابت اولان شى سائرہ مقيس عليه

اولماز

۱۶ ماده

اجتهاد يله اجتهاد نقض اولماز

۱۷ ماده

مشقت تيسيرى جلب ايدر

يعنى صعوبت سبب تسهيل اولور و طارلق وقتنده

وسعت کوسترلک لازم کاور

قرض وحواله و حجزکي پک چوق احکام فقهيه بواصله

متفرعدر و فقهانک احکام شرعيده کوستردکاری

رخص و تخفيفات هب بوقاعده دن استخراج اولمشدر

۱۸ ماده

بر ايش ضيق اولدقده متسع اولور

يعنى بر ايشده مشقت کور يلنجسه رخصت و وسعت

کوستريلور

۱۹ ماده

ضرر و مقابله بالضرر بوقدر

۲۰ ماده

ضرر ازاله اولنور

۲۱ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیلری مباح قیلر

۲۲ ماده

ضرورتلر کندو مقدار لر نجه تقدیر اولنور

۲۳ ماده

بر عذر ایچون جائز اولان شی اول عذرک زوالیله باطل اولور

۲۴ ماده

مانع زائل اولدقده ممنوع عودت ایدر

۲۵ ماده

بر ضرر کندو مثلیله ازاله اولنه ماز

۲۶ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور

طیبیب جاهلی منع ایتک بو اصلدن تفرع ایدر

۲۷ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

۲۸ ماده

ایکی فساد تعارض ایتد کده اخنی ارتکاب ایله اعظمینک

چاره سنه باقیلور

۲۹ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

۳۰ ماده

دفع مفاسد جلب منافعدن اولادر

۳۱ ماده

ضرر بقدر الامكان دفع اولنور

۳۲ ماده

حاجت عمومی اولسون خصوصی اولسون ضرورت
منزل سنه تنزیل اولنور

بيع بالوفاءك تجویزی بوقبیلندركه بخارا اهلایسنده بورج
تکثر ایتد کده کور یلان احتیاج اوزرینه بو معامله
مرعی الاجرا اولشدرك

۳۳ ماده

اضطرار غیرك حقنی ابطال ایتز
بناء علی ذلک بر آدم آج قالوبده برینك اکیکنی بیسه بعده قیمتی
و یرمسی لازم کاور

۳۴ ماده

المسی ممنوع اولان شیئك و یرمسی دخی ممنوع اولور

۳۵ ماده

ایشلمسی ممنوع اولان شیئك استیمسی دخی ممنوع اولور

۳۶ ماده

عادت محکمدر

یعنی حکم شرعی بی اثبات ایچہ۔ ون عرف و عادت حکم
 قیلنور کرک عام اولسون و کرک خاص اولسون
 ۳۷ ماده

ناسک استعمالی بر جنددر کہ انکله عمل واجب اولور
 ۳۸ ماده

عاده ممتنع اولان شی حقیقه ممتنع کبیدر
 ۳۹ ماده

از ماک تغیر یله احکامک تغیری انکار اولنه ماز
 ۴۰ ماده

عادتک دلائیلہ معنای حقیقی ترک اولنور
 ۴۱ ماده

عات انجق مطرد یا خود غالب اولدقده معتبر اولور
 ۴۲ ماده

اعتبار غالب شایعه اولوب نادرہ دکلدر
 ۴۳ ماده

عرفا معروف اولان شی شرط قلمش کبیدر
 ۴۴ ماده

بین التجار معروف اولان شی بینلرنده مشروط کبیدر
 ۴۵ ماده

عرف ایله تعیین نص ایله تعیین کبیدر

۴۶ ماده

مانع و مقتضی تعارض ایتد کده مانع تقدیم اولنور
بناء علی ذلک بر آدم بور جلیسی بدنده مرهون اولان
مالی اخره صاته ماز

۴۷ ماده

وجودده بر شیئه تابع اولان حکمده دخی اکا تابع اولور
بناء علی ذلک بر کبه حیوان صاتلقدده قارنده کی
یاوریسی دخی تبعا صاتلمش اولور

۴۸ ماده

تابع اولان شیئه آیروجه حکم ویریله من
مثلا بر حیوانک قارنده کی یاوریسی آیروجه صاتبله من

۴۹ ماده

بر شیئه مالک اولان کیمسه اول شیئک ضرور یاتنه دن
اولان شیئه دخی مالک اولور
مثلا بر خانه یی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان
طریقه دخی مالک اولور

۵۰ ماده

اصل ساقط اولدقدده فرع دخی ساقط اولور

۵۱ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز

یعنی کیدن کیرو کلز

۵۲ ماده

برشی باطل اولدقده آتک ضمننده کی شی دخی باطل

اولور

۵۳ ماده

اصلک ایفاسی قابل اولدیغی حالده بدلی ایفا اولنور

۵۴ ماده

بالذات تجویز اولنمیان شی بالتع تجویز اولنه یلور

مثلا مشتری مبیعی قبض ایچون بایعی توکیل ایتسه جائز

اولماز اما اشترا ایلدیکی ذخیره یی اولچوب قویق ایچون

بایعه چوالی ویروب او دخی ذخیره یی چواله وضع

ایدیجک ضمنا وتبعاً قبض بولنور

۵۵ ماده

ابتداء تجویز اولنمیان شی بقاء تجویز اولنه یلور

مثلا حصه شایعه یی هبه ایتک صحیح دکلور اما بر مال

موهوبک بر حصه شایعه سنه بر مستحق چیقوبده ضبط ایتسه

هبه باطل اولیوب حصه باقیه موهوب لهک مالی

اولور

۵۶ ماده

بقا ابتداءن اسهلدر

۵۷ ماده

تبرع انجق قبض ايله تمام اولور
مثلا بر آدم برينه برشيء هبه ايتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

۵۸ ماده

رعيه يعنى تبعه اوزرينه تصرف مصلحته منوطدر

۵۹ ماده

ولايت خاصه ولايت عامه دن اقوادر
مثلا متولى وقفك ولايتى قاضينك ولايتندن اقوادر

۶۰ ماده

كلامك اعمالى اهمالندن اولادر
يعنى بر كلامك بر معناه حلى ممكن اولدجه اهمال يعنى
معناسى اعتبار اولنما مليدر

۶۱ ماده

معناى حقيقى متعذر اولدقه مجازه كيديلور

۶۲ ماده

بر كلامك اعمالى ممكن اولماز ايسه اهمال اولنور
يعنى بر كلامك حقيقى و مجازى بر معناه حلى ممكن اولماز
ايسه اولخالده مهمل يعنى معناسى براغييلور

۶۳ ماده

متجزى اوليان بر شيئك بعضنى ذكر ايتك كلنى ذكر كيدير

۶۴ ماده

مطلق اطلاق اوزره جاري اولور . اكر نصا يا خود
دلالة تقيد دليلی بولتماز ايسه

۶۵ ماده

حاضرده کی وصف ولغو غایده کی وصف معتبر در
مثلا بايع مجلس بعهده حاضر اولان بر قير آتی صاته جق
اولديغی حالده شو يا غز آتی شو قدر يك غروشه صاتم
ديسه ايجابی معتبر اولوب يا غز تعبیری لغو اولور اما
میدانده اولميان بر قير آتی يا غز ديو صاتسه وصف معتبر
اولمغله بيع منعقد اولماز

۶۶ ماده

سؤال جوابده اعاده اولتمش عد اولنور
يعنی تصديق اولنان بر سؤالده نه دينلمش ايسه مجيبانی
سويلتمش حکمنده در

۶۷ ماده

سا کنه برسوز اسمناد اولتماز . لکن معرض حاجتده
سکوت بياندر

يعنی سکوت ايدن کيمسه يه شوسوزی سويلتمش اولدی
دينلمز لکن سويليه جک یرده سکوت ايتمی اقرار و بیان
عد اولنور

۶۸ ماده

بر شیئک امور باطنه ده دلیلی اول شیئک مقامنه قائم او اور
یعنی حقیقه سنه اطلاع متعسر اولان امور باطنه ده دلیل
ظاهر یسی ایله حکم اولنور

۶۹ ماده

مکاتبه مخاطبه کبیدر

۷۰ ماده

دلنیزک اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کبیدر

۷۱ ماده

ترجائک قوی هر خصوصه قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر

۷۳ ماده

سنده مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر

مثلا بر کیمسه ورثه سندن برینه شو قدر غروش بورجی

اولدیغنی اقرار ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موتده

ایسه دیگر ورثه تصدیق ایتدیکه بو اقراری حجت

دکلدر زیرا دیگر ورثه دن مال قاچرمق احتمالی مرض

موتده مستنددر اما حال صحیحنده ایسه اقراری معتبر اولور

واول حالده اولان احتمال مجرد برنوع توهم اولدیغندن

اقرارک حجتینه مانع اولماز

۷۴ ماده

توهمه اعتبار یوقدر

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبیدر

۷۶ ماده

بینه مدعی ایچون و یمین منکر اوزرینه در

۷۷ ماده

بینه خلاف ظاهری اثبات ایچون و یمین اصلی ابقا

ایچوندر

۷۸ ماده

بینه حجت متعدیه و اقرار حجت قاصره در

۷۹ ماده

کشی اقرار یله مؤاخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لیکن متناقضک علیهنه اولان

حکمه خلل کلز

مثلا شاهددر شهادتلرندن رجوع ایله تناقض ایتد

کلرنده شهادتلی حجت اولماز لیکن اولکی شهادتلی

اوزرینه قاضی حکم ایتش ایسه بو حکم دخی بوزیله

میوب محکوم بهی شاهدلرک تضمین ایتسی لازم کلور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولدیغی حالده فرعك ثابت اولدیغی واردر
مثلا بر کیمسه فلانك فلانه شوقدر غروش دینی واردر
بن دخی اکا ککفیلیم دیسه واصلک انکاری اوزرینه
دائن ادا ایسه مبلغ مزبوری کفیلک ویرمسی لازم کلور

۸۲ ماده

شرطك ثبوتی عندنده اکا معلق اولان شئیك ثبوتی لازم
اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنمق لازم کلور

۸۴ ماده

وعدلر صورت تعلیق اکتسا ایله لازم اولور
مثلا سن بومالی فلان آدمه صات اکر اچچدسنی ویرمز
ایسه بن ویررم دیسه و مالی الان آچچه یی ویرمسه
بووعدی ایدن کیمسه نك آچچه یی ویرمسی لازم کلور

۸۵ ماده

برشئیك نفعی ضمانتی مقابله سنده در
یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه عائد
ایسه انك ضماننده دیمك اولوب اول کیمسه لك بووجهله
ضمانتی اول شی ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلا خیار عیب ایلہ رد اولنسان بر حیوانی مشتری
قوللائش اولسندن طولایی بایع اجرت الہ ماز زیرا قبل
الرد تلف اولیدی خساری مشتری به عائد اولہ حق
ایندی

۸۶ ماده

اجرت ایلہ ضمان مجتمع اولماز

۷۸ ماده

مضرت منفعت مقابلہ سنده در

یعنی بر شیئک منفعتہ نائل اولان انک مضرتہ متحمل اولور

۸۸ ماده

کلفت نعمتہ و نعمت کلفتہ کوره در

۸۹ ماده

بر فعلک حکمی فاعلنہ مضاف قلمور • و مجبر اولدقچه

مرینہ مضاف قتماز

۹۰ ماده

مباشر یعنی بالذات فاعل ایلہ متسبب مجتمع اولدقده

حکم اول فاعلہ مضاف قلمور

مثلا بر ینک طریق عامده قازمش اولدیغی قوی به دیگر

بر ینک حیوانی اتقایلہ اتلاف ایتسه اوضامن اولوب

قوی بی حفر ایدن کیسه به ضمان لازم کلز

۹۱ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور
مثلا بر آدمک کندو ملکندہ قازمش اولدیغی قوییه
بر ینک حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کلز

۹۲ ماده

مباشر متعمد اولسه ده ضامن اولور

۹۳ ماده

متسبب متعمد اولدجه ضامن اولماز

۹۴ ماده

حیواناتک کندو لکندن اوله رق جنایت و مضرتی
هدردر

۹۵ ماده

غیرک ملکندہ تصرفله امر ایتک باطلدر

۹۶ ماده

بر کیمسه نک ملکندہ انک اذنی اولقسزین آخر بر کیمسه نک
تصرف ایتمی جائز دکلدر

۹۷ ماده

بلا سبب مشروع بر ینک مالنی بر کیمسه نک اخذ ایلمی
جائز اولماز

۹۸ ماده

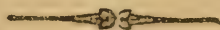
برشیده سبب تملک تبدلی اول شیءك تبدلی مقامنه
قائمدر

۹۹ ماده

کیمکه برشیء وقتندن اول استبحال ایئر ایسه محرومیتله
معاتب اولور

۱۰۰ ماده

هرکیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیء نقض ایتکه سعی
ایئر ایسه سعی مردود در



❖ کتاب اول ❖

(بیوع حقه‌ده اولوب بر مقدمه ایله یدی)

(باب‌ه منقسمدر)

❖ مقدمه ❖

(بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۱۰۱ ماده

ایجاب . انشای تصرف ایچون ابتدا سو یلنیلان
سوزدر که تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول . انشای تصرف ایچون ثاتیا سو یلنیلان سوزدر که
انکله عقد تمام اولنور

۱۰۳ ماده

عقد . طرفینک بر خصوصى التزام وتعهد ایتملر یدر که
ایجاب وقبولک ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد . ایجاب وقبولک متعلقنده اثری ظاهر اوله جق
وجهله یکدیگره بر وجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع . مالی ماله دکشمکدر که منعقد یاخود غیر منعقد اولور

۱۰۶ ماده

بیع منعقد • انعقاد بولان بیع دیمک اوله رق صحیح
وفاسد و نافذ و موقوفه تقسیم اولور

۱۰۷ ماده

بیع غیر منعقد • بیع باطلدر

۱۰۸ ماده

بیع صحیح • یعنی بیع جائز ذاتاً و وصفاً مشروع اولان بیعدر

۱۰۹ ماده

بیع فاسد • اصلاً صحیح اولوبده وصفاً صحیح اولمیان
یعنی ذاتاً منعقد اولوبده بعض اوصاف خارجییه سی
اعتبار یله مشروع اولمیان بیعدر (باب سابعه باق)

۱۱۰ ماده

بیع باطل • اصلاً صحیح اولمیان بیعدر

۱۱۱ ماده

بیع موقوف • غیرک حق تعلق ایدن بیعدر بیع فضولی کبی

۱۱۲ ماده

فضولی • بغیر اذن شرعی دیگر بر کیمسه نک حقنده
تصرف ایدن کیمسه در

۱۱۳ ماده

بیع نافذ • غیرک حق تعلق ایتمیان بیعدر که لازم و غیر
لازم قسملرینه منقسم اولور

۱۱۴ ماده

بیع لازم . خیار اتدن عاری اولان بیع نافذدر

۱۱۵ ماده

بیع غیر لازم . کندوسنده خیار اتدن بریسی بولنان
بیع نافذدر

۱۱۶ ماده

خیار . مخیر لك دیمكدر تكیم باب نخصوصنده بیان
اولنه جقدر

۱۱۷ ماده

بیع بات . بیع قطعی دیمكدر

۱۱۸ ماده

بیع الوفا . برکیمسه برمالی آخره ثمنی رد ایتدکده کبرو
و یرمک اوزره شوقدر غروشه صاتمقدرکه مشتری مبیع
ایله انتفاع ایلسنه نظرا بیع جائز حکمنده و طرفین بونی
فسخه مقتدر اولدقلری جهته بیع فاسد حکمنده و مشتری
مبیعی اخره صاته مدیغی جهته رهن حکمنده در

۱۱۹ ماده

بیع بالاستقلال . بابع برمالی استیجار ایتک اوزره وفاء
بیع ایتکدر

۱۲۰ ماده

بیع . مبیع اعتبار یله دخی درت قسیمه تقسیم اولنور
 قسم اول . ثمن مقابلہ سنده دیکر مالی صاتمقدر که بیوعک
 الک مشهوری بو اولدیغندن بو کا (بیع) تسمیه اولنور
 قسم ثانی . صرف و قسم ثالث بیع مقایضه و قسم رابع سلمدر
 ۱۲۱ ماده

صرف . نقدی نقده بیع ایتکدر که ترکیه آقچه بوزمق
 تعبیر اولنور

۱۲۲ ماده

بیع مقایضه . عینی عینه یعنی غیر از نقدین مالی ماله مبادله
 ایتکدر که لسان ترکیده طرانیه دینلور

۱۲۳ ماده

سلم . مؤجلی مجمله صاتمق یعنی پشین پاره ایله ویره سی یه
 مال المقدر

۱۲۴ ماده

استصناع . برشی یا بمق آوزره اهل صنعت ایله عقد مقاوله
 ایتکدر که یاپانه (صانع) و یایدیرانه (مستصنع)
 و یاپیلان شیئه (مصنوع) دینلور

۱۲۵ ماده

ملك . انسانك مالك اولدیغی شیدر كرك اعیان اولسون
 و كرك منافع اولسون

۱۲۷ ماده

مال . طبع انسانی مائل اولو بده وقت حاجت ایچون
دخار اولنه بیلان شیدر که منقوله و غیر منقوله شامل
ولور

۱۲۸ ماده

مال متقوم . ایکی معنایه استعمال اولنور . بری
تنفای مباح اولان شیدر . دیکری مال محرز دیمکدر
شلا دکرده ایکن بالی غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله
حراز اولندقدده مال متقوم اولور

۱۲۸ ماده

منقول . بر محلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیدر
که نقود و عروضه و حیوانات و مکملات و موزونات
شامل اولور

۱۲۹ ماده

غیر منقول . عقار دبیلان خانه و اراضی مثلاً محل
آخره نقلی ممکن اولمیان شیدر

۱۳۰ ماده

نقود . نقدک جمعی اولوب التون و کوشدن عبارتدر

۱۳۱ ماده

عروض . عرضک جمعی اولوب نقود و حیواناتدن

و مکيلات و موزون نادن بشقه اولان متاع و قاش امشالی شيلردر
ماده ۱۳۲

مقدرات . کيل يا وزن يا صايي يا ذراع ايله مقداری
تعيين اولنان شيلر اولوب مکيلات و موزونات و عددیات
و مذروعاته شامل اولور

ماده ۱۳۳

کيلي و مکيل . کيل ايله اولچيلان شی

ماده ۱۳۴

وزنی و موزون . طارتیلان شی

ماده ۱۳۵

عددی و معدود . صاییلان شی

ماده ۱۳۶

ذری و مذروع . ارشون ايله اولچیلان شی

ماده ۱۳۷

محدود . حدود و سنورلری قابل تعیین اولان عمار

ماده ۱۳۸

مشاع . حصص شایعه بی حاوی اولان شی

ماده ۱۳۹

حصه شایعه . مال مشترک ک هر جزئه ساری و شامل

اولان سهمدر

۱۴۰ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی باینده غرضجه تفاوت
فاحش اولیان شیدر

۱۴۱ ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر
۱۴۲ ماده

حق مرور • آخرک ملکنندن یکمک حقیدر
۱۴۳ ماده

حق شرب • بر نوردن نصیب معین معلومدر
۱۴۴ ماده

حق مسیل • بر خانهک خارجه صوی و سیلی آقق
و طامله لق حقیدر
۱۴۵ ماده

مثلی • چارشو و بازارده معتدبه یعنی بهانک اختلافی
موجب بر تفا و تسر مثلی بولنان شیدر
۱۴۶ ماده

قیمی • چارشو و بازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنور
سه ده فیئآتجه متفاوت اولان شیدر
۱۴۷ ماده

عددیات مقاربه • آحاد و افرادی باینده قیمتجه تفاوت
اولیان معدوداتدر که هب مثلیاتند

۱۴۸ ماده

عددیات متفاوتہ ، آحاد و افرادی بینندہ قیمتہ تفاوت
بولنان معدوداتدر کہ ہب قیمتادن معدود اولور

۱۴۹ ماده

رکن البیع . یعنی مبيعك ماہیتی مالی مالہ دكشمكدن
عبارت اولوب آنجق بوكا دلالت ايتك حسييله ايجاب
و قبوله دخی (ركن بيع) اطلاق اولنور

۱۵۰ ماده

محل البیع . مباعدن عبارتدر

۱۵۱ ماده

بيع . صاتیلان شی کہ ببعده تعین ایدن عیندر و ببعدن
مقصود اصلی او در

زیرا انتفاع انجق اعیان ایلہ اولوب ثمن مبادلہ اموالہ
وسیله در

۱۵۲ ماده

ثمن . صاتیلان شیئك بهاسیدر کہ نعمته تعلق ایدن شیدر

۱۵۳ ماده

ثمن مسمی . طرفینك بالتراضی تسمیه و تعیین ایتدنگری
ثمندر كرك قیمت حقیقیه یه مطابق اولسون و كرك ناقص
یا زائد اولسون

۱۵۴ ماده

قیمت . بر مالک بهای حقیقتیست

۱۵۵ ماده

ثمن . ثمن مقابلنده صاتلش شی

۱۵۶ ماده

تأجیل . دینی بر وقت معینه تعلیق و تأخیر ایتمکدر

۱۵۷ ماده

تقسیم . دینی متعدد و معین و قتلرده تأدیة ایتمک اوزره

تأجیل در

۱۵۸ ماده

دین . ذمتده ثابت اولان شیدر

مثلا بر کیمسه نك ذمتنده شو قدر غروش و میدانده

موجود اولیان شو قدر غروش و میدانده موجود اولان

اچسه نك یاخود بر بیغین بغدایك قبل الافراز بر مقدار

معینی هب دین قبیلندندر

۱۵۹ ماده

عین . معین و مشخص اولان شیدر

مثلا بر خانه و بر آت و بر صندالیه و میدانده موجود بر

بیغین بغدای و بر مقدار اچسه هب اعیانندندر

۱۶۰ ماده

بایع . مال صاتان

۱۶۱ ماده

مشتري . صاتون الان

۱۶۲ ماده

متبايعان . بايع ايله مشـتریدر که (عاقدین) دخی
دینور

۱۶۳ ماده

اقاله . عقد بیعی رفع و ازاله ایتمکدر

۱۶۴ ماده

تغزیر . الدائمق

۱۶۵ ماده

غبن فاحش . عروضده نصف عشر و حیواناتده عشر
و عقارده خمس مقداری و یاندها زیاده الدائمقدر

۱۶۶ ماده

قدیم . اولدر که اولنی بیلور کسنه اولیه

(شرح)

عروض کلمہ سی عقار و حیوانات و مکملات و موزوناتہ
مقابل اولہرق استعمال اولنور ایسہ دہ بعضاً دخی
یالکز حیوان و عقارہ مقابل اولہرق استعمال اولنور
مجلہ نک یوز التمش بشنجی مادہ سنده مکملات و موزونات
مذکور اولدیغندن عروض بورادہ مکملات و موزوناتہ
شامل اولور مجلہ چعیتندہ بو وجهلہ مطالعہ اولمشدر

(جودت)

(باب اول)

(عقد بعه متعلق مسائل بیانده اولوب بش فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن بیع حقنده در)

۱۶۷ ماده

ایجاب و قبول ایله بیع منعقد اولور

۱۶۸ ماده

بعده ایجاب و قبول عرف و عادت بلده ده انشای بیع
ایچون مستعمل اولان لفظلر در که بونلرله بازارلق
کسیلوب لسانمزدده خیرلشمق تعبیر اولنور

۱۶۹ ماده

ایجاب و قبول ایچون اکثر یا ماضی صیغه سی استعمال
اولنور

مثلا بایع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتم و مشتری
دخی الدم و یا خود مشتری الدم و بعده بایع صاتم دیسه
بیع منعقد اولوب اولکی صورتده (صاتم) لفظی
ایجاب و (الدم) لفظی قبول و ایکنجی صورتده الدم

لفظی ایجاب و صاتم لفظی قبولدر و کذا بایع صاتم
 یرنده و یردم و یاخود تملیک ایتدم دیوب مشتری دخی
 الدم یرنده راضی اولدم و یاخود قبول ایلدم دیسه بیع
 منعقد اولور

۱۷۰ ماده

آلورم و صاتم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد
 اولنورسه بیع منعقد اولور و اگر استقبال مراد اولنور
 سه منعقد اولماز

۱۷۱ ماده

آله جفم صاتا جفم کبی وعد مجرد معناسنه اولان مستقبل
 صیغه سیله بیع منعقد اولماز

۱۷۲ ماده

صات و صاتون آل کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد
 اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر ایله
 دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شو و مالی بکا شو قدر غروشه صات دیوب
 بایع دخی صاتم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بو
 مالی شو قدر غروشه آل دیوب مشتری دخی آلدن دیسه
 یاخود مشتری آلدن دیوب بایع دخی آل و یاخود وار
 خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور

زیرا بو مقامده ال و یاخود وار خیرینی کور تعبیر لری
ایشته صاندم آل دیمکدر

۱۷۳ ماده

ایجاب و قبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور
۱۷۴ ماده

دلسزك اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور
۱۷۵ ماده

ایجاب و قبولدن مقصد اصلی که تراضی طرفیندر بوکا
دلالت ایدن مبادله فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور .
و بوکا بیع (تعاطی) دینلور .

مثلا بازار لقسنز و لاقر دیسنز مشتری اقچه یی و یروب
اتمکچی دخی اکا اتمکی و یرسه بیع منعقد اولور .
و کذا مشتری اقچه یی و یروب قارپوزی السه و بایم
سکوت ایتمسه ینه بیع منعقد اولور .

و كذلك مشتری بغدادی المق ایچون بغدادیچی به بش
انتون و یروب وشو بغدادی قاقچه صاتیور سین دیوب
اودخی کیله سی بر التونه دیسی اوزر ینه مشتری سکوت
ایتد کدنص سکره بغدادی ایستدکنده بایم یارین و یررم
دیسسه و بینلرنده ایجاب و قبول جریان ایتمسه بیع ینه
منعقد اولور . حتی فرداسی بغدادی کیله سی بر بچق

التونه چیتسه بایع ینه برالتون فی ایله و یرمکه مجبور
 اولور . و بالعکس بغدادیک بهاسی تنزل ایتسه مشتری
 بوندن طولانی اولکی فی ایله المقدن امتناع ایده من .
 كذلك مشتری بولمک شوراسندن بکا شو قدر غروشلق
 طارت دیمسی اوزرینه قصاب دخی کسوب طارتسه
 بیع منعقد اولوب مشتری المقدن امتناع ایده من .
 ۱۷۶ ماده

بعدالعقد ثمنک تبدیلی و یاخود تزیید و یا تنزیلی ایله تکرار
 بازارلق اولندقدده عقد ثانی معتبردر .
 مثلا برمالک یوز غروشه بازارلغی کسملد کدن صکره
 بر یوزلک التونه یاخود یوز اون و یا طقسان غروشه
 تکرار بازارلق اولندقدده عقد ثانی معتبردر .

(فصل ثانی)

(قبولک ایجابیه موافق اولسنک لزومی بیاننده در)

۱۷۷ ماده

عاقیدن بری هر نه ایله نه بی ایجاب ایدر سه دیکری دخی
 بعینهما انکله انی قبول ایتک لازمدر . یوقسه ثمنی
 یاخود ثمنی تبعیض و تفریق ایتکه صلاحیتی یوقدر .

مثلا بايع مشتری به شو قاشی سکا یوز غروشه صاتم
دیدکه مشتری اولوجهله قبول ایدرسه تمام او قاشی
یوز غروشه آلور . یوقسه اول قاشی یاخود نصفی
اللی غروشه قبوللانه من .

وکذا شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم دیدکه
مشتری قبول ایدرسه ایکیمسی اوچ بیک غروشه الور
اما ایکیمسندن برینی بیک بشیوز غروشه الهماز .
۱۷۸ ماده

قبولك ايجابه ضمنا موافقتی کافیدر

مثلا بايع شومالی سکا یوز غروشه صاتم دیوب، مشتری
دخی بیک بشیوز غروشه آلدیم دیسه بیع بیک غروش
اوزرینه منعقد اولور . انجق اول مجلسده بايع اول
زیاده بی قبول ایدرسه مشتری طرفندن زیاده قلتمش
اولان بشیوز غروشک دخی اعطاسی لازم کلور .
وکذا مشتری شومالی بیک غروشه آلدیم دیوب بايع دخی
سکزیوز غروشه ویردم دیسه بیع منعقد اولوب ایکی
یوزک حط وتنزلی لازم کلور .

۱۷۹ ماده

متبايعانندن بری متعدد شيرك بهالرينی تفصيل ايتسه بيله
صفقه واحده ايله يعنی طو پدن اوله رق بيعی ايجاب

ایتدکده دیکری دخی اولوجهله قبول ایدرک مجموع
ثمن ایله مجموع مبیعی اله بیلور .

یوقسه صفتقه یی تفریق ایدرک ایچندن دیلدیکی ذکر
اولنان بهاسیله قبول ایدوب المقده مخیر دکادر .

مثلا بایع شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم
شو بیک غروشه و بوایکی بیک غروشه و یاخود هر بری
بیک بشر یوز غروشه در دیسه مشتری ایکسینی اوچ
بیک غروشه اله بیلور . یوقسه ایکسیندن دیلدیکی
ذکر اولنان بهاسیله اله من .

و کذا بایع شو اوچ طوپ قاشی یوز غروشه صاتم
دیوب مشتری دخی برطوپنی یوز غروشه یاخود ایکی
طوپنی ایکی یوز غروشه قبول ایتدم دیسه بیع منعقد اولماز
۱۸۰ ماده

متبايعاندىن بری متعدد شیلرک بهالرینی تفصیل و بشقه
بشقه بیعی ایجاب ایتدیکی صورتده دیکری دیلدیکی
ثمن سماسیله قبول ایتسه بیع منعقد اولور .

مثلا بایع متعدد مبیعک بهالرینی تفصیل و تعیین ایله برابر
صاتم لفظنی دخی تکرار ایدرک شونی بیک غروشه
صاتم و بونی ایکی بیک غروشه صاتم دیسه اول
حالده مشتری ایکسیندن برینی معین اولان بهاسیله
قبول ایدوب اله بیلور .

(فصل ثالث)

(مجلس بیع حقنده در)

۱۸۱ ماده

مجلس بیع بازارلق ایچون اولان اجتماعدر

۱۸۲ ماده

مجلس بیعده بعدالایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین مخیردر
مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعده بومالی شو قدر
غروشه صاتم یاخود آلدن دیو بیعی ایجاب ایلسه
دیگری در عقب آلدن یاخود صاتم دیمو بده بر مدت
اراسی کچدکن صکره ینه اول مجلسده قبول ایلسه
بیع منعقد اولوب هر نقدر مجلس اوزون اوزادی یه
سورمش و ایجاب و قبولک اره سی خیلی اوزامش
اولسه ده ضرر ویرمز

۱۸۳ ماده

بعدالایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت
ایدر بر قول یاخود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل
اولوب قبوله محل قلماز

مثلا متبایعاندن بری صاتم یاخود آلدن دیدکدن صکره
ایکیسندن بریسی بشقه بر ایشله یاخود بر دیگر بحث

و مذاکره ایله مشغول اولسه ایجاب باطل اولوب
اندن صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز

۱۸۴ ماده

متبایعاندن بری بیعی ایجاب ایدوب انجیق دیکرینک
قبولندن اول رجوع ایتسه ایجاب باطل اولوب اندن
صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز .

مثلا بایع بومتاعی شو قدر غروشه صاتم دیوبده
مشتري قبول ایتدم دیمدین رجوع ایتسه مشتريک
صکره دن قبول ایتدم دیمسیله بیع منعقد اولماز

۱۸۵ ماده

قبل القبول ایجابک تکراری ایجاب اولی ابطال ایدوب
ایجاب ثانیه اعتبار اولنور

مثلا بایع بومالی یوز غروشه صاتم دیدکدن صکره
هنوز مشتري قبول ایتدم دیمدین دونوب یوز یکره
غروشه صاتم دیسه و مشتري قبول ایتسه ایجاب
اوله اعتبار اولمیوب بیع یوز یکره غروش اوزینه
منعقد اولور

(فصل رابع)

(شرطله بیع حقننده در)

۱۸۶ ماده

عقد بیعك مقتضاسندن اولان شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر اولور

مثلا بايع قبض ثمن ايدنجيمه دك مبيعي حبس ايتك
شرطيله صاندقده بو شرط بيعه ضرر و یرمیوب بلکه
مقتضای عقدی بیاندر

۱۸۷ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر در

مثلا فلان شیئی ترهین ایتك یا خود شو آدمی کفیل
و یرمك شرطيله برشی صاتمق صحیح و شرط معتبر در .
حتی مشتری بو شرطله رعایت ایتز ایسه بايع مبيعي
فسخ ایده پلور . زیرا بو شرطله مقتضای عقد
اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

۱۸۸ ماده

متعارف یعنی عرف و عادت بلده ده جاری اولان شرطله

بیع دخی صحیح و شرط معتبر در

مثلا کور کی قاپلامق و کلیدی یرینه میخلامق و یرتق
البسه بی یامه مق شرطیه صاتمق صحیح اولوب بو
بو شرطه دخی بایعک رعایت ایتسی لازم کاور

۱۸۹ ماده

احد عاقدینه نفی اولیان شرطیه بیع صحیح اولوب
انجق شرط فاسددر

مثلا آخره صاتمق یا خود مرعایه صالیو یرمک
شرطیه بر حیوانی صاتمق صحیح اولوب فقط شرط
لغودر

(فصل خامس)

(اقاله بیع حقننده در)

۱۹۰ ماده

عاقدین بعد العقد رضایله بیعی اقاله ایده بیلور لر

۱۹۱ ماده

بیع کبی (اقاله) دخی ایجاب و قبول ایله اولور
مثلا عاقدیندن بری بیعی اقاله یا خود فسخ ایتدم
و دیگرری قبول ایتدم دیسه و یا خود بری بیعی اقاله
ایت و دیگرری ایتدم دیسه اقاله صحیح یعنی بیع منفسخ اولور

۱۹۲ ماده

ایجاب و قبول مقامنه قائم اولان تعاطی صورتیله دخی
اقاله صحیح اولور

۱۹۳ ماده

بیع کبی اقاله ده دخی اتحاد مجلس لازمدر
یعنی مجلس ایجاب بده قبول بولمق لازم کلوب یوقسه عاقدیندن
بری بیعی اقاله ایتدم دیو پده دیکری اول مجلسده قبول
ایتمدین مجلس بوزلسه یا خود احد طرفیندن اعراضه
دلالت ایدر بر شی صادر اولسه بعده دیکرینک قبولی
مفید اولماز

۱۹۴ ماده

حین اقاله ده بیع مشتری یدنده قائم و موجود اولمق شرطدر
بناء علیه بیع تلف اولمش ایسه اقاله صحیح اولماز

۱۹۵ ماده

مبیعک بعضیسی تلف اولسه باقیسینده اقاله جائزدر
مثلا بایع اکینیله برابر ملکی اولان ارضی صا تو بده
مشتری اکینی بچد کدنصکره اقاله ایلسه لر ارضده ثمنندن
حصه سیله اقاله صحیح اولور

۲۹۶ ماده

ثمنک تلف اولسی اقاله نک صحتنه مانع دکدر

(باب ثانی)

(مبیعه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مبیعك شروط و اوصافی حقنده در)

۱۹۷ ماده

مبیعك موجود اولسی لازمدر

۹۹۸ ماده

مبیعك تسلیمی ممکن و مقدور اولق لازمدر

۱۹۹ ماده

مبیعك مال متقوم اولسی لازمدر

۲۰۰ ماده

مبیعك مشتریك معلومی اولق لازمدر

۲۰۱ ماده

مبیعك معلومیتی سسائرنندن تمیز ایده جك حال و وصفی

بیان ایله حاصل اولور

مثلا شو قدر کیله قزله بغدادی . یا خود فلان و فلان حدود

ایله محدود اولان عرصه دیو صاتلسه مبیع معلوم و

بیع صحیح اولور

۲۰۲ ماده

مبيع مجلس بعهده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر
مثلا بايع شوحيواني صاندم ديوب مشتري دخي كوره رك
قبول ايده جاك بيع صحيح اولور

۲۰۳ ماده

مبيعك مشتري عندنده معلوم اولسي كافي اولوب بشقه
صورته تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

۲۰۴ ماده

مبيع عقدده كي تعيين ايله تعيين ايدر
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعيين ايدرك شو ساعتی
صاندم ديوب مشتري دخي قبول ايتد كده بايعك اول
ساعتی عينا ويرمسی لازم كلور . يوقسه انی اليقويوبده
يرينه اول جنسدن ديكر بر ساعت ويره من

(فصل ثاني)

(بيعي جائز اولوب اولميان شيلر بيانده در)

۲۰۵ ماده

معدومك بيعي باطلدر
مثلا بر اغاجك هيچ بلور مامش اولان ميوه سني صاتمق
باطلدر

۲۰۶ ماده

کاملا بلور مش اولان میوه بی اکه صالح اولسون
اولسون اغاجی اوزرنده ایکن صاتمق صحیحدر

۲۰۷ ماده

افرادى متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتیموده رفته
رفته ظهور ایده کلان میوه و شکوفه و پیراق و سبزه نك
بر مقداری بلور مش اولدیغی حالده انلره تبعاً انلره برابر
هنوز بلور مامش اولنلری دخی طویدن صاتمق صحیح اولور

۳۰۸ ماده

جنسی بیان اولنه رق صاتیلان شی بشقه جنسدن
چیمسه بیع باطل اولور
مثلاً بایع صرچه بی الماس دیو صاتسه باطلدر

۲۰۹ ماده

تسلیمی ممکن و مقدور اولمیان شی صاتمق باطلدر
مثلاً در پایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغک و
طوتوبده تسلیمی ممکن اولمیان بر فراری حیوانک بیعی
باطلدر

۲۱۰ ماده

بین الناس مال اولمیان شی صاتمق یاخود انکله بر مال
صاتون آلمق باطلدر

مثلا لاشه بی و حر اولان بنی آدمی صاتمق و یاخود انلرک
مقابلنده بر مال اشترا ایتک باطلدر

۲۱۱ ماده

مقوم اولیان مالی صاتمق باطلدر

۲۱۲ ماده

مقوم اولیان مال ایله بر مال صاتون المق فاسد در

۲۱۳ ماده

مجهولک بیعی فاسد در

مثلا بایع مشتری یه مالک اولدیغم کافه اشیا می سکا شو قدر

غروشه صاتمدم دیوب مشتری دخی الدم دیسه و لیکن

اشیا مشترینک معلومی اولسه بیع فاسد اولور

۲۱۴ ماده

بر ملک عقارک قبل الافراز بر حصه معلومه شایعه سنی

مثلا نصفنی یا ثلثنی یاخود عشرینی صاتمق صحیحدر

۲۱۵ ماده

بر کیسه حصه شایعه سنی شریکندن اذن المقسزین آخره

صاته بیلور

۲۱۶ ماده

ارضه تبعه حق مرورك و حق شربك و حق مسیلك

و قنواته تبعه صویك بیعی جائز در

(فصل ثالث)

(مبيعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیانده در)

۲۱۷ ماده

مکیلات و موزونات و عددیات و مزروعاتک کیل و وزن
و صائی و زراع ایله بیعی صحیح اولدیغی کبی جزا
صائمق دخی صحیحدر

مثلا بايع بريغين بغدادی و برطام صمائی و بریغین طوغله یی
و بردنک متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

۲۱۸ ماده

حبوباتی برمعین قاب و اولچک ایله اولچوب و یاخود
برمعین طاش ایله طارتوب صاتسه هر نقدر اول قاب
و اولچکک نه مقدار ایدوکی و طاشک قاج قیه و درهم
اولدیغی معلوم دکلسده بیع صحیح اولور

۲۱۹ ماده

منفردا صاتلمسی جائز اولان شیئک مبیعدن استثناسی
دخی جائز اولور

مثلا بايع براغاجک میوه سندن شو قدر قیه سی کندوسنه قالمق
اوزره باقیسنی صاتسد صحیح اولور

۲۲۰ ماده

مقدراتك يالكز افراد واقسامنه بها تقدير ايدرك طوپدن
صاتمق صحيح اولور

مثلا بريغين بغدايي و بر قايق او دوني و بر سوري قويوني و بر
پاستال چوقايي كيله سي ياچكي سي ياقيه سي و يا هر راس
ياخود هر زراعي شو قدر غروشه اولمق اوزره صاتمق
صحيح اولور

۲۲۱ ماده

محدود اولان عتارات ذراع و دونم ايله صاتمديغي كي
تعيين حدود ايله دخی صاتيلور

۲۲۲ ماده

عقد بيع نه مقدار اوزينه واقع اولور سه انجق اكا
اعتبار اولنور

۲۲۳ ماده

مكيلات و عددیات مقار به ايله تبعيةضنده ضرر اولميان
موزوناتدن بر مجموعك مقداري بيان اولتهرق صاتمده
كر كسه يالكز اول مجموعك ثني ذكر اولنسون كرك
كيله سنك يا عدد و وزنك بهاسي بيان و تفصيل
اولنسون بيع صحيح اولور

فقط لدى التسليم تمام چيقارسه بيع لازم اولور .
 و ناقص چيقارسه مشتري بخير اولوب ديلرسه بيعي
 فسخ ايدر . و ديلرسه ظهور ايدن مقداري نمدن
 حصه سيله آلور . و زائد چيقارسه زياده سي بايعكدر
 مثلا بايع بر يغيغ بغداديي ضوپدن اوله رق اللى كيله
 اولمق اوزره بشيوز غروشه ياخود اللى كيله اولمق
 اوزره هر كيله سنى اوزر غروشه صاتدقه تمام كلورسه
 بيع لازم اولور و قرق بش كيله چيقارسه مشتري بخير
 اولوب استرسه بيعي فسخ ايدر استرسه قرق بش كيله
 درتيوز اللى غروشه آلور و اللى بش كيله چيقارسه
 فضله سي اولان بش كيله بايعكدر

و كذا بر كوفه يمورطه يوز عدد در ديو اللى غروشه
 ياخود يوز عدد ديو دانه سي يكرميشر پاره يه صاتدقه
 عند التسليم طقسان عدد چيقارسه مشتري بخير اولوب
 ديلرسه بيعي فسخ ايدر ديلرسه طقسان يمورطه بي قرق
 بش غروشه آلور و اكر يوز اون عدد چيقارسه
 فضله سي اولان يمورطه بايعكدر

كذلك بر فوجي ياغ يوز قيه اولمق اوزره صاتدقه
 حكيمى منوال مشروح اوزره در

۲۲۴ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقداری
 بیان و یالکز اول مجموعك بهاسی ذکر اولنهرق
 صاتلدقده لدی التسلم ناقص چیقارسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه بیعی فسح ایدر و دیلرسه چیقان مقداری
 مجموع ثمن مسما ایلر اور و زائد کلورسه زیاده سی
 مشتریك اولوب بایع مخیر اوله ماز

مثلاً بش قیراطدر دیو یکر می بیك غروشه صاتیلان بر
 الماس طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول طاشی یکر می
 بیك غروشه اور و اکر بش بوچق قیراط چیقارسه
 اول طاش یکر می بیك غروشه مشتریك اولوب بونده
 بایع مخیر اوله ماز

۲۲۵ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقدار یله
 اقسام اجزاسنك بهاسی دخی بیان و تفصیل اولنهرق
 صاتلدقده لدی التسلم كرك ناقص چیقسون و كرك
 زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسح
 ایدر و دیلرسه چیقان مقداری اقسام و اجزا ایچون
 بیان اولنان بها حسابیله اور

مثلاً بش قیه در دیو هر قیه سی قرقر غروشه صاتیلان
بر باقر منقال درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه
ایکی صورتده دخی مشتری مخیر اولوب دیلر سه ترك ایدر
ودیلر سه اول منقال درت بوچق قیه ایسه یوز سگسان
غروشه و بش بوچق قیه ایسه ایکیوز یکرمی غروشه آلور
۲۲۶ ماده

كرك عرصه اولسون و كرك امتعه و اشياى ساثره اولسون
على العموم مذروعاتدن بر مجموعك مقدارى و يالكز اول
مجموعك بهاسى بيان ياخود ذراعنك دخی بهاسى تفصيل
اولنه رق صاتلدقده ایکی صورتده دخی حکمی تبعیضنده
ضرر اولان موزوناتك حکمی کبیدر . فقط کرباس
و چوقه مثلاً قطع و تبعیضنده ضرر اولیان امتعه و اشیا
مکیلات حکمنده در

مثلاً یوز ارشون اولمق اوزره بیک غروشه صاتیلان بر
عرصه طقسان بش ارشون چیقسه مشتری مخیر اولوب
دیلر سه ترك ایدر و دیلر سه اول عرصه یی بیک غروشه
الوروزاند چیقسه مشتری تماماً اول عرصه یی بیک غروشه
آلور

و کذا بر فات روبه لق اولمق اوزره یا پلش اولان بر طوب
قاش سگزارشوند در دیو در تیوز غروشه صاتلر سه یدی

ارشون چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب دیلرسه
ترک ایدر و دیلرسه درتیوز غروشه اول طوطی آلور
و طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری تماماً اول طوطی
درتیوز غروشه آلور

کذلک یوز ارشون اولق اوزره هر ارشونی اوز غروشن
دیو صاتیلان بر عرصه طقسان بش یاخود یوز بش ارشون
چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب ترک ایدر یاخود
طقسان بش ارشون ایسه طقوز یوز الی غروشه و یوز
بش ارشون ایسه یک الی غروشه آلور

و کد ابرقات و بدلق اولق اوزره یا پیش اولان برطوب قش
سکز ارشوندر دیو ارشونی الیشر غروشه صانلسه یدی
یاخود طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری مخیر اولوب
ترک ایدر یاخود یدی ارشون ایسه اوچ یوز الی غروشه
و طقوز ارشون ایسه درتیوز الی غروشه آلور

اما بر پستال چوقه یوز الی ذراع اولق اوزره یدی یک
بشیوز غروشه دیو یاخود هر ذراعی الیشر غروشه دیو
صانلقدره یوز قرق ذراع چیتسه مشتری مخیر اولوب
دیلرسه یعنی فسح ایدر • و دیلرسه یوز قرق ذراعی یدی
یک غروشه آلور • و اگر زائد چیتسارمه زیاده سی
بایع کدر

۲۲۷ ماده

عدد یات متفاوتده یالکز مجموعک مقدار بهاسی بیان
اولنه رق صاتلد قده عند التسلیم تمام کاورسه بیع صحیح
ولازم اولور . وناقص ویاخود زائد کاورسه ایکی
صورته دخی بیع فاسد اولور

مثلا الی رأس در دیو ایکی بیک بشیوز غروشه صاتیلان
برسوری قیون عند التسلیم قرق بش یاخود الی بش
رأس چیقسه بیع فاسد اولور

۲۲۸ ماده

عدد یات متفاوتده مجموعک مقدار یله آحاد وافرادیکنک
بهاسی بیان وتفصیل اولنه رق صاتلد قده عند التسلیم
تمام کاورسه بیع لازم اولور . وناقص چیقارسه مشتری
مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر وبلرسه اولمقداری
نمن مسمادن حصیه سیله الور . وزائد کاورسه بیع فاسد
اولور

مثلا الی رأس در دیو هر بری الیشر غروشه صاتیلان
برسوری قویون قرق بش رأس چیقسه مشتری مخیر
اولوب دیلرسه ترک ایدر و دیلرسه قرق بش قویونی ایکی
بیک ایکیوز الی غروشه آلور والی بش رأس چیقارسه
بیع فاسد اولور

۲۲۹ ماده

مواد آنفهدن مشتريك مخير اولديغى صورتلرده مشتري
مبيعك ناقص اولديغى بيلهرك قبض ايتدكدن صكره بيعك
فسخنده مخير اوله ماز

(فصل رابع)

(صراحة ذكر اولتمقسين بعهده داخل اولوب)

(اولميان شيلر بياننده در)

۲۳۰ ماده

عرف بلدهده مبيعك شامل اولديغى هر شي من غير ذكر
بعهده داخل اولور

مثلا خانه بعهده مطبخ و كيلارى و زيتونلك بعهده زيتون
اچاچلرى من غير ذكر داخل اولور زيرا مطبخ و كيلار
خانهك مشتملاتنددر و زيتونلك برطاقم زيتون اچاچلرينى
حاوى اولان ارضه اطلاق اولنور يوقسه يالكز برارضه
زيتونلك تعبير اولتماز

۲۳۱ ماده

مبيعك جزئى حكمنده اولان يعنى غرض اشترايه نظرا
مبيعدن انفكاكى قابل اولميان شيلر من غير ذكر بعهده
داخل اولور

مثلا کلیدک ببعنده مفتاحی وسوتی ایچون انسان اینکک
ببعنده سوت امن یاوریسی من غیر ذکر داخل اولور لر
۲۳۲ ماده

مبیعک توابع متصله مستقره سندن اولان شیر من غیر ذکر
ببعده تبعاً داخل اولور

مثلا برقوناغک ببعنده میخلانمش کلیدلر ویرلی طولاب
ومندر لکک کبی یرلی اولمق اوزره موضوع ومبئی اولان
شیر وحدودی داخلنده اولان باغچه سیله طریق عامه
یاخود حقیقما زقاغه موصل اولان یولار و باغچه و عرصه
ببعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاچلر بازار لقه
تصریح اولنسه دخی مبیعدن ایرلیوب برابر صماتلش
اولور لر

۲۳۳ ماده

اسم مبیعک مشتملاتندن یاخود مبیعک توابع متصله
مستقره سندن اولمیان ومبیعک جزئی حکمنده ویا انکله
برابر صماتلسی عرف وعادت اقتضاسندن بولنمیان شیر
حین ببعده ذکر اولمقد قجه ببعده داخل اولماز . فقط
عرف وعادت بلده جه مبیعه تبعاً صماتله کلان شیر من
غیر ذکر ببعده داخل اولور

مثلا خانه ببعنده یرلی اولمیان طولاب وقنه په وصندالیه

کبی یرلی اولیو بده قالدیرلسق اوزره موضوع اولان
 شیر و باغ و باغچه بیعنده لیمون و چیمچک صاقسیرلی و
 آخر محله نقل اولمقسق اوزره دیکلمش اولان فدانلر و
 اراضی بیعنده اکین و اشجارلر بیعنده میوه بازارلرده
 ذکر و شرط اولمقجه مبیع ایله برابر صاتمیش اولمازلر
 قسط برلکده صاتمیشی عرف و عادت اولان یرلرده بنک
 آتک کی و یوک بارکیرینک یولاری من غیر ذکر بیعده
 داخل اولور

۲۳۴ ماده

تبعاً بیعده داخل اولان شیشک ثمندن حصه سی یوقدر
 مثلاً یوک بارکیرینک قبل القبض یولاری سرقت اولمسه
 ثمن مسمان برشی تنزیل ایتمک لازم کلمز

۲۳۵ ماده

حین بیعده علاوه اولنان بعضی الفاظ عمومیدنک شاسل
 اولدیغی شیر بیعده داخل اولور

مثلاً بایع شو خانایی جمیع حقوقیله صاتم دیمسه اول
 خانانک حق مروری و حق شربی و حق مسیلی بیعده

داخل اولور

۲۳۶ ماده

بعد العقد و قبل القبض مبیعده حاصل اولان ثمره

و زیاده مشتری به عائد اولور
 مثلا بر باغچه صاندل قدده قبل القبض حاصل اولان میوه
 و سبزه مشتری به عائد اولور
 كذلك صانتش اولان اینک قبل القبض تولد ایدن
 یاورسی مشتری نک مالیدر

(باب ثالث)

(ثمنه متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ثمنك اوصاف واحواله مترتب اولان مواد بیانده در)

۲۳۷ ماده

حين بيعه تسمية ثمن لازمدر

بناء عليه مبيعك بهاسی ذکر اولمغازایسه بیع فاسد اولور

۲۳۸ ماده

ثمنك معلوم اولماسی لازم در

۲۳۹ ماده

ثمنك معلومیتی میدانده ایسه مشاهده ایله دکل ایسه

مقدار و وصفنی بیان ایله حاصل اولور

۲۴۰ ماده

متنوع التون تداول ایدن بلده ده نه درلوا التون اولدیغی

بیان اولتمسزین علی الاطلاق شوقدر التون دیو بازارلق

اولنمه بیع فاسد اولور، کومش سکه دخی بو کاقیناس اولنه
۲۴۱ ماده

غروش اوزرینه بازارلق اولندقدده مشتری رایج
اولان مسکوکاتک ممنوع اولیان هر قنخی نوعندن استر
ایسه ویره ییلور
۲۴۲ ماده

ثمنک وصفی بیان اولنهرق بازارلق اولندیغی صورتده
عقد هر قنخی نوع نقد اوزرینه واقع اولمش ایسه اندن
ویرملک لازم کلور

مثلا مجیدیه التونی یاخود انکلیز ویا فرانسر التونی
ویاخود یکرملک مجیدیه ویانیرکلی ریال ویرملک اوزر، دیو
بازارلق اولندیغی صورتده هر نه درلو مسکوکات دینلش
ایسه اندن ویریلور
۲۴۳ ماده

عقدده کی تعیین ایله ثمن تعیین ایتز
مثلا مشتری النده کی یوزلک التوننی کوستره رک شوالتون
ایله بومالی اشترا ایتدم دیوب بایع دخی ویردم دیدکده
مشتری عینا اول التونی ویرمکه مجبور اولماز بلکه انی
الیقویوبده یرینه مثلی اولهرق بشقه بریوزلک التونی
ویره ییلور

۲۴۴ ماده

بر نوع مسکوکاتک یرینه اجزاسی دخی و یريله بيلور
 فقط بو خصوصده عرف، وعادت بلده يه اتباع اولنق لازم
 کلور

مثلا يکرميلک مجيده ديو بازارلق اولنديغي صورته
 يکرميلک یرينه اجزاسندن اولان اولنق وبشاک دخی
 و یريله بيلور اما الحاله هذه در سعادتده جاری اولان عرف
 وعادته نظرا يکرميلک یرينه اجزاسندن اولان قرقلق
 وایکيلک و یريله مز

(فصل ثاني)

(وعده ايله صلاتش حقهنده اولان مواد بيانده در)

۲۴۵ ماده

ثمنی تأجيل و تقسيط ايله بيع صحيح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنک تأجيلنده و تقسيطنده مدت معلوم و معين اولق

لازم در

۲۴۷ ماده

شو قدر کون یا آي و یا سنه و یا خود روز قاسم کبی عاقدین
 عندنده معلوم و معين اولان بروقته قدر وعده ايله بازارلق
 اولنسه بيع صحيح اولور

۲۴۸ ماده

(یغمور یا غدیخی وقت) کی معین اولمیان بر مدت بیانله

بازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

۲۴۹ ماده

ویره سییه بازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنسه بر آیه

مصروف اولور

۲۵۰ ماده

ثمنك تأجيل و تقسیطنده مقاوله اولندان مدت مبیعك

تسلیمندن اعتبار اولنور

مثلاً بر سنه وعده ایله صاتلمش اولان بر متاعی بایع بر

سنه توقیف ایتد کدنصکره مشتری یه تسلیم ایتسه حین

تسلیمندن اعتباراً بر سنه بکلمسی یعنی وقت بیعدن تمام

ایکی سنه مرورند مشتریك آنچه یی ویرمسی لازم کلور

۲۵۱ ماده

بیع مطلق پیشین اولوق اوزره منعقد اولور . فقط بیع

مطلق بر مدت معلومه ایله موقت و مقسط اولوق اوزره

عرف و عادت اولان یرده اول مدته مصروف اولور

مثلاً پیشین یا ویره سییه لاقر دیسی اولمقسنن چارشردن

بری برشی السه آنچه سنی پیشین ویرمسی لازم کلور . فقط

آی یا هفته باشنده ثمنك تمامی یا خود بر مقدار معینی الثمنق

عادت بلده ایسه اول عاده رعایت اولنور

(باب رابع)

(بعد العقد ثمن و مثمنه تصرفه متعلق مسائل بیانده)

(اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بعد العقد و قبل القبض بايعك ثمنه و مشتريك مبيعه)

(حق تصرفلى بيانده در)

۲۵۲ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعه تصرف ايله يلور

مثلا بر كيمسه صاتمى اولديغى ماللك آقچه سنى بورجده

حواله ايله يلور

۲۵۳ ماده

مشتري قبل القبض مبيعى عقار ايسه آخره صاته يلور

و اكر منقول ايسه صاته ماز

(فصل ثانى)

(بعد العقد ثمن و مبيعك تزيد و تنزيلي بيانده در)

۲۵۴ ماده

بايع بعد العقد مبيعك مقدارينى زياده ايله يلور و مشتري

مجلس زياده ده قبول ايندر ايسه اول زياده يي طلبه حق

اولوب بايعك نداشتى مفيد اولماز . اما اول مجلسدن

صكره مشتريك قبولى معتبر دكلدر

مثلاً یکرمی غروشه یکرمی عدد قارپوز بازارلق اولندقدن
صکره بایع بش دهها ویردم دیوب مشتری دخی اول
مجلسده قبول ایدرایسه یکرمی غروشه یکرمی بش قارپوز
الور اما اول مجلسده قبول ایتیموبده صکره دن قبول
ایده جک اولسه بایع اول زیاده بی ویرمک اوزره اجبار
اولنه ماز

۲۵۵ ماده

مشتری بعد العقد ثمن مسمای تزیید ایده بیلور • و بایع
مجلس زیاده ده قبول ایدر ایسه اول زیاده بی طلبه حق
اولوب مشتری ندامتی مفید اولماز • اما اول مجلسدن
صکره بایعك قبولی معتبر دکلدن

مثلاً بیک غروشه بر حیوان بازارلق اولندقدن صکره مشتری
ایکیوز غروش دهها ضموز زیاده ایتدم دیوب بایع دخی اول
مجلسده قبول ایدر سه اول حیوانی بیک ایکیوز غروشه
الور • اما بایع اول مجلسده قبول ایتیموبده صکره دن
قبول ایده جک اولور ایسه مشتری فضله ویره جک
اولدیغی ایکیوز غروشی ویرمکه اجبار اولنه ماز

۲۵۶ ماده

بایعك بعد العقد ثمن مسما دن بر مقدارینی حط و تنزیل
ایتمی صحیح و معتبر در

مثلاً بر مال یوز غروشه پازارلق اولندقدن صکره بایع یکریمی
غروشنی تنزیل ایتدم دیسه اول مالک مقابلنده انجق
سکسان غروش الهیلور

۲۵۷ ماده

بعد العقد بایعك مقدار مبیعی و مشتریك ثمن مسمايی تزید
ایتمری و یا بایعك ثمن مسمادن تنزیلی اصل عقده ملحق
اولور یعنی اصل عقد کویا اول تزید و یا تنزیل اوزرینه
واقع اولمش حکمنده طوتیلور

۲۵۸ ماده

بعد العقد بایع مبیعی تزید ایتدکده زیادهك ثمن مسمادن
حصه سی اولور

مثلاً بایع اون غروشه صاتمیش اولدیغی سکز قارپوز
اوزرینه ایکی قارپوز ده یا زیاده و مشتری قبول ایتدیکی
صورته اون غروشه تمام اون قارپوز صاتمیش اولوب
حتی قبل القبض بو ایکی قارپوز تلف اولسه بهالریك
ثمندن تنزیلیله سکز قارپوز ایچون بایع انجق سکز غروش
طلب ایده یلور

کذلک بایع عرصه سنک بیک ذراعنی اون بیک غروشه
صاتدقدن صکره یوز ذراع دخی زیاده و مشتری قبول

ایتدیکی تقدیرده بر شفیع چیتسه اون بیک غروشه مجموعی
یعنی بیک یوز ذراعنی الهیلور
۲۵۹ ماده

بعد العقد مشتری ثمن مسمايی تزید ایتدکده ثمن مسما
ایله زیاده نك مجموعی عاقدين حقنده تمام مبیعه مقابل اولور
مثلا اون بیک غروشه بر مالک عقار اشترا اولندقدن صکره
قبل القبض مشتری بشیوز غروش دها زیاده و بایع قبول
ایتدیکی صورتده اول عقارک بهاسی اون بیک بشیوز
غروش اولوب حتی بر مستحق چیتقارق بعد اثبات
والحکم اول عقاری السه مشتری بایعدن اون بیک بشیوز
غروش طلب و انقد ایده یلور اما اول عقاره بر شفیع
چیتسه چونکه انک حتی اصل عقدده اسمیه اولنان ثمن
اوزرینه تعلق ایتمش اولدیغنه و صکره کی زیاده نك عاقدينه
کوره اصل عقدده التحاقی الک حتی اسقاط ایده میده چکنه
مبنی اول عقاری شفیعی اولان کیمسه اون بیک غروشه
الهیلور صکره دن زیاده اولنان بشیوز غروشی بایع اندن
طلب ایده من

۲۶۰ ماده

بعد العقد بایع ثمن مبعی حط و تنزیل ایتدکده مبیعک تمامی
ثمن مسماک باقیسنه مقابل اولور

مثلا بر ملك عقار اون بيك غروشه اشترا اولندقدن صكره
 بايع بيك غروشنى حط و تنزيل ايتديكى صورتده اول
 عقار طقوز بيك غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفيع
 چيقسه انى طقوز بيك غروشه الهيلور

۲۶۱ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعك بجله منى حط ايده بيلور
 فقط اصل عقده ملحق اولماز

مثلا بايع بر ملك عقارى اون بيك غروشه صاندقدن
 صكره قبل القبض اول اقچه دن كاملا واز كچسه شفيعى
 اول عقارى اون بيك غروشه الهيلور . بوقسه اقچه سز
 الورم ديه من

(باب خامس)

(تسليم وتسليمه متعلق مسائل بيانده اولوب التى)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم وتسليمك حقيقت و كيفيتى بيانده در)

۲۶۲ ماده

بيعه قبض شرط دكلدر . فقط بعد العقد اولو مشتري
 ثمنى بايعه و ثانيا بايع مبيعى مشتري به و بر مكه بور جلو اولور

۲۶۳ ماده

مبیعك تسليمی مشتریك بلا مانع مبیعی قبض ایدہ بیلہ جك
وجہلہ تسلیمہ بایعك اذن ویرمسیلہ حاصل اولور

۲۶۴ ماده

مبیعك تسليمی حاصل اولدیغی کبی مشتری دخی آئی قبض
ایتمش اولور

۲۶۵ ماده

مبیعك اختلافیلہ کیفیت تسلیمی دخی مختلف اولور

۲۶۶ ماده

مشتری عرصہ و اراضینك ایچنہ بولندیغی و یاخود
برطرفدن کورر اولدیغی حالده قبضہ بایعك رخصت
ویرمسی تسلیمدر

۲۶۷ ماده

اوزرنده اکیین اولان ارضك تسلیمندہ اوزرنده کی
اکینی بچوب یاخود حیوانہ یدر و بده ارضی تخلیه ایتمکه
بايع مجبور اولور

۲۶۸ ماده

اوزرنده میوه اولان اغاجك تسلیمندہ میوه سنی دیوشروب
اغاجی تخلیه ایتمکه بايع مجبور اولور

۲۶۹ ماده

اغای اوزرنده اوله رق صاتلش اولان میوه بی مشتری نیک
دیو شرمسند بایعک رخصت ویرمی تسلیمدر

۲۸۰ ماده

خانه و باغ کی کلیدی عقارک ایچنده ایکن بایعک مشتری به
تسلیم ایتدم دیسی تسلیمدر و خارچنده ایکن مبیع اگر
مشتری در حال انی کلیدیه بیلجک مرتبه قریب ایسه
مجرد تسلیم ایتدم دیسی تسلیمدر . و اگر اول مرتبه
قریب دکل ایسه اورایه واروبده ایچنه کیره بیلجک قدر
وقت مروریه تسلیم تحقیق ایدر


۲۷۱ ماده

کلیدی عقارک مفتاحی ویرمک تسلیمدر

۲۷۲ ماده

حیوان باشندن یا قولاغندن و یا یولارندن طوتیلوب تسلیم
اولنور . فقط مشتری نیک کلفتسزجه تسلیم قدرتی اولان
محمده ارائه سیله قبضنه رخصت اعطاسی دخی تسلیمدر

۲۷۳ ماده

مکیلات و موزونات مشتری نیک امریه  کیل یا وزن
اولنهرق تهیه و اعطا ایلدیکی ظرف وقاب دروننه قونلق
تسلیمدر

۲۷۴ ماده

عروضك تسليمى مشـترينك الله اعطـاسيله ياخود يانه
قويق وياميدانده اولوبده بالارائه قبضنه رخصت ويرمك
ايله اولور

۲۷۵ ماده

انبار و صندوق کبی کلیدی بر محل ایچنده بولسان شـیلر
طوپدن صائلدوقده مفتاحنك مشـترى به اعطـاسيله قبضنه
رخصت ويرمك تسليمدر

مثلا بر انبار بغدادى ياخود بر صندوق كـتاب طوپدن
صائلدوقده مفتاحنك اعطاسى مبيعى تسليم ديمكدر

۲۷۶ ماده

مشـترى مبيعى قبض ايدر ايكن بايعك كوروبده منع
ايتماسى قبضه رخصتدر

۲۷۷ ماده

بايعك اذن اولقـمـزین مشـترينك ثمنى تأديه ايتدين مبيعى
قبض ايتمى معتبر دكلدر

فقط مشـترى بلا اذن قبض ايدوبده يـدنده مبيعك تلف
اولور ياخود سقطـلـنور ايسه قبض معتبر اولور

(فصل ثانی)

(مبیعك حق حبسنه دائر مواد بیانده در)

۲۷۸ ماده

پشین صاتشده مشتری ثمنی تماماتأیدیه ایدنجدهیه دك بايعك
مبیعی حبس و توقیف ایتك حق واردر

۲۷۹ ماده

بایع اشیای متعدده بی صفتقه واحده ایله صیاتدقه هر
برینك بشقه بشقه بهاسنی بیان ایتش اولسه بیه تمامه
ثمنی قبض ایدنجدهیه دك مجموع بیعی حبس ایده یلور
۲۸۰ ماده

مشترینك رهن و كفیل و برمی بايعك حق حبسنی
اسقاط ایده مز
۲۸۱ ماده

بایع ثمنی قبض ایتدین مبیعی تسلیم ایدرایسه حق حبسنی
اسقاط ایتش اولور

بو صورتده ثمنی قبض ایدنجدهیه دك توقیف ایتك اوزره
مبیعی استرداد ایده مز
۲۸۲ ماده

ثمن مبیعی المق اوزره بایع برکیسه بی مشتری اوزرینه
حواله ایدرایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور .

و بصورتده همان مبیعی مشتری به تسلیم ایتسی لازم کاور
۲۸۳ ماده

ویره سی به صاتشده بایعك حق حبسی اولیوب وعده سی
حلولنده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی مشتری به
تسلیم ایتسی لازم کاور
۲۸۴ ماده

بایع پشین اولیق اوزره صاتدقدن صکره ثمن مبیعی
تأجیل ایدر ایسه حق حبسی اسقاط ایتش اولور
و وعده سی حلولنده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی
تسلیم ایتسی لازم کاور

(فصل ثالث)

(مکان تسلیم حقنده در)

۲۸۵ ماده
عقد مطلق حین عقدده مبیع نزه ده ایسه اوراده تسلیمینی
اقتضا ایدر

مثلا بر کیمسه تکفور طاغنده کی بغدادینی استانبولده بر
کیمسه به صاتدقدده اول بغدادی تکفور طاغنده تسلیم
ایدر یوقسه استانبولده تسلیم ایتك اوزره اجبار اولنه ماز
۲۸۶ ماده

مبیعك نزه ده اولدیغی مشتریك معلومی اولیوبده

بعد العقد مطلع اولسه مخیر در . دیلرسه بیعی فسخ ایدر
و دیلرسه حین عقدده مبیع زه ده ایسه اوراده قبض ایلر
۲۸۷ ماده

بر محل معینده تسلیم اولنق شرطیله صاتلش اولان مالک
اوراده تسلیمی لازم کلور

(فصل رابع)

(تسلیمک مؤنتی یعنی کافتی و لوازم تمامیتی بیاننده در)

۲۸۸ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشترییه عائد در
مثلا آچه نك صایمه و طارتمه اجر تلری کبی مصارف
صرافیه مشتری طرفندن ویرلک لازم کلور

۲۸۹ ماده

مبیعک تسلیمنه متعلق مصارف بایعه عائد در
مثلا کیله جی و قنطار جی اجر تلرینی بایعک ویرمسی لازم
کلور

۲۹۰ ماده

جزا قاصاتیلان شیلرک مؤنتی مشترییه عائد در
مثلا بر باغک اوزومی مجازفة صاتلده قده دیو شیرمسی
مشترینک اوزرینه در

كذلك بر انبار بغدادی مجازفة صائلد قده انباردن اخراج
و نقلی مشتریك اوزرینه لازمدر

۲۹۱ ماده

اودون و كور كبی حیوان اوزرئده محجـ ولا صائلش
اولان شیلری مشتریك خانه سنه نقل ایتمك امرئده عرف
و عادت بلده نه ایسه اكا اتباع اولنور

۲۹۲ ماده

سند و حجت تحریری اجرتی مشتری اوزرینه لازمدر .
فقط بایعك دخی محكمه ده بیعی تقریر و اشهاد ایلمی لازم
كلور

(فصل خامس)

(هلاك میمه مرتب اولان مواد بیاننده در)

۲۹۳ ماده

مبیع قبل القبض بایعك یدنده تلف اولسه مشتری حقننده
بر شی ترتب ایتموب ضرری بایعه عائد اولور

۲۹۴ ماده

مبیع بعد القبض تلف اولسه بایع حقننده بر شی ترتب
ایتموب ضرری مشتری به عائد اولور

۲۹۵ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدوب لیکن ثمنی تأدیه ایتمدین مفلسا

فوت اولسه بايع مبيعى استرداد ايده ميبوب غرمایه داخل
اولور

۲۹۶ ماده

مشتري مبيعى قبض و ثمنی تأديه ايتمين مفلسا فوت اولسه
بايع ثمنی مشتري نك تركه سندن استيفا اينجه يه دك مبيعى
حبس ايده بيلور

بو صورتده حاكم مبيعى بيع ايدوب ثمنی وفا ايدر ايسه
بايعك اله جغی تماما ايفا ايدر و فضله سی قالدیغی تقدیرده
غرمایه ويرر و اكر بايعك اله جفندن ناقص ايسه اول
ثمنی بايع تماما الدقن صكره نقصانی غرامة مشتري نك
تركه سندن الور

۲۹۷ ماده

بايع ثمنی قبض ايدوب لكن مبيعى مشتري يه تسليم ايتمين
مفلسا فوت اولسه مبيع بايع ينده امانت قالمش اولور
بو صورتده مشتري مبيعى اولوب سائر غرما مداخله ايده مز

(فصل سادس)

(سوم شرا و سوم نظر حقه در)

۲۹۸ ماده

سوم شرا طريقيله يعنى تسميه ثمن اولنه رق اشترایتمك

اوزره مشترینک قبض ایدوبده کوتوردیکی مال مشتری
 یدنده تلف و ضایع اولدقده قیامتدن اولدیغی تقدیرده
 قیمتی و مثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلی بایعه ویرمسی
 لازم کلور . اما ثمن تسمیه اولنماش ایسه مشتری یدنده
 امانت حکمنده اولهرق بلا تعد تلف و ضایع اولدیغی
 حالده ضمان لازم کلز

مثلا بايع بو حيوانك بهاسی بیک غروشدی کوتور بکنور
 ایسهك آل دیوب مشتری دخی اولوجهله اشترا ایتک
 اوزره اولوب کوتورسه و خانه سنده حیوان تلف اولسه
 دکر بهاسنی بایعه ویرمسی لازم کلور . اما بهاسی بیان
 ایدلیهرك بايع کوتور بکنور ایسهك الورسون دیوب
 مشتری دخی بکنور ایسه بعده بازارلغنی ایدوبده اشترا
 ایلک اوزره کوتوردکده یدنده بلا تعد تلف اولسه ضمان
 لازم کلز

۲۹۹ ماده

سوم نظر طریقيله یعنی کورمک یاخود کوسترمک اوزره
 قبض اولنان مال کرک بهاسی بیان اولنسون و کرک بیان
 اولنسون قابضک یدنده امانت اولهرق بلا تعد تلف
 و ضایع اولسه ضمان لازم کلز

(باب سادس)

(خيارات بيانده اولوب يدي فصلي حاويدر)

(فصل اول)

(خيار شرط بيانده در)

۳۰۰ ماده

بايع يا مشترى و يا خود ايكيسي بردن مدت معلومه
ايچنده بيعي فسخ ايتك يا خود اجازت ايله انفاذ ايتك
خصوصنده مخير اولوق اوزره بيعده شرط قيلق جائز در

۳۰۱ ماده

خيار شرط ايله مخير اولان ظرف مدت خيارنده يعني مخير
اولديغي مدت ظرفنده ديلرسه بيعي فسخ ايدر و ديلرسه
مخير اولور

۳۰۲ ماده

كرك فسخ و كرك اجازت قوللا اولديغي كي فعلا دخی
اولور

۳۰۳ ماده

اجازت قوليه اجازت ويردم ياراضى اولدم كي رضايه
و فسخ قولی فسخ ايتدم يا واز كچدم كي عدم رضايه
دلايت ايدن سوزلر در

۳۰۴ ماده

اجازت فعلیه رضایه و فسخ فعلی عدم رضیه دلالت
ایدن فعلدر

۳۰. لا مشتری مخیر اولدیغی حالدده مدت خیارنده مبیعی
صاتلغه چیقارمق یاخود رهن و یا ایجار ایتمک کبی
تملکک لوازمندن اولان بروجهله تصرف ایتمی اجازت
فعلیه و بایع مخیر اولدیغی حالدده اولوجهله تصرف
ایتمی فسخ فعلدر

۳۰۵ ماده

مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ و یاخود انفاذ ایتدین مدت
خیار مرور ایدر ایسه بیع تمام او اور

۳۰۶ ماده

خیار شرط وارثه انتقال ایتمز

بو صورتده مخیر اولان کیمسه بایع ایسه وفاتبله مشتری
مبیعه مالک اولور و اگر مخیر مشتری ایسه وفاتنده
وارثی مخیر اولقسنزین مبیعه مالک اولور

۳۰۷ ماده

بایع و مشتری ایکیمی بردن مخیر اولدقلری تقدیرده هر
قنغیسی فسخ ایدر ایسه بیع منفسخ اولور و هر قنغیسی اجازت
ویرزه یالکزانک خیاری زائل اولوب دیگرى مخیر قالور

۳۰۸ ماده

یا لکز بایع مخیر اولدیغی صورتده مبیع کندی ملکندن
چیقمیوب بنه کندوسنک مالی عد اولنور . و مبیع
بعد القبض مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسمی لازم
کلیوب مشتریک یوم قبضنده کی قیمتی ویرمی لازم کلور
۳۰۹ ماده

یا لکز مشتری مخیر اولدیغی صورتده مبیع بایعک ملکندن
چیقوب مشتریک مالی عد اولنور . و مبیع بعد القبض
مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسماک اعطاسی لازم کلور

(فصل ثانی)

(خیاری وصف بیانده در)

۳۱۰ ماده

بایعک بروصف مرغوب ایله متصف اولق اوزره ساتمش
اولدیغی مال اول وصفدن عاری چیقسه مشتری مخیر در .
دیلسه بیعی فسخ ایدر و دیلسه مجموع ثمن مسما ایله
بیعی قبول ایدر بوکا خیاری وصف دیر لر
مثلا صاغیلور دیو ساتمش اولان براینک سوتدن کسشمش
اولدیغی ظاهر اولسه مشتری مخیر اولور
و کذا کیجه وقتی قرمز یاقوتدر دیو صاتیلان طاش صاری
یاقوت چیقسه مشتری مخیر در

۳۱۱ ماده

خیار و صف و ارثه انتقال ایدر

یعنی خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجک
مبیعک اول و صفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدوقده وارثک
دخی بیعی فسخ ایتکه صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری مبیعه تملیکک لوازمندن
اولان بروجله تصرف ایدر سه خیار ابطال ایتش اولور

(فصل ثالث)

(خیار نقد حقننده در)

۳۱۳ ماده

بایع و مشتری فلان وقته قدر تأدیة ثمن اولمق و اولنه مزسه
بینلرنده بیع اولمق اوزره بازارلق ایتسه لر صحیح اولور
بوکا خیار نقد دینلور

۳۱۴ ماده

مدت معینه ده مشتری ثمنی تأدیة ایده مز ایتسه خیار نقد
ایله عقد اولنان بیع فاسد اولور

۳۱۵ ماده

خیار نقد ایله مخیر اولان مشتری مدت معینه ایچنده
وفات ایدر ایتسه بیع باطل اولور

(فصل رابع)

(خيار تعيين بيانده در)

۳۱۶ ماده

قيمتدن ايکي ياخود اوچ شئيگ بشقه بشقه بهالري بيان
اولندهرق بونلردن مشتري ديلديکني المق ياخود بايع
ديلديکني ويرمک اوزره صاتمق صحيح اولور
بوکا خيار تعيين دينلور

۳۱۷ ماده

خيار تعيينده تعيين مدت لازمدر

۳۱۸ ماده

خيار تعيين ايله مخير اولان کيمسه مدت معينه مرورنده
الديغي شئيء تعيينه مجبور اولور

۳۱۹ ماده

خيار تعيين وارثه انتقال ايدر

مثلا اعلى و اوسط و ادنى اولمق اوزره بر جنسدن اوچ
طوپ قاشک اوچ يا درت کون ظرفنده مشتري قنغيسنى
اختيار ايدر ايسه المق اوزره بايع لاعلى التعين برينى
صاتسه و مشتري دنخى بو منوال اوزره قبول ايتسه
بيع منعقد اولور و مدت معينه مرورنده مشتري برينى

تعیین ایلہ ثمن مسماسنی ویرمکه مجبور در . و قبل التعیین
وفات ایتسه وارثی دخی اولو جهله برینی تعیند مجبور
اولور .

(فصل خامس)

(خیاری رؤیت حقننده در)

۳۲۰ ماده

برکیمسه بر مالی کورمدین اشترایتسه کورنجه یه دک مخیردر
کور دکنده دیلرسه فسح ایدر و دیلرسه قبول ایدر
بوکا خیاری رؤیت دینلور

۳۲۱ ماده

خیاری رؤیت وارثه انتقال ایتمز

بناء علی ذلک مشتری المش اولدیغی مالی کورمدین وفات
ایتسه وارثی مخیر اولمقسزین اول ماله مالک اولور

۳۲۲ ماده

مالی کورمدین صاتان بایع ایچون خیاری رؤیت یوقدر
مثلا برکیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کورمدین
صاتسه بیع بلاخیاری منعقد اولور

۳۲۳ ماده

خیاری رؤیت بخشنده رؤیت مبیعک اصل مقصدی
بیلدیرن حال و محلنده واقف اولمقدن کنایه در

مثلا مشترى ايچى طيشى بردوزى يە اولان سساده بز
وقاشك طيشنى وچىچكىلى وچبوقلى قاشك چىچكارىنى
وچبوقلىرىنى كوروب ودول ايچون النان قيونك مەسى
واتى ايچون النان قيونك ارقەسى بوقلايوب وما كولات
ومشروبناك چاشنيسنى طاتوبده بعدە اشترا ايلسە خييار
رؤيت يوقدر

۳۲۴ ماده

نمونه كوستريلەرك صايلان شيلرك نمونەسى كورمك
كفايت ايدر

۳۲۵ ماده

مبيع نمونەدن دون چيقار ايسە مشترى مخير اولوب
ديلسە قبول ايدر وديلسە رد ايدر

مثلا بغدادى وياغ وبردوزى يايلىش اولان بز وچوقە
وامثالى معمولاتك نمونەسنە باقىلەرق اشترا اولنوبده بعدە
نمونه دن اشاغى ظهور ايتسە مشترى مخير اولور

۳۲۶ ماده

خان و خانە كې عقاراتك اشتراسنده هراوطەسى كورمك
لازمدر . فقط اوطەلرى يك نسق اولنلرك بر اوطەسى
كورمك كافيدر

۳۲۷ ماده

م تفاوت شيلرك طوپدن اشترا سنده هر بريني بشقه بشقه
كورمك لازمدر

۳۲۸ ماده

مشتري متفاوت شيلرك بعضيسنى كوروبده بعضيسنى
كورمدين طوپدن اوله رق اشترا ايتسه و كورمديكنى
كور دكده بكنمسه مخير اولوب ديلر سه هپسنى بردن
قبول ايدر و ديلر سه هپسنى بردن رد ايدر . يوقسه
بكنديكنى الوبده بكنمديكنى رد ايده مز

۳۲۹ ماده

اعمالك بيع و شراسى صحيح اولوب فقط و صفنى بيلمديكى
برمال اشترا ايتد كده مخير اولور

مثلا و صفنى بيلمديكى برخانه اشترا ايلسه مخير اولوب
و صفنى او كرنده ديلر سه قبول ايدر و ديلر سه رد ايدر
۳۳۰ ماده

مبيع قبل الشرا اعمايه وصف و تعريف اولوبده اشترا
ايلسه مخير اوله ماز

۳۳۱ ماده

اعمالك يوقلامق ايله معلوم اولان شيلرده ايله طوتوب
يوقلامسيله و قوقليه جق شيلرده قوقلامسيله و طاتيله جق
شيلرده طاتمسيله مخيرلكى ساقط اولور

يعنى بوشلار شىلرى يوقلايوب ووقلايوبده بعهده اشترا
ايلسه بيعى صحيح ولازم اولور .

۳۳۲ ماده

برکيسه شرا قصديله يعنى اليجى کوزيله کورمش
اولديغى مالى بىر مدت صکره اول مال اولديغى بيله رک
اشترا ايتسه خیار رؤيتى يوقدر . فقط اول مالده برتغير
حاصل اولمش ايسه اولوقت مخیر اولور

۳۳۳ ماده

مبيعك اشترا سنده يا خود قبضنه وكيل اولان کيسه نك
رؤيتى اصيلىك رؤيتى کيدير

۳۳۴ ماده

رسولك يعنى مجرد مبيعى الوب ككوندرمكه مأمورا
كوندر يلان آدمك رؤيتى مشترينك خیار رؤيتى
اسقاط ايلز

۳۳۵ ماده

مشرتينك مبيعده تملكك لوازمندن اولان بروجمله
تصرف ايتمى خیار رؤيتى اسقاط ايدر

(فصل سادس)

(خيار عيب بيانده در)

ماده ۳۳۶

بيع مطلق مبيعك عيبدن سالم اولسنی اقتضا ايدر
يعنى عيو بدن برائتنی شرط ايتكمسنين و صاغلان
و چوروك و قصورلى و قصورسنر ديمكسنين مال صاتمق
مالك صاغل و عيپسنر اولسنی ايجاب ايدر

ماده ۳۳۷

بيع مطلق ايله صاتيلان برمالك عيب قديمی تين ايتدكه
مشتري مخيردر ديلرسه رد ايدر و ديلرسه ثمن مسما ايله
قبول ايلر . يوقسه مالی اليقويوبده عيبی ايجون بهاسنی
تفقيص ايدهمز . ايشته بوكا خيار عيب دينلور

ماده ۳۳۸

عيب ديو اهل واربابی بيننده مالك بهاسنه ايراث نقصان
ايدن قصوره ديرلر

ماده ۳۳۹

عيب قديم بايع ينده ايكن مبيعه موجود اولان قصوردر
ماده ۳۴۰

بعدالبيع قبل القبض بايع ينده ايكن مبيعه حادث اولان
عيب موجب رد اولان عيب قديم حكمندهدر

۳۴۱ ماده

بایع حین بعده مبیعک بر عیننی بیان ایدرک مشتری اول
عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سیئیله مخیر اوله ماز

۳۴۲ ماده

بایع بر مالی هر عیب دعواسندن ذمتی بری اولمق شرطیله
صائدقده مشتری ایچسون خییار عیب یوقدر

۳۴۳ ماده

مشتری بر مالی هر عیبیله مقبولدر دیو اشترا ایلر سه ارتق
انده عیب دعواسنه صلاحیتی یوقدر

مثلا مشتری بر حیوانی کور طوپال چوروک چاریق
هر نه ایسه مقبولدر دیو صاتون ایسه ارتق عیب
قدیمی وارایش دیو رد ایده من

۳۴۴ ماده

مشتری مبیعک عیننه مطلع اولدقدن صکره انده تملکک
لوازمندن اولان بروجه ایله تصرف ایسه خییار عیبی
اسقاط ایش اولور

مثلا مشتری مبیعی عیب قدیمنه بعد الاطلاع بیعه عرض
ایسه یعنی صاتیقه چیقار سه عیبه رضادیمک اوله رق
ارتق رد ایده من

۳۴۵ ماده

مبيعك مشترى عندنده بر عيبي حادث اولدقدن صكره
عيب قديمي ميدانه چيقسه مشترينك بايعه رد ايتكه
صلاحيتي اوليوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحيتي
واردر

مثلا مشترى صاتون الديغي بر طوپ قاشي كسوب
بيچد كدنصكره چوروك ياخود ياتقين اولوق مثلو بر عيب
قديمه مطلع اولسه چونكي كسوب بيچمسيه بر ايكي
قصور دها پيدا اولديغندن رد ايده ميوب فقط عيب
قديمندن طولايي نقصان ثمن الور

۳۴۶ ماده

نقصان ثمن بيغرض اهل وقوفك اخباري ايله معلوم
اولور

شويله كه مبيعك بر كره سالما و بر كره معينا قيمي تقويم
و تقدير اولنوب بو ايكي قيمت بيننده كي تفاوت سالما
اولان قيمتك قاچده برى ايسه ثمن مسمالك اول نسبتله
نقصاني نقصان ثمن اعتبار اولنور

مثلا مشترى التمش غروشه الديغي بر طوپ قاشي كسوب
بيچد كدنصكره عيب قديمه مطلع اولدقده اهل وقوف
اول قاشك سالما قيمي التمش و عيب قديمي ايله قيمي

قرق بش غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر نقصان ثمن
اونش غروش اولغله مشتری نك انی طلب و دعوا ایتکه
صلاحیتی وار در

و اکر اول مالک سالما قیمتی سکسان و معیبا قیمتی التمش
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر اشبو ایکی قیمت بینده کی
تفاوت که یکرمی غروش در سکسان غروشک ربعی اولغله
ثمن مسمانک ربعی اولان یکرمی غروشی مشتری نك طلب
و دعوا یه صلاحیتی اولور

و اکر اول قاشک سالما قیمتی الی و معیبا قیمتی قرق
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر ایکی قیمت بینده تفاوت
اولان اون غروش الی غروشک خسی اولغله ثمن
مسمانک خسی اولان اون غروش نقصان ثمن اعتبار
اولور

۳۶۷ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم ینه ردی موجب
اولور

مثلا بر حیوان اشترا اولنوبده مشتری عندنده خسته
اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانده چیقسه آنی بایعه رد
ایده میوب نقصان ثمن آکور فقط اول خسته بق زائل اولسه
مشتری عیب قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

۳۴۸ ماده

بایع اگر مشتری عندننده بر عیب حادث اولدقدن صکره
عیب قدیمی میدانه چیقان مبیعی اول عیب حادث ایله
کیرو المغه راضی اولور ایسه مانع رد بولندیغی
تقدیرده مشتریك نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالمیوب
یامبیعی بایعه رد یا خود تمام بهاسیله قبول ایتمهکجه مجبور اولور
حتی مشتری اول مالی عیب قدیمده مطلع اولدقدن صکره
آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالماز
مثلا مشتری بر طوپ بز الوب کو ملک کسدکدن صکره
چور وک ایدو کند مطلع اولدیغی حالده صاتسه بایعدن
نقصان ثمن ادعا ایده مز

زیرا بایع بنانی عیب حادث ایله یعنی کسلش اولدیغی
حالده الوردیم دیه بیله جکندن مشتری انی صاتمسیله
حبس و امساله ایتش اولور

۳۴۹ ماده

زیاده یعنی مبیعه مشتریك مالندن بر شیئك ضم و علاوه سی
مانع رد اولور

مثلا بزى دیکمک یا خود بویاتمق ایله مشتریك ایلکی
یا خود بویاسی بزه ضم اولنمق و کذا عرصه بیه مشتری
طرفندن اخاج دیکمک رده مانعدر

۳۵۰ ماده

مانع رد بولندیغی حالده بایع راضی اولسه دخی معیب
اولان میبعی کیر و الله میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور
اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقدن صکره
صاتسه بیله بایعدن نقصان ثمن الله بیلور

مثلا مشتری صاتون الدیغی برطوپ بزدر، **ک**وملک
بیچدیروب دیکدیردکن صکره بزک چوروک اولدیغنه
مطلع اولدقدن بایع راضی اولسه دخی استرذاد ایده میوب
نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور و مشتری اول کوملکی
صاتسه بیله بزک نقصان ثمنی بایعدن الور

زیرا بوصورته مشتری نک مالی اولان ایملکک میبعه علاوه
والتحاقی مانع رد اولغله بایع بن انی بویله کسلش و دیکلمش
اولدیغی حالده الوردم دیمکه صلاحیتی اولیه جغندن
مشتری انی بیع ایله حبس و امساک ایتمش اولماز

۳۵۱ ماده

صفقه واحده ایله اشترا اولنان شیلرک بعضیسی معیب
چیقدقدن قبل القبض ایسه مشتری مجموعنی رد ایدر
یاخود ثمن مسمایله قبول ایلریوقسه معیبی رد ایدوبده
دیکری الیقویغنه صلاحیتی یوقدر . واکر بعد القبض

ایسه تفریقنده ضرر اولدیغی حالده یالکز معیب اولان
ثمن مسما دن سالما حصه سیله رد ایدر و بایعک رضاسی
اولدقچه ایکیسنی بردن رد ایده من . اما تفریقنده ضرر
اولدیغی حالده مجموعنی بردن رد ایدر یا خود مجموعنی
ثمن مسما ایله قبول ایلر

مثلا قرق غروشه النان ایکی فسدن بریسی قبل القبض
قصورلی چیتسه ایکیسنی بردن رد ایده یلور . واکر بعد
القبض بریسی قصورلی چیتسه یالکز انی سالما قیمتی قاچ
غروش ایسه قرق غروشدن تنزیل ایله رد ایدر . فقط
بر جفت ایاق قابی النوبده بعد القبض برتکی قصورلی
چیتسه ایکیسنی بردن رد ایله تماما آقچه سنی استرداد
ایده یلور

۳۵۲ ماده

مکیلات و موزوناتدن اوله رق بر شخص بر جسدن اولق
اوزره اشتراوقبض ایتش اولدیغی مقدار معینک بعضیسنی
چوروک بولسه مخیر در دیلر سه جله سنی قبول ایدر
و دیلر سه جله سنی رد ایدر

۳۵۳ ماده

بغدای و امشالی حبویات طیراقلی چیتدیغی تقدیرده عادة
قلیل عد اولنور سه بیع صحیح و لازم اولور واکر

بین الناس عیب عد اول نور درجده ایسه مشتری
مخیر اولور

۳۵۴ ماده

یمورطه وجوز مقوله سی شیلرک بعضیسی فنا وچوروک
چیقه یوزده اوچ کی عرفا وعاده استکشار اولنیه جق
درجده سی معفو اولور • واکر قصورلی چیقان یوزده
اون کی چوق اولور سه معفو اولیوب مشتری جله
میعی بایعه رد ایله تماما ثمنی کیرو الور

۳۵۵ ماده

میعی اگر اصلا منتفع به اولیه جق حالدہ ظهور ایدر ایسه
بیع باطل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر
مثلا اشتراولنان یمورطه اصلا ایسه یرامن صورته
بوزوق چیقه مشتری تماما آقچه سنی کیرو الور

(فصل سابع)

(غبن و تغیر بیاننده در)

۳۵۶ ماده

بیعه بلا تغیر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیسه
بیعی فسخ ایده من
قط مال یتیمی بلا تغیر اولنسه دخی غبن فاحش ایله

بیع صحیح اولماز مال وقف و بیت المال دخی مال یتیم
حکمنده در

ماده ۳۵۷

متبایعاندن بری دیگرینی تغیرر ایدوبده بیعده غبن فاحش
اولدیغنی تحقق ایتدکده مغبون اولان کیمسه بیعی فسخ
ایده بیلور

ماده ۳۵۸

غبن فاحش ایله مغبون اولان کیمسه نك وفاتنده تغیرر
دعوائی وارثه انتقال ایتز

ماده ۳۵۹

تغیرر اولنان مشتری بیعده غبن فاحش اولدیغنه مطلع
اولدقدن صکره مبیعده تملکک لوازمندن اولان بروجه
ایله تصرف ایدر ایسه ارتق حق فسخنی قالماز

ماده ۳۶۰

تغیرر و غبن فاحش ایله اشترا اولنان مبیع تلف یا مستهلک
اولسه و یا خود اول مبیعده معیب اولیق و عرصه
اولوبده اوزرینه بنا یا یلق کبی بر کیفیت حدوث ایتسه
مغبون اولان کیمسه نك بیعی فسخنه صلاحیتی قالماز

(باب سابع)

(مبيعك انواع و احكامى بياننده اولوب التى فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بيعك انواعى بياننده در)

۳۶۱ ماده

بيعك انعقادنده ركنى اهلندن يعنى عاقل و مميزدن صدور
ايتك و حكمى قابل اولان محله مضاف اولوق شرطدر

۳۶۲ ماده

ركننده خلل اولان بيع مثلا مجنونك بيعى باطلدر

۳۶۳ ماده

بيعك حكمى قابل اولان محلى موجود و مقدور التسليم
و مال متقوم اولان مبيعدر

بناء على ذلك معدومك و مقدور التسليم و مال متقوم اوليان
شيتك بيعى باطلدر

۳۶۴ ماده

انعقاد بيعك شرطى بولنويده بعض اوصاف خارجيه سى
اعتباريه مشروع اولمازسه مثلا مبيع مجهول يا خود
ثمنده خلل واقع اولور ايسه بيع فاسد اولور

۳۶۵ ماده

بيعك نافذ اولمسی ایچون بايع مبيعه مالك يا خود مال
صاحبك و كيلي يا وليسی يا وصیسی اولمق و غيرك حقی
اولماق شرطدر

۳۶۶ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور
یعنی مشتریك مبیعه تصرفی جائز اولور
۳۶۷ ماده

خیار اتدن بریسی بولنور ایسه بيع لازم اولماز
۳۶۸ ماده

بيع فضولی و بيع مرهون كبی غيرك حقی تعلق ایدن بيع
اول غيرك اذنه موقوفا منعقد اولور

(فصل ثانی)

(انواع بیوعك احكامی بیانده در)

۳۶۹ ماده

بيع منعقدك حكمی ملكیتدر
یعنی مشتریك مبیعه و بايعك ثمنه مالك اولمسیدر
۳۷۰ ماده

بيع باطل اصلا حكمی افاده ایتز

بناء علیه بیع باطلده مشتری بایعك اذنیله میبعی قبض
ایتدکده مبيع مشتری عندنده امانت قبیلندن اوله رق
بلا تعد تلف اولسه مشتری به ضمان لازم کلز
۳۷۱ ماده

بیع فاسد عند القبض حکمی افاده ایدر
یعنی مشتری بایعك اذنیله میبعی قبض ایتدکده اکا مالک
اولور
بناء علیه بیع فاسد ایله اشترا اولنان مبيع مشتری عندنده
تلف اولسه ضمان لازم کلور • شوبله که مثلیاتدن ایسه
مثلی و قیمیاتدن ایسه یوم قبضنده کی قیمتی مشتریك بایعه
ویرسی لازم اولور
۳۷۲ ماده

بیع فاسدده عاقبتیندن هر برینك بیعی فسخ ایتدکه حق
وارد

فقط مبيع اگر مشتری یدنده تلف اولور ایسه یا خود
مشتری انی استهلاك و یا دیگره بیع صحیح ایله بیع یا هبه
کبی بر صورتله نندن چیقارر ایسه و یا خود مبيع خانه
اولوبده تعمیر اولنمی و یا عرصه اولوبده احاج دیکلمک
کبی بر صورتله مشتری طرفندن مبيع برشی علاوه
و یا خود بغدادی اولوبده طعن ایله اون ایدلمک کبی

مبیعك اسمی دكیشه جك صورتله تغییر ایدیلور ایسه حق
فسخ قالماز

۳۷۳ ماده

بیع فاسد فسخ اولندوقده اکر قبض ثمن اولنمش ایسه
بایع ثمنی رد ایدنجه یه دك مشتریك مبیعی حبس ایتك

حق واردر

۳۷۴ ماده

بیع نافذ فی الحال حکمی افاده ایدر

۳۷۵ ماده

بیع نافذ لازمه متبایعاندن هیچ بریسی دونه من

۳۷۶ ماده

بیع غیر لازمه مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ ایده یلور

۳۷۷ ماده

بیع موقوف عندالاجازه حکمی افاده ایدر

۳۷۸ ماده

بیع فضرلیده مالی صاحبی ویا وکیللی یاخود وایسی

یاخود وصیسی اجازت ویررایسه نافذ و ویرمن ایسه

منفسخ اولور . فقط اجازتده بایع و مشتری و مجیر

و مبيع قائم اولوق شرطدر بونلردن بریسی هلاک اولسه

اجازت جائز اولماز

۳۷۹ ماده

بيع مقايضه بدلينك ايكيسنده مبيع حكيمده اولديغندن
 بولرده مبيعك شرائطي معتبر دره فقط تسليمجه منازعه
 وقوعنده متبايعان ايكيسي بردن تسليم وتسلم ايدرلر

(فصل ثالث،)

(سلم حقنده در)

۳۸۰ ماده

بيع كبي سلم دخي ايجاب وقبول ايله منعقد اولور
 مثلا مشترى بايعه يوز كيله بغداد ايچون يك غروش سلم
 ويردم ديوب اول دخي قبول ايتدكده (سلم) منعقد اولور

۳۸۱ ماده

سلم انجاق مقداريني وصفتنى مثلا اعلالغنى يا ادنالغنى
 تعيين اينك قابل اولان شيلرده صحيح اولور

۳۸۲ ماده

مكيلات وموزونات ومذروعاتك مقدارى كيل ووزن
 وذراع ايله تعيين اولور

۳۸۳ ماده

اعدديات متقاربانك تعيين مقدارى صايي ايله اولديغى كبي
 كيل ووزن ايله دخي اولور

۳۸۴ ماده

طوغله و کرپج کبی عددیاتک قالبیری معین و معلوم اولمق
لازمدر

۳۸۵ ماده

بز و چوقه امثالی ذرا هیاتک طول و عرضی و رقتی و نه دن
معمول و زره نک ایشی تعیین اولمق لازمدر

۳۸۶ ماده

سملک صحتمنده و مبیعک جنسی مثلاً بغدادی و پرنج و خورما
دیو و نوعی مثلاً یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو
و صفقی مثلاً اعلا یا خود ادنا دیو تعیین و کرک مبیعک
و کرک ثمنک مقداری و مبیعک زمان و مکان تسلیمی بیان
اولمق شرطدر

۳۸۷ ماده

صحت سملک بقاسنده ثمنک مجلس عقدده تسلیمی شرطدر
و عاقیدن قبل التسلیم افتراق ایدر لر ایسه عقد سلم منفسخ
اولور

(فصل رابع)

(استصناع بیانده در)

۳۸۸ ماده

بر کیمسه اهل صنایعدن برینه بکا شو قدر غروشه شویله

یرشی یاب دیوب اودخی قبول ایتسه استصناعا بیع منعقد
اولور

مثلا مشتری پاپوشچی یه ایاغنی کوستره رك فلان نوع
سختیاندن شو قدر غروشه بكا بر چفت پاپوش یاب دیوب
اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول و عرضی
و اوصاف لازمه سنی بیان ایدرك بر قایق یاخود کی
یایمق اوزره بازارلق ایتسه استصناع منعقد اولور
كذلك طول و حجمی و سائر اوصاف لازمه سی بیان
اولنه رق هر بری شو قدر غروشه اولمق اوزره بر
فایقه جی ایله شو قدر ایکنه لی تفنك یایمق اوزره بازارلق
اولنسه استصناع منعقد اولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیرده علی الاطلاق استصناع
صحیحدر . اما تعامل جاری اولمیان شیرده مدت بیان
اولنور ایسه سلم اولوب انده شرائط سلم معتبردر . و
اكر مدت بیان اولنمازسه ینه استصناع قبیلهندن
اولور

۳۹۰ ماده

استصناعده مصنوعك مطلوبه موافق اوله جق وجهه
توصیف و تعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده پشین آنچه ویرمک لازم دکلدر

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین بازارلقدن
دونه مز • فقط مصنوع اکر تعریفه موافق اولمزسه
مستصنع مخیر در

(فصل خامس)

(بیع مریضک احکامی بیانده در)

۳۹۳ ماده

بر مریض مرض موتنده ایکن ورثه سندن بریسنده برشی
صاتسه دیگر وارثلرک اجازتنه موقوف اولوب مریضک
وفاتندن صکره اجازت ویردرلر ایسه نافذ اولور ویرمزلر
ایسه نافذ اولماز

۳۹۴ ماده

مرض موتنده ایکن مریض حین وفاتنده کندویه وارث
اولیان برینه ثمن مثلیله برشی صاتسه صحیح و معتبر
اولور • و اکر محایات یعنی ثمن مثلندن نقصان ایله بیع
و تسلیم ایتدکدن صکره فوت اولسه ثلث مالی محایاته
مساعدا اولدیغی تقدیرده بیع ینه صحیح و معتبر اولور

و ثلث مالی محایاتہ مساعد اولدیغی صورتده مقدار نقصانی
مشتري اکیله مجبور اولور . و اکیال ایتز ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده یلور

مثلا بیک بش یوز غروش قیتملو بر خانه دن بشقه نسنه یه
مالک اولمیان مرض موتدن اول خانه منی وارثی اولمیان
بر کیمسه یه بیک غروشه بیع تسلیم ایتدکدن صکره فوت
اولسه محایات ایتش اولدیغی بشیوز غروش ثلث ماله
مساعد اولغله بیع صحیح و معتبر اولوب ورثه بو بیعی
فسخ ایده مز . و اگر مریض اول خانه بی بشیوز
غروشه بیع و تسلیم ایتش اولسه محایات ایتش اولدیغی
بیک غروش ثلث مالک ایکی قاتی اولغله ورثه مشتری یه
ثمنی مبیعک ثلثان قیتمه ابلاغ ایت دیو تکلیف ایتدکلرنده
مشتري ناقص اولان بشیوز غروشی ویرر ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده مز و اگر ویرر ایسه بیعی فسخ ایله
خانه بی استرداد ایده یلور

ماده ۳۹۵

ترکسی مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتده مالی
ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده
داینلری مبیعک ثمن مثلنی مشتری یه اکیال ایتدیرلر و
اکیال ایتزسه بیعی فسخ ایده یلور

(فصل سادس)
(بيع الوفا حقه در)

ماده ۳۹۶

بيع وفاده بايع ثمنی رد ايله مبيعي استرداد ايده بيلديكي كبي
مشتري دخی مبيعي رد ايله ثمنی استرداد ايده بيلور

ماده ۳۹۷

بيع وفا ايله صاتيلا ن مبيعي كرك بايع و كرك مشتري
آخره صاته من

ماده ۳۹۸

مبيعك منافعه ن بر مقداری مشتري يه عائد اولمق اوزره
شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور

مثلا وفاء صاتيلا ن باغك اوزومي بايع ايله مشتري بيننده
مناصفة تقسيم اولمق اوزره بالتراضي مقاوله ايتسه لر
اول مقاوله موجب نجه عمل اولمق لازم كلور

ماده ۳۹۹

وفاء صاتيلا ن مالك قيمتي دينه مساوي اولديغي حاليده
مشتري ينده تلف اولسه مقابلي اولان دين ساقط اولور

ماده ۴۰۰

وفاء صاتيلا ن مالك قيمتي ديندن ناقص اولديغي حاليده
مشتري ينده تلف اولسه قيمتي مقدار ديندن ساقط اولور

و اوست طرفنی دخی مشتری بایعدن اخذ و استرداد
ایله

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن زیاده اولدیغی حالده
مشتری یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان
مقداری ساقط اولور و تعدی و قوعبولش ایسه زیاده‌یی
دخی مشتری ضامن اولور و اگر بلا تعد تلف اولش
اولسه اول زیاده‌یی مشتری‌نک اوده‌سی لازم کلر

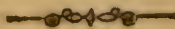
۴۰۲ ماده

بیع وفاده متبایعاندن بریسی فوت اولدقده حق فسخ
وارثه انتقال ایدر

۴۰۳ ماده

مشتری اله جعنی استیفا ایتدکجه وفاء اشترا ایتش اولدیغی
ماله بایعک دیگر غریملری مداخله ایده‌مز

اراده سنیه تاریخنی فی ۸ محرم سنه ۲۸۶





— ❦ — كتاب الاجارات ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

موجنبجه عمل اولنه

— ✽ کتاب ثانی ✽ —

(اجارات حقننده اولوب بر مقدمه ایله سکز بابی شاملدر)

(مقدمه)

(اجازه ید متعلق اولان اصطلاحات بیاننده در)

۴۰۴ ماده

اجرت • کرایه یعنی بدل منفعت و ایجار کرایه و یرمک
و استیجار کرایه طوتمق دیمکدر

۴۰۵ ماده

اجاره • لغت عربده اجرت معناسنه در فقط ایجار
معناسنده دخی استعمال اولنمشدر اصطلاح فقهاء
منفعت معلومه یی عوض معلوم مقابله سندن بیع ایتک
دیمکدر

۴۰۶ ماده

اجاره لازمه • خیاری شرط و خیاری عیب و خیاری رؤیتدن

عاری اولان اجاره صحیحه در که طرفیندن بریسی بلاعذر
بونی فسخ ایدمیز

۴۰۷ ماده

اجاره منجزه . وقت عقددن اعتبارا ایجاردر
۴۰۸ ماده

اجاره مضافه . کله جک بر وقت معیندن اعتبارا
ایجاردر

مثلا کله جک فلان آیک ابتداعندن اعتبارا بر خانه بوقدر
مدت ایچون شوقدر غروشه ایجار اولنسه اجاره مضافه
اوله رق منعقد اولور

۴۰۹ ماده

آجر . اجاره یه ویرن کیسه در ضمیم ایله مکاری
وکسر جیم ایله موجر دخی دینلور


۴۱۰ ماده

مستأجر . کسر جیم ایله استیجار ایدن کیسه در
۴۱۱ ماده

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیملرک فتحیله موجر
ومستأجر دخی دینلور

۴۱۲ ماده

مستأجر فیه . اجیرک عقد اجاره ایله التزام ایلدیکی

عملی ایضا ایچون مستأجر طرفندن  کند و سنده تسلیم
اولنان مالدر

البسه دیکمک اوزره درزی یه ویریلان قاش و نقل ایچون
حاله ویریلان حوله کبی

۴۱۳ ماده

اجیر . نفسنی کرایه ویرن کیمسه در

۴۱۴ ماده

اجر مثل . بیغرض اهل و قوفک تقدیر ایتدکری اجرتدر

۴۱۵ ماده

اجر مسمی . حین عقدده ذکر و تعیین اولنان اجرتدر

۴۱۶ ماده

ضمان . برشیئک مثلیاتدن ایسه مثلی و قیامتدن ایسه

قیمتینی ویرمکدر

۴۱۷ ماده

معد للاستغلال . کرایه ویرملک اوزره اعداد و تعیین

اولنمش شیدر که فی الاصل کرایه ویرملک اوزره یا بیلش

یا آلمش خان و خانه و حمام و دکان کبی عقارات ایله کرا

عربه سی و کرا بار کیری مثل و شیلردر

و برشیئک علی التوالی اویچ سنده ایچا راولنمش معد

للاستغلال اولن یغند دلیلدر

و بر کیمسه تقسیم چون یابد رمش اولدیغی بر شـ یئک معد
 للاستغلال اولدیغی ناسه اخبار و اعلام ایله معد للاستغلال
 اولور

۴۱۸ ماده

مسترضع . اجرت ایله سوت اناطوتان کیمسه در

۴۱۹ ماده

مهایاه . تقسیم منافعدن عبارتدر

مثلا بر خانه ده مشترک اولان ایکی کیمسه بر سنه بری و دیگر
 سنه دیگری مناوبه انتفاع ایتک اوزره قرار ویرلک کبی

(باب اول)

(ضوابط عمومییه بیاننده در)

۴۲۰ ماده

اجاره ده معقود علیه منفعتدر

۴۲۱ ماده

معقود علیه اعتباریله اجاره ایکی نوعدر

نوع اول منافع اعیان اوزرینه وارد اولان عقد اجاره
 اولوب ایجار اولنان شیئه عین مأجور و عین مستأجر دخی

دینلور واشبو نوع اول اوج قسمه تقسیم اولنور

قسم اول اجاره عقارد در . خانه و اراضی ایجاری کبی

قسم ثانی اجاره عروضدر . البسه و او انی ایجاری کبی
قسم ثالث اجاره حیواندر

نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب
بوندن . مأجوره اجیر دینلور اجرته عمله و خدمه طوتمق
کبی

حرف و صنایع اصحابی استیجار ایتک دخی بوقبیلندر که
مثلا قاش درزیدن اولق اوزره البسه کسدرمک
استصناع اولدیغی کبی درزی یه قاش و یرویده البسه
دیکدرمک دخی عمل اوزرینه اجاره دیمکدر
۴۲۲ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدر که یالکز مستأجره ایشمک اوزره
طوتیلان اجیردر . آیلقلی خدمتکار کبی
قسم ثانی اجیر مشترک . که مستأجردن بشقه سنه ایشلامک
شرطیله مقید اولمیان اجیردر

مثلا حال و دلال و درزی و ساعتچی و قیویمچی و اسکله
قایقچیسی و کرا عربه چیسی و قریه چوبانی شب اجیر
مشتدر که بر شخصه مخصوص اولیوب هر کس ایچون
ایشلیه بیلورلر فقط بونلردن بری فلان وقت قدر یالکز
مستأجره ایشمک اوزره استیجار اولندوقده اول مدت

طرفنده اجیر خاص اولور کذلک برجهال یا خود
مر به جی یا قایقچی فلان محله قدر بشقه سنه ایشلیوب
مستأجره مخصوص اولوق اوزره استیجار اولندقدده
اورایه وارنجیه قدر اجیر خاص اولور

۴۲۳ ماده

اجیر خاصک مستأجری بر شخص اولدیغی کی شخص
واحد حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله بیلور
بناء علیه برقریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولوق
اوزره عقد واحد ایله برچوبان استیجار ایتدکرنده اول
چوبان اجیر خاص اولور اما کندولرندن بشقه سنک
حیوانی دخی رعی ایلمنی تجویز ایتدکاری صورتده
اول چوبان اجیر مشترک اولور .

۴۲۴ ماده

اجیر مشترک اجرتیه استحقاقی عمل ایله در

۴۲۵ ماده

اجیر خاصک اجرتیه استحقاقی مدت اجارده عمل ایچون
حاضر بولنمیه در یوقسه بالفعل ایشلمی شرط دکدر
فقط عملدن امتناع ایدمز وایدرسه اجرتیه مستحق

اولماز

۴۲۶ ماده

عقد اجاره ايله منفعت معينه مستحق اولان كيمسه عينا
اول منفعتي ياشلنى ياخود مادوننى استيفا ايدە ييلور
اما مافوقنه تجاوز ايدە من

مثلا تيمورجيلك ايشلك اوزره استيجار اولنان دكانده
مستأجر مضرتده تيمورجيلكه مساوى ياخود اندن
اهون برصنعتي اجرا ايدە ييلور و بر كيمسه ساكن اولمق
اوزره استيجار ايلديكى خانه ده ساكن اولميوبده اشيا
وضع ايدە جك اولسه جائز اولور . اما عطارلق
ايتك اوزره استيجار ايلديكى دكانده تيمورجيلك ايشليه من
۴۲۷ ماده

هرشى كه مستعملينك اختلافيله مختلف اوله انده تقيد
معتبردر

مثلا بر كيمسه نك ركوبى ايچون استيكر اولنان آله
بشقەسى اركاب اولنه من
۴۲۸ ماده

هرشى كه مستعملينك اختلافيله مختلف اوليه انده تقيد
لغودر

مثلا بر كيمسه نك سكناسى ايچون استيجار اولنان خانه ده
بشقەسى اسكان اولنه ييلور

۴۲۹ ماده

كرك قابل تقسيم اولسون و كرك اولسون بر كيمسه
 حصه شايعه سنی شريكنه ايجار ایده بيلور ايسه ده
 آخره ايجار ایده مز . فقط بعد المهايأه نوبتی ايجار
 ایده بيلور

۴۳۰ ماده

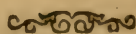
شیوع طاری عقد اجاره بی افساد ایتز
 مثلاً بر كيمسه خانه سنی ايجار ایتد كدن صكره نصف
 حصه سی بر مستحق طرفندن ضبط اولنسه . باقی حصه
 شايعه حقنده اجاره باقی قالور

۴۳۱ ماده

ایکی شريك بر لنده اوله رقی مال . مشتری شخص آخره
 ايجار ایده بيلور لر

۴۳۲ ماده

بر شیئی ایکی کشی به ايجار ایتك جائزدر . و هر بری
 اجرتدن کندو حصه سینه عائد اولان مقداری و یروب
 یکدیگره کفیل اولدقجه برینك حصه سی دیگردن
 الله ماز



(باب ثانی)

(عقد اجاره یه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن اجاره یه دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۳۳ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

۴۳۴ ماده

اجاره ده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه ویردم
و استیجار ایتدم و قبول ایتدم کبی عقد اجاره ایچون

مستعمل اولان سوزلردر

۴۳۵ ماده

اجاره دخی بیع کبی ماضی صیغه سیله منعقد اولوب مستقبل
صیغه سیله منعقد اولماز

مثلا بری ایجار ایده جکم دیوب دیکری استیجار ایتدم
یا خود بری ایجار ایت دیوب دیکری ایجار ایتدم دیسه
ایکی صورتده دخی اجاره منعقد اولماز

۴۳۶ ماده

اجاره مشافهه ایله اولدیغی کبی مکاتبه ایله و دلسزک
اشارت معروفه سیله دخی منعقد اولور

۴۳۷ ماده

تعاطی طریقہ دخی اجارہ منعقد اولور
 نہ کم شفاها بازارلق اولنقسزین یوجلی واپورینہ واسکله
 قایقنه وکرا بارکیرینہ بنک کبی که اجرت معلوم ایسه اولقدر
 و دکل ایسه اجرت مثل اعطاسی لازم کلور

۴۳۸ ماده

اجارہ ده سکوت رضا و قبول عبد اولنور
 مثلا بر آدم شهریه الی غروش کرا ایله بردکان استیجار
 ایدوبده براق ای ساکن اولدقدنصکره آی یاشنده آجر
 اگر التمش غروشه راضی اولور ایسه ک اوتور اولماز
 ایسه ک دکانی براق دیدکده مستأجراتی رد ایله التمش
 غروشه راضی اولم دیدکدنصکره دکانده مستمرا اوتورسه
 کما فی السابق الی غروش کرا لازم اولور و اگر برشی
 دمیوب و دکاندن چیقمیوبده مستمرا اوتورمش ایسه شهریه
 التمش غروش ویرمی لازم کلور

کذلک دکان صاحبی یوز غروشه و مستأجر سکسان
 غروشه دیسه و صاحبی مستأجری براغوب اودخی دکانده
 ساکن اولسه سکسان غروش اجرت لازم اولور
 و اگر طرفین سوزلرنده اصرار ایلدکاری حالده مستأجر
 ساکن اولور ایسه اجر مثل لازم کلور

۴۳۹ ماده

بعد العقد بدلك تبديل وياتزید وياتنزلی ايله تکرار بازارق
اولندقدہ عقد ثانی معتبر در

۴۴۰ ماده

اجاره مضافه صحیح ووقتی حلولندن اول لازم اولور
بناء علیه احد عاقدین مجرد وقتی کلمدی دیواجاره یی فسخ
ایده من

۴۴۱ ماده

اجاره صحیح اوله رق منعقد اولدقدنصره بشقه سی اجرتہ
نقدر ضم ایسه آجر مجرد بونک ایچون اجاره یی فسخ
ایده من

فقط وصی یا متولی یتیم یا وقفک عقالینی آجر مثلندن
نقصان ايله ایجار ایسه اجاره فاسد اولوب آجر مثلاً
اکالی لازم کلور

۴۴۲ ماده

مسـتأجر ارث یا هبه کبی بر وجهله عین مأجوره مالک
اولیجق اجاره نک حکمی قالماز

۴۴۳ ماده

موجب عقدله اجراسنه مانع اولور بر عذر ظهور
ایتدکده اجاره منفسخ اولور

مثلا دو کون ایچ-ون بر اشجی استیجار اولند قدده اح
 زوجین فوت اولسه اجاره منفسخ اولور
 و کذا دیشی اغریان کیمسه دیشنی چیقار مق اوزره شو قدر
 غروشه بردیشجی ایله مق-اوله ایتشیکن اغری زائل
 اولیورسه اجاره منفسخ اولور
 كذلك مسترضعك وقاتيله اجاره منفسخ اولیوب اما
 چوجغك یاخود سود انانك وقاتيله منفسخ اولور
 (فصل ثانی)

(اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنهدر)

۴۴۴ ماده

اجاره نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اولملری
 شرطدر

۴۴۵ ماده

بیوعده اولدیغی کبی اجاره نك انعقادنده دخی ایجابك
 قبوله موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

۴۴۶ ماده

آجر ایجار ایده جکی شیئك متصرفی یاخود متصرفك
 وکیل یا ولیسی یا وصیسی اولق لازمدر

۴۴۷ ماده

فضولینك ایجاری متصرفك اجازتنه و متصرفی صغیر

و یا مجنون ایسه اجر مثلیله ایجار اولندیغی صورتده
 و لیسنگ و یا و صیسنگ اجازته موقوفا منعقد اولور
 فقط اجازتک صحتده درت شیئک یعنی عاقدین و مالک
 و معقود علیهم و بدل اجاره عروضدن اولدیغی
 تقدیرده انک دخی قیام و بقاسی شرط اولوب بونلردن
 بریسی معدوم اولسه اجازت صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(صحت اجاره نک شرائطی حقهده در)

۴۴۸ ماده

اجاره نک صحتده عاقدینک رضاسی شرطدر

۴۴۹ ماده

مأجورک تعیینی لازمدر

بناء علیه ایکی دکاندن بری تعیین و تحمیر ایدلمکسزین

ایجار اولنسه صحیح اولماز

۴۵۰ ماده

اجرت معلوم اولوق شرطدر

۴۵۱ ماده

اجارهده منفعت مانع منازعه اوله حق وجهه معلوم

اولوق شرطدر

۴۵۲ ماده

خانه و دكا كين وسوت انا امثالنده مدت اجاره نك بيانيله
منفعت معلوم اولور

۴۵۳ ماده

حيوان استيجار اولندقدە يوك يوكتمك ايچونميدر يوخسه
ركوب ايچونميدر و كيم بنه جكدور بوراسنك تعينى ياخود
ديلديكنى اركاب ايتك اوزره تعميمى ايله برابر اجاره نك
مدتى ياخود مسافه سى دخی بيان اولتمق لازمدر

۴۵۴ ماده

اراضى استيجارنده تعين مدتله برابر نه ايش ايچون
اولديغى بيان اولتمق وزراعت ايچون ايسه نه اكييله جكى
تعين و ياخود مستاجر هر نه ديلرسه اكك اوزره ديو
تميم قلمق دخی لازمدر

۴۵۵ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتى عملك بيانيله
يعنى نه يابه جغنى ونصل يابه جغنى تعين ايله اولور
مثلا اثواب بو ياديله حق اولدقدە اثوابك بو ياجيه
ارائه سى ياخود غلظت و رقتك بيلديرلسى ورنكسك
بيانى لازمدر

۴۵۶ ماده

اشیا نقلنده اشارتله و نقل اولنده جق محلك تعیینیه منفعت
معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسک دینلدکده یوک
مشاهده و مسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی
معلوم اولور

۴۵۷ ماده

منفعت مقدور الاستیفا اولوق شرطدر
بناء علیه برفراری حیوانک ایجاری صحیح اولماز
(فصل رابع)

(اجاره‌نک بطلان و فسادى حقنده در)

۴۵۸ ماده

انعقاد اجاره‌نک شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل
اولور

مثلا مجنونک وصی غیر ممیزک ایجار و استیجاری باطلدر.
فقط بعد الانعقاد آجر یا مستأجرک تجن ایتسیله اجاره
منفسخ اولماز

۴۵۹ ماده

اجاره باطلده استعمال ایله اجرت لازم اولماز

فقط مال وقف و یا مال یتیم ایسه استعمال ایله اجر مثل

لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

۴۶۰ ماده

انعتاد اجاره نك شرطلری بولنوبده شرائط صحتدن بریسی

بولنسه اجاره فاسد اولور

۴۶۱ ماده

اجاره فاسده نافذدر . فقط اجاره فاسدهده آجر اولان

کیمسه اجر مثله مالک اولوب اجر مسمايه مالک اولماز

۴۶۲ ماده

اجاره نك فسادى بعضا بىلك مجهول اولسندن و بعضا

دیگر شرائط صحتك بولنماسندن نشأت ایدر

اولكى صورتده بالغنا مابلغ اجر مثل لازم کاور .

ایکنجی صورتده اجر مسمايى تجاوز ایتماك شرطيله

اجر مثل لازم کاور

(باب ثالث)

(اجرتہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب اویج فصلی حاوید)

(فصل اول)

(بدل اجاره حقندہ در)

۴۶۳ ماده

بیعدہ ثمن اولغہ صالح اولان شیء اجارہ دہ بدل اولغہ
صالح اولدیغی کبی ثمن اولغہ صالح اولمیان شیلر دخی
بدل اجاره اوله یلور

مثلا بر حیوان مقابلندہ یا خود بر خانه نک مسکناسی
مقابلندہ بر بستان استیجار اولنه یلور

۴۶۴ ماده

بدل اجاره نقد ایسه ثمن مبیع کبی مقدارینی تعیین ایله
معلوم اولور

۴۶۵ ماده

بدل اجاره عروضدن یا خود مکیلات یا موزونات یا خود
عددیات متقار به دن اولدیغی حالده مقدار یله برابر
وصفی دخی بیان ایتک لازم کلور

و نقل جل و مؤنته محتاج اولان شیلر ده هر نرده تسلیمی
شرط قلنور ایسه اوراده ایفا اولنق لازم کلور و مکان

ایفا بیان اولدیغی تقدیرده مأجور اکر عقار ایسه اول
عقار؛ اولدیغی محله و اکر عمل ایسه اجیرک عملی ایفا
ایتدیکی یرده و اکر حوله ایسه اجرتک لازم اولدیغی
مکانده ایفاسی لازم کلور

اما حل و مؤنتی اولیان شیرده دیلدیکی یرده اولور

(فصل ثانی)

(اجرتک سبب لزومنه و آجرتک کیفیت استحقاقنه)

(دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۶۶ ماده

عقد مطلق ایله اجرت لازم اولماز

یعنی مجرد اجاره منعقد اولدیغی کی همان بدل اجاره نك
تسلیمی لازم کلز

۴۶۷ ماده

تعجیل ایله اجرت لازم اولور

یعنی مستأجر بر وجه پیشین اجرتی تسلیم ایتمسه آجر
اکمالک اولوب بعده مستأجر انی استرداد ایده من

۴۶۸ ماده

شرط تعجیل ایله اجرت لازم اولور

یعنی بدل اجاره نك بر وجه پیشین و بر لمسی شرط قلندوقده

عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه وارد اولسون و
 كرك عمل اوزرينه وارد اولسون هر حالده مستأجر ك
 اول اسرده بدل اجاره يي تسليم ايتمي لازم كلور
 و اولكي صورتده آجر اجرتي استيفا ايدنجيه دك مأجوري
 تسليم دن و ايكنجي صورتده اجير اجرتي استيفا ايدنجيه دك
 عمل دن امتناع اينده بيلور

و ايكي صورتده دخی آجر ك بر وجه پشين اجرتي مطالبه
 ايله مستأجر ايفادن امتناع ايدر ايسه فسخ اجاره يه
 حق وار در

۴۶۹ ماده

استيفاي منفعت ايله اجرت لازم اولور
 مثلا بر محله كتمك اوزره استيجار اولنان بار كيره ركوب
 ايله اورايه وارلدقده آجری اجرتيه مستحق اولور

۴۷۰ ماده

اجاره صحیحده استيفاي منفعتيه اقتدار ايله دخی اجرت
 لازم اولور

مثلا بر كيمسه اجاره صحیح ايله استيجار ايلديكي خانه يي
 قبض ايتدك دن صكره ساكن اولسه بيله اجرت ويرمسی
 لازم كلور

۴۷۱ ماده

اجاره فاسده ده استيفای منفعتہ اقتدار کافی اولیوب
حقیقه انتفاع بولند قبحه اجرت لازم اولماز

۴۷۲ ماده

من غیر عقد و بلا اذن بر کیمسه برینک مالی استعمال ایتدیکی
صورته معد للاستغلال ایسه اجر مثل لازم اولور
دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکن صکره استعمال
ایدر ایسه معد للاستغلال اولسه دخی اجرت اعطاسی
لازم کلور

زیرا بوحالده استعمال ایتسیله اجرتہ لازم اولمش
اولور

۴۷۳ ماده

اجرتک تعجیل و تأجیلی حقنیده عاقیدن هر نه شرط
ایدرلر ایسه اکارعايت اولنور

۴۷۴ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورته ابتدا آجرک
مأجوری تسلیم و اجیرک عملی ایفا ایلمی لازم کلوب
اجرتک ایفاسی الحقیق مقاوله اولنسان وقت تأدیہنک
انقضاسنده لازم اولور

۴۷۵ ماده

تعجیل و تأجیل شرطی اولمقسزین عقد اولسان اجاره
مطلقه ده عقد اجاره كرك منافع اعیان اوزرینه اولسون
و كرك عمل اوزرینه اولسون هر حالده ابتدا آجرك
مأجوری تسلیم واجیرك عملی ایفا ایلمی لازم كلور

۴۷۶ ماده

اجرت اكر شهریه یا خود سنویه كبی بروقت معین ایله
موقوف ایسه لزوم ایفاسی اول وقتك انقضاسنده در
مثلا شهریه ایسه آيك تمامنده و سنویه ایسه سنه ختامنده
ایفا اولمق لازم كلور

۴۷۷ ماده

اجرتك لزومنده مأجورك تسلیمی شرطدر
یعنی كرا وقت تسلیم اعتبارا ایشلر

بوصورته آجر قبل التسلیم مرور ایدن مدتك اجرتی
اله من . و اكر قبل التسلیم مدت اجاره منقضی اولور
ایسه اجرتدن برشیئه مستحق اولماز

۴۷۸ ماده

مأجور ایله انتفاع بالسکلیه فوت اولدقده اجرت ساقط
اولور

مثلا جام تعمیره محتاج اولوبده تعمیری ائناسنده بر مدت

معطل قالسه اول مدتك اجرتدن حصه سی ساقط اولور .
 كذلك دكر منك صوبي كسيلوبده معطل قالسه صوبك
 انقطاعي وقتندن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط
 مستأجر اون او كوتتمكدن غیری بر صورته اول
 دكر منك اونندن انتفاع ایتدكده بدل اجاره دن اكا اصابت
 ایدن حصه یی ویرمی لازم كلور

۴۷۹ ماده

بر کیمسه بر دكان استیجار و قبض ایتشیکن بر مدت اخذ
 واعطایه کساد عارض اولمغله صنعت ایشلمندی و دكان
 قیالو قالدی دیو اول مدتك کراسنی اعطادن امتناع
 ایده من

۴۸۰ ماده

مدت اوزرینه بر قایق استیجار اولنوبده اثنای راهده
 مدت منقضى اولسه ساحله یناشنجیه دك اجاره ممتد اولور .
 و مستأجر فضله اولان مدتك اجر مثلی ویرر

۴۸۱ ماده

بر کیمسه خانه سنی دیگر کسنه یه مرمت ایتك و بلا اجرت
 ساکن اولمق اوزره ویرسه و اودخی کندو طرفندن
 مرمت ایدرك بر مدت ساکن اولسه عاریت قبیلندن
 اولمغله مصارف تعمیریه اول کسنه یه عائد اولور .

و صاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت ناعنه
برشی الهماز

(فصل ثالث)

(اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی حبس)

(ایدوب ایده مامسی حقننده در)

۴۸۲ ماده

درزی و بویاچی و جامه شوی کبی عملنده اثر اولان اجیرك
ویره سییه مقاوله اولنماش ایسه اجرت ایچون یدنده
مستأجر فیهی حبس ایتکده صلاحیتی وارددر . و بو
وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولماز فقط اجرت دخی الهماز

۴۸۳ ماده

حال و ملاح کبی عملندن اثر اولمیان اجیرك اجرت ایچون
مستأجر فیهی حبس ایتکده صلاحیتی یوقدر
و بو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولور و مال صاحبی بونده مخیر اولوب دیلرسه
محمول اوله رق قیمتینی تضمین ایتدرر و اجرتنی ویرر و دیلرسه
غیر محمول اوله رق تضمین ایتدیروب اجرت ویرمز

(باب رابع)

(مدت اجاره یه متعلق مسائل بیانده در)

۴۸۴ ماده

بر کیمسه کرک یوم کبی قصیر اولسون و کرک سنین کبی
طویل اولسون معلوم اولان مدت اوزرینه مال
و ملکینی آخره ایجار ایده یلور

۴۸۵ ماده

مدت اجارہ نك ابتدای حین عقدده تسمیه یعنی ذکر
و تعیین اولنان وقتدن اعتبار اولنور

۴۸۶ ماده

حین عقددن ابتدای مدت تسمیه اولنمزایسه وقت عقددن
اعتبار اولنور

۴۸۷ ماده

بر سنه لك اولمق اوزره هر آیلغی شو قدر غروشه اوله رق
بر عقارک ایجاری جا ئ اولدیغی کبی شهر به سی بیان
اولنمق سنین بر سنه لك اولمق اوزره شو قدر غروشه
ایجاری دخی صحیح اولور

۴۸۸ ماده

آیک ابتداسنده ایکن اجاره کرک بر آیلق اولسون و کرک
زیاده اولسون شهریه اوله رق مقاوله اولنور ایسه

آیلق اولق اوزره منعقد اولور بوصوتده آی اوتوز
کوندن ناقص اولسه دخی تمام آیلق اعطاسی لازم کلور

۴۸۹ ماده

آیک برازی یکمشیکن بر آیلق اولق اوزره مقاوله
اولندیغی صورتده بر آی اوتوز کون اولق اوزره

اعتبار اولنور

۴۹۰ ماده

آیک برازی یکمشیکن شو قدر آیلق اوله رق مقاوله
اولنور ایسه اولکی ناقص آی اک صکره کی آیدن اوتوز

کون اولق اوزره اتمام اولنوب اجرتی یومیه حسابیله
ایضا اولنور واره یرده کی آیلر غره ایله حساب و اعتبار قیلنور

۴۹۱ ماده

آیک برازی یکمشیکن قاج آیلق اولدیغی بیسان
اولتمسزین هر آیلغی شو قدر غروشه اولق اوزره مقاوله

اولندیغی صورتده ابتدا کی ناقص آی اوتوز کون اعتبار
اولنق لازم کله جکی کبی دیگر آیلر دخی اولوجهله

اونوزر کون اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۲ ماده

آیک ابتدا سنده ایکن بر سنده لک اوله رق عقد اجاره

اولندقه سنه اون ایکی آی اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۳ ماده

آيك بر ازی پكمشيكن اجاره بر سسنة لك اوله رق عقد
اولندقدده بر آي ايامی اوله رق اعتبار اولنوب ديكراون
بری غره اعتباريله حساب اولنور

۴۹۴ ماده

قاج آيلق اولديغی ذکر اولتمسزین هر آیلغی شو قدر
غروشه اولق اوزره بر عقار ایجار اولنسه عقد صحیح
اولور

فقط برنجی آی تمام اولدقدده ایکنجی و دها صکره کی
آیلرک برنجی کیچه سیله برنجی کوننده آجر و مستأجر دن
هر بری اجاره بی فسخ ایده بیلور . اما اولکی کیچه سیله
کونی پکد کدنصکره فسخ ایده من

و اگر احد عاقدین بویله اثنای شهرده فسخ ایتدم دیسه
اول آيك نهایتنده منفسخ اولور

و اگر اثنای شهرده شهر آتی ابتدا مندن اعتباراً فسخ
ایتدم دیسه شهر آتی حلوننده منفسخ اولور

و اگر ایکی یا زیاده آیلق پشین ویرلش ایسه هیچ بریسی
اول آیلرک اجاره سنی فسخ ایده من

۴۹۵ ماده

برکیمسه برکون ایشلک اوزره براجر طوتدیغی صورتده

طلوع شمسیدن عصره قدر یاخود غروب شمسه قدر
ایشلمك خصوصنده عرف بلده نه ايسه اكا كوره عمل
اولنور

۴۹۶ ماده

بری مثلا اون کون ایشلمك اوزره بر دولکر استیجار
ایتسه عقد ولی ایدن کونلر اعتبار اولنور
و اکر یازین اون کون ایشلمك اوزره دیو استیجار ایتسه
قنغی آیک قاچنجی کونندن اعتباراً ایشلیه جکئی بیان
ایتمکجه صحیح اولماز

(باب خامس)

(خیارات حقنده اولوب اویج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیार شرط بیاننده در)

۴۹۷ ماده

بیعهده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیار شرط جاری
اوله رق احد طرفین یاخود ایکیسی بردن شو قدر کون
مخیر اولمق اوزره ایجار واستیجار جائز اولور

۴۹۸ ماده

مخير اولان كيمسه مدت خياري نده ديگر سه اجاره بي فسخ
ايدر و ديگر سه مخير اولور

۴۹۹ ماده

كر ك فسخ كرك اجازت (۳۰۳) و (۳۰۳) و (۳۰۴)
ماده لرده بيان اولنديغي اوزره قول اولنديغي كي فعلا
دخي اولور

بناء عليه اجر مخير اولنديغي صورتده مأجورده تملك
لوازمندن اولان بروجمله تصرف ايتسي فسخ فعليدر
و مستأجر مخير اولنديغي صورتده مأجورده مستأجرينك
تصرفي كي تصرف ايتسي اجازت فعليه در
۵۰۰ ماده

مخير اولان كيمسه اجاره بي فسخ يا خود انفاذ ايتدن مدت
خياري مرور ايدر سه خياري ساقط اوله رق اجاره لازم اولور
۵۰۱ ماده

مدت خياري وقت عقددن اعتبار اولنور

۵۰۲ ماده

مدت اجاره نك ايتداسي خياري سقوطي وقتندن معتبردر
۵۰۳ ماده

شو قدر ذراع يادونم اولاق اوزره استيجار اولنان ير زياده

یا خود ناقص چیتسه اجاره صحیح اولور . و اجر مسمی
لازم کلور

فقط نقصان صورتندہ مستأجر مخیر اولوب دیلر سه
اجاره بی قسح ایدہ بیلور
۵۰۴ ماده

هر دونمی شو قدر غروشه اولق اوزره بریر استیجار اولنسه
اجرتی دونم حسابیلہ ویرماک لازم کلور
۵۰۵ ماده

برایش فلان وقته قدر ایفا اولنق اوزره اجرتی تعیین
اولنهرق عقد اجاره جائز و شرط معتبر اولور
مثلا بر کیمسه کسوبده کوماک دیکمک و بوکون یتشدرمک
اوزره درزییه بز ویرسه یا خود شو قدر کونده مکہ یه
یتشدرمک اوزره بر آدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره
جائز اولور . و اجر شرطی ایفا ایدر ایتسه اجر مسمی
الور و ایفا ایتز ایتسه اجر مسماهی تجاوز ایتماک اوزره
اجر مثل الور
۵۰۶ ماده

عملده و عاملده و حل و مسافده و مکانده و زمانده ایکی
یا اوچ صورت اوزرینه اجرتک تردیدی صحیح اولور .

وهر قنغی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت
اعطاسی لازم کلور

مثلا کنه اردی دیکمک اوزره شو قدر و او بولغامه
دیکمک اوزره بو قدر غروشه بازارلق اولندقدہ قنغی
صورته دیکیلور ایسه اکا کوره مقاوله اولنان اجرتک
اعطاسی لازم کلور

یا خود بردکانده عطارلق ایتک اوزره شو قدر و تیمور جیلک
ایشلمک اوزره بو قدر غروشه مقاوله اولندقدہ مستأجر قنغی
عملی اجرا ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه سنی اعطا
ایدر

کذا بردابه یه بغدادی یو کلمتک اوزره شو قدر و تیمور یو کلمتک
اوزره بو قدر غروشه استکرا اولندقدہ قنغی سنی یو کلدر
ایسه اکا کوره معین اولان اجرتی ویرر

یا خود مکاری شو حیوانی چورلی یه دک یوز وادر نه یه دک
ایکی یوز و فلبه یه دک او چ یوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده
مستأجر نه یه کیدر ایسه اوراسنک اجرتنی اعطا ایلر
و کذلک آجر شو خانه بی یوز و بو خانه بی ایک یوز غروشه
ایجار ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتد کدنصکره هر
قنغی سنده ساکن اولور ایسه انک ایچون معین اولان اجرتی
ویرمی لازم کلور

کذاک برکیمسه برجه بی درزی یه بوکون دیکرسه الی
ویارین دیکرسه اوتوز غروش ویرمک اوزره بازارلق
ایتسه جائز و شرطلر معتبر اولور

(فصل ثانی)

(خیار رؤیت حقنه در)

۵۰۷ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت وارد

۵۰۸ ماده

مأجورک رؤیتی منافعت رؤیتی کبدر

۵۰۹ ماده

مستأجر کورمدن بر عقالی استیجار ایتسه کوردکده

خیر اولور

۵۱۰ ماده

برکیمسه مقدا کورمش اولدیغی برخانه بی استیجار ایتسه

انک ایچون خیار رؤیت یوقدر . مکرکه سکنایه مضر

اوله جق بر محلی منهدم اوله رق هیئت اولاسی تغیر ایتش

ایسه اولخالده مخیر اولور

۵۱۱ ماده

هر عمل که محلاک اختلافیه ذاتا مختلف اوله انده اجیرک

خیار رؤیتی وارد

مثلا برجه دیکمک اوزره درزی ایله بازارلق اولندیغی
صورتده درزی دیکه جکی چوقه یاشالی بی کوردکده
بخیر اولور

۵۱۲ ماده

هر عمل که محکمک اختلافیه مختلف اولیه انده خیار
رویت یوقدر

مثلا شو قدر قیه پموغک چکردکنی ایقلاق اوزره شو قدر
غروشه مقاوله اولندقدده اجیر پموغی کور مسه کندوسی
ایچون خیار رویت یوقدر

(فصل ثالث)

(خیار عیب حقنه در)

۵۱۳ ماده

بعده اولدیغی کی اجاره ده دخی خیار عیب واردر

۵۱۴ ماده

اجاره ده خیاری موجب اولان عیب منافع مقصوده نك
بالکلیه فوت یا خود مختل اولسنه سبب اولان شیدر
مثلا خانه بتون بتون منهدم اولیق و دکرمنک صوبی
کسملک ایله منفعت مقصوده فوت اولدیغندن و خانه نك
چاتیسی چوکک یا خود سکنایه مضر بر محل منهدم

اولمق وکرا بار کیرینک صرتی یاره لئق منافع مقصوده یی
 اخلال ایلدیکندن بونلر اجاره ده خیاری موجب اولان
 عیوبنددر . اما خانه نك ایچروسنه یغمور و صغوق
 کیرمه جک صورتده صواسی دوکک و بار کیرک یله سی
 یاخود قویروغی کسملک کبی منافع اخلال ایتیان قصورلر
 اجاره ده خیاری موجب اولماز

۵۱۵ ماده

منفعتک استیفاسندن مقدم مأجورده بر عیب حادث
 اولسه وقت عقدده موجود کبی در

۵۱۶ ماده

مأجورده بر عیب حادث اولنقدده مستأجر مخیر در .
 دیلرسه عیبیلر برابر استیفای منفعت ایلر بوصورته
 اجرتی تماما ویرر و دیلرسه اجاره یی فسخ ایلر

۵۱۷ ماده

مستأجرک اجاره یی فسخندن مقدم آجر اکر عیب حادثی
 ازاله ایلر ایسه مستأجرک حق فسخی قالماز .
 و مستأجر بقیه مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی
 اکا مانع اوله ماز

۵۱۸ ماده

منافع اخلال ایدن عیب حادثک رفعندن مقدم مستأجر

اجاره بی فسخ ایده جاك اولور ایسه آجرك حضورنده
فسخ ایده بیلور . یوخسه غیابنده فسخ ایده من
واکر آجرك غیابنده یعنی اكا خبر ویرمکسزین فسخ
ایدر ایسه فسخی معتبر اولیوب کماکان مأجورک کراسی
ایشلر

اما منافع مقصوده بالسکلیه فوت اولدیغی صورتده آجرك
غیابنده دخی فسخ ایده بیلور
وکرک فسخ ایتسون وکرک فسخ ایتسون درتیوز یتش
سکرنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم
اولماز

مثلا خانه مأجورک منافع اخلال ایدر بر محلی منهدم
اولسه مستأجر فسخ اجاره ایده بیلور . فقط آجرك
حضورنده فسخ ایتسی لازم کلور یوخسه اكا خبر
ویرمکسزین خانه دن چیقویرسه چیقمامش کی اجرت
ویرمی لازم کلور

اما خانه بتون بتون منهدم اولدیغی صورتده آجرك
حضورینه محتاج اولمکسزین مستأجر فسخ اجاره
ایده بیلور . وهر حالده اجرت لازم کلز
۵۱۹ ماده

خانهک بر او طه سی یا خود بر دیواری منهدم اولوبده

مستأجر فسخ اجاره ایتیه رك باقیسنده ساكن اولسه
 اجرتدن برشی ساقط اولماز
 ماده ۵۲۰

برکیمسه ایکی خانه یی بردن شو قدر غروشه استیجار
 ایدوبده بریسی منهدم اولسه ایکیمسی بردن ترك
 ایدوبیلور
 ماده ۵۲۱

شو قدر اوطه لی اولق اوزره استیجار اولیان خانه نك
 اوطه لری ناقص چیقسه مستأجر مخیردر دیلرسه فسخ
 اجاره ایدر و دیلرسه اجر مسمی ایله اجاره یی قبول ایلر
 اما اجاره یی ایضا ایدوبده اجرتدن بر مقدارینی تنقیص
 ایده من

(باب سادس)

(مأجورك انواع و احكامى بيانده اولوب درت)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(اجاره عقاره متعلق مسائل بيانده در)

۵۲۲ ماده

کیمک سکناسی ایچون اولدیغی بیان ایلیمه رک بر خانه
یا دکان استیجار اولنمه جائز اولور

۵۲۳ ماده

بر کیمسه خانه سنی یا دکانی ایچنده امتعه واشیاسی اولدیغی
حالده ایجار ایتسه اجاره صحیح اولوب آجر امتعه
واشیاسنی تخلیه ایله خانه بی تسلیمه مجبور اولور

۵۲۴ ماده

بر کیمسه نه اکه جکی تعین یا خود هر نه دیلر سه امک
اوزره دیو تعیم ایتیه رک بر ارضی استیجار ایتسه اجاره
فاسد اولور . فقط قبل الفسخ تعین ایدوبده آجر دخی
راضی اولور ایسه صحت منقلب اولور

۵۲۵ ماده

بر کیمسه دیلدیکنی امک اوزره استیجار ایلدیکی ارضده

صیفیه و شتایه اوله رق برسنه ایچنده مکررا زراعت

ایده بیلور

ماده ۵۲۶

زرعك ادر اكنندن مقدم مدت اجاره منقضى اولسه

زرعك ادر اكنه دك مستأجر اجر مثلى ویره رك ارض

اوزرنده اكینی بقا ایده بیلور

ماده ۵۲۷

نه ایچون اولدیغی بیان ایلیمه رك دكان و خانه استیجاری

صحیح اولوب کیفیت استعمالی عرف و عادتیه مصروف اولور

ماده ۵۲۸

برکیمه نه ایچون اولدیغینی بیان ایتیمه رك استیجار ایلدیکی

خانه ده کندوسی ساکن اوله بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی

اسکان ایده بیلور • و ایچنه اشیاسنی وضع ایده بیلور •

و بنایه و هن و ضرر کتور میه جك هر نوع ایش ایشلیه

بیلور • اما بنایه و هن و ضرر کتور میه جك ایشی صاحبك

رضاسی اولدیقه یاه ماز

حیوان باغله بقی خصوصنده عرف و عادت بلده معتبر

و مرعیدر • دكانك حکمی دخی بو وجهله در

ماده ۵۲۹

منفعت مقصوده بی اخلال ایدن شیلری یا بقی آجره عائددر

• مثلاً ذکر منک خرقنی آیقلامق صاحبک اوزرینه در •
 كذلك خانه نک و صوبولارینک و کونشکرینک تعمیر و اصلاحی
 و سکنایه محلی اولان شیلرک انشاسی و بنایه متعلق مسائر
 ایشلر هب صاحبی اوزرینه لازمدر • و اگر صاحبی
 بونلری یا مقصدن امتناع ایدر ایسه مستأجر اول خانه دن
 چقیقه بیلور • مگر که استیجار ایتدیکی وقت اول خانه
 بوحال اوزره اولوبده آتی کورمش ایسه عیبیه راضی
 اولمش دیمک اولمسیله صکره دن بونی بهانه ایدرک اول
 خانه دن چقیقه ماز • و اگر مستأجر بوشیلری کندی
 طرفندن یا پار ایسه تبرع قیلندن اولوب مصرفنی آجردن
 طلب ایده من

۵۳۰ ماده

آجرك اذنیله مستأجرک اجرا ایتدیکی تعمیرات اکر
 طامک کر میدینی اقطاعارمق کبی مأجورک اصلاحتیه
 و خلال تطرقدن سیانته عائد ایسه مصرفنی آجردن المنق
 شرطی ذکر اولتماش ایسه بیله مستأجر بوتعمیر انک
 مصرفنی آجردن الور • و اکر خانه نک فروونی تعمیر
 ایتک کبی مجرد مستأجرک منافعه عائد ایسه اولیه بر شرط
 ذکر اولمدر قیجه مستأجر انک مصرفنی آجردن اله من

۵۳۱ ماده

مستأجر بر عقار مأجورده بنا احداث ایلسه یا خود اناج
 دیکسه اجاره نك انتضاسنده آجر مخیر اولور . دیلر سه
 اول بنایی یا خود اناجی قلع ایتدیرر . و دیلر سه قیمتی
 از اولسون چوق اولسون ویروب ابقا ایدر

۵۳۲ ماده

مدت اجاره ده تراکم ایدن توز و طیراق و سوپرندینک
 تطهیر و ازاله سی مستأجر اوزرینه در

۵۳۳ ماده

مستأجر مأجوری تخریب ایدر اولوبده آجر منعنه
 مقدر اوله مسه حاکمه مراجعتله اجاره یی فسخ
 ایتدیردیلور

(فصل ثانی)

(اجاره عروض حقه در)

۵۳۴ ماده

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه واسلحه
 و چادر و امثالی منقولاتک اجاره سی جائز در

۵۳۵ ماده

برکیمسه بر محله کیتک اوزره البسه استیجار ایتدکده اول

محلہ کیتو بدہ خانہ سنده کیسہ یا خود ہیچ کیسہ بہلہ
اجرتک اعطاسی لازم کلور

۵۳۶ مادہ

بر کیسہ کندو کیمک ایچون استیچار ایلدیکی البسہ یی
بشقه سنہ کیدیرہ مز

۵۳۷ مادہ

حلیات البسہ کبندر

(فصل ثالث)

(اجارہ حیوان حقندہ در)

۵۳۸ مادہ

معین بر حیوانی استکرا ایلک صحیح اولدیغی کبی بر محل
معینہ قدر کوتورمک اوزره مکاری ایلہ مقاولہ ایتک دخی
صحیحدر

۵۳۹ مادہ

فلان محلہ قدر دیو بر معین دابہ استکرا اولندیغی صورتنده
ا کر دابہ یولده بیتاب اولوب قالور ایسہ مستأجر مخیر
اولور • دیلرسہ حیوان طور انجیمہ قدر بکرو دیلرسہ
اجارہ یی نقض ایلرو بو حالده اورایہ قدر اولان مسافه نك
اجر مسمان حصہ سی نه ایسہ انی آجره ویرر

۵۴۰ ماده

فلان محله شو قدر يوك كوتور مك اوزره يازارلق اولنديغي
 صورتده حيوان يولده ييتاب اولوب قالور ايسه بشقه
 حيوانه تحمیل ايله يوكی اول محله قدر كوتور مكه مكاری
 مجبور اولور

۵۴۱ ماده

لاعلى التعمین بر حیوان استیجاری جائز اولماز . فقط
 بعد العتد تعین اولنوبده مستأجر دخی قبول ایسر ايسه
 جائز اولور

وبرده معتاد اولديغي اوزره لاعلی التعمین بر نوعدن
 بردابه استیجار اولندقدده جائز ومطلق معارفه مصروف
 اولور

مثلا عادت اولديغي اوزره مكاری ايله فلان محله قدر
 بر بارکیر استیجار اولندقدده مكاری بروجه معتاد بر بارکیر
 ايله اول کیمسه یی اورایه ایصال ایتکه بورجلی اولور
 ۵۴۲ ماده

اجاره ده سنجاق و ولایت کبی بر قطعه نك اسمیله حد مسافه یی
 تعین ایلک کافی دکلدر . مکر که اول قطعه نك اسمی
 بر شهره اطلاق اولنمق اوزره عرف اوله
 مثلا بوسنده دك یا خود عربستانه قدر دیو حیوان استکرا

ایلك صحیح اولیوب واریلہ جق شهر یاقصبہ یاقریہ نك
 تعیینی لازم کلور . فقط شام لفظی بر قطعہ نك اسمی
 اولدیغی حالده شهر دمشقہ اطلاق اولنق اوزره عرف
 اولدیغندن شامہ قدر دیو حیوان استکرا اولنسه صحیح
 اولور

۵۴۳ ماده

فلان محله قدر دیو بر حیوان استکرا اولنوبده اول محلك
 اسمی ایکی بلده یه اطلاق اولنور اولدیغی تقدیرده هر
 قنغیسنه کیدیلور ایسه اجر مثلی لازم کلور

مثلا استانبولدن چکمه یه دك بر حیوان استکرا اولنوب
 ده بیوک یاخود کوچك چکمه دیو تصریح قلمدیغی
 تقدیرده هر قنغیسنه کیدیلور ایسه انك مسافه سنه کوره
 اجر مثل ویرلك لازم اولور

۵۴۴ ماده

بر بلده یه دك بر حیوان استکرا اولندقدہ مستأجری اول
 بلده ده کی خانه سنه قدر کوتورمك لازم اولور

۵۴۵ ماده

بر محمل معینه دك حیوان استیجار ایدن کیسه مکارینك
 اذنی اولدقجه اول محلی تجاوز ایده مز . و تجاوز ایتدکده
 صاغ و سالم صاحبنه تسلیم ایدنجه دك اول حیوان

مستأجر ك ضمانده اولوب كرك ذهابنده و كرك ايا بنده
تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۶ ماده

بر محل معينه كيمك اوزره ديو دابه استتكر اولند قدده
مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كیده مزه و كیدوبنده
حيوان تلف اولسه ضامن اولور

مثلا تكفور طاغنه كيمك اوزره استيجار ايتديكي حيوان
ايله اسليه يه كيتسه و حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۷ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبنده اورايه كيدن
يولار متعدد اولسه مستأجر ناسك سلوك ايتديكي يوللردن
هر قنغيسيله استرسه كیده يولور

و حيوان صاحبي كیده جك يولي تعين ايتمشيكن مستأجر
بشقه يولدن كیدوبنده حيوان تلف اولديغي صورته
اكر بو يول حيوان صاحبنك تعين ايلش اولديغي يولدن
دها طولاشق يا صرب ايسه ضمان لازم كلور و اكر
مساوي يا خود دها اهون ايسه ضمان لازم كلز

۵۴۸ ماده

مستأجر شو قدر مدت ايجون استيجار ايلديكي حيواني

اول مدتدن زیاده استعمال ایده مز وایدوبده یدنده حیوان
تلف اولسه ضمان اولور

۵۴۹ ماده

فلان آدم بئک اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کی
دیلدیکنی بندیرمک اوزره تعمیماً استکراسی دخی صحیحدر
۵۵۰ ماده

رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوک بوکلدیله مز
و یوکلدیلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
لکن بو حالده اجرت لازم اولماز . (۸۶) مادهیه باق
۵۵۱ ماده

فلان آدم بئک اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقه سی
ارکاب اولنه ماز . و ارکاب اولوبده حیوان تلف
اولسه ضمان لازم کلور
۵۵۲ ماده

برکیمسه دیلدیکنی بندیرمک اوزره استکرا ایلدیکی دابه یه
دیلسه کندوسی را کب اولور و دیلرسه بشقه سی
ارکاب ایدر . فقط کړ کندوسی بنسون و کړ
بشقه سی بندرسون هرکیم را کب اولور ایسه مراد
تعین و تخصص ایدوب اندن صکره بشقه سی ارکاب
اولنه ماز

۵۵۳ ماده

رکوب ایچون بر حیوان استکرا اولنوبده کیمک بنه جکی
تعیین و دیلیدیکنی بندرمک اوزره دیو تعمیم اولنمسه اجاره
قاسد اولور

فقط قبل الفسخ تعیین و بیان اولنور ایسه صحتیه منقلب
اولور • و بوصورته دخی هرکیم تعیین ایدر ایسه
اندن بشقه سی اول حیوانه ارکاب اولنده ماز
۵۵۴ ماده

یوک ایچون حیوان استکرا اولندقدنه سمر وایب و جوال
حقنده عرف بلده معتبر در

۵۵۵ ماده

یوکک مقداری بیان یا خود اشارتله تعیین ایدلیه رک حیوان
استکرا اولندقدنه مقداری عرف و عادتیه محمول اولور
۵۵۶ ماده

مستأجر کرا حیواننی صاحبک اذن اولسیرین ضرب
ایده ماز و ضرب ایدوبده اندنناشی حیوان تلف اولسه
ضامن اولور

۵۵۷ ماده

کرا حیواننی ضرب ایتمک اوزره صاحبی اذن ویردیکی
صورته مستأجر انحق ضربی معتاد اولان یرینه

اوره بیلور . وا کر ضربی معتاد اولان موضعدن بشقه
 رینه ضرب ایله مثلا صاغریسنه اوره جق برده باشنه
 اورمغله حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
 ماده ۵۵۸

یوک ایچون استکرا اولنان حیوانه باینیله بیلور
 ماده ۵۵۹

یوک نوع و مقداری ذکر و بیان اولنهرق حیوان استیجار
 اولندقدمه مضرتده اکامماثل یا نود اندن دها اهن اول قدر
 دیگر بر نوع یوک دخی یوکدیلله بیلور . اما مضرتی
 دها زیاده اولان شی یوکدیلله مز

مثلا بر کیمسه بش کیله بغدادی یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 بار کیره کرک کندوسنک اولسون و کرک بشقه سنک اولسون
 وهر قنغی نوعندن اولورسه اولسون بش کیله بغدادی
 یوکده یلیدیکی کبی بش کیله ارپه دخی یوکده بیلور .
 اما بش کیله ارپه یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 حیوانه بش کیله بغدادی یوکده مز نته کیم یوز قیه پوق
 یوکتمک اوزره استکرا اولنان حیوانه یوز قیه تیمور
 یوکدیلله مدیکی کبی
 ماده ۵۶۰

کرا حیوانندن یوکی ایندیرمک مکاری اوزرینه در

۵۶۱ ماده

مأجورك نفقه سی آجر اوزرینه در
مثلا استکرا اولنان بارکیرک علفی و صوارلسی صاحبی
اوزرینه در فقط انک اذنی اولمقسزین مستأجر حیوانه یم
ویررایسه تبرعدر صکره صاحبندن اقچه سی الهماز

(فصل رابع)

(اجاره آدمی بیانده در)

۵۶۲ ماده

خدمت یا اجرای صنعت ایچون باب ثانینک فصل ثالثده
بیان اولندیغی اوزره مدت بیانیه یاخود دیگر صورتده
عملی تعیین ایله اجاره آدمی جائزدر

۵۶۳ ماده

اجرت مقاوله ایدلیدرک بر شخص برکیمسه نک طلبی
اوزرینه اول کیمسه یم خدمت ایتدکده اجرت ایله خدمت
ایدر مقوله دن ایسه اجر مثل اولور . دکل ایسه
برشی الهماز

۵۶۴ ماده

برکیمسه بر شخصه مقدار بیان ایتیه رک فلان ایشی
کورسکا ا کرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایلمسه
اجر مثله مستحق اولور

۵۶۵ ماده

اجرت تسمیه او انقسمتین عمله استخدام اولندقدده کونده لکی
معلوم ایسه اجرت معلومه و دکل ایسه اجر مثلی
ویریلور . بوکا ممائل اصنافک معامله لری دخی
بو وجهله در

۵۶۶ ماده

قیامتدن لاعلی التعین بر شی ویرمک اوزره اجیرایله عقد
اجاره اولندقدده اجر مثل لازم اولور
مثلا بر کیمسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت
سکا بر چفت اوکوز الیوریم دیسه اوکوز اعطاسی
لازم کلیوب اجر مثل لازم کلور . فقط عادت اولدیغی
اوزره البسه یا یلق اوزره سوت انا استیجاری جائز
والبسه نك نصل اوله جغی وصف و تعریف اولندیغی
تقدیرده اوسط درجسی لازم اولور

۵۶۷ ماده

خدمه یه خارجدن ویرلمش اولان بخشش اجرتیه محسوب
ایدیله ماز

۵۶۸ ماده

بر علم یا صنعت تعلیمی ایچون استاد استیجار اولندقدده اگر
مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت اوزرینه منعقد اولور

حتی استاد تعلیمه حاضر و مهیا بولنق ایله اجرتیه مستحق
اولور شا کرد کرک تعلم ایتسون و کرک ایتسون
واکر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اوله رق منعقد
اولور . بوضورته شا کرد تعلم ایدرسه استاد اجرتیه
مستحق اولور . والا اجرت الهماز
۵۶۹ ماده

برکیمسه مثلا اوغلنی صنعت او کرنک ایچون اوسته یه
ویروب احد هما آخره اجرت شرط ایتدکاری حالده
چوجق صنعت او کرند کد نص کره یکدی کردن اجرت مطالبه
ایتسه لر عرف و عادت بلده نه ایسه انکله عمل اولنور
۵۷۰ ماده

برقریه اهالیسی برخواجه یاخود امام یامؤذن استیجار
یدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلسه لر اجرتلرینی اول
قریه اهالیسندن الورلر
۵۷۱ ماده

بالنفس عمل ایتک یعنی کندو ایشلمک اوزره استیجار اولنان
اجیر کندو یرنده بشته سنی قوللانه ماز
مثلا برکیمسه برجبه یی شو قدر غروشه درزی کندو الیه
دیکمک اوزره بازارلق ایتد کده درزی انی آخره
دیکدیره میوب کندوسی دیکمک لازم کلور و آخره

دیگدیردیکی تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

۵۷۲ ماده

مطلق اوله رق مقاوله اولندیغی صورتده آجر کندو یرنده

بشقه سبی قوللانه ییلور

۵۷۳ ماده

مستأجرک اجیره بو ایشی یاپ دیمه سی اطلاقدر

مثلا برکیمسه درزی یه بالذات یاخود کندوک دیو تقید

ایتمکسزین شو قدر غروشه بو جبه بی دیک دیو بده

مقاوله ایتدکده درزی انی قلفه سنه یاخود دیگر بر

درزی یه دیگدیرسه اجر مسمایه مستحق اولور . وبلا

تعد جبه تلف اولسه ضامن اولمز

۵۷۴ ماده

عماک توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلمیان هر نه

اولور ایسه اولسون بونده عرف و عادت بلده یه اعتبار اولنور

ایپاک درزینک اولق اوزره عادت اولدیغی کبی

۵۷۵ ماده

یوکی خانه یه ادحال ایتک حاله لازم اولوب اما محله نه

قویمق انک اوزرینه لازم دکدر

مثلا یوکی اوست قانه چیقارمق و ذخیره بی انباره

دوکک حاکم بورجی دکدر

۵۷۶ ماده

اجیره بیك ویرمك مستأجره لازم اولماز . مكركه عرف
بلده اوله

۵۷۷ ماده

بر دلال بر مالی كز درو بده صا ته مسد بعده صاحبی
صا ت قدده اول دلال اجرت الهماز و دیگر بر دلال
صا ت دیغی تقدیرده اجرت دلایه بی كاملا ایکنجی دلال
الوب اولنکیسی برشی الهماز

۵۷۸ ماده

بر کیسه مالی دلالة و یروپ شو قدر غروشه صا ت
دیدکده دلال اندن زیاده به صا ت سه اول زیاده دخی مال
صاحبك اولوب دلال اجرت دلایه سندن بشقه برشی
الهماز

بیعه دلال دلایه سنی الدقدنصكره بر مستحق چیتو بده
مبیعی السه یا خود عیب ایله بیع رد اولنسه دلایه
استرداد اولندماز

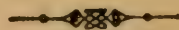
۵۸۰ ماده

بر کیسه نك ترلا سنده کی اکیبی بیچمك اوزره شو قدر
غروشه استیجار ایلش اولدیغی اورا قیلر اکیك بر
مقدارینی بیچدکاری حالدله طولو یا غمغه یا خود بشقه بر

قضا ظهوريله اكينك ماعداسى تلف اولسه اجر مسمادن
بيچدكلى اكينك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى اله يلوب
باقيسى اله مازلر

۵۸۱ ماده

سوت انا خسته اولدقه فسخ اجاره ايدنه بيلديكى كى
بويله خسته وكبه اولور ياخود چوجق انك مهنه سنى
الماز و ياسوتنى استقراغ ايلر ايسه مسترضع دخی فسخ
اجاره ايدنه بيلور



(باب سابع)

(بعد العقد آجر و مستأجر ك وظيفه و صلاحيتلرينه)

(دائر اولوب اوچ فصلنى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم مأجور حقنددر)

۵۸۲ ماده

مأجورك تسليمى مستأجره بلا مانع آنكله انتفاع
ايدنه بيله جك حالده آجر ك اذن ورخصت ويرمسيدر

۵۸۳ ماده

مدت يا مسافه اوزرينه اجاره صحیحه عقد اولندقه

مدتك انقضاسنه و مسافه نك ختامنه قدر مأجورك متصل
 و مستمراً يندنه طور بق اوزره مستأجره تسليمي لازمدر
 مثلاً بر كيمسه شو قدر مدت ايله يا خود فلان يره كيمتك
 اوزره بر عربيه استيجار ايندكده اول مدت ظرفنده يا خود
 اورايه وارنجيدك اول عربيه يي قوللانه ييلور و اوراده
 صاحبي اني الوبدنه كندو امورنده استعمال ايده من
 ۵۸۴ ماده

آجرك بر ملك عقاريني ايچنده كندو مالي اولديغي حالده
 ايچار ايتسه فارغا تسليم ايتدكجه كرا ايشلنز . مكر كه
 اول مالي دخي مستأجره صاتمش اوله
 ۵۸۵ ماه

آجر خانه يي تسليم ايدوبده ايچنده كي اشيا سني قويد يغي
 بر او طه يي تسليم ايتسه اول او طه نك بدل اجاره دن
 حصه سي مقداري ساقط اولور . و خانه نك باقيسنده
 دخي مستأجر مخيردر . و اكر آجر قبل الفسخ خانه يي
 تخليه و تسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجر ك
 حق فسخني ساقط اولور

(فصل ثانی)

(بعد العقد عاقدینک مأجورده تصرفلرینه دائر در)

۵۸۶ ماده

مأجور عقار ایسه مستأجر انی قبل القبض آخره ایجار
ایده بیلور . و اگر منقول ایسه ایده من

۵۸۷ ماده

ناسک استعمال و انتفاعده متفاوت اولدیغی مأجوری
مستأجر بشقه سنه ایجار ایده بیلور

۵۸۸ ماده

اجاره فاسده ایله مستأجر اولان کیسه مأجوری
بعد القبض بشقه سنه اجاره صحیحه ایله ایجار ایتمسه
جائز اولور

۵۸۹ ماده

بر کیسه مالی مدت معلومه اوزرینه برینه اجاره لازمه ایله
ایجار ایتدکن صکره تکرار بشقه سنه اول مدتی ایجار
ایلمه اجاره ثانیه نافذ و معتبر اولماز

۵۹۰ ماده

مستأجرک اذنی اولقسزین آجر مأجوری صاتسه
مستأجر حقتده بیع نافذ اولماز ایسه ده بایع ایله مشتری
بیننده نافذ اولور

حتى مدت اجاره‌نك انقضاسنده مشتری حقنده بيع لازم
اوله‌رق المقدن امتناع ايده‌من

مگر که مدت اجاره‌نك انقضاسندن مقدم مشتری بايعدن
مبيعك تسليمی مطالبه ايدوبده تسليمی ممکن اولديغی
جهتله قاضی عقد بيعی فسخ ايله واکر مستأجر
بيعی مجیز اولور ايسه هربری حقنده بيع نافذ اولور
ليکن مستأجرک بوجه پشین ویرمش اولديغی بدل
اجاره‌دن استيفا ايتديکی مقداری انه واصل اولدقجه
مأجور انك النذن انه‌من

واکر مستأجر بونی استيفا ايتدن مأجوری تسليم ايدر
ايسه حق حبسنى اسقاط ايتمش اولور

(فصل ثالث)

(رد و اعاده مأجوره متعلق مواد بیانده‌در)

۵۹۱ ماده

اجاره‌نك انقضاسندنصکره مستأجر مأجور اوزرندن
رفع یدایتمسی لازمدر

۵۹۲ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صکره مستأجر ارتق مأجوری
استعمال ايده‌من

۵۹۳ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجر مالنى المق استمده كده مستأجر ك
دخى تسليم ايتمى لازمدر

۵۹۴ ماده

مأجورك رد و اعاده سى مستأجر ك اوزرينه لازم اوليوب
اجاره نك انقضاسنده مأجورك اخذى آجر اوزرينه در
مثلا برخانه نك اجاره سى منقضى اولدقه صاحبي
واروب خانه سنى تسليم ايتك لازمدر .

كذلك فلان محله قدر بر حيوان استيجار اولندقه صاحبي
اول محله بولوب حيواننى المق لازم كلور . وكلوب
المدبغى حالده مستأجر ك تعدى وتقصيرى اولقسزى
ينده اول حيوان تلف اولسه ضامن اولماز

اما بر محل معيندن كيدوب كلك اوزره استيجار ايتمش
اولسه اول محله كوتورمى لازم كلور واورايه
كوتورمى درك كندو خانه سنده كوتوروب طوتسه وحيوان
تلف اولسه ضامن اولور

۵۹۵ ماده

مأجورك رد و اعاده سى حل و مؤتته محتاج ايسه اجرت
نقليه سى آجر اوزرينه در

(باب ثامن)

(ضمانات پيائنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ضمان منفعت حقنده در)

۵۹۶ ماده

برکیمسه بر مالی صاحبك اذنی اولقمسزین استعمال
ایتمش اولسه غصب قیلندن اوله رق منافعی اوده مك
لازم کلز

فقط مال وقف یا مال صغیر ایسه هر حالده ومعد للاستغلال
ایسه تأویل ملك وعقد اولدیغی حالده ضمان منفعت
یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرك خانه سنده عقد اجاره ایتمکسزین
خود بخود بر مدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم
کلز . فقط اول خانه وقفك یا بر صغیرك مالی ایسه کرک
تأویل ملك وعقد بولنسون وکرک بولنسون هر حالده
ساکن اولدیغی مدتک اجر مثلنی ویرمسی لازم کلور
کذلک کراخانه اولوبده تأویل ملك وعقد اولدیغی
حالده بیه اجر مثل لازم اولور

وکذا برکیمسه صاحبك اذنی اولقمسزین برکرا بار کرینی

آلوده بر مدت قوللانسه اجر مثلی ویرسی لازم کلور
۵۹۷ ماده

تأویل ملک ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر مال مشترکی شریکارندن بریسی دیگر شریکنک
اذنی اولقسزین بر مدت مستقلا تصرف واستعمال ایلسه
ملکمدر دیو استعمال ایلش اوله جغی جهتله معد
لاستغلال اولسه دخی دیگر شریکی حصه سنک اجر تنی اله ماز
۵۹۸ ماده

تأویل عقد ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر کیمسه مشترکا مالک اولدیغی دکانی شریکنک
اذنی اولقسزین برینه صاتمغله مشتری دخی بر مدت
تصرف ایدوب انحق دیگر شریکی بیعه اجازت
ویرمیه رک حصه سنی ضبط ایلدکده دکان هر
نقدر معدلاستغلال ایسه ده حصه سنک اجر تنی مطالبه
ایده من زبرا مشتری انی تأویل عقد ایله استعمال ایتش
یعنی عقد بیع ایله متصرف دیو قوللانمش اولدیغی جهتله
ضمان منفعت لازم کلز

کذلک بر کیمسه بر دکر منی ملکی اولق اوزره برینه بیع

و تسليم ايله مشترى بر مدت ضبط و تصرف ايتد كدن صكره
 بشقه بر كمنه اول دكر منده مستحق چيقوب بعد الاثبات
 والحكم مشترين السه مشترينك مدت مزبوره ده تصرفي
 ايچون اجرت نامنه برشي اله مزيرا بونده دخی تأويل
 عقد واردر

۵۹۹ ماده

بر كيمسه بر صغيري و ليسنك اذني اولقسرين استخدام
 ايلسه بالغ اولدوقده خدمتك اجر مثلي الور ۰ و صغير
 فوت اولسه ورثه سي دخی اول مدتك اجر مثلي اول
 كيمسه دن اله ييلور لر

(فصل ثاني)

(مستأجر ك ضمانتي حقنده در)

۶۰۰ ماده

عقد اجاره كرك صحيح اولسون و كرك صحيح اولسون
 مستأجر ينده مأجور امانتدر

۶۰۱ ماده

مأجور اكر مستأجر ينده تلف اولور ايسه مستأجر ك
 تعديسي ياتقصيري و يا خود مأذونيتنه مخالفتي اولدوقده
 ضمان لازم كلز

ماده ۶۰۲

مستأجر ك تعديسی ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کلسه مستأجره ضمان لازم کور

مثلا مستأجر کرا حیوانی اوروب اولدرسه یاخود عنف و شدت اوزره سور مکه حیوان تلف اولسه قیمتی ضامن اولور

ماده ۶۰۳

مستأجر ك خلاف معتاد حرکتی تعدی اولوب بوندن تولد ایدن ضرر و خساری ضامن اولور

مثلا استیجار ایتدیکی البسه یی عادت ناسه مخالف اوله رق استعمال ایدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور

کذلک خانه مأجورده ناسک یا قدیغی مرتبه زیاده آتش یا قسندن ناشی حریق ظهور یله خانه محترق اولسه ضامن اولور

ماده ۶۰۴

مستأجر ك امر محافظه ده تقصیری ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کلسه ضمان لازم کور

مثلا مستأجر کرا حیوانی باشی بوش بر محله صالحه ویر مکه ضایع اولسه ضامن اولور

۶۰۵ ماده

مشروطك مافوقنه تجاوز ايله مستأجر ك كندو مأذونیتنه
مخالفتی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه یاخود مادونه
عدول ايله مخالفتی ضمانی ایجاب ایتمز

مثلا مستأجر شو قدر قیه یاغ یو کتمک اوزره استکرا
ایلدیکی حیوانه اولقدر قیه تیمور یو کلدوبده حیوان تلف
اولسه ضامن اولور

اما مضرتده یاغده مساوی یاخود ده اخفیف بر جنس حوله
یو کلدوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلز

۶۰۶ ماده

اجاره نك انقضاسنده مأجور كما كان مستأجر بدنده
ودیعه كبی امانت قالور بناءً علیه اجاره منقضى
اولدقدنصكره مستأجر مأجوری استعمال ایدوبده تلف
اولسه ضامن اولور

كذلك اجاره نك انقضاسنده آجر مالی طلب ایدوبده
مستأجر ویر میوب امساك ایتدكدنصكره اول مال تلف
اولسه ضمان لازم کلور

(فصل ثالث)

(اجيرك ضمانی حقننده در)

۶۰۷ ماده

اجيرك تعديسی يا خود تقصیری ايله مستأجر فيه تلف
اولسه ضامن اولور

۶۰۸ ماده

اجيرك تعديسی مستأجرڪ صراحةً يا دلالةً امرينه
مخالف عمل و حرڪت ايتسيدر

مثلا برکيمسه اجير خاص اولان چوبانه شو حيوانلری
فلان محله رعی ایت آخریره کوتورمه دیشیکن چوبان
اول محله رعی ایتدرك بشقه محله کوتوروب رعی ایتسه
تعدي ایتش اولور .

واوراده رعی ایدر ایکن حیوانلر تلف اولسه چوبانه
ضمان لازم کلور

کذلک برکیمسه درزی به بر قاش و یروب و بکا براوزون
انتاری چیقارسه کس دیوب درزی دخی چیقاردیه رک
کسدکده اوزون انتاری چیقیمسه اول کیمسه قاشی درزی به
تضمین ایتدیره یلور

۶۰۹ ماده

اجيرك تقصيرى مستأجر فيك محافظه سنده بلا عذر قصور
ايتسيدر

مثلا سوريدن بر حيوان فرار ايتدكده چوبان مجرد تكاسل
وامهالندن ناشى واروب طوتمديغى جهتله حيوان ضايع
اولسه چوبان تقصير ايتمش اوله جغندن ضمان اولور
اما انك ارقه سى صره كيتديكى تقديرده ديكر حيوانلرك
ضايع اولقى احتمالى غالب اولديغى جهتله واروب
طوتمامش ايسه معذور اولمغله ضمان لازم كلز

۶۱۰ ماده

اجير خاص اميندر

حتى ينده بغير صناعه تلف اولان مالى ضمان اولماز
وكذا بلا تعد كندو عمليه تلف اولان مالى دخى ضمان
اولماز

۶۱۱ ماده

اجير مشترك كرك تعديسى ياتقصيرى اولسون وكرك
اولسون كندوسنك فعل و صنعندن تولد ايدن ضرر
وخسارى ضمان اولور

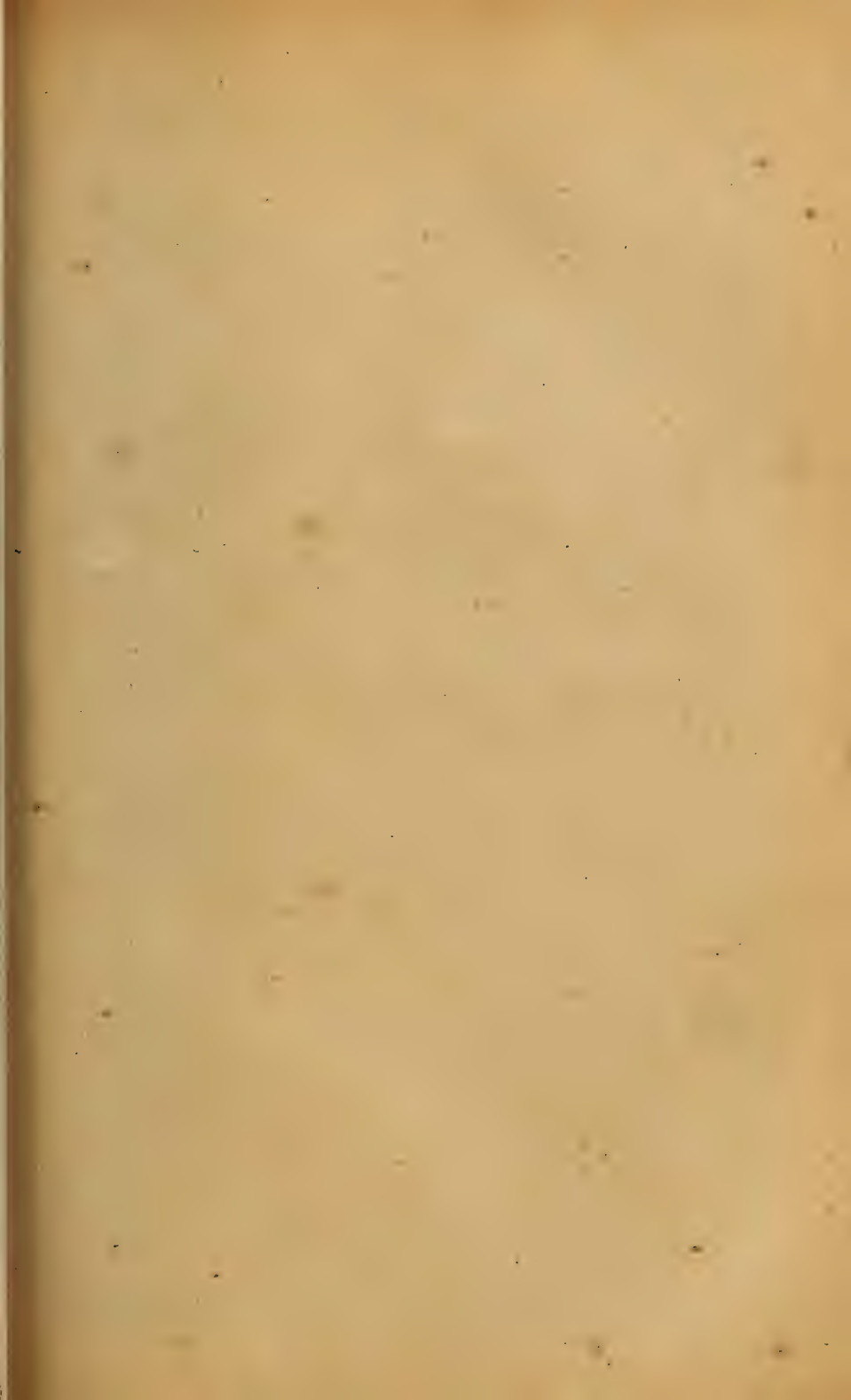
اراده سنه تاريخى فى ۶ ذى القعدة سنه ۱۲۸۶

مفتش اوقاف همایون ناظر دیوان احکام عدلیه
السید خلیل اجد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت
السید اجد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء شورای دولت عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
محمد امین السید اجد حلی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده
علاء الدین



— ❧ كتاب الكفالة ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجنبه عمل اولنه)

(كتاب ثالث)

(كفالت حقنده اولوب بر مقدمه ايله اوچ بابي حاويدر)

(مقدمه)

(كفالته دائر اولان اصطلاحات فقهيه بيانده در)

۶۱۲ ماده

كفالت . بر شيئك مطالبه سي حقنده ذهتي ذمته ضم
ايتكدر

يعني بر كيسه ذاتني ديكر ك ذاتنه ضم ايدوب وانك
حقنده لازم كلان مطالبه يي كندو دخی التزام ايتكدر

۶۱۳ ماده

كفالت بالنفس . بر آدمك شخصنه كفيل اولمقدر

۶۱۴ ماده

كفالت بالمال . بر مالك اداسنه كفيل اولمقدر

۶۱۵ ماده

كفالت بالتسليم . بر مالك تسليمه كفيل اولمقدر

۶۱۶ ماده

كفالت بالدرك . مبيع بالاستحقاق ضبط اولنديغي

تقدیرده آچه سنی ادا و تسلیمه یا خود بایعک نفسنه کفیل
اولمقدر

۶۱۷ ماده

کفالت منجزه . شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف
اولمیان کفالتدر

۶۱۸ ماده

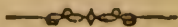
کفیل . کندو ذمتنی آخرک ذمتنه ضم ایدن یعنی
آخرک متعهد اولدیغی شیئه کندو دخی متعهد اولان
کیمسه درکه اول آخره اصیل و مکفول عنه دنیلور

۶۱۹ ماده

مکفول له . کفالت خصوصنده طالب وداین اولان
کیمسه در

۶۲۰ ماده

مکفول به . کفیلک تسلیمه یا اداسنه متعهد اولدیغی
شیدرکه کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به
برشیدر



(باب اول)

(عقد كفالت حقننده اولوب ايكي فصلي حاويدر)

(فصل اول)

(ركن كفالت حقننده در)

۶۲۱ ماده

يالکز کفيلک ايجاييله کفالت منعقد و نافذ اولور . فقط
مکفول له ديلر سه رد ايدمه ييلور . و مکفول له رد ايتدجه
کفالت باقى قالور

بو صورتده مکفول لهک غيابهده برندن اله جفته برکيمسه
کفيل اولوبده خبر کفالت کندويه و اصل اولدين
وفات ايتسه کفيل بو کفالتيله مطالبه و مواخذه اولنور

۶۲۲ ماده

کفيلک ايجابى يعنى الفاظ کفالت عرف و عادتده تعهد
و التزامه دلالت ايدن سوزلردر

مثلا کفيل اولدم يا خود کفيل و يا ضامنم ديسه کفالت
منعقد اولور

۶۲۳ ماده

وعد معلق ايله دخى کفالت اولور (۸۴) ماده يه باق
مثلا فلان آدم سنک الاجفكى ويرمز ايسه بن ويررم

دیسہ کفالت اولور و داین اله جفی استیوبده مدیون
ویرمه کفیلدن مطالبه ایدر

۶۲۴ ماده

بوکوندن فلان وقته قدر کفیلیم دیدکده کفالت موقته
اوله رق منجزا منعقد اولور

۶۲۵ ماده

کفالت • مطابق اوله رق منعقد اولدیغی کبی تعجیل
و یا تأجیل قیدیه یعنی همان یا خود فلان وقته ایفا اولنق
اوزره دیو مقید اوله رق دخی منعقد اولور

۶۲۶ ماده

کفیله کفیل اولق صحیحدر

۶۲۷ ماده

کفیلک تعددی جائز در

(فصل)

(شرائط کفالت بیانده در)

۶۲۸ ماده

کفالت انعقادنده کفیلک عاقل و بالغ اولسی شرطدر
بناء علیه مجنون و معتوه و صینک کفالتی صحیح اولماز
وصی ایکن کفیل اولوبده بعد البلوغ بو کفالتی مقر
اولسه دخی انسکه مؤاخذه اولنده ماز

۶۲۹ ماده

مكفول عنك عاقل و بالغ اولسى شرط دكلدر
بناء عليه مجنون و صبيك بورجنه كفالت صحیح اولور
۶۳۰ ماده

مكفول به نفس ايسه معلوم اولسى شرطدر . و مال
ايسه معلوم اولسى شرط دكلدر

بناء عليه فلان آدمك فلان آدمه اولان بورجنه كفيلم دیدكده
بورجك مقداری معلوم اولسه دخی كفالت صحیح اولور
۶۳۱ ماده

كفالت بالمالده مكفول به اصیل اوزرینه مضمون اولوق
یعنی اصیل اوزرینه ایفاسی لازم اولوق شرطدر
بناء عليه ثمن مبیعه و بدل اجاره یه و سائر دیون صحیح یه
كفالت صحیح اولور

كذلك مال مقصوبه كفالت صحیح اولوب لدی المطالبه
كفیل بونی عیناً یا بدلاً ایغایه مجبور اولور
و كذا سوم شرا طریقيله مقبوض اولان ماله ثمن تسمیه
اولنش ايسه كفالت صحیحدر . اما قبل القبض مبیعك
عیننه كفالت صحیح اولماز زیرا عین مبیع بایع یدنده
تلف اولسه بیع منفسخ اوله جفندن بایع اوزرینه مضمون
اولیوب یا لکز ثمنی قبض ایتش ايسه ردی لازم کاور

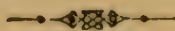
کذلک مرهون و مستعار و مأجور و امانات سائر اصيل
 اوزرينه مضمون اولمديغندن بونلرک عینلرينه کفالت
 صحیح اولماز . فقط مکفول عنه بونلری اضاعه و استهلاك
 ایدر ایسه کفیل دیسه صحیح اولور . و برده کرک مبیعک
 و کرک بونلرک تسلیمه کفالت صحیح اولور . و لندی المطالبه
 برجهتله حق حبسلیری یوغیسه کفیل بونلری تسلیمه مجبور
 اولور . انجق کفالت بالنفسده مکفول بهک و فاتیله
 کفیل بری اولدیغی کبی بونلر تلف اولدیغی تقدیرده دخی
 کفيله برشی لازم کلز

۶۳۲ ماده

عقوباتده نیابت جاری اولماز
 بناء علیه قصاصه و سائر عقوبات و مجاوزات شخصیه یه
 کفالت صحیح دکدر . اما جارج و قاتل اوزرينه لازم
 کلان ارش و دیته کفالت صحیحدر

۶۳۳ ماده

مکفول عنهنک یسارنی شرط اولمیوب مفلسه دخی کفالت
 صحیح اولور



(باب ثانی)

(کفالتک احکامی بیانده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(کفالت منجزه و معلقه و مضافه نك حکمی بیانده در)

۶۳۴ ماده

کفالتک حکمی مطالبه در

یعنی مکفول لهک کفیلدن مکفول بهی مطالبه یه حق
اولقدر

۶۳۵ ماده

کفالت منجزه دن دین اکر اصیل حقنده معجل ایسه
در حال و مؤجل ایسه مدت معینه سنک تمامنده کفیل
مطالب اولورمثلا برکسه برینک بورجنه کفیل اولدم دیدکده بورج
اگر معجل ایسه در حال مؤجل ایسه مدتی ختماننده
دائن اله جعنی کفیلدن مطالبه ایده ییلور

۶۳۶ ماده

اما بر شرطه معلق و زمان مستقبله مضاف اوله رق منعقد
اولان کفالتده شرط تحقق و زمان حلول ایتمدجه کفیل
مطالب اولاز

مثلاً فلان آدم سنك اله جغكي ويرمز ايسه اداسنه كفيل
 ديد كده كفالت مشروطا منعقد اولوب لدى المطالبه اول
 آدم بورجنى ويرمز ايسه كفيلدن مطالبه اولنور يوخسه
 اصلين قبل المطالبه كفيل مطالب اولماز

كذا فلان آدم سنك مالكي سرقت ايدر ايسه بن ضامنم
 ديسه كفالت صحيح واول آدمك سرقتي ثابت اولدوقده
 كفيل مطالب اولور

وكذا مكفول له نه وقت مطالبه ايدر ايسه شو قدر كون
 مهلت ويرمك اوزره كفيل اولسه مكفول ليهك مطالبه
 ايتديكي وقتدن اعتباراً اول قدر كون مهلت ويريلوب
 ايام مذكورهك مرورندن صكره مكفول له هر نه وقت
 ايستر ايسه مطالبه ايدر وكفيلك تكرار او قدر كون
 استدعاسنه صلاحيتي اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله حق اله جغكه ويا فلانده اقراض
 ايده جكك مبلغه يا خود فلانك سندن غصب ايده جكي
 شيئه ويا خود فلانده صاته جغك مالك ثمنه كفيل ديد كده
 كفيل انحق بواحوالك تحققتنه يعنى بورجك ثبوتى
 واقچهك اقراضى وغصبك تحققي ومالك بيع وتسليمي
 وقوعنده مطالب اولور

وكذا فلان كون احضار اتمك اوزره فلانك نفسنه

كفيلم دیدکده كفيل اول کوندن مقدم مکفول بهک
احضاريله مطالب اولماز

ماده ۶۳۷

شرطک تحقّقنده وصف وقیدینک تحققی دخی لازمدر
مثلا فلان کیمسه نك اوزرینده حکم اوانور ایسه ادا سنه
كفيلم دیدیکی صورتده اول کیمسه شوقدر غروش بورج
اقرار ایتمسه حکم حاکم لاحق اولمقدجه كفيلک آتی ادا
ایتمسی لازم کلز

ماده ۶۳۸

کفالت بالدرکده مبیعه مستحق چیققدقه بالمحا که بایعک
ثمینی رد ایتمسه حکم اولمقدجه كفيل مواخذه اولنماز
ماده ۶۳۹

کفالت موقتده كفيل انجق مدت کفالت ظرفنده
مطالب اولور

مثلا بو کوندن برآیه قدر كفيلم دیدکده كفيل انجق بو بر
آی ظرفنده مطالب اولوب اول آیک مرورنده کفالتدن
بری اولور

ماده ۶۴۰

کفالتک انعقادندن صکره كفيل کندوسنی کفالتدن
اخراج ایده من فقط کفالت معلقه ومضافده دینک ذمت

مديونه ترتبندن مقدم كفيل كندوسنى كفالتدن اخراج
ايدە يلور

مثلا بر كيمه بر آدمك نفسنه ياديننه منجزا كفيل اولدقدن
صكره كندوسنى كفالتدن اخراج ايدە مديكى كې فلانده
نه قدر اله جفك ثابت اولور ايسه ضامنم ديدكده دخی
كفالتدن دونه مز زيرا دينك ثبوتى هر نه قدر عقد
كفالتدن مؤخر ايسده دمت مديونه ترتبى عقد كفالتدن
مقدمدر . اما فلان آدمه نه صاتار ايسهك ياخود
صاته جفك مالك ثمنه كفيل ديديكى صورته مكفول
لهك اول آدمه صاته جفى مالك ثمنه ضامن اولور فقط
قبل البيع كندوسنى كفالتدن اخراج ايدە يلور . شوبله
كه بن كفالتدن واز كچدم سن اول آدمه مال صاته
ديدكدن صكره مكفول له اول آدمه برشى صاتار ايسه
كفيل انك ثمنه ضامن اولماز

۶۴۱ ماده

مقصوب يا مستعار اولان مالك رد و تسليم اولان اولان
كيمه مالى صاحبنه تسليم ايتدكده اجرت ثمنه ضامن
و مستعيره رجوع ايدر يعنى اجرت ثمنه ضامن اولدندن
الور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسک حکمی بیاننده در)

ماده ۶۴۲

کفالت بالنفسک حکمی مکتفول بهی احضار دن عبارت در
 شویله که قنغی وقت مکتفول بهک تسلیمینی شرط ایتش
 ایسه اولوقت مکتفوله طلب ایتدیکی کبی کفیلک انی
 احضار ایتسی لازم کلور احضار ایدر ایسه فیهوا واکر
 ایتز ایسه انی احضار ایتک اوزره جبر اولنور

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالک احکامی بیاننده در)

ماده ۶۴۳

کفیل ضامن در

ماده ۶۴۴

طالب مطالبه ده مخیر در اله جغنی دیلر سه کفیلدن
 و دیلر سه اصیلدن مطالبه ایدر و برندن مطالبه سی
 دیکرندن مطالبه حقنی اسقاط ایتیوب برندن مطالبه
 ایتدکن صکره دیکرندن و یا خود معا ایکیسندن دخی
 مطالبه ایده یلوز

ماده ۶۴۵

کفیل بالمال اولان کیسه نک کفالتی حسبیه ذمتنه لازم

كلان مبلغه ديكر برى كفيل اولسه دايں اله جغنى كفيلارك
قنغيسندن استر ايسه مطالبه ايدر

۶۴۶ ماده

پر جهندن طولايى مشتركا مديون اولان كيسه لر يكدىكره
كفيل اولسه لر هر برى دينك مجموعيله مطالب اولور

۶۴۷ ماده

بردينك متعدد كفيلارى اولديغى صورتده اكر بشقه
بشقه كفيل اولمشلر ايسه هر برى مجموع دين ايله مطالب
اولور

واكر معا كفيل اولمشلر ايسه هر برى ديندن حصه
مقداريله مطالب اولور فقط بونلر يكدىكره ذمته لازم
كلان مبلغه دخى كفيل اولمشلر ايسه اول حالده هر برى
مجموع دين ايله مطالب اولور

مثلا بر كيسه نك بيك غروش بور جنه برى كفيل اولدقدن
صكره ديكر برى دخى كذلك بيك عروشه كفيل اولسه
داين بو مبلغى كفيلارك هر قنغيسندن استر ايسه مطالبه
ايدر . اما اول ايكي كيسه بو بيك غروش معا كفيل
اولسه لر هر برى بيك غروشك نصفيله مطالب اولور
مكر كه يكدىكره ذمته لازم كلان مبلغه دخى كفيل اولمشلر
ايسه اول حالده هر برى بيك غروش ايله مطالب اولور

۶۴۸ ماده

کفالتده اصیلک بری اولسی شرط قلنور ایسه حواله یه

منقلب اولور

۶۴۹ ماده

محیلک عدم برائی شرطیله حواله کفالتدر

بناء علیه برکیمسه مدیونه سنده کی اله جغنی سن دخی

ضامن اولق اوزره فلانک اوزرینه حواله ایت دیسه

او دخی اولوجهله حواله ایتسه طالب اله جغنی هر

قغیسندن استرایسه الور

۶۵۰ ماده

بری نزدنده برکیمسه نک امانت مالی اولدیغی حالده

اول مالدن ادا ایتک اوزره اول کیمسه نک بورجنه

کفیل اولسه جائز اولور . واول نمالدن ایفا ایتک

اوزره کفیل اجبار اولنور . واکر مال تلف

اولسه کفیله برشی لازم کیز . فقط کفیل اولدقدن

ضکره اول مالی صاحبنه رد ایتسه اول حالده کندو

ضامن اولور

۶۵۱ ماده

برکیمسه برینی فلان وقتده احضار ایتک اوزره نفسنه

واول وقت احضار ایتدیکی سوره بورجنک اداسنه

کفیل اولدقده وقت معینده احضار ایتز ایسه کفیلک
اول دینی ویرمسی لازم کاور

و کفیل فوت اولدقده ورثه سی وقت معینه قدر مکفول
بهی تسلیم ایدر لر یاخود مکفول به جهت کفالتدن
طولانی نفسنی تسلیم ایلر ایسه کفیل طرفنه مالجه برشی
ترتیب ایتز واکر انلر مکفول بهی یاخود مکفول به نفسنی
تسلیم ایتز ایسه کفیلک ترکه سندن مالک اداسی لازم کاور
و مکفول له فوت اولسه وارثی مطالبه ایدر

و کفیل وقت معینده مکفول بهی احضار ایدوبده
مکفول له تعیب واختنا ایسه انک طرفندن بر وکیل
نصب ایلر اکا تسلیم اولنق اوزره کفیل حاکمه
مراجعت ایلر

ماده ۶۵۲

کفالت مطلقده دین اگر اصیل اوزرینه معجل ایسه
کفیل حقمده دخی معجل و اصیل اوزرینه مؤجل ایسه
کفیل حقمده دخی مؤجل اوله رق ثابت اولور

ماده ۶۵۳

کفالت مقیده تعجیل و تأجیل وصفلرینک هر قفیل
قید اولنمش ایسه کفیل اکا کوره مطالب اولور

ماده ۶۵۴

بر مدت معلومه ايله مؤجل اولان دینه اول مدت ايله
مؤجل اوله رق کفالت صحیح اولدیغی کبی اندن
زیاده مدت ايله مؤجل اوله رق کفالت دخی صحیح
اولور

ماده ۶۵۵

داین اله جغنی اصیل حقنده تأجیل ایدر ایسه کرک
کفیل و کرک کفیل الکفیل حقنده دخی تأجیل ایتیش
اولور

و کفیل اول حقنده تأجیلی کفیل ثانی حقنده دخی تأجیل
اولور

اما کفیل حقنده تأجیلی اصیل حقنده تأجیل دکلدر

ماده ۶۵۶

مؤجلامدیون اولان کیسه قبل حلول الاجل آخر
دیاره کیده جک اولوبده داینی حاکمه مراجعتله اندن کفیل
استدکده کفیل ویرمکه مجبور اولور

ماده ۶۵۷

بر کیسه برینه بنم فلان کیسه یه اولان بورجه کفیل
اول دیوب و او دخی کفیل اولوبده کفالت حسبیه
بورجی ادا ایند کدنصکره اصیله رجوع ایده جک

اولدقده كفيل اولديغي شئيئه رجوع ايدر مؤدايه
اعتبار اولتماز

ما بورجك بر مقدارى اوزرينه دين ايله مصالحه ايتديكى
تقديرده ويرديكى بدل صلح ايله رجوع ايدر يوخسه
مجموع دين ايله رجوع ايده من

مثلا مسكوكات خالصه يه كفيل اولوبده مغشوش آقچه
ايله تأديه ايتسه اصلين مسكوكات خالصه الور وبالعكس
مغشوش سكه يه كفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله
تأديه ايتسه اصلين مغشوش سكه الور كذلك شو قدر
غروشه كفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه
ايتسه اصلين كفيل اولديغي مقدار آقچه نى الور
اما يك غروشه كفيل اولوبده صلحا بشيوز غروش ايله
تأديه ايتسه اصلين بشيوز غروش الور

ماده ۶۵۸

عقد معاوضه ضمنده بر كيمسه برينى الداتمش اولسه
ضررينه ضامن اولور

مثلا بر كيمسه بر عرصه اشترا ايدوبده اوزرينه بنا ياپلدقن
صكره مستحق چيقوبده ضبط اولنسه مشتري بايعدن
عرصه نك قيمتى الدقن بشقه بنانك حين تسليمده كي
قيمتنى دخى الور

تذلك بر كيمسه اهل سوقه اشبو صغير او غله مال صاتكز
 اكا تجارت ايچون اذن ويردم ديسه وبعده اول چوجق
 بشقه سنك اولديغي ميدانه چيقيسه اهل سوق اول چوجغه
 صاتمش اولديغي مالك آقچه سني اول كيمسه دن مطالبه
 ايدر

(باب ثالث)

(كفالتدن برائت حقنده اولوب اوچ فضلى حاويدر)

(فصل اول)

(بعض ضوابط عموميه بيانده در)

ماده ۶۵۹

مكفول به كرك اصيل وكرك كفيل طرفندن مكفول لهه
 تسليم وايفا اولندوقده كفيل كفالتدن برى اولور

ماده ۶۶۰

مكفول له كفيلي ابرا ايتدم ياخود كفيل طرفنده حقم يو
 قدر ديسه كفيل برى اولور

ماده ۶۶۱

كفيلك برائتندن اصيلك برائتي لازم كلز

ماده ۶۶۲

اصيلك برائتي كفيلك برائتي موجب اولور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسدن برائت حقننده در)

۶۶۳ ماده

کفیل مکفول بهی شهر و قصبه کی مخصوصه ممکن اولان
 یرده مکفول لهه تسلیم ایتدکده مکفول له کرک قبول
 ایتسون و کرک قبول ایتسون کفیل کفالتدن بری اولور
 فقط بر بلده معینهده تسلیمی شرط ایدیش ایسه بشقه
 بلدهده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز
 و مجلس حاکمهده تسلیم ایتک اوزره کفیل اولدوقده
 زقاقده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز . فقط ضابط
 حضورنده تسلیم ایتسه بری اولور

۶۶۴ ماده

طالبک طلبی اوزربنه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل
 کفالتدن بری اولور . اما طالبک طلبی اولتسزین
 تسلیم ایتدکده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدیکه بری
 اولماز

۶۶۵ ماده

فلان کون تسلیم ایتک اوزره کفیل اولوبده اول کوندن
 اول تسلیم ایتدکده مکفول له قبول ایتسه بیله کفیل
 کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۶

مكفول به فوت اولدقده كفيل كفالتدن برى اولديغي
 كى كفيلك كفيلي وار ايسه او دخی برى اولور
 كذاك كفيل فوت اولسه كندو كفالتدن برى اولديغي
 كى كفيلي وار ايسه او دخی برى اولور
 اما مكفول لهك وقاتيله كفيل كفالتدن برى اولمىوب
 وارثى مطالبه ايدر

(فصل ثالث)

(كفالت بالمالدين برائت حقنده در)

ماده ۶۶۷

داين فوت اولوبده مديون اكا منحصر وارث اولسه
 كفيل كفالتدن برى اولور
 واكر داينك بشقه وارثى دخی وار ايسه كفيل يالكر
 مديونك حصه سندن برى اولوب ديكر وارثك حصه سندن
 برى اولماز

ماده ۶۶۸

كفيل ياخود اصيل بورجك بر مقدارى اوزرينه دائن
 ايله مصالحه ايتدكلرنده اكر اكي سنىك يا اصيلك برائتى
 شرط ايدلمش ياخود هيچ بر شرط درميان ايدلماش ايسه
 ايكيسى دخی برى اولور

واكر يالكز كفيلك برائتي شرط ايدلمش ايسه يالكز كفيل
بري اولوب طالب دخي مخير اولور . ديلر ايسه مجموع
دينني اصيلدن وديلر سه بدل صلحي كفيلدن و باقيسني
اصيلدن الور

۶۶۹ ماده

كفيل مكفول لهي برينك اوزرينه حاله ايدوب مكفول
له و محال عليه دخي قبول ايتسه هم كفيل و همده مكفول
عنه بري اولور

۶۷۰ ماده

كفيل بالمالك و فائده مال مكفول به تركه سندن مطالبه اولور
۶۷۱ ماده

ثمن مبيعه كفيل اولوبده بيع فسخ اولنسه يا خود مبيع
بالاستحقاق ضبطو يا عيله رد قلنسه كفيل كفالتدن بري اولور
۶۷۲ ماده

مدت معلومه تمامه دك بر مال ايجار اولنوبده تسيمه
قلنان بدل اجاره سنه بر كيمسه كفيل اولدوقده مدت
اجاره نك انقضاسنده اول كفالت دخي منتهي اولوب
بعده اول مال اوزرينه مجدداً عقد اجاره اولندوقده اول
كفالتك بوكا شمولي اولماز

فی ۱۸ محرم سنه ۲۸۷

اراده سنیه تاریخی

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده عن اعضاء شورای دولت
علاء الدین محمد امین

كتاب الحواله

✽ صورت خط همايون ✽

(موجبنجه عمل اولنه)

(كتاب رابع)

(حواله حقنده اولوب بر مقدمه ايله)

(ايكي بابي حاويدر)

(مقدمه)

(حواله يه دائر اولان اصطلاحات فقهيه بياننده در)

۶۷۳ ماده

حواله • ديني بر ذمتدن ديكر ذمته نقل ايتكدر

۶۷۴ ماده

محيل • حواله ايدن كيسه كه ميوندر

۶۷۵ ماده

محال له • دائر اولان كيسه در

۶۷۶ ماده

محال عليه • كندو اوزرينه حواله يي قبول ايدن
كيسه در

۶۷۷ ماده

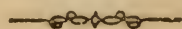
محال به • حواله اولنان مالدر

۶۷۸ ماده

حواله مقیده . محیلک محال علیه ذمتنده یاخود یدنده
اولان مالندن ویرمک اوزره دیو مقید اولان حواله در

۶۷۹ ماده

حواله مطلقه . محیلک محال علیه ده اولان مالندن
ویرمک اوزره دیو مقید اولیان حواله در



(باب اول)

عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر (

(فصل اول)

(رکن حواله بیاننده در)

۶۸۰ ماده

محیل کندو داننده سنی فلانک اوزرینه حواله ایتدم
دیوب انلر دخی قبول ایتدکلرنده حواله منعقد اولور

۶۸۱ ماده

یا لکز محال له ایلر محال علیه بیننده عقد حواله اولانه بیلور
مثلا برکیسه برینه بنم فلانده اولان شوقدر غروش
اله جفهی حواله سن اوزرینه ال دیوب او دخی قبول
ایتدم دیسه یاخود فلانده اولان شوقدر غروش

اله جعكي بنم اوزریمه حواله قبول ایت دیوب اودخی
ایتسه حواله صحیح اولور حتی محال علیه صکره نادم
اولسه ندامتی فائده ویرمن

۶۸۲ ماده

یالکز محیل ایله محال له بیننده اجرا اولنان حواله محال
علیه لدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح و تمام اولور
مثلا برکیمسه دانی آخر دیارده اولان برینک اوزرینه
حواله ایدوب دانی دخی قبول ایتدکنصکره محال علیه
لدی الاعلام اودخی قبول ایتدیک کی حواله تمام اولور

۶۸۳ ماده

یالکز محیل ایله محال علیه بیننده اجرا اولنان حواله
محال لهک قبولنه موقوفا منعقد اولور
مثلا برکیمسه برینه بنم فلانه اولان دینی حواله سن
اوزریکه آل دیوب اودخی قبول ایتسه موقوفا منعقد
اولوب محال له قبول ایتدکده حواله نافذ اولور

(فصل ثانی)

(شرائط حواله بیاننده در)

۶۸۴ ماده

انعقاد حواله ده محیل ایله محال لهک عاقل و محال علیه
عاقل بالغ اولسی شرطدر

بناء علیه صبی غیر ممیزك برینه بوج حواله ایتسی و برندن
حواله المسی باطل اولدیغی کی صبی کرک ممیز اولسون
و کرک غیر ممیز اولسون و کرک مأذون و کرک محجور اولسون
برندن کندو اوزرینه حواله قبول ایتسی باطلدر

۶۸۵ ماده

حواله لك نفاذنده محیل ایله محال لهك بالغ اولسی شرطدر
بناء علیه صبی ممیزك حواله سی و حواله المسی ولیسنك
اجازتنه موقوفا منعقد اولور و ولیسی اجازت و یردکده
نافذ اولور

شو قدر که حواله الدیغی صورته ولیسی اذن و یرسه
دخی محال علیهك محیلدن دهاملی یعنی غنی اولسی شرطدر
۶۸۶ ماده

محال علیهك محیله مدیون اولسی شرط اولیوب محیلک
اندن الهجفی اولسه ده حواله سی صحیح اولور
۶۸۷ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اولیه حواله سی دخی صحیح اولماز
۶۸۸ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اوله حواله سی دخی صحیح
اولور . فقط محال بهك معلوم اولسی لازمدر . بناء
علیه دین مجهولك حواله سی صحیح اولماز

مثلاً فلانده ثابت اوله جق اله جغکی حواله قبول ایتدم
دیسه حواله صحیح اولماز
ماده ۶۸۹

اصالة ذمة مترتب اولان دیون صحیحہ نك حواله سی
صحیح اولدینگی کبی جهت کفالت و حواله دن طولایی
ذمتہ مترتب اولان دینك حواله سی دخی صحیح اولور
مممممم

(باب ثانی)

(احکام حواله بیاندہ در)

ماده ۶۹۰

حواله نك حکمی بودرکہ محیل بورجندن و کفیلی وار
ایسه کفالتدن بری اولور . و محال علیہدن اول بورجی
مطالبہ ایتک حقی محال لہہ ثابت اولور . و مرتہن
برینی راہن اوزرینہ حوالہ ایتدکده ارتق رهنی حبس
و توقیفہ صلاحیتی قائلز

ماده ۶۹۱

محیل مطلق اوله رق حوالہ ایتدکده اگر محال علیہده
اله جغنی یوغیسہ بعد الادا محال علیہ محیلہ رجوع ایدر .
واکر اله جغنی وار ایسه بعد الادا دینیلہ تقاص اولور

۶۹۲ ماده

حواله مقیده ده محیلک محال بهدن طولایی حق مطالبه سی
منقطع اولور . و محال علیه ارتق انی محیله ویره مز .
و ویرسه ضامن اولور . و بعد الضمان محیله رجوع
ایدر . و قبل الادا محیل دیونی ترک سندن ازید اولدیغی
حالده فوت اولسه سائر دائلری محال بهه مداخله
ایده مز لر

۶۹۳ ماده

بایعک مشتری ذمتنده ثمن مبیع اولان اله جفغندن ویرلک
اوزره دیو مقید اولان حواله ده مبیع قبل التسلیم هلاک
اولوبده ثمن ساقط اولسه یا خود مبیع خیاری شرط یا خیاری
رؤیت و یا خیاری عیب ایله رد اولنسه و یا خود اقاله
بیع ای دلسه حواله باطل اولماز و محال علیه بعد الادا
محیله رجوع ایدر یعنی ویردیکنی محیلدن الور اما
مستحق چیقوبده مبیع ضبط اولنغله محال علیه اول
دیندن بری ایدوکی تبین ایتسه حواله باطل اولور

۶۹۴ ماده

محیلک محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن ویرلک
اوزره دیو مقید اولان حواله ده مستحق چیقوبده اول

مال ضبط اولسه حواله باطل اولور و بورج محيله
عودت ايدر

ماده ٦٩٥

محيلك محال اليه ينده كي مبلغندن ويرلك اوزره ديو
مقيد اولان حواله ده اول مبلغ تلف اولديغي صورتده
اكر مضمون دكل ايسه حواله باطل اولور و بورج
محيله عودت ايدر . و اكر مضمون ايسه حواله باطل
اولماز

مثلا بر كيمسه نك ينده كي امانت آچقه سندن ويرلك
اوزره دائني اول كيمسه نك اوزرينه حواله ايتدكه قبل
الاخل اول آچقه بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور
و دائنك اله جغي محيله عودت ايدر . اما اول آچقه
مال مقصوب اولسه يا خود امانت اولوبده اول كيمسه نك
اتلافيله اوده مسي لازم كاسه حواله باطل اولماز

ماده ٦٩٦

بر كيمسه كندوس نك بر معين مالي صاتوبده نمندن ادا
ايتك اوزره دائني برينك اوزرينه حواله و او دخی
اول شرطله حواله يي قبول ايتسه صحيح اولور و محال
عليه اول مالي صاتوبده نمندن ديني ادا ايتك اوزره
اجبار اولنور

۶۹۷ ماده

حواله مبهمه ده یعنی محال بهک تعجیل و تأجیلی بیان
اولنمیان حواله ده دین ا کر محیل اوزرینه معجل ایسه
حواله معجله اولوب محال علیهک انی همان تأدیه سی
لازم کاور و ا کر دین مؤجل ایسه حواله مؤجله
اولوب وعده سی حلولنده اداسی لازم اولور

۶۹۸ ماده

محال علیه دینی ادا ایتدن محیل رجوع ایده من
ور رجوع ایده جک اولدقده محال به ایله رجوع ایدر
یعنی نه جنس آقچه حواله اولمش ایسه محیلدن انی
الور

یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده من

متلا کومش آقچه حواله اولنوبده التون و رسه محیلدن
کومش آقچه الوب التون مطالبه ایده من . کذلک
بشته اموال و اشیا ایله تأدیه ایسه حواله اولنسان
آقچه بی الور

۶۹۹ ماده

محال بهک اداسیله یادیکر برینک اوزرینه حواله سیله
یاخود محال لهک محال علیهی ابراسیله محال علیه
دیندن بری اولدیغی کبی محال له محال بهی هبه یاخود

تصدق ایدوبده محال علیه دخی قبول ایتسه کذلک
دیندن بری اولور
۷۰۰ ماده

محال له فوت اولوبده محال علیه اکا وارث اولسه
حواله نك حکمی قالماز
اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده عن اعضاء شورای دولت
علاء الدین محمد امین

— ❧ — كتاب الرهين — ❧ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجب نجه عمل اولنه)

(کتاب خامس)

(رهن حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی شاملدر)

(مقدمه)

(رهنه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۷۰۱ ماده

رهن • بر مالی اندن استیفاسی ممکن اولان برحق مقابلنده

محبوس و موقوف قیلمقدر و اول مائه مرهون دینلدیکی

کبی رهن رهن دخی دینلور

۷۰۲ ماده

ارتهان • رهن المقدر

۷۰۳ ماده

راهن • رهن ویرن کیسه در

۷۰۴ ماده

مرتهن • رهن الان کیسه در

۷۰۵ ماده

عدل • راهن و مرتهنك امنیت ایدوبده رهنی تودیع

و تسلیم ایتدکاری کیسه در

(باب اول)

(عقد رهنه دائر مسائل بیانده اولوب اویچ فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن رهنه دائر اولان مسائل بیانده در)

۷۰۶ ماده

راهن و مرتهنك ايجاب و قبولی ايله رهن منعقد اولور .
فقط قبض بولمقد قبحه تمام لازم اولور

بناء عليه راهن قبل التسليم رهنه ن رجوع ايدە ييلور

۷۰۷ ماده

رهنك ايجاب و قبولی راهن پوشیء سكا دينم مقابله نده
رهن ايتدم ديوب يا خود بو ما آله ديكر برسوز سويليوب
مرتهن دخي قبول ايتدم و يا خود راضي اولدم دينك
كي رضايه دلالت ايدر برسوز سويليكدر . و رهن لفظنك
سويلنمسي شرط دكلدر

مثلا بری شو قدر غروشه برشی اشترا ايله بايعه بر مال
ويزوبده پاره يی ویرنجیه قدر بونی الیقوی دیسه اول مالی
رهن ایتش اولور

(فصل ثانی)

(انعقاد رهنك شرطری بیانده در)

۷۰۸ ماده

راهن و مرهونك عاقل اولسی شرطدر . اما بالغ اولسی
شرط دكلدر . حتی صبی میړك رهن و اړتهانی جائزدر

۷۰۹ ماده

مرهونك صاتلفه صالح برشی اولسی شرطدر
بناء علیه وقت عقدده موجود و مال مقوم و مقدور
التسلیم اولسی لازمدر

۷۱۰ ماده

مرهونك مقابلی مال مضمون اولق شرطدر
بناء علیه مال مغضوب ایچون رهن المی جائزدر . اما
مانت اولان مال ایچون رهن المی صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(مرهونك زوائد متصله سی و عقد رهندن صكره)

(واقع اولان تبدیل و زیاده حقنده در)

۷۱۱ ماده

بیعه بلاذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل
اولدیغی کبی بر عرصه رهن ایدلدکده اوزرندکی بالجمله

اشجار بیله میوه سی و مغروسات و مزروعات سارهمی
صراحة ذکر اولتمسه بیله داخل اولور

۷۱۲ ماده

رهنگ رهن آخره تبدیلی جائزدر

مثلا برکیمسه شوقدر غروش دینی مقابلنده بر ساعت
رهن ایتد کدن صکره بر قلیح کتور و بده ساعتک یرینه
بونی ال دیسه و مرتین دخی ساعتی رد ایله قلیحی السه
اول مبلغ مقابلنده قلیح مرهون اولور

۷۱۳ ماده

بعدالعقد راهنگ مرهونی تزیدی جائزدر

یعنی برشی رهن ایتد کدن صکره هنوز عقد باقی ایکن اکا
دیگر بر مالی دخی رهن اوله رق علاوه ایتسی صحیح
اولور و بوزیاده اصل عقده ملحق اولور یعنی اصل
عقد کویا بویکی مال اوزرینه وارد اولمش اولور
و بویکی مالک مجموعی حین زیاده ده قائم اولان دینه
مرهون اولور

۷۱۴ ماده

بر دین مقابلنده بر مال رهن ایتد کده ینه اول رهه
مقابل اولق اوزره ینک تزیدی صحیح اولور
مثلا برکیمسه بیک غروش دینی مقابلنده ایکی بیک

غرو شلق بر ساعت رهن ایتد کد نصکره ینہ اول رهنه
مقابل اولمق اوزره دایندن بشیوز غروش دها السه
اول ساعت بیک بشیوز غروشہ رهن اولمش اولور
۷۱۵ ماده

مرهوندن متولد زیاده اصل مرهون ایله برابر مرهون
اولور

(باب ثانی)

(رهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل بیانده در)

۷۱۶ ماده

مرتن خود بخود عقد رهنی فسخ ایده بیلور

۷۱۷ ماده .

مرتتهنك رضاسی اولدقجه رهن عقد رهنی فسخ ایده من

۷۱۸ ماده

• رهن و مرتن بالاتفاق عقد رهنی فسخ ایده بیلور

قط بعد الفسخ مرتتهنك اول رهن مقابلنده کی الاجفی

راهندن استیفا ایدنجیه دکین رهنی حبس و امسا که

صلاحیتی وارد

۷۱۹ ماده

مکفول عنیه کفیله رهن و برمی جائزدر

۷۲۰ ماده

برمدیونك ايكي دايى . كرك بريله شريك اولسون كرك
اولسون كندوسندن بر رهن السهله جاڭز اولور . وبو
رهن ايكي دينك مجموعى مقابلنده مرهون اولور

۷۲۱ ماده

برى ايكي كيسه ده اولان الاجغى ايچون بر رهن
السه جاڭز اولور . بودخى ايكي الاجغك مجموعنه
مرهون اولور

(باب ثالث)

(مرهونه متعلق مسائل بيانده اولوب ايكي فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مرهونك مؤنت ومصارفى بيانده در)

۷۲۲ ماده

رهنى مرتن بالذات حفظ ايدر ياخود عيسالى ياشريكي
وياخود خدمتجيسى كبي امينى اولان كيسه ده حفظ ايتديرر

۷۲۳ ماده

بركراسى وبكجى اجرتى كبي رهنك محفظه سى ايچون
اولان مصرف مرتنه عائددر

۷۲۴ ماده

رهنك حيوان ايسه علفي و چوبان اجرتي و عقار ايسه
 تعميري و سقي و تلقيحي و او تيرينك آبقلا نسي و خرقنك
 تطهيري كي بقاسي و اصلاح منافع ايجون اولان مصرف
 راهنه عائددر

۷۲۵ ماده

راهن مرتهندن و بريسي ديكرينه عائد اولان مصرفي خود
 بخود ايفا ايتسه تبرعدر صكره مطالبه ايده من

(فصل ثاني)

(رهن مستعار حقننده در)

۷۲۶ ماده

بركيسه ديكر ك مالني استعمار ايدوبده انك اذنيه رهن
 ايتك جائز اولور . و بوكا رهن مستعار دينلور

۷۲۷ ماده

مال صاحبك اذني مطلق ايسه مستعيراني هر وجهه
 رهن ايده ييلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبي شوقدر غروش و ياشو جنس مال مقابلنده
 يا خود فلان آدمه و يا خود فلان بلده ده رهن ايدمك
 اوزره ديو مقيدا اذن و ير دكده مستعير دخی انجسق انك
 قيد و شرطنه موافق اوله رق رهن ايده ييلور

(باب رابع)

(رهنك احكامی بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رهنك احكام عمومیه سی بیانده در)

۷۲۹ ماده

رهنك حكمی فكنه قدر مرتهنك حق حبسی اولوق
وراهن فوت اولدوقده سائر غرمان احق اوله رق راهنك
رهندن استیفای دین ایده بیلکدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجك مطالبه سنه مانع اولیوب رهنی قبض
ایتد كدنصكره دخی مرتهنك راهندن الا جفنی مطالبه یه
صلاحیتی باقیدر

۷۳۱ ماده

دینك بر مقدار ی ایفا اولندوقده اكا مقابل رهنك بر
مقدارینی رد ایتك لازم كلیوب بقیه دینی تماماً استیفا
ایدنجه یه دك مرتهنك مجموع رهنی حبس و امساك صلاحیتی
واردر . فقط ایکی شی رهن اولندوقده هر بری ایچون
دیندن بر مقدار تعیین اولنش ایسه بریسی ایچون تعیین

اولسان مقدار ادا اولندقدہ راہن یالکزانی تخلیص
ایده پیلور
۷۳۲ مادہ

رہن مستعاری تخلیص ایله کندویہ تسلیم ایتک اوزرہ
صاحبک راہن مستعیری مؤاخذہ یہ صلاحیتی وارد ر
و مستعیر فقری سبیلہ اداء دیندن عاجز اولدیغی صورتہ
معیر اول دینی کندو طرفدن ادا ایله مالنی رهندن
تخلیص ایده پیلور
۷۳۳ مادہ

راہن و مرتهنک وقاتیلہ رهن باطل اولماز
۱۳۴ مادہ

راہن فوت اولدقدہ ورثہ سی کبار ایسمہ انک مقاسمہ
قائم اولوب ترکہ دن تأدیہ دین ایله رهنی تخلیص ایتلمی
لازم اولور

واک و ورثہ صغار ایسمہ یاخود کبار اولوبده غائب
یعنی مدت سفر بعید اولان برده ایسمہ و صیدی مرتهنک
اذنیله رهنی صاتوب ثمنندن تأدیہ دین ایلر
۷۳۵ مادہ

راہن مستعیر کرک بر حیات بولنسون کرک فک رهندن
مقدم فوت اولسون رهن مستعارک مقابلی اولان بورج

ادا اولمديقه معير اولان كيمسه مالني مرتهدن اله من

۷۳۶ ماده

راهن مستعير اولان كيمسه مفلس مديون اولديغي حالده
فوت اولسه رهن مستعار مرتهن يندنه على حاله مرهون
قالور فقط معيرك رضاسي اولمديقه صاتيلاز . ومعير
رهنى بيع ايله تادييه دين ايدنه جاك اولدوقده ثمنى دينه
وفا ايدرسه مرتهنك رضاسينه باقمقميزين صاتيلور .
واكر رهنك ثمنى دينه وفا ايتز ايسه مرتهنك رضاسي
اولمديقه صاتيله من

۷۳۷ ماده

معير اكر ديني تركه سندن ازيد اولديغي حالده فوت
اولسه راهننه بالنفس ديني تادييه ايله رهن مستعاري
تخليص ورد ايتك اوزره امر اولنور . واكر ققرى
سبيله تادييه ديندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار
على حاله مرتهن عنندنه مرهون قالور

فقط ورثه معير بورجي ادا ايله انى تخليص ايد بيلورلر .
ومعيرك دايلري رهنك بيعنى مطالبه ايتدك كرنده ثمنى دينه
وفا ايدر ايسه مرتهنك رضاسينه باقمقميزين صاتيلور .
واكر وفا ايتز ايسه مرتهنك رضاسي اولمديقه صاتيله من

۲۳۲
۷۳۸ ماده

مرتهن فوت اولدقده رهن انك ورثه سی عندنده مرهون
اوله رق قالور

۷۳۹ ماده

ایکی کیمسه یه اولان دینی ایچون بر رهن ویرش اولان
راهن برینه اولان دینی ادا ایتمه رهنك نصفنی استرداد
ایده میوب ایکیسینك دخی اله جغنی تماماً ایضا ایتمدیکه رهنی
تخلیصه صلاحیتی یوقدر

۷۴۰ ماده

ایکی مدیونندن بر رهن الماش اولان کیمسه ایکیسینده
اولان الاجغنی تماماً استیفا ایدنجه یه دك رهنی امساک
ایده ییلور

۷۴۱ ماده

رهنی راهن اتلاف یاخود تعییب ایتدکده ضامن اولسی
لازم کادیکی کبی مرتهن اتلاف یاخود تعییب ایتدکده
دخی قیمتی مقداروی دیندن ساقط اولور

۷۴۲ ماده

آخر بر کیمسه رهنی اتلاف ایتمه یوم اتلافنده کی قیمتی
ویرر • واول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور

(فصل ثانی)

(راهن و مرتهنك رهنده تصرفلری حقنده در)

۷۴۳ ماده

راهن و مرتهندن برينك اذنی اولقسزین دیکرینك رهنی
بشقه بر کیمسه یه رهن ایتسی باطلدر

۷۴۴ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیکره رهن ایتسه رهن
اول باطل و رهن ثانی صحیح اولور

۷۴۵ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتسه رهن اول باطل
و رهن ثانی رهن مستعار قیلندن اوله رق صحیح اولور

۷۴۶ ماده

راهنك رضاسی اولقسزین مرتهن رهنی صاندقده
راهن مخیر اولوب دیلر سه بیعی فسخ ایلر دیلر سه اجازت
ایله تنفیذ ایلر

۷۴۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولقسزین راهن رهنی صاندقده بیعی
نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خال کاز . فقط
بورج ایفا اولنور سه اول بیع نافذ اولور

و کذا مرتهن اول بیعه اجازت ویرسه نافذ اولوب رهن
دخی رهنیتدن چیقهرق بورج حالی اوزره قالور و مبیعک
ثنی مبيع مقامنده رهن اولور . و اگر مرتهن اجازت
ویرمز ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه رهنک فیکنه
قدر بکلو و دیلرسه حاکمه مراجعت ایله بیعی فسخ ایتدیرر
۷۴۸ ماده

راهن و مرتهنندن بری دیگر ینک اذنیله رهنی آخر
برکیمسه یه اعاره ایده یلور و بعده هر بری انی رهنیه
اعاده ایده یلور
۷۴۹ ماده

مرتهن رهنی راهنه اعاره ایده یلور
بوصورته راهن فوت اولسه مرتهن ینه رهنه راهنک
سائر داینرندن اسبق اولور
۷۵۰ ماده

راهنک اذنی اولدقجه مرتهن رهندن انتفاع ایده مز
اما راهنک اذن و اباحه سیله مرتهن رهنی قولانور
و میوه و سوت، کبی حاصلاتی الوز و بونلرک مقابلنده
دیندن برشی ساقط اولماز
۷۵۱ ماده

مرتهن بر محله کیدر اولدقده یول امین ایسه رهنی برابر
کتوره یلور

(فصل ثالث)

(یدعدله اولان رهنك احكامی بیانده در)

۷۵۲ ماده

ید عدل • یدمرتین کبیدر

یعنی راهن ومرتین رهنی امنیت ایتدکری برکیسه یه
تودیع ایتك اوزره مقاوله ایدوب او دخی راضی
اوله رق قبض ایتسه رهن تمام و لازم اولور • واول
کیسه مرتین مقامنه قائم اولور

۷۵۳ ماده

حین عقدده رهنی مرتین قبض ایتك اوزره شرط
ایدلکدن صکره راهن ومرتین بالاتفاق یدعدله وضع
ایتسه لر جائز اولور

۷۵۴ ماده

دین باقی ایکن عدل اولان کیسه راهن ومرتیندن
برینك رضاسی اولدقجه رهنی دیکرینه ویره من و ویررسه
استرداد صلاحیتی واردر • و قبل الاسترداد رهن
تلف اولسه عدل انك قیمتی ضامن اولور

۷۵۵ ماده

عدل فوت اولسه تراضی طرفین ایله رهن بر بشقه عدله

تودیع اولنور . واکر ینلرنده اتفاق حاصل اوله من
ایسه حاکم رهنی برید عدله وضع ایدر
(فصل رابع)

(بیع رهن حقننده در)

ماده ۷۵۶

راهن و مرتهندن بریسی دیکرینک رضاسی اولدقجه
رهنی صاته من

ماده ۷۵۷

دینک وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع
ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتک اوزره حاکم
طرفندن راهنه امر اولنور . اکر اباوعناد ایدرایسه
حاکم رهنی بیع ایله دینی ادا ایدر

ماده ۷۵۸

راهن غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم اولسه مرتهن
رهنی بیع ایله الهجغنی استیفایتمک اوزره حاکم
مراجعت ایدر

ماده ۷۵۹

رهنک فسادندن خوف اولنور ایسه مرتهن انی اذن
حاکمه صاته بیلور و ثمن کندو یدنده رهن اولور . واکر
حاکم اذنی اولقسزین صاتارسه ضامن اولور

کذلک رهن اولان باغ و بستانک میوه و سبزه سی یتشوبده
تلف اولسنندن خوف اولنسه پیله رای حاکم ایله
صاتیله بیلور اما خود بخود مرتهن صاتسه ضامن اولور
۷۶۰ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایتدکده رهنی صاتمق اوزره
راهن مرتهنی یا عدلی یا خود بشقه برینی توکیل ایتسه
صحیح اولور. و ارتقی راهن اول و کیلی و کالندن عزل
ایده مز. و راهن و مرتهندن برینک و قاتیله دخی منعزل
اولماز

۷۶۱ ماده

رهنی بیعه و کیلی اولان کیمسه دینک وقت اداسی حلول
ایتدکده رهنی بیع ایله ثمنی مرتهنه تسایم ایدر. و اگر
ابا ایدر ایسه رهنی صاتمق اوزره راهنه جبر اولنور.
اودخی ابا و عناد ایدر سه حاکم صاتار

و اگر راهن یا خود ورثه سی غائب بولنور ایسه رهنی
صاتمق اوزره و کیله جبر اولنور. و عناد ایدر سه
حاکم کنندو صاتار

اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس و عن اعضاء مجلس رئیس جمعیت مجله و عن اعضاء

تدقیقات شرعیه مجلس تدقیقات شرعیه

السید خلیل عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت

اجد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

مابین زاده علاء الدین اجد حلمی

مدیر مکتب نواب السید عن اعضاء مجلس تدقیقات

یونس وهی شرعیه عیسی روحی

— کتاب الامانات —

✽ صورت خط همايون ✽

موجبچه عمل اولنه

(کتاب سادس)

(امانات حقنده اولوب بر مقدمه ايله اوج بابي مشتملدر)

(مقدمه)

(اماناته متعلق اصطلاحات فقهيه بيانده در)

۷۶۲ ماده

امانت • امين اتخاذ اولنان كيسه نز دنده بولنان
شيدر

كرك وديعه كي عقد استخفاظ ايله امانت ايدلسون
و كرك مأجور و مستعار كي بر عقد ضمنده امانت اولسون
و كرك ركونه عقد و قصد اولمقسزين بر كيسه نك بدينه
امانت پكسون • نته كيم روزكار ايله بر كيسه نك خانه سنه
قوشوسنك بر مالي دوشسه عقد اولنديغي جهتمله اول
مال خانه صاحبي نز دنده وديعه اوليوب فقط امانتدر

۷۶۳ ماده

وديعه • حفظ اچون بر كيسه يه ايداع اولنان مائدر

۷۶۴ ماده

ايداع • كندو مالك محافظه سني ديكره احاله ايتكدر

که احاله ایدن کیمسه یه دالک کسریله مودع و قبول ایدن
 کیمسه یه و دیع و دالک فتحیله مستودع دینلور
 ماده ۷۶۵

عاریت . • بحانا یعنی بلا بدل منفعتی تملیک اولنان مال
 در که معار و مستعار دخی دینلور
 ماده ۷۶۶

اعاره . • عاریت ویرمکدر که ویرن کیمسه یه معیر دینلور
 ماده ۷۶۷

استعاره . • عاریت المقدر که الان کیمسه یه مستعیر دینلور

(باب اول)

(اماناته دائر بعض احکام عمومییه بیانده در)

ماده ۷۶۸

امانت مضمون لازم دکدر

یعنی امینک صنع و تقصیری اولتسزین تلف یا ضایع
 اولدیغی تقدیرده ضمان لازم کلز

ماده ۷۶۹

بر کیمسه یولده یا خود دیگر محمله برشی بواوبده کندوسنه
 مال اولوق اوزره اخذ ایتسه غاصب حکمنده اولور
 بونک اوزرینه اول مال تلف یا ضایع اولدیغی حالده

کند و سنک صنع و تقصیری اولسه بيله ضامن اولور .
اما صاحبنه و یرمک اوزره اولدیغی صورته اکر صاحبی
معلوم ایسه یدنده صرف امانتدر صاحبنه تسلیم ایتسی
لازم کلور . و اکر صاحبی معلوم دکلسه لقطه در
که ملتقط اولان یعنی بولوب الان کیسه یدنده امانتدر
۷۷۰ ماده

ملتقط بر لقطه بولدیغی اعلان ایتدیرر . و صاحبی ظهور
ایدنجه یدک نزدنده امانت اولمق اوزره حفظ ایدر و بر
کیسه ظهور ایله کندو مالی اولدیغی اثبات ایدر ایسه
اکا تسلیم ایتسی لازم کلور
۷۷۱ ماده

بر کیسه نزدنده دیکرک مالی قضار ائلف اولدیغی صورته
اگر صاحبنک اذنی اولقسزین المش ایسه بهر حال
ضامن اولور . و اکر صاحبنک اذنیله المش ایسه
یدنده امانت اولغسله ضامن اولماز . فقط سوم شرا
صورتنده ثمن تسمیه اولندیغی حالده ضمان لازم کلور
مثلا بر کیسه سرچه جی دکاندن خود بخود برکاسه
الوبده الندن دوشدرک قیرلسه ضامن اولور . و اکر
صاحبنک اذنیله الوبده نظر ایدر کن قضار ایره دوشوب
قیرلسه ضمان لازم کلز . و اول کاسه دیکر برطاقم

کاسه لر اوزرینه دوشه رک قیریلوب انلری دخی قیرسه
 بو کاسه لرک ضمانی لازم کلور انجق اول کاسه امانت
 اولغله ینه انک ضمانی لازم کلز . اما بو کاسه قاج
 غروشه در دیوب دکانجی دخی شو قدر غروشه در ال
 دیدگدنصکره اله الویده یره دوشه رک قیرلسه ضامن اولور
 کذلک برکیمسه شربت ایچرکن شربتچینک بارداغی الندن
 دوشوبده قیرلسه عاریت قیلندن امانت اولغله ضمان
 لازم کلز . فقط کندیوسنک سوء استعمالندن ناشی دوشمش
 ایسه ضامن اولور

۷۷۲ ماده

دلالة اذن صراحة اذن کبدر . فقط صراحة نهی
 وار ایسه دلالت اعتبار اولماز
 مثلا برکیمسه برینک اذنیله خانه سنه داخل اولدقه میدانده
 طوران قدح ایله صو ایچمه که دلالة مأذوندر . وصو
 ایچرکن قصارا یدندن قدح دوشوبده قیرلسه ضمان لازم
 کلز

فقط صاحب خانه اول قدحه طوقمه دیو نهی ایتیشکن
 اله الویده دوشه رک قیرلسه ضامن اولور

(باب ثانی)

(ودیعه حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل بیاننده در)

۷۷۳ ماده

صراحة یاخود دلالة ایجاب و قبول ایله ایداع منعقد

اولور

مثلا صاحب ودیعه شو مالی سکا ایداع ایتدم یاخود امانت

ایلدیم دیوب مستوع دخی قبول ایتدم دیسه صراحة

ایداع منعقد اولور

و کذا بر کیمسه خانه داخل اوله رق خانجی به حیوانمی

زهریه باغلیسه یم دید کده خانجی بریر کوسستروب اودخی

اورایه باغلیسه دلالة ایداع منعقد اولور

کذلک بر کیمسه مالی بردکانبجینک یانسه براغوب کیتسه

اودخی کوروت سکوت ایتسه اول مال اول دکان صاحبی

زنده ودیعه اولور . واکر دکان صاحبی قبول ایتیم

دیهرک رد ایتسه ایداع منعقد اولماز

و کذلک بر کیمسه مالی ودیعه اولیق اوزره بر قاج کشینک

یانه براغوب کیتسه وانلر دخی کوروب سکوت ایتسه لر
اول مال جله سنک نزدنده ودیعه اولور فقط برر برر اول
محلدن قالقوب کیتسه لر اک صکره قالان کیمسه حفظه
تعین ایتکله اک نزدنده ودیعه اولمش اولور

۷۷۴ ماده

مودع ایله مستودعدن هر برینک هر نه وقت دیلر سه
عقد ایداعی فسخه صلاحیتی واردر

۷۷۵ ماده

ودیعه نك وضع یده قابل وقبضه صالح اولسی شرطدر
بناء علیه هواده کی قوشك ایداعی صحیح دکلدر

۷۷۶ ماده

مودع ایله مستودعك عاقل ومیز اولملری شرطدر
بالغ اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنونك وصبی غیر میزك ایداع وودیعه یی
قبول ایتلمی صحیح دکلدر اما مأذون اولان صبی میزك
ایداعی وودیعه یی قبول ایلسی صحیحدر

(فصل ثانی)

(وودیعه نك احکامی و ضماناتی بیانده در)

۷۷۷ ماده

ودیعه ید مستودعه اماندر

بناء عليه مستودعك صنع و تعدیسی و حفظده تقصیری
اولمقرین تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلز . فقط
اجرتله حفظ ایچون ایداع اولمش ایسه ممکن التحرز
اولان بر سبیلہ تلف یا ضایع اولدیغی صورته مضمون اولور
مثلا بر کیمسه نک یدندن قضار او دیعه اولان ساعت دوشوبده
قیرلسه ضمان لازم کلز اما ساعتی چکنه سه یا خود الندن
برشی دوشوبده ساعت قیرلسه ضمان لازم کلور . کذلک
بر کیمسه مالنی دیگره ایداع و حفظ ایچون اکا اجرت
اعطا ایتدکن صکره اول مال سرقت اولغی کی ممکن التحرز
اولان بر سبیدن ناشی ضایع اولسه مستوعه ضمان لازم
کلور

۷۷۸ ماده

مستودعک خدمتکاری یدندن و دیعه اوزرینه برشی
دوشوبده و دیعه تلف اولسه خدمتکار ضامن اولور
۷۷۹ ماده

و دیعه حقنده صاحبک راضی اولدیغی شیئی یا مق
تعدیدر

۷۸۰ ماده

مستودع و دیعه بی کندو مالی کی بالذات حفظ ایدر
یا خود امینی اولان کیمسه یه حفظ ایتدیرر

وامینی عندئذ تعدی و تقصیر اولقمیزین تلف یا ضایع
اولسه کرک مستودعه و کرک امینه ضمان لازم کلز
ماده ۷۸۱

مستودع کندو مالنی زرده حفظ ایدر ایسه و دیعه بی
دخی اوراده حفظ ایده بیلور
ماده ۷۸۲

و دیعدنک امشالی وجهله محافظه سی لازمدر
بناء علیه نقود و مجوهرات مثلاً اموالی اخور و صمانلق
کی برلرده طومق حفظده تقصیر اولمغله بو حالده تلف
یا ضایع اولسه ضمان لازم کلور
ماده ۷۸۳

مستودع متعدد اولدوقدا کر و دیعه قابل قسمت دکاسه
برینک اذینله دیکری حفظ ایدر یا خود بالناوبه حفظ
ایدر

و بو حالده و دیعه بلا تعد و لا تقصیر تلف اولسه برینه
ضمان لازم کلز

و اگر و دیعه قابل قسمت ایسه مستودع لر آنی بیلرنده
سویا تقسیم ایله هر بری حصه سی حفظ ایدر
و بریسی حصه سی مودعک اذنی اولدوقجه مستودع
آخره ویره من و یروبدہ آخرک بدنده ایکن بلا تعد و لا

تقصیر تلف یا ضایع اولسه الانه ضمان لازم کلز . اما
ویرن کندو حصه سنی ضامن اولور
۷۸۶ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اکر ممکن الاجرا و مفید
اولور ایسه معتبر در دکل ایسه لغو در
مثلا مستودعک خانه سنده حفظ اولنق شرطیله بر مال
ایداع اولنمشیکن حریق و قوعیله دیگر محله نقلنه مجبوریت
کلدکده اول شرطه اعتبار اولنماز و بو صورتده و دیعه
دیگر محله نقل اولنوبده بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع
اولسه ضمان لازم کلز

و کذا مودع مستودعه و دیعه نك حفظنی امر ایدوبده
زوجه سنده یا او غلنه یا خود خدمتکارینه و یا خود کندو
مالنی حفظ ایدو کلان بر کیمسیه ویرمکدن نهی ایتدکده
اگر اول کسنه یه ویرمکده مجبوریت و ارایسه نهی معتبر
اولماز . بو صورتده مستودع و دیعه یی اول کسنه یه
ویروبده بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان
لازم کلز . و اکر مجبوریت یوق ایکن ویررسه ضامن
اولور

کذلک خانه نك فلان او طه سنده حفظ اولنق شرط
اولنمشیکن مستودع انی اول خانه نك دیگر او طه سنده

حفظ ايتديكى صورتده اكر اول اوطنلر امر محافظه ده
 مساوى ايسلر اول شرطه اعتبار اولتماز
 و بو حالده وديعه تلف اولسه كذاك ضمان لازم كلز .
 اما اوطنلر ك بري كار كير و ديكرى اخشاب اولق كې
 بينلرنده تفاوت بولسه شرط معتبر اولوب مستودع انى
 مشروط اولان اوطنده حفظ ايتمكه مجبور اولور .
 و حفظده اول اوطنك مادونى اولان اوطنيه قويوبده
 تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

وديعهك صاحبي غائب اولوبده حيات و مماتى معلوم
 اولسه مستودع انى صاحبنك وقاتى تين ايدنجيهك
 حفظ ايدر

فقط وديعه طور مغله بوزيله جق شيلردن اولديغى حالده
 حاكك اذيله صاتوب ثمننى نزدنده امانت اولهرق حفظ
 ايدمكلور . اما صا تمبوبده طور مغله بوزلسه ضمان
 لازم كلز

۷۸۶ ماده

آت واينك كې نفقهيه محتاج اولان وديعهك نفقهسى
 صاحبنه عائددر صاحبي غائب اولدقده مستودع اولان
 كيسه حاككه مراجعت ايدوب اودخى صاحب وديعه

حقنه اصلح وانفع اولان صورتك اجراسنى امر ايلر
 شويله كه وديعه نك ايجارى ممكن ايسه مستودع انى رأى
 حاكمه ايجار ايدوب اجرتدن انفاق ايدر ياخود ثمن
 مثليه صاتار و ايجارى ممكن دكلسه كذلك رأى حاكمه
 همان ياخود اوچ گونه قدر كندو مالندن انفاق
 ايتدكدن صكره ثمن مثليه صاتوب نهايت اوچ كونك
 مصرفنى دى صاحبندن ايستر . اما حاكم اذنى
 اولقسزىن مصرف ايدر ايسه مودعدن اله ماز

۷۸۷ ماده

مستودعك تعدى و ياتقصيرى حائنده وديعه تلف و ياخود
 قيمته نقصان طارى اولسه ضمان لازمكور
 مثلا مستودع كندوسنده وديعه اولان نقودى امورينه
 صرف ايله استهلاك ايتسه ضمان اولور . بوضورته
 نزدنده امانت اولان بر كيه نقودى اولوجهله صرف
 ايدوبده بعد كندو مالندن يرينه قويدقن صكره تعدى
 و تقصير اولقسزىن ضايع اولسه ضماندن قورتيله من
 وكذا مستودع ينده وديعه اولان حيوانه بلا اذن بنوبده
 كيدر كن كرك فوق العاده سورمكله و كرك ديكر سبيله
 و كرك بلا سبب تلف اولسه و ياخود اثنای راهده سرقت
 اولسه مستودع اول حيوانى ضمان اولور

کذاک حریق و قوعنده مستودع و دیعه بی دیگر محله نقله
مقتدر ایکن نقل ایتیموبده محترق اولسه صمان لازم کلور
۷۸۸ ماده

و دیعه بی صاحبک اذنی اولقسزین دیگر مال ایله
یکدیگرندن تفریق اولنه میه جق صورتده قارشیرمق تعدیدر
بناء علیه مستودع کندوسنده و دیعه اولان بر مقدار یوزلک
التونلری کندوسنک یوزلک التونلریله یا خود بر بشقه سنک
و دیعه اولان یوزلک التونلریله بلا اذن قارشیردقدن
صکره ضایع اولسه یا خود سرقت اولسه ضامن اولور .
و کذا مستودعدن بشقه بر کیسه مذکور التونلری اولوجهله
قارشیرسه اول کیسه ضامن اولور
۷۸۹ ماده

مستودع اکر و دیعه بی صاحبک اذنیله ماده آئنده ده
بیان اولندیغی اوزره دیگر مال ایله قارشیرسه یا خود
کندوسنک صنعی المقسزین اینی مال بر بریله کذاک
یکدیگرندن تفریق اولنیه جق صورتده قارشیره مثلا
بر صندوق دروننده و دیعه اولان التون کیسه سی یرتیلوب
ایچنده کی التونلر دیکر التونلره قارشیره تجو عنده
مستودع ایله صاحب و دیعه حصه لری مقدار نجه شریک
اولورلر . بو حالده بلا تعد و لا تقصیر تلف و ضایع اولسه
ضمان لازم کلز

۷۹۰ ماده

مستودع ودیعه‌ی بلا اذن آخره ایداع ایده‌مز . ایدوبده
بعده تلف اولسه ضامن اولور

واکر مستودع ثانینک تعدی یا تقصیری ایله تلف اولمش
ایسه مودع دیلرسه مستودع ثانی‌یه تضمین ایتدیرر و دیلرسه
مستودع اوله تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانی‌یه
رجوع ایدر

۷۹۱ ماده

مستودع ودیعه‌ی آخرکسنه‌یه ایداع ایدوبده مودع مجیز
اولسه مستودع اول اره‌دن چیقوب اول کسنه مستودع
اولور

۷۹۲ ماده

مستودع ودیعه‌ی صاحبنک اذنیله استعمال ایده‌یلدیکی
کی آخره ایجار و اعاره ورهن دخی ایده‌یلور
اما صاحبنک اذنی اولقسزین آخره ایجار یا اعاره و یارهن
ایدوبده و دیعه مستأجر یا مستعیر یا خود مرتن یدنده
تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه مستودعه
ضمان لازم کلور

۷۹۳ ماده

مستودع امانت اقچه‌ی بلا اذن آخره اقراض و تسلیم

ایدوبده صاحبی مجیز اولسه مستودع اول اقچه بی ضامن
اولور

کذلک کندوسنده ودیعه اولان اقچه ایله صاحبک آخره
اولان دینی ادا ایتدکده صاحبی راضی اولسه ضامن
اولور

۷۹۴ ماده

ودیعه بی صاحبی طلب ایتدکده کندوسنه رد و تسلیی لازم
کلورورد تسلیم مؤنتی یعنی کافی و مصر فی مودعه مائد
اولور

و مودع طلب ایتدکده مستودع و یرمیوبده ودیعه تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

قطت حین طلبده ودیعه اوزاق محلده بولمق کبی بر
عذر دن ناشی و یرمیوبده تلف یا ضایع اولش ایسه اول
حالده ضمان لازم کلز

۷۹۵ ماده

مستودع ودیعه بی بالذات یا خود امینی ایله رد و تسلیم
ایدر . و امینی ایله رد و ارسال ایتدیکی صورتده قبل
الوصول ودیعه بلا تعد و لاتقصیر تلف یا ضایع اولسه
ضمان لازم کلز

۷۹۶ ماده

ایک کیسه مشترک مالربنی بر کیسه یه ایداع ایتدکن
صکره اول شریک کردن بریسی کل و بده آخرک غیه بنده
حصه سنی مستودعدن طلب ایتدکده ودیعه اکر مثلیاتدن
ایسه مستودع انک حصه سنی کند و سنده ویرر . و اکر
قیمیاتدن ایسه ویرمز

۷۹۷ ماده

ودیعه یی تسلیده مکان ایداع معتبر در
مثلا استانبولده ایداع اولنان متاع ینه استانبولده تسلیم
اولنور ادرنه ده تسلیم ایتک اوزره مستودعه جبر
اولنه ماز

۷۹۸ ماده

ودیعه نك منافعى صاحبكدر
مثلا امانت اولان حیوانك یاوریسی و سوتی و یوکی
صاحبنه عائد اولور

۷۹۹ ماده

صاحب و دیعه غائب اولو بده اوزرینه نفقه سی واجب
اولان کیسه نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبک و دیعه
اولان آچه سندن اول کیسه یه نفقه تقدیر ایتدکده
مستودع کند و یدنده و دیعه اولان آچه دن اول

کیمسه نك نفقه سنه صرف ایتسه ضمان لازم کلز
 فقط حاکمک امری اولقسزین صرف ایدر ایتسه ضامن
 اولور

۸۰۰ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو وفاقندن یأس
 کلدکده قبل الجنه اخذ ایتش اولدیغی و دیعه عیناً موجود
 اولسه صاحبی بر معتبر کفیل کوستره رک مجنونک مانندن
 تضمینه صلاحیتی واردر

فقط صکره کندویه افاقت کلوبده و دیعه بی صاحبیه
 رد ایتش یا خود بلا تعد و لا تقصیر و دیعه تلف یا ضایع
 اولمش ایدوکنی بیان ایدر ایتسه یمینیه تصدیق اولنه رق
 اخذ اولمش اولان اچقه سنی استرداد ایلر

۸۰۱ ماده

مستودع فوت اولدقده و دیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی
 صورتده وارثی یدنده دخی امانت اولمخله صاحبیه رد
 اولور

اما عیناً ترکه سنده بولندیغی صورتده اگر مستودعک
 حال حیاتنده اول و دیعه بی صاحبیه رد ایتدم یا خود
 بلا تعد ضایع اولدی دیمک کبی بر صورتله و دیعه نك حالی

بیان و تقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان
لازم کلز

کذلک وارث و دیعه یی بیلورز شریله ایدی بویله ایدی
دیو توصیف و تفسیر ایدرک مستودعک و فاتندن صکره
بلا تعد ولا تقصیر ضایع اولدیغنی بیان ایتسه یمینیه
تصدیق اولنهرق ضمان لازم کلز

واکر مستودع و دیعه نك حالی بیان ایتماش ایسه مجهلا
فوت اولمش دیمک اولمسیله دیون سائره کبی ترکه سندن
استیفا اولنور

و کذا وارثک و دیعه یی توصیف و تفسیر ایتیه رک مجرد بز
و دیعه یی بیلورز ضایع اولدی دیمسی معتبر اولمیوب
اولوجهله ضایع اولدیغنی اثبات ایده مدیکی صورتده
ترکه دن ضمان لازم کلور

۸۰۲ ماده

مودع فوت اولدقده و دیعه وارثه ویریلور . فقط ترکه
مستغرق بالدين ایسه حاکمه مراجعت ایدیلور
واکر حاکمه مراجعت ایتمکسزین مستودع آنی وارثه
ویروپ او دخی استهلاك ایتسه مستودع ضامن اولور

۸۰۳ ماده

و دیعه نك تضمینی لازم کلدکده مثلیاتدن ایسه مثلی

قیامت دن ایسه ضمانتی موجب اولان شیئک یوم و قیر عنده کی
قیمتی و یرمک لازم کلور

(باب ثالث)

(عاریت حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط اعاره یه متعلق مسائل بیاننده در)

۸۰۴ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد او اور
مثلا بر کیمسه برینه شو مالی سکا اعاره ایتدم یا خود
عاریت و یردم دیوب او دخی قبول ایلدم دیسه یا خود بر
شیء سویلیه رک قبض ایتسه و یا خود بری دیگرینه شو
مالی بکا عاریت و یر دیوب او دخی و یرسه اعاره منعقد
اولور

۸۰۵ ماده

معیرک سکوتی قبول صایلاز
بناء علیه بر کیمسه برندن برشی عاریت استیوبده صاحبی
سکوت ایلش اولدیعی حالدله الهه غاصب اولور

۸۰۶ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعاره دن رجوع ایده یلور

۸۰۷ ماده

معبر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد اعاره
منقسخ اولور

۸۰۸ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولسی شرطدر
بناء علیه فراری حیوانك اعاره واستعاره سی صحیح دکلدر
۸۰۹ ماده

معبر و مستعیرك عاقل و ممیز اولملری شرطدر . بالغ
اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبی غیر ممیزك اعاره و استعاره لری
جائز اولماز اما صبی مأذونك اعاره و استعاره سی جائز
اولور

۸۱۰ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر
۸۱۱ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلاً تعیین و تحبیر اولقسزین ایکی بار کیردن بری اعاره
اولسه صحیح اولیوب معبر هر قنغیسی اعاره ایده جک
ایسه تعیین ایتسی لازمدر فقط هر قنغیسی الور ایسهك
ال دیو مستعیری تحبیر ایتسه اعاره صحیح اولور

(فصل ثانی)

(عاریتک احکام و ضماناتی پیا ننده در)

۸۱۲ ماده

مستعیر بلا بدل عاریتک منفعته مالک اولور
بناء علیه معیر بعدالاسعمال مستعیردن اجرت طلب
ایده مز

۸۱۳ ماده

عاریت مستعیر یدنده امانتدر • بلا تعد ولا تقصیر تلف
یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه ضمان لازم
کمز

مثلا عاریت آینه قضارا مستعیرک الندن دوشمکه یا خود
آیاغی قایو بده کندوسی آینه یه چار پمغه قیرلسه ضمان
لازم کمز • كذلك عاریت کچه اوزرینه قضارا برشی
دو کولسکه لیکه نو بده قیمته نقصان کسه ضمان لازم کمز

۸۱۴ ماده

مستعیرک برکونه تعدیسی یا تقصیری واقع اولدقه
ارتق هر نه سببله اولور ایسه اولسون عاریت تلف
اولسه یا خود قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلور
مثلا مستعیر ایکی کونده وارله جق محله عاریت حیوان

ایله بر کونده کیدو بده اول حیوان تلف اولسه یا خود
ز بون اوله رق قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلور
و کذا بر محله قدر استعاره ایتدیکی حیوان ایله اول
محله وارو بده دها ایلرویه تجاوز ایتدکنصکره حتف
انفه حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور

کذاک بر کیسه بر کردانلق استعاره ایله بر صبینک بوینده
طاقوب و یاننده کوزه دیجیمی اولدیغی حالده براغوبده
سرقت اولندقدہ اکر صبی اوزرنده کی اشیایی حفظه
قادر ایسه ضمان لازم کلز اما قادر دکل ایسه ضمان
لازم کلور

۸۱۵ ماده

مستعارک نفقه سی مستعیر اوزرینه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف و یرمیو بده تلف
اولسه ضامن اولور

۸۱۶ ماده

اعاره مطلقه ده یعنی معیرک اعاره بی زمان و مکان و برنوع
انتفاع ایله تقید ایتدیکی صورتده عاریتی مستعیر دیلدیکی
زمان و مکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایده یلور . فقط
عرف و عادت ایله تقید ایدر

مثلا بر کیسه بار کیرینی اولوجهله مطلق اوله رق اعاره

ایتد کده مستعیر اکا دیله دیکی وقت بنر و دیله دیکی محله کیدر .
فقط عادت اوزره ایکی ساعتده کیدیه جگ محله بر ساعتده
کیده مز

کذلک مطلق اوله رق اعاره اولنان بر خان او طده سنده
مستعیر دیلر سه ساکن اولور و دیلر سه امتعه وضع ایدر .
فقط عرف و عادتک خلاقی اوله رق ایچنده تیمور جیلک
ایده مز

۸۱۷ ماده

اعاره زمان و مکان ایله تقیید اولندقد قید معتبر اولوب
مستعیر اکا مخالفت ایده مز

مثلا اوچ ساعت بنک اوزره استعاره اولنان حیواند درت
ساعت بنیه مز و بر محله کیتک اوزره استعاره اولنان
حیوان ایله بشقه محله کیدیه مز

۸۱۸ ماده

اعاره بر نوع انتفاع ایله تقیید اولندقده مستعیر مأذون
اولدیغی انتفاعک مافوقنه تجاوز ایده مز . اما اکا
مساوی یا اهون صورته استعمال ایله مخالفت ایده بیلور
مثلا بغدادی یوکلتمک ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور
یاخود طاش یوکلدیه مز . اما بغدایه مساوی یاخود
اندن اخف بر یوکل تحصیل اولنه بیلور . و کذا بنک ایچون

استعاره اولنان حیوانه یوک یوکدیلله مز • اما یوک ایچون
استعاره اولنان حیوانه بنیله بیلور

۸۱۹ ماده

معیرا کر منفعتی تعیین ایتمکسزین مطلق اوله رق اعاره
ایتش ایسه مستعیرک انی اطلاق اوزره استعماله
صلاحیتی واردر

یعنی دیلر سه انی کندو استعمال ایدر و دیلر سه بشقه سنه
اعاره ایله استعمال ایتدیرر

عاریت کرک او طه کبی مستعملینک اختلافیله مختلف
اولمیان شیلردن اولسون و کرک بنک آتی کبی مستعملینک
اختلافیله مختلف اولان شیلردن اولسون

مثلا بر کیمسه او طه می سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده
مستعیرانده دیلر سه کندو اقامت ایدر و دیلر سه بشقه سنی
اسکان ایدر

و کذا شو آتی سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر
دیلر سه اول آته کندو بنر و دیلر سه بشقه سنی بندیرر
۸۲۰ ماده

منفعتک تعیینی مستعملینک اختلافیله مختلف اولان شیلرده
معتبردر • و مختلف اولمیان شیلرده معتبر دکدر • فقط

معیرانی بشقه سنه ویرمه دیو نهی ایتش ایسه مستعیر بهر
حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره من

مثلا سنک رکوبک ایچون بو آتی سکا اعاده ایتدم دیدیکی
صورته مستعیر اول آته اوشاغنی بندیره من . اما سنک
اقامتک ایچون بو اوطه یی اعاره ایتدم دیدیکی صورته
مستعیر کندو اقامت ایده بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی اسکان
ایده بیلور . فقط بشقه سنی اسکان ایته دیمش ایسه ایده من
۸۴۱ ماده

بر محل معینه دیو حیوان استعاره اولندقده یولار متعدد
اولسه مستعیر عادت اوزره ناسک سلوک ایتدیکی یولاردن
هر قنغیسیله دیلر سه کیده بیلور . اما معتاد اولیان
یولدن کیدوبده حیوان تلف اولسه ضامن اولور
کذلک معیرک تعیین ایتدیکی یولک غیری بریولدن
کیدوبده حیوان تلف اولدقدہ اگر مستعیرک سلوک
ایتدیکی یول دها اوزاق یا غیر مأمون و یا خود خلاف
معتاد ایسه مستعیره ضمان لازم کلور
۸۴۲ ماده

برکسسه برقادیندن زوجنک ملکی اولان برشبی عاریت
ایستیوب و اودخی بلا اذن و یرویده اول شی شایع
اولدیغی صورته اسکر درون خانه ده و علی جری

العاده زوجہ نك یدندہ بولنان اشیادان ایسہ كرك اول
قادیئہ و كرك مستعیرہ ضمان لازم كلز . دكل ایسہ مثلاً
آت كبی قادیئر یدندہ بولنمیان برشی ایسہ زوج دیلرسہ
زوجہ سندہ و دیلرسہ مستعیرہ تضمین ایتدیرو

۸۲۳ ماده

معیرك اذنی اولقسزین مستعیر عاریتی آخره ايجار
یا خود رهن ایدہ من و بر بلدہ دہ کی بورجنہ رهن ایتك
اوزرہ استعارہ ایتدیکی مالی آخر بلدہ دہ کی ورجنہ رهن
ایدہ من . ایدوبدہ عاریت تلف یا ضایع اولسہ ضمان
لازم كلور

۸۲۴ ماده

مستعیر عاریتی آخره ایداع ایدہ بیلور . وید مستودعده
بلا تعد و تقصیر تلف اولسہ ضمان لازم كلز
مثلاً ریحله کیدوب كلك اوزرہ استعارہ ایتدیکی بارکیر
ایله اورایہ وارد قدہ بارکیر یوریلوب قالمغله اورادہ برینه
ایداع ایتدکن صکرہ بارکیر حتف انفہ تلف اولسہ ضمان
لازم كلز

۸۲۵ ماده

معیر عاریتی طلب ایتدکده مستعیرك هم ان رد و تسلیمی
لازم كلور . و بلا عذر توقیف و تاخیر ایدوبدہ عاریت

تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمتند نقصان کاسه ضامن
اولور

۸۲۶ ماده

نصا یاد لاله موقت اولان عاریتک ختام مدتده معیره ردی
لازمدر . فقط مکث معتاد معفودر

مثلا فلان کون وقت عصره قدر استعمال اولنمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول وقتک حلولنده رد اعاده
لازمدر . کذلک فلانک دو کوننده قوللانمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول دو کونک ختامنده رد واعاده
لازمدر . فقط بونی رد واعاده ایچون معتاد اولان
مرتبه وقتک مروری معفودر

۸۲۷ ماده

برایش ایچون برشی استعاره اولندقدن اول ایشک
خطامنده عاریت مستعیر یکنده ودیعه کی اولور . ارتق
انی استعمال ایده من و مکث معتاددن زیاده توقیف
ایده من ایدو بده تلف اولسه ضامن اولور

۸۲۸ ماده

ناریتی مستعیر بنفسه یا خود امینی ایله معیره رد ایدر .
امینی اولیان کسمنه ایله رد ایدو بده قبل الوصول تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

۸۲۹ ماده

مجوهرات کبی اشیای نفیسه دن اولان عاریتی معیرک
 کندوسنه تسلیم ایتک لازمدر
 اما سائر عاریتی عرف و عادتده تسلیم عد اولنان محله
 کوتورمک و یا معیرک خدمتکارینه و یرمک رد و تسلیمدر
 مثلا عاریت حیوانی معیرک آخورینه کوتورمک یا خود
 سائننه و یرمک تسلیمدر

۸۳۰ ماده

مستعیر یدنده اولان عاریتی رد ایده جک اولدقده مؤنتی
 یعنی کافتی و مصارف نقلیه سی کندو اوزرینه در

۸۳۱ ماده

ابنیه یا یمق و آغاج دیکمک ایچون یر استعاره ایتک
 صحیحدر . لکن معیردیلهدیکی وقت اعاره دن رجوع
 ایله بونلری قلع ایتدیره یلور . شو قدر که اعاره موقت
 ایسه ابنیه و اشجارک قلع اولندیغی زمانده کی مقلوعا
 قیمتی ایله انقضای مدته قدر طور مق اوزره قیمتی بیننده
 تفاوت نه ایسه معیرانی ضامن اولور

مثلا ابنیه و اشجار در حال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوعا
 قیمتی اون ایکی التون و انقضای مدته قدر طور مق
 اوزره قیمتی یکرهی التون اولدیغی حالده معیردر حال

قلع ایتدیره جک اولور ایسه سکر التون ویرمی لازم
کلور

۸۳۲ ماده

کرك موقت و كرك غير موقت اوله رق زرع ايجون
اعاره اولنان اراضی بی معیر وقت حصاددن مقدم اعاره
دن رجوع ایدوبده مستعیردن اترداد ایده من
اراده سنیه تاریخی فی ۲۴ ذی الحجه سنه ۱۲۸۸

احمد جودت

عن اعضای مجلس تدقیقات

شرعیه عمر خلوسی

درس و کیلی

امین الفتوی

اللسید خلیل

السید خلیل

عن أعضاء جمعیت

عن اعضای دیوان احکام عدلیه

سیف الدین

احمد حلی

قسام عسکری

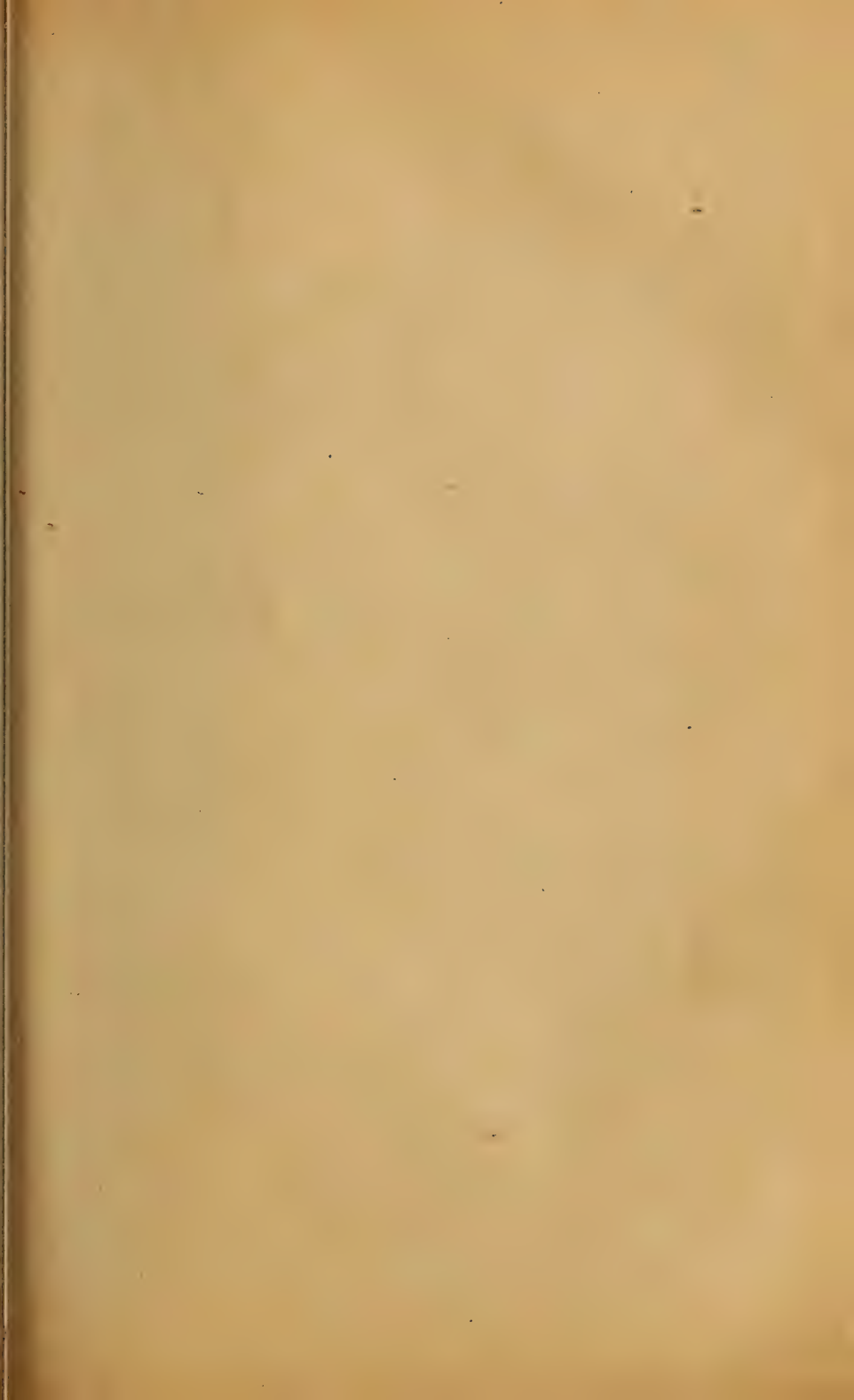
مدیر معلمخانه نواب

احمد خالد

یونس وهی

عن اعضای جمعیت

عبد اللطیف شکری



— ❦ — كتاب الهبة ❦ —

۲۷۰
* صورت خط شمایون *

(موجبنجه عمل اولنه)

(کتاب سابع)

(هبه حقننده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۸۳۳ ماده

هبه . بلا عوض بر مالی آخره تملیک ایتمکدر که ایدن
کیسه یه واهب واول ماله موهوب وانی قبول ایدنه
موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه یی قبول دیمکدر

۸۳۴ ماده

هدیه . بر کیسه یه اکراما کتوریلان یا کوندریلان

مالدر

۸۳۵ ماده

صدقه . ثواب ایچون هبه اولنان مالدر

۸۳۶ ماده

اباحه . بر شیئی بلا عوض اکل و تناول ایتک اوزره

آخره اذن و رخصت ویرمکدر

(باب اول)

(عقد هبیه متعلق مسائل بیاننده اولرب ایکی)

(فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(رکن و قبض هبیه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۸۳۷ ماده

هبیه ایجاب و قبول ایله منعقد و قبض ایله تمام اولور

۸۳۸ ماده

هبیه ده ایجاب باغشلادم و هبیه ایتدم و اهدا ایلدم کی
 مجانا بر مالی تملیک معناسنده مستعمل اولان سوزلر در
 و زوجک زوجه سنه بر چفت کو په یاخود حلیاتدن
 دیگر بر سنه و پرویده آل طاقن دیمه سی کی مجانا تملیکه
 دلالت ایدن تعبیرلر دخی هبیه یی ایجابدر

۸۳۹ ماده

تعاطی ایله دخی هبیه منعقد اولور

۸۴۰ ماده

هبیه ده و صدقه ده ارسال و قبض لفظا ایجاب و قبول
 مقامنه قائم اولور

۲۷۱
۸۴۱ ماده

هبه ده قبض بعهده قبول کبیدر

بناء علیه واهبک ایجابی مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم
دیمه سی اوزرینه موهوب له قبول ایتدم و یا خود اتهاب
ایلدیم دیمکسزین مجلس هبه ده اول مالی قبض ایتسه هبه
تمام اولور

۸۴۲ ماده

قبضده واهبک صراحة یا خود دلالة اذنی لازمدر

۸۴۳ ماده

واهبک ایجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی
موهوب اگر مجلس هبه ده حاضر ایتسه بومالی سکا هبه
ایتدم آل دیمک و اگر غائب عن المجلس ایتسه فلان مالی
سکا هبه ایتدم و ار آل دیمک کبی امر صریحیدر

۸۴۴ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویردکده موهوب لهک انی
کرك مجلس هبه ده وکرك لعدا لا فراق قبضی صحیحدر .
اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقیید ایدوب بعد
الا فراق قبضی معتبر اولماز

مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیو بده موهوب له دخی انی
اول مجلسده قبض ایدیو یرسه صحیح اولور اما مجلس

هبه دن آیرارقدن صکره قبض ایتسه صحیح اولماز . کذلک
فلان محنده کی مالی سکا هبه ایتدم دیوبده وار آل دیماش
اواسه موهوب لهک کیدو بده انی قبض ایتسی صحیح اولماز
۸۴۵ ماده

مشتری بیعی بایعدن قبل القبض آخره هبه ایده بیلور
۸۴۶ ماده

برکسینه نک یدنده بولنان مالی صاحبی اکا هبه ایتدکده
موهوب لهک قبول ایتدم یا اتهاب ایلدم دیسیله هبه تمام
اولوب مجددا تسلیم و قبضه محتاج دکادر
۸۴۷ ماده

برکیمسه الاجفنی مدیونه هبه یاخود مدیونی اذن ابرا
ایلیوب اودخی رد ایتسه صحیح و دین همان ساقط
اولور

۸۴۸ ماده
برکیمسه برینک ذمتنده اولان آلاجفنی آخره هبه ایدوبده
وارال دو صراحة قبضه اذن ویرسه و موهوب له دخی
واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

۸۴۹ ماده
قبل القبض واهب یاخود موهوب له فوت اولسه هبه
باطل اولور

۱۷۲
۸۵۰ ماده

بر کیمسه کبیر یعنی عاقل و بالغ اولان او غلنه برشی هبه
ایتدکده تسلیم و قبضی لازمدر

۸۵۱ ماده

صغیرک و صیهسی یا خود مریدسی یعنی حجر و تربیه سنده
بولندیخی کیمسه کرک یدنده بولنان و کرک دیکرک نزدنده
و دیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد
ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیسیله اول صغیراکا
مالک اولوب قبضه محتاج دکادر

۸۵۲ ماده

بر طفله آخر کیمسه برشی هبه ایتدکده ولیسنک یا خود
مریدسنک قبضی ایله هبه تمام اولور

۸۵۳ ماده

صبی ممیزه برشی هبه اولندقدده ولیسی اولسه بیله
کندوسنک قبضیه هبه تمام اولور

۸۵۴ ماده

هبه مضافه صحیح دکادر

مثلاً که جک ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم
دیهه صحیح اولماز

۸۵۵ ماده

عوض شرطیله اولان هبه صحیح و شرط معتبر در
مثلا بر کمینه شو مقوله عوض ویرمک یا خود کندوسنک
معلوم المقدار دینی ادا ایتک شرطیله برینه برشی هبه
ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه
لازم اولور ایتز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع
ایده یلور کذلک بر کمینه اولنجه کندوسنی بسلمک شرطیله
ملک عقارینی برینه هبه و تسلیم ایتدکده موهوب له
شرط مذکور اوزره واهبی بسلمکه راضی ایکن واهب
نادم اولو بده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی
استرداد ایده من

(فصل ثانی)

(شرائط هبه بیانده در)

۸۵۶ ماده

موهوبک وقت هبه ده موجود اولسی شرطدر
بناء علیه بر باغک حاصل اوله جق اوزومنی یا خود بر
قصر اغک طوغوراجق یاوریسنی هبه صحیح دکادر

۸۵۷ ماده

موهوب واهبک مالی اولق شرطدر

بناء عليه بر كيمسه بلا اذن بشقه سنك مالني برينه هبه ايتسه
صحیح اولماز فقط هبه ايتد كدن صكره صاحبي مجيز اولسه

صحیح اولور

۸۵۸ ماده

موهوبك معلوم ومعين اولمسی لازمدر

بناء عليه واهب لاعلى التعيين مالمدن برشی يا خود شوایکی
آندن برینی هبه ايتدم ديسه صحیح اولماز . و بو ایکی آندن

قنخيسنی ديلرسهك سنك اولسون ديدیکی صورتده اكر

موهوب له مجلس هبه ده انلردن برینی تعیین ايلرسه صحیح

اولور اما مجلس هبه دن بعد المغارقه تعیینی مفید اولماز

۸۵۹ ماده

واهبك عاقل وبالغ اولمسی شرطدر

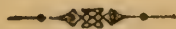
بناء عليه صغير ومجنون ومعتوهك هبه سی صحیح دكلدر .

اما بونلره هبه صحیحدر

۸۶۰ ماده

هبه ده واهبك رضاسی لازمدر

بناء عليه جبر واکراه ايله واقع اولان هبه صحیح دكلدر



(باب ثانی)

(احکام هبه بیانده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(هبه دن رجوع حقه ده در)

۸۶۱ ماده

موهوب له قبض ايله موهوبه مالک اولور

۸۶۲ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه دن رجوع ایده یلور

۸۶۳ ماده

واهبک بعد الایجاب موهوب لهی قبضدن نهی ایتمسی
رجوعدر

۸۶۴ ماده

واهب بعد القبض موهوب لهک رضاسیله هبه وهیده دن
رجوع ایده یلور . و موهوب له راضی اولمز ایسه حاکمه
مراجعت ایلر . حاکم دخی مواد آیه دن بیان اولنه جق
موانع رجوع یوغیسه هبه یی فسخ ایده یلور اما موانع
رجوعدن بری بولنسه فسخ ایده مز

۸۶۵ ماده

بعد القبض واهب اگر موهوب لهک رضاسی یاخود

حاكم حكم وقضائى اولدن خود بخود موهوبى استرداد
ايدرسه غاصب اولور وبوصورتده ينده موهوب تلف
ياضايع اولسه ضامن اولور

ماده ۸۶۶

بركيسه اصول وفروعنه يا برادر وهمشير سنه يا بونلرك
اولادينه يا خود پدر ومادرينك برادر وهمشير سنه برشى
هبه ايتدكدن صكره رجوع ايده من

ماده ۸۶۷

زوج ايله زوجه دن برى يينلرنده زوجيت قائم ايكن يك
ديكرينه برشى هبه تسليم ايتدكدن صكره ارتق اندن
رجوع ايده من

ماده ۸۶۸

هبيه عوض ويريلوبده واهبك دخى قبض ايتسى مانع
رجوعدر

بناء عليه كرك موهوب له طرفندن وكرك ديكر بر كسسه
جانبدن واهبه هبه سنه عوض اولق اوزره برشى
ويريلوبده اودخى قبض ايلسه اندن صكره هبه سندن
رجوع ايده من

ماده ۸۶۹

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرينه بنا

احداث یاخود آغاج غرس ایتک و یاخود موهوب زبون
 حیوان اولوبده موهوب له یاننده سمرلنک کی زیاده
 متصله حاصل اولدوقده و یاخود بغدادی اولوبده اون
 ایدلک کی موهوبک اسمی دکشه جک صورتده تغییر
 اولدوقده هبه دن رجوع صحیح اولماز . اما زیاده منفصله
 مانع رجوع اولمز

بناء علیه بر کیمسه نك آخره هبه ایلدیکی قصراق حامل
 اولدوقده هبه دن رجوع ایده مز . اما طوغوردقن صکره
 رجوع ایده یلور و بو صورتده یاوریمی موهوب لهه
 قالور

۸۷۰ ماده

موهوب له موهوبی بیع ایله یاخود هبه و تسلیم ایله ملکنندن
 اخراج ایلسه و اهیک رجوعه صلاحیتی قالمز

۸۷۱ ماده

موهوب له یکنده موهوب مستهلک اولسه رجوعه محل
 قالمز

۸۷۲ ماده

واهب و موهوب لهدن برینک وفاتی مانع رجوعه
 بناء علیه موهوب له فوت اولسه و اهب هبه دن رجوع

ایده مدیکی **ک**بی و اهب فوت اولدقه دخی ورثه سی
 مو هو بی استرداد ایده مز
 ماده ۸۷۳

داین اله جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع
 ایده مز (۵۱) و (۸۶۸) ماده لره باق
 ماده ۸۷۴

بعد القبض صدقه دن بروجله رجوع اولنه مز
 ماده ۸۷۵

بری برکیمسیه مطعومانندن برشیئی اباحه ایتدکده اول
 کسنه ا کرچه اول شیئی آلوبده آخره صاتمق یاخود هبه
 ایتک کبی لوازم تملکدن اولان بروجله تصرف
 ایده مز . فقط اول شیدن اکل و تناول ایده بیلور .
 وبعده صاحبی انک قیمتی مطالبه ایده مز

مثلا برباغ صاحبینک اذن و اباحه سیله بری باغندن بر مقدار
 اوزم ییسه باغ صاحبی اول اوزمک آقده سنی اله مز
 ماده ۸۷۶

ختان یاخود زفاف دو کونلرنده کلان هدیه لری اصحابی
 چوجق یا کلین و بابا و انالرندن هر قنغیسنه دیو ایتور مشل
 ایسه اول هدیه لر افکدر . و **ک**ر کیمک ایچون

کتور دکړینی بیان ایتیموب کندولرندن سؤال ایله تحقیق
دخی قابل اولمز ایسه اولخالده عرف و عادت بلده یه رعایت
اولور

(فصل ثانی)

(هبه مریض حقه در)

۸۷۷ ماده

وارثی اولیان کیمسه مرض موتنده جمیع اموالی برینه
هبه و تسلیم ایتسه صحیح اولور و بعد الوفاة ترک سنه امین
بیت المال مداخله ایده من

۸۷۸ ماده

زوجه سندن ماعدا وارثی اولیان کیمسه مرض موتنده
جمیع اموالی زوجه سنه و یا خود زوجندن ماعدا وارثی
اولیان قادین جمیع اموالی مرض موتنده زوجه هبه
و تسلیم ایتسه صحیح اولور
و بعد الوفاة بونلر دن برینک ترک سنه امین بیت المال مداخله
ایده من

۸۷۹ ماده

بر کیمسه مرض موتنده ورثه سندن برینه برشی هبه
ایدوبده فوت اولدقه دیگر ورثه مجیز اولماز ایسه اول
هبه صحیح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه و تسلیم ایتدکده ثلث مالی

موهوبك تمامه مساعد ايسه صحيح اولور . مساعد
اوليوبده ورثه دخی هبه یی مجیز اولماز ايسه مساعد
اولدیغی مقدارده هبه صحیح اولوب باقیسنی موهوب له
رده مجبوردر
۸۸۰ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کیمسه مرضی موتنده اموالی
وارثه یا خود بشقه سنه هبه و تسلیم ایتدکن صکره فوت
اولسه داینلر هبه یی طوتمیوب اول اموالی قسمت غرمایه
ادخال ایدیه یلور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۹ محرم سنه ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه احمد جودت

عمر خلوصی

امین الفتوی

وکیل درس

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

عن اعضاء جمعیت

السید احمد حلمی

سیف الدین

مدیر معلمخانه نواب

قسام عسکری

یونس وهبی

احمد خالد

عن اعضاء جمعیت

عبداللطیف شکری

— ❧ كتاب الغضب والانلاف ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

موجب‌بنده عمل اولنه

(كتاب ثامن)

(غصب و اطلاق حقننده اولوب بر مقدمه ايله)

(ايكي بابيه منقسمدر)

(مقدمه)

۸۸۱ ماده

غصب • بر كسه نك اذني اولقسزین مالنی اخذ و ضبط
ایتمكدر كه اخذ ایدن كسه یه غاصب و اول ماله مغضوب
و صاحبنه مغضوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائم‌ا قیمت • ابنیه یا اشجارك بولندقلری یرده طور مق
اوزره قیتم‌لریدر كه ارض بر کره ابنیه یا اشجار ايله
برابر و بر کره ابنیه یا اشجاردن خالی اوله رق تقویم
اولنوب ایکی قیتم بیننده کی تفاضل و تفاوت نه ایسه
ابنیه یا اشجارك قائما قیتمی دیمك اولور

۸۸۳ ماده

مبنیا قیتم • ابنیه نك قائما قیتمی دیمكدر

۸۸۴ ماده

مقلوعا قیمت . بعد القلع انبیه انقاضنک و اشجار مقلوعه نك

قیمت یدر

۸۸۵ ماده

مستحق القلع اوله رف قیمت . مقلوعا قیمتدن اجرت قلع

لدى التزیل باقى اولان قیمتدر

۸۸۶ ماده

نقصان ارض . بر یرك قبل الزراعه دیگرى اولان

اجرتله بعد الزراعه دكرى اولان اجرت بیننده کی فرق

و تفاوتدر

۸۸۷ ماده

مباشرة اتلاف . بر شیئی بالذات تلف ایتکدر که

ایدن کیمسه یه فاعل مباشر دینلور

۸۸۸ ماده

تسبیا اتلاف . بر شیئك تلفنه سبب اولمقدر یعنی

بر شیده دیگر شیئه علی جرى العاده تلفنه مفضی اولان

بر ایش احداث ایتکدر که ایدن کیمسه یه متسبب دینلور

نه کیم بر معلق قندیلاک ایینی کسمک قندیلاک یره دوشوبده

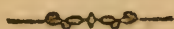
قیرلمسینه سبب مفضی اولمغله ایینی کسن کیمسه مباشرة

ایینی تلف ایتمش و تسبیا قندیلی قیرمش اولور

كذلك بر كيمسه بر طولومی شق اید و بده ایچنده کی یاغ
اقوب تلف اولسه اول کیمسه مباشرة طولومی و تسببا
یاغی ایللاف ایتمش اولور

۸۸۹ ماده

تقدم . مضرت ملحوظه نك دفع و ازاله سیچون اولجه
تنبيه و توصیه ایتمکدر



(باب اول)

(غصب حقنده اولوب اوچ فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(غصبك احكامی بیانده در)

۸۹۰ ماده

مال مغضوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبنه
رد و تسلیمی لازمدر . و صاحبی بشقه بلدهده غاصبه
تصادف اید و بده مال مغضوب دخی یاننده اولدیغی
حالده صاحبی دیلر سه مالنی اوراده استرداد ایلر . اگر
مکان غصبده تسلیمی استر ایسه مؤنت ردی و مصارف
نقلیه سی غاصب اوزرینه در

۸۹۱ ماده

مال مغضوبی غاصب استهلاك ايتدكده ضامن اولمسی
لازم كلديكي كې كرك انك تعديسيله و كرك بلا تعد تلف
يا ضايع اولديغى تقدبرده دخی ضامن اولور
شويله كه قيمياتن ايسه زمان و مكان غصبده كي قيمتى
و مثلياتن ايسه مثلى ويرمسی لازم كلور

۸۹۲ ماده

غاصب مكان غصبده عين مغضوبی صاحبنه رد و تسليم
ايتدكده ضماندن بری اولور

۸۹۳ ماده

غاصب عين مغضوبی صاحبي اخذ ايديله جك صورتده
اوكنه وضع ايتدكده حقیقه قبض بولنمه ييله مغضوبی
رد ايتش اولور

اما تلف اولان مغضوبك قيمتى صاحبنك اوكنه وضع
ايسه حقیقه قبض بولندجه ضماندن بری اولماز

۸۹۴ ماده

عين مغضوبی غاصب بر محل محفوظه صاحبنه تسليم ايتسه
قبول ايتماكه حق وار در و غاصب بوصورته ضماندن
بری اولماز

۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغضوبك قيمتى صاحبنه كتوربد

قبول ایتمه حاکمه مراجعت ایله قبولی امر ایتدیرر
۸۹۶ ماده

مغضوب منه صبی اولدیغی حالده غاصب ا کا مغضوبی
رد ایتدکده صبی میز اولوبده مالی حفظه اهل ایتسه
ردی صحیح اولور دکل ایتسه صحیح اولماز
۸۹۷ ماده

مغضوب بک میوه اولوبده غاصب عندنده قورومق کبی
حالی تغیر ایلر ایتسه صاحبی مخیردر دیلرسه مغضوبی
عینا استرداد ایلر و دیلرسه تضمین ایتدیرر
۲۹۸ ماده

غاصب اکر کندو مالندن برشی زیاده سیله مغضوب بک
بعض اوصافنی تغیر ایلر ایتسه مغضوب منه مخیردر
دیلرسه اول مغضوبی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول
زیاده نك قیمتی ویروب عینا استرداد ایلر
مثلا مغضوب اولان بزی غاصب بویامش اولسه صاحبی
مخیردر و دیلرسه بزینی تضمین ایتدیرر و دیلرسه بویانك
بهاسنی ویروب عینا بزی استرداد ایلر

۸۹۹ ماده

غاصب اکر مال مغضوبی اسمی دیکشه جک صورتده

تغیر ایدر ایسه ضامن اولور واول مال کندویه قالور
مثلا مغضوب بغدادی اولوبده غاصب انی اون ایدر ایسه
ضامن اولوب اون انک مالی اولور . ننه کیم بر کیمسه
دیگرک بغدادینی غصب ایله کندو ترلاسنه زرع ایته
بغدایی ضامن اولوب محصول کندوسنک اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغضوبک سعر و قیمتنی تناقص ایته صاحب
انی المیوبده زمان غصبده کی قیمتنی مطالبه ایده من
اما غاصبک استعمالیله مغضوبک قیمتنه نقصان کاسه ضمان
لازم کلور

مثلا بر کیمسه نک غصب ایلدیکی حیوان زبون اولسه انی
صاحبنه رد ایتدکده نقصان قیمتنی دخی ضامن اولور
کذلک بر کیمسه غصب ایلدیکی البسه بی یرتمغله قیمتنه نقصان
کدکده اکر نقصان یسیر ایسه یعنی مغضوبک ربع قیمتنه
بالغ دکل ایسه غاصب انک نقصان قیمتنی ضامن اولور .
واکر نقصان فاحش ایسه یعنی مغضوبک ربع قیمتنه
مساوی و یا خود ازید ایسه مغضوب منه بخیر در . دیلر سه
نقصان قیمتنی تضمین ایتدیرر و دیلر سه اول مالی غاصبه
ترک ایله تام قیمتنی الور

۹۰۱ ماده

ازالہ تصرفہ غصبہ مساوی اولان حال و کیفیت حکما
غصب قبیلندن عد اولنور تہ کیم مستودع و دیعہ بی انکار
ایتسہ غاصب حکمندہ اولور و اندن صکرہ یدندہ و دیعہ
بلا تعد تلف اولسہ ضامن اولور

۹۰۲ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفده کی دیگر بر باغچه
اوزرینه یقلوب دوشمک کبی بروجھله من غیر قصد
بر کیمسه نیک ملکی یدندن چیقسه قیمته اقلی اکثره تابع
اولور

یعنی قیمتی اکثر اولانک صاحب قیمتی اقل اولانی ضامن
اوله رق اول یری تملک ایدر

مثلا طاغ یقمازدن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نیک قیمتی
بشیوز والت طرفنده کی باغچه نیک قیمتی بیک غروش
اولسہ ایکنجیسنک صاحبی بشیوز غروش اولکینک
صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبطایلر

تہ کیم بر کیمسه نیک النده کی الی غروش لاق اینجوسی
دوشوبده دیگرک بش غروش قیمتلو طاووغی انی یوتسه
اینجو صاحبی بش غروش ویروب طاووغی الور
(۲۷) و (۲۸) و (۲۹) مادهلره باقی

۹۰۳ ماده

مغضوبك زوائدى صاحبكدر . و غاصب انى استهلاك
ايدرسه ضامن اولور

مثلا مغضوب اولان حيوانك غاصب ينده حاصل اولان
سوتى و ياوريسى و بر باغچدك يد غاصبه ايكن حصوله
كلان ميوهسى مغضوب منهك مالى اولمغله غاصب بونلرى
استهلاك ايلرسه ضامن اولور

كذلك بر كيمسه برينك قواننى ايچنده كى آريسيله برابر غصب
ايتسه صاحبي آريسيله برابر قواننى استرداد ايتد كده غاصب
يائنده ايكن حاصل اولان بالى دخی الور

۹۰۴ ماده

بر باغچه ده مكان اتخاذايدن آريلرك بالى باغچه صاحبك
اولوب، ديكر كسسه اول، بالى اخذ واستهلاك ايلسه ضامن
اولور

(فصل ثانى)

(غصب عقاره متعلق بعض مسائل بيانده در)

۹۰۵ ماده

مغضوب اكر عقار قبيلندن ايسه غاصب انى تغيير و تنقيص
ايتدرك صاحبه رد ايتسى لازمدر

و غاصبك صنع وفعلى ايله اول عقارك قيمته نقصان كلسه
نقصان قيمتى ضامن اولور

مثلا بر كسنه غصب ايلديكى بر خانه نك بر يرينى هدم ايدوب
يا خود سكناسى سبيله خراب اولوبده قيمته نقصان كلسه
مقدار نقصانى ضامن اولور . كذلك غاصبك خانه
مغصوبده يا قدغى آتشدن خانه محترق اولسه مبنيا قيمتى
ضامن اولور

۹۰۶ ماده

مغصوب ارض اولوبده غاصب آنك اوزرينه ابنیه انشا
يا خود اشجار غرس ايسه بونلرى قلع ايله ارضى رد
ايتك اوزره غاصبه امر اولنور

واكر ابنیه يا اشجارك قلعى ارضه مضر ايسه مغصوب
منه انلك مستحق القلع اوله رق قيمتيرنى اعطا ايله انلرى
دخى ضبط ايده بيلور

فقط ابنیه يا اشجارك قيمتلى ارضك قيمتندن زياده
اولوبد سبب شرعى زعيمه انشا يا خود غرس اولمش
ايسه اول حالده ابنیه يا خود اشجارك صاحبي ارضك
قيمتنى اعطا ايله ارضى تملك ايدر

مثلا بر كيمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرينه اول
عرصه نك قيمتندن زياده اچده صرفيله ابنیه انشا ايتدكن

صکره بری عرصه یه مستحق چیقسه اول کیمسه عرصه نك
 قیحتنی و یروب عرصه بی ضبط ایلم
 ۹۰۷ ماده

بر کیمسه آخرک عرصه سنی غصب و زراعت ایلمسه صاحبی
 عرصه سنی استرداد ایتد کده اول کیمسه نك زراعتیله ترتب
 ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر
 کذلک بر کیمسه دیگر یله مشترک متصرف اولدیغی عرصه یی
 بلاذن مستقلا زراعت ایلمسه شریکی عرصه دن حصه سنی
 الدقه اول کیمسه نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیرر

۹۰۸ ماده

بر کیمسه دیگرک ترلا سنی غصباً نطس ایتد کدن صکره صاحبی
 ترلای الدقه اول کیمسه نطس عملی مقابلنده اجرت
 مطالبه ایده من

۹۰۹ ماده

بر کیمسه سو پرندی یا خود دیگر نسسه وضع ایله برینک
 عرصه سنی اشغال ایلمسه قویدیغی شئی رفع ایله عرصه یی
 تخلیه ایتمک اوزره کندویه جبر اولنور

(فصل ثالث)

(غاصب الغاصب حکمی بیانده در)

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عین غاصب حکمده در
بناء علیه مال مقصوبی غاصبدن شخص آخر غصب ایله
اتلاف ایلدیکی یا خود یکنده تلف اولدیغی تقدیرده
مقصوب منه دیلرسه غاصب اوله و دیلرسه غاصب ثانی به
تضمین ایتدیرر و دیلرسه قیمت مقصوبک بر مقدارینی اوله
و دیگر مقدارینی ثانی به تضمین ایتدیره بیلور
و غاصب اوله تضمین ایتدیردیکی تقدیرده اودخی غاصب
ثانی به رجوع ایدر اما ثانی به تضمین ایتدیردیکی تقدیرده
ثانی اوله رجوع ایده من

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مقصوبی غاصب اوله رد ایتدکه
یا لکز کندوسی و مقصوب منه رد ایتدکه اکیسی دخی
بری اولور

(باب ثانی)

(اتلاف یابنده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباشرة اتلاف حقنده در)

۹۱۲ ماده

برکسینه دیکرک کرک کندوسنده وکرک امینی یبنده اولان
مالنی کرک قصداً وکرک من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن
اولور

اما غاصب یبنده کی مال، مقصوبی آخر کسینه اتلاف ایتسه
مقصوب منه مخیردر دیلرسه غاصبه تضمین ایتدیروب
او دخی متلفه رجوع ایدر و دیلر سه متلفه تضمین
ایتدیروب متلف بو صورتده غاصبه رجوع ایده من

۹۱۳ ماده

برینک ایاغی قایوبده دوشهرک آخرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۴ ماده

برکسینه کندو مالی ظنیله دیکرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۵ ماده

بر کسی که دیگران البسه سنی چکوبده یرتسه تمام قیمتی
ضامن اولور اما البسه یه تشبث ایدو بده صاحبی
چکوبده یرتسه نصف قیمتی ضامن اولور

کذلک بر کسی که دیگران اتکی اوزرینه اوتور و بده صاحبی
بیله وک قالمغله البسه سی یرتسه او کسی که البسه نک
نصف قیمتی ضامن اولور

۹۱۶ ماده

بر صبی دیگران مالی اتلاف ایتسه کندو مالندن ضمان
لازم کاور مالی بوق ایتسه حال یسرینه انتظار اولور
ولیسنه تضمین ایتدیرلر

۹۱۷ ماده

بر کسی که دیگران مالنه قیمتی بر کونه نقصان کتورسه
نقصان قیمتی ضامن اولور

۹۱۸ ماده

بر کسی که دیگران خانه و دکان شلاو عمارینی بغیر حق هدم
ایتسه صاحبی مخیردر . دیلرسه انقاضی هدم ایدن
کیمسه ترک ایدرک مبنیا قیمتی تضمین ایتدیرر و دیلرسه
اول عمارت مبنیا قیمتندن انقاضی قیمتی تنزیل و قیمت
باقیه بی تضمین ایله برابر انقاضی دخی الیقور

فقط غاصب انی کالاول بنا ایدیورسه ضماندن بری
اولور

۹۱۹ ماده

بر محله حریق و قوعبولغله بر کیسه بر خانه بی صاحبیک
اذنی اولقسزین یقوبده اوراده حریق منقطع اولدقده
اگر امر ولی الامر ایله یقمش ایسه ضمان لازم کلر
و اگر خود بخود یقمش ایسه ضمان اولور

۹۲۰ ماده

بر کیسه آخرک باغچه سنده کی اشجاری بغیر حق قطع
ایتدکه صاحبی مخیر در . دیلرسه اول اشجارک قائماً
قیمتترینی اخذ ایله اشجار مقطوعه بی قاطعه ترک ایدر .
و دیلرسه قائماً قیمتلرندن مقطوعاً قیمتترینی بالتغزیل باقی
مبالغ ایله برابر اشجار مقطوعه بی دخی الیقور

مثلاً اشجار قائم اوله رق باغچه نك قیمتى اون بیک و بلا
اشجار قیمتى بشبیک و اشجار مقطوعه نك قیمتى ایکبیک
غروشه اولسه صاحبی مخیر در . دیلرسه اشجار
مقطوعه بی قاطعه ترک ایله بشبیک غروش الور و دیلرسه
اوج بیک غروشه برابر اشجار مقطوعه بی دخی الیقور

۹۲۱ ماده

بر کیسه مظلوم اولغله آخره ظلم ایتدکه صلاحیتی اوله ماز

مثلاً بری دیگرک مالنی اتلاف ایتکله او دخی بالمقابله
 انک مالنی اتلاف ایتسه ایکیمی دخی ضامن اولدیغی
 کبی بر قبیله دن بری دیگر قبیله دن بر شخصک مالنی اتلاف
 ایتکله او دخی اولکی قبیله دن دیگر برینک مالنی اتلاف
 ایتسه هر بری تلف ایتدیکی مالی ضامن اولور . تکم
 بر کیسه الدانو بده آخردن بر قلب آچه السه آنی بشقه
 سنه سورمه که صلاحیتی اوله ماز

(فصل ثانی)

(تسبیحاً اتلاف بیانده در)

۹۲۲ ماده

بر کیسه تسبیحاً برینک مالنی اتلاف یاخود قیمتنی تنقیص
 ایتسه یعنی کندوسنک فعلی بر مالک تلفنه یاخود نقصان
 قیچته سبب مفضی اولسه ضامن اولور

مثلاً بری دیگرک سنه نك اثوانه صاریلوبده مجادله ایدرکن
 اول کسنه نك اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه
 یاخود سقطلانسه صاریلان کیسه ضامن اولور

و کذا بر کیسه دیگرک ترلا و باغچه سنک صوبینی بغیر حق
 سد ایدوبده مزروعات و مغروساتی قوریوب تلف اولسه
 یاخود صوبینی طاشیرو بده دیگرک ترلا سنی صوباصد رق

مزرعاتی تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور
 كذلك بر کیمسه دیگر یک اخورینک قیوسنی آچو بده
 ایچنده کی حیوان فرار ایله ضایع اولسه یاخود قفسنک
 قیوسنی آچو بده ایچنده کی قوش اوچسه ضامن اولور
 ۹۲۳ ماده

برینک حیوانی بر کیمسه دن اور کو بده فرار ایله ضایع
 اولسه ضامن لازم کلز . اما اول کیمسه حیوانی قصداً
 اور کتمش ایسه ضامن اولور

و کذا بر صیاد آوه تفنک آتو بده سسندن دیگرک حیوانی
 اور کهرک فرار ایدرکن دوشوب تلف یاخود ایاغی سقط
 اولسه ضامن اولماز اما حیوانی اور کتمک قصدیله تفنک
 اتمش ایسه ضامن اولور (۹۳) ماده یه باق
 ۹۲۴ ماده

تسبیک بر وجه بالا موجب ضمان اولسنده تعدی شرطدر
 یعنی متسبیک بر ضرری ضامن اولسی اول ضرره
 مفضی اولان فعلی حقسنز اولهرق ایشلمش اولسی ایله
 مشروطدر

مثلاً بر کیمسه بلا اذن ولی الامر طریق عامده بر قوی
 قازو بده اورایه دیگرک حیوانی دوشهرک تلف اولسه
 ضامن اولور . اما کندو ملکنده قازمش اولدیغی

قوی به دیگرک حیوانی دوشه رك تلف اولسه ضامن
اولماز

۹۲۵ ماده

بری بر شیئك تلفنه سبب اولان بر ایش ایشلش اولدیغی
حالده آره به بر فعل اختیاری حیلولت ایلسه یعنی بشقه
بر کیسه اول شیئ مباشرة اتلاف ایلسه اول فعل
اختیاری صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور
(۹) ماده به باق

(فصل ثالث)

(طریق عامده احداث اولنان شیلره دائر در)

۹۲۶ ماده

هر کسك طریق عامده حق مروری وارد در . فقط بشرط
السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویر مامک
شرطیه مقید در . بناء علیه طریق عامده بر حالک
ارقه سنده کی یوکی دوشوبده بر ینک مالنی تلف ایلسه
حال ضامن اولور . تکیم تیمور حی دکاننده تیمور
دو کر کن قیغلم صیچرایوبده طریق عامده مرور ایدن
بر کیسه نك البسه سنی احراق ایلسه تیمور حی ضامن اولور

۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولدقچه کمسنه طریق عامده بیع و شرا
ایچون اوتوره ماز • وبلا اذن برشی وضع واحداث
ایده من • واید رسه اندن تولد ایدن ضرر وزیانی ضامن
اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش
یغوبده اوزرینه دیکرک حیوانی باصوب سورچه رک
تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور • کذلک بر کیمسه
طریق نامه یاغ کبی بر قایغین نسنه دوکوبده دیکرک حیوانی
قایوب تلف اولسه اول کمسنه ضامن او اور

۹۲۸ ماده

برینک دیواری یقلوبده دیکره بر ضرر ایراث ایتسه
ضممان لازم کلز • فقط اولجه اول دیوار مائل انهدام
اولوبده اکا دیکر بر کیمسه دیواریکی هدم ایت دیو
تقدم وتنبیه ایدوبده دیواری هدم ایده جک قدر وقت
یکمیش ایسه اول حالده ضمان لازم کلور •

شو قدر که اول کیمسه حق تقدم وتنبیه اصحابندن اولق
شرطدر

شو بله که اول دایور اگر قومشونک خانه سی اوزرینه
یقلش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول خانه ک ساکنندن

اولماید در خارجدن برینک تقدیم و تنبیهی مفید اولماز .
 و اگر طریق خاص اوزره ییقلش ایسه تقدیم ایدن کیسه
 اول طریقده حق مروری اولان کساندن اولمق لازمدر .
 و اگر طریق عام اوزرینه ییقلش ایسه هرکیم اولور ایسه
 اولسون تقدیمه حق وارددر

(فصل رابع)

(جنایت حیوان حقنده در)

۹۲۹ ماده

بر حیوانک کندولیکنندن اوله رق ایتدیکی ضرری صاحبی
 ضامن اولماز . (۹۴) ماده یه باق
 فقط بر حیوان بر کیسه نك مالی استهلاك ایدرکن اول
 حیوانک صاحبی کورو بده منع ایتز ایسه ضامن اولور
 و برده ثور نطوح یعنی سوسکن اوکوز و کلب عقور یعنی
 طالایچی کلب کی ضرری متعین بر حیوان اولو بده
 صاحبنه محله سی یا قریه سی اهانیسندن بری حیوانی
 ضبط ایت دیو تقدیم ایتمشکن صاحبی صالیو یرو بده
 بر کیسه نك حیوانی یا دیگر مالی تلف ایتسه صاحبی
 ضامن اولور

۹۳۰ ماده

بر کیسه کرک را کب اولسون و کرک اولسون کندو

ملککنده ایکن حیوانی اولک ایاغی یاخود باشی و یا قویروغی
ایله چار پهرق و یاخود ارقه یاغیله دپهرک آخر کمسنده
ضرر ایسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۱ ماده

بر کیمسه دیکرک ملککنده حیوانی اداخل ایتدکده صاحبک
اذنیله اداخل ایتش ایسه کندو ملککنده بولنش کبی
عد اولنه رق ماده آنقده بیان اولنان صورتلرده
حیوانک جنایتی ضامن اولماز

واگر صاحبک اذنی اولقمزین اداخل ایتش ایسه
کرک را کب اولسون و کرک قالد یعنی یدیحی یا سائق
یعنی سوریحی اولسون و کرک حیوانک یانده بولنسون
هر حالده اول حیوانک ایتدیکی ضرر و زیانی ضامن
اولور

اما حیوان بوشانو بده کندولکنندن اوله رق برینک
ملککنده دخول ایله بر ضرر ایسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۲ ماده

هر کسک طریق عامده حیوانیله دخی مروره حق
واردر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیواننه را کب اولوب
کیدرکن ممکن النحرز اولمیان ضرر و زیانی ضامن اولماز

مثلاً حیوانك ایاغندن توز و چامور صیچرایو بده دیکرك
 البسه سنی لکه دار ایلسه یاخود ارقه ایاغیله دپوب و یا
 قویروغیله چار پو بده بر ضرر ایتسه ضمان لازم کلز .
 اما معصومه سندن یا اولك ایاغیله یاخود باشیله چار پم سندن
 وقوعه کلان ضرر و زیانی را کب اولان کیمسه ضمان
 اولور

۹۳۳ ماده

طریق عامده قائد و سائق دخی را کب کبدر
 یعنی انلر دخی آنجق را کبک ضمان اولدیغی ضرری
 ضمان اولورلر

۹۳۴ ماده

بر کیمسه نك طریق عامده حیوانی طور دیر مغه یاخود باغلامغه
 خقی یوقدر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیوانی طور دیر سه یاخود
 باغلامه کرک اوک و یا ارقه ایاغیله دپسون و کرک سائر
 صورته ضرر ایتسون اول کیمسه هر حالده اول حیوانك
 جنایتی ضمان اولور . اما آت بازاری و کرا بار کیرلرینك
 طور دیغی تحللر کبی حیوان طور مغه اعداد و تعیین اولنش
 اولان یرلر مستشادر

۹۳۵ ماده

بر کیمسه حیوانی باشی بوش طریق عامه صالحیورسه اول
حیوانک ایتدیکی ضرری ضامن اولور

۹۳۶ ماده

بر کیمسه نك را کب اولدیغی حیوان اولك یاخود ارقه
ایاغیله کندو ملککنده و کرک سائر محله بر شیئک اوزرینه
باصوبده تلف ایتسه را کب اولان کیمسه اول شیئی
مباشرة اتلاف ایتش عد اولنه رق هر حالده ضامن

اولور

۹۳۷ ماده

آت کم آلبوبده را کبی باشی ضبط ایدمه میهرک بر ضرر
ایتسه ضمان لازم کلز

۹۳۸ ماده

بر کیمسه کندو ملککنده حیوانی باغلامش اولدیغی حالده
دیگر بری کلو بده بلا اذن اورایه حیوانی باغلا دیغی
صورته صاحب ملکک حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه
ضمان لازم کلز . و اگر اول حیوان صاحب ملکک
حیوانی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

۹۳۹ ماده

بر محله حیوان باغلامه حق اولان ایکی کسنه

حيوانلرينى باغلادقسلرنده حيوانلرك بى ديكرينى تلف
ايتسه ضمان لازم كلز

مثلا بر خانه ده مشترك اولان ايكي كشي حيوانلرينى بر
محلله باغلايو بده بر ينك حيوانى ديكرينك حيواننى تلف
ايتسه ضمان لازم كلز

۹۴۰ ماده

ايكي كشي كندولرينك حيوان باغلامغه حق اوليان برده
حيوانلرينى باغلايو بده اول باغلایانك حيوانى ديكرلك
حيواننى تلف ايتسه ضمان لازم كلز . و صكره باغلایانك
حيوانى اولكینك حيواننى تلف ايتسه ضمان لازم كلور
اراده سنیه تاريخى فى ۲۳ ربیع الآخر سنه ۱۲۸۹

اجد جودت

عمر خلوصى

وكيل درس

امين القتوى

السيد خليل

السيد خليل

عن اعضاء ديوان احكام عدليه قاضى دار الخلافه العليه

سيف الدين

اجد حملى

قسام عسكرى

مدیر معلمخانه نواب

اجد خالد

السيد يونس وهبى

عن اعضاء جمعيت

عبد اللطيف شكرى

— ❦ كتاب الحبر والاكره والشفعه ❦ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجبنجه عمل اولنه)

(كتاب تاسع)

(حجر واکراه وشفعه بياننده اولوب بر مقدمه ايله)

(اوج بابي حاويدر)

(مقدمه)

(حجر واکراه وشفعه به متعلق اصطلاحات فقيه)

۹۴۱ ماده

حجر . بر شخص مخصوصی تصرف قوايسندن منطرد که
بعد الحجر اول شخصه محجور دنيلاور

۹۴۲ ماده

اذن . حجرى فك ايتك وحق منعى اسقاط ايلکدر که
اذن وريلان شخصه مأذون دنيلاور

۹۴۳ ماده

صغير غير مميز . بيع وشرایى فهم ايتيان يعنى ملکيتى بيعک
سالب و شرانک جالب اولديغنى بيليان واونده بش
الدائق کبی غبن فاحش اولديغنى ظاهر اولان بر غبن
غبن يسير دن تمیز و تفريق ايليان چو حوق اولوب بونلری
تمیز ایدن چو جغه صغير مميز دنيلاور

۹۴۴ ماده

مجنون ایکی قسمدر . بری مجنون مطبقدر که جنونی جمیع
اوقاتی مستوعب اولان کیمسه در . دیکری مجنون غیر
مطبقدر که گاه مجنون اولوب گاه افاقت بولان کیمسه در

۹۴۵ ماده

معتوه . اول مختل الشعور اولان کیمسه در که فهمی قلیل
وسوزی مشوش و تدبیری فاسد اولور

۹۴۶ ماده

سفیه . مالی بیهوده بره صرف ایله و مصارفنده تبذیر
واسراف ایله اضاعه و اتلاف ایدن کیمسه در
ایله و ساده دل اولمق حسبیله کار و تمتع یولنی بیه میوبده
اخذ و اعطاسنده الدانه کلان کیمسه لر دخی سفیه
حد اولور

۹۴۷ ماده

رشیر . مالی محافظه خصوصنده تقید ایدرک سفیه
و تبذیردن توقی ایدن کیمسه در

۹۴۸ ماده

اکراه . برکسنه یی اخافه ایله رضاسی اولمق سزین بر
ایش ایشلمک اوزره بغیر حق اجبار ایتکدر که اول
کسنه یه رانک قنحیه مکره و اجبار ایدن کیمسه یه مجبر

و اول ايشه مكره عليه و خوفى موجب اولان شيئه مكره به
دينلور.

۹۴۹ ماده

اكر اه ايكي قسمدر . قسم اول اكر اه مجبدر كه اتلاف
نفس يا قطع عضو يا خود بوناردن برينه مؤدى اولور
ضرب شديد ايله اولان اكر اهدر . قسم ثانى اكر اه غير
مجببدر كه يالكز غم والى موجب اولور ضرب و حبس
كبي شيلره اولان اكر اهدر
۹۵۰ ماده

شفعه . بر ملك مشترايى مشتري به هر قاچه مال اولديسه
اول مقدار ايله تملك ايتكدر
۹۵۱ ماده

شفيع . حق شفعه سى اولان كيمسه در
۹۵۲ ماده

مشفوع . حق شفعه نك تعلق ايلديكي عتار در
۹۵۳ ماده

مشفوع به . شفيعك مابه الشفعه اولان ملكيدو
۹۵۴ ماده

خليط . صو حصه سى و يول حصه سى كبي حقوق
ملكده مشارك ديمكدر

۹۵۵ ماده

شرب خاص . اشخاص محدودیه مخصوص اولان ماء
جاریده کی حق شربدر اما عمومک منتفع اولدیخی
نهرلردن صوملق شرب خاص قیلندن دکلدر

۹۵۶ ماده

طریق خاص . چیقماز زقاق دیمکدر

(باب اول)

(جرحه متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصله متقسمدر)

(فصل اول)

(صنوف و احکام محجورین بیاننده در)

۹۵۷ ماده

صغیره و مجنون و معتوه ذاتا محجورلر در

۹۵۸ ماده

سفیه اولان کیمسه حاکم طرفندن حجر اولندیلور

۹۵۹ ماده

مدیون دخی غرمانک طلبیه حاکم طرفندن حجر اولنه یلور

۹۶۰ ماده

مواد آنفسده ذکر اولنان محجورینک بیع و شراکی

متصرفات قولیه لری معتبر اولمز ایسه ده کندو فعللرندن
 نشئت ایدن ضرر و زبانی ضامن اولورلر
 مثلاً بر چوجق غیرمیز اولسه بیله برینک مالی اطلاق
 ایتدکده ضمان لازم کلور
 ماده ۹۶۱

سفیه و مدیون حاکم طرفندن حجر اولندقدن سببی ناسه
 بیان ایله اشهاد و اعلان اولنور
 ماده ۹۶۲

حاکم طرفندن حجری مراد اولنان کیسه نك حضوری
 شرط اولیوب غیاباً دخی حجری صحیح اولور
 فقط خبر جرك اول کیسه یه وصولی شرطدر . حجر
 اولندیغی خبری کندوسنه واصل اولمدیقه منجر
 اولیوب اولوقته قدر واقع اولان عتود و اقراری معتبر
 اولور

ماده ۹۶۳
 فاسق اولان کسسه مالی تبذیر و اسراف ایتدیکه مجرد
 فسق سببیه حجر اولندهز
 ماده ۹۶۴

طیب جاهل کی عموماً مضرتی اولان بعض کسان دخی
 حجر اولنور

فقط بونده جردن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر
بوخسه تصرفات قولیه دن منع معناسنه دکدر

۹۶۵ ماده

بر کیمسه بر چارشوده صنعت یا تجارت اجرا ایدو بده
اول صنعت یا تجارت اربابی بزم کار و کسبزه مخلل کلیور
دیو اول کیمسه بی صنعت و یا تجارتی اجرادن جبر و
منع ایتدیره مز لر

(فصل ثانی)

(صغیر و مجنون و معتوهه متعلق مسائل بیانده در)

۹۶۶ ماده

صغیر غیر میمرک و لیس اذن ویرسه بیه انک تصرفات
قولیه سی اصلا صحیح اولمز

۹۶۷ ماده

صغیر میمرک قبول هبه و هدیه کی حقنده نفع محض
اولان تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیه معتبر در
و آخره برشی هبه ایتک کی حقنده ضرر محض اولان
تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیه معتبر
اولماز

اما ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده دائر اولان عقود

ولیسنك اجازته موقوفاً منعقد اولور . ولیسی دخی
اجازت و بروب ویرمامکده مجیر در . شویله که صفیر
حقنمه فائده لو کوررسه مجیر اولور کورمز ایسه
مجیر اولماز

مثلاً بر صفیر مجیر بلا اذن بر مال صاتسه ولو که دیکرندن
زیاده ثمن ایله صاتمیش اولسه ییله بیعک نفادی ولیسنك
اجازته موقوفدر . زیرا عقد بیع ذاتاً بفع ایله ضرر
یبنده متردد اولان عقوددندر

۹۶۸ ماده

صفیر مجیری تجربه ایچون مالنك بر مقدارینی ولیسی
کندوسنه تسلیم ایله اخذ و اعطایه اذن ویره یلور .
ورشدی تحقیق ایدر ایسه باقی اموالنی دخی کندوسنه دفع
و تسلیم ایلر

۹۶۹ ماده

رج قصده اولندیغنه دلالت ایسن عقد مکرر لر اخذ
واعطایه اذندر

مثلاً بر صفیره ولیسنك الیش ویرش ایت یاخود فلان
جنس مالی آل صات دیسی اخذ و اعطایه اذن دیمکدر .
اما وار چارشودن فلان شیئی آل یاخود فلان شیئی
صاتیور دیسی کبی یالکز برعتنك اجراسنی امر ایتسی

اخذ واعطایه اذن دیمک اولیوب بلکه عرف و عادت
اوزره اول صغیری توکیلا استخدام قیلندن عد
اولنور

۹۷۰ ماده

ولینک اذنی زمان و مکان و برنوع اخذ واعطایه تقید
و تخصص ایتمز

مثلا برکون یا خود بر آی ایچون اذن ویرسه صغیر میر علی
الاطلاق مأذون اولوب، ولیسی انی حجر ایتمد بکه مؤیدا
مأذون قالور

و کذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هر یرده
اخذ واعطایه مأذون اولور اذک فلان جنس مالی آل
صات دیسه هر جنس اموالی الوب صاته یلمور
۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدینگی کبی دلالة دخی اولور
مثلا بر صغیر میرنی ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکه
سکوت ایدوبده منع ایتمسه دلالة اذندر
۹۷۲ ماده

بر صغیره ولیسی طرفندن اذن ویرادکه تحت اذنده
داخل اولان خصوصاته بالغ منزله سنده اولور و بیع
واجاره کبی عقود معتبر اولور

۹۷۳ ماده

بر صغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله
اول اذنی ابطال ایده یلور . فقط نوجهله اذن ویرمش
ایسه ینه اول وجهله حجر ایتسی شرطدر

مثلاً بر صغیره ولیسی اخذ واعطا ایچون اذن عام ویروبده
چارشومی خلقتک معلومی اولدقن صکره آنی حجر ایده جک
اولدقده ججری دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو
خلقتک اکثریسنک معلومی اولق شرطدر یو خسه کندو
خانه سنده ایکی اوچ کشینک محضر نده حجر ایتسی صحیح
اولماز

۹۷۴ ماده

صغیرک بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش
ایسه وصی مختاری یعنی باباسنک حال حیاتنده اختیار
ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی
وفات ایدرسه انک حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی
رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرک باباسنک باباسی یاخود
باباسنک باباسنک باباسی خامساً اشبو جدک حال حیاتنده
اختیار ونصب ایلش اولدیغی وصی سادساً اولی وصینک
نصب ایلدیکی وصی سابغاً حاکم یاخود وصی منصوبی
یعنی حاکمک نصب ایلدیکی وصی در

اما قرینداش و عمو جه و سائر اقربانک وصی اولدقلری
 حالده اذن و یرملری جائز اولماز
 ماده ۹۷۵

حاکم بر صغیر میرک تصرفنده منفعت کوردیکی حالده
 اذن مقدم اولان ولی اذن امتناع ایتسه حاکم بو
 خصوصده اول صغیره اذن و یره پیلور و دیگر ولیسی
 ارتقانی حجر ایده مز
 ماده ۹۷۶

بر صغیری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده و یرمش اولدیخی
 اذن باطل اولور . فقط حاکمک اذنی و قاتیلہ یا خود
 عزیلہ باطل اولماز
 ماده ۹۷۷

بر حاکمک مأذون ایتدیکي صغیری ینه اول حاکم یا خود
 خلفی حجر ایده پیلور . یوشمه بابامی یا خود دیگر
 ولیسی حاکمک وفاتی یا خود عزلی اوزر ینه آنی حجر
 ایده مز
 ماده ۹۷۸

معتوه اولان کیمسه صغیر میر حکمنده در
 ماده ۹۷۹

مجنون مطابق صغیر غیر میر حکمنده در

۹۸۰ ماده

مجنون غیر مطبقك حال افاقته اولان تصرفانی عاقلك
تصرفی کبیدر

۹۸۱ ماده

بر چوجق بالغ اولدقه مالنك كندوسنه اعطاسی
خصوصنده استعجال اولنمیوب تانی ايله تجربه اولنمیدر
رشد اولدیغی تحققی ایدر ایسه اول وقت اموالی
کندوسنه و یریلور

۹۸۲ ماده

بر چوجق غیر رشید اوله رق بالغ اولور ایسه رشدی
تحقق ایتدیگجه مالی کندوسنه و یرلیوب کافی الساباق
تصرفدن منع اولنور

۹۸۳ ماده

بر صغیرك رشدی ثابت اولدین اموالی وصیسی طرفندن
کندوسنه و یریلو بده اول صغیرك یدنده ضایع اولسه
یا خود صغیراتلاف ایتسه وصی ضامن اولور

۹۸۴ ماده

بر صغیرك بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه و یریلو بده
بعده سفیه اولدیغی تحققی ایتسه حاکم طرفندن حجر
اولنور

۹۸۵ ماده

حد بلوغ احتلام و احيال (یعنی کبه ايلك) و حيض
و خبل (یعنی کبه اولمق) ايله ثابت اولور

۹۸۶ ماده

سن بلوغك مبدئي ار ككده تام اون ايكي وقيرده تام
طقوز و منتهاى ايكي سنده دخی تام اون بش ياشدر
و بر ار كك اون ايكي و بر قير طقوز ياشني تكميل
ايدو بده بالغ اولسه بالغ اولنجيدك مر اھق و مر اھق
دينلور

۹۸۷ ماده

منتھای سن بلوغه وار ميشيكن كندوسنده آثار بلوغ
ظاهر اولميان كيمه حكما بالغ عد اولور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارميان بر چوجق بالغ ديو دعوى
ايله قبول اولتماز

۹۸۹ ماده

بر مر اھق يا خود مر اھقه حضور حاكده بالغ اولديغني
اقرار ايتدكده جته سنك بلوغه تحملي اولماق حسييله
ظاهر حال كندوسني مكذب اولور ايسه بو اقراري
تصديق اولتماز و اكر جته سنك بلوغه تحملي اولوبده

ظاهر حال کند و سنی تکذیب ایتز ایسه تصدیق اولنور
و عقود و اقراری نافذ و معتبر اولور . و بر مدت
صکره بن اولوقت یعنی حین اقرارده بالغ دکل ایدم دیو
بعد الاقرار واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتمک
ایستمه اکا التفات و اعتبار اولنماز

(فصل ثالث)

(سفیه محجور حقنده در)

۹۹۰ ماده

سفیه محجور معاولاتده صغیر ممیز کبدر . فقط سفیهک
ولایسی آجق حاکدر . انک اوزرنده اب وجدینک
وو صیلرینک حق ولایتی یوقدر

۹۹۱ ماده

سفیهک بعد الحجر معاولاتجه تصرفات قولیه سی صحیح
اولماز ایسه ده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسک تصرفاتی
کبدر

۹۹۲ ماده

سفیه محجورک کرک کندو و کرک نفقه سی اوزرینه لازم
اولنر کند و سنک مالندن انفاق اولنورلر

۹۹۳ ماده

سفیه محجور برمانی صائمه نافذ اولماز ایسه ده حاکم
منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

۹۹۴ ماده

سفیه محجورک آخره دین اقرارای مطلقاً صحیح اولماز . یعنی
کړک وقت حجرده موجود و کړک بعد الحجر حادث
اولان اموالی حقنده اقرارینک تأثیری اولماز

۹۹۵ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسنک
مالندن تأدیه اولنور

۹۹۶ ماده

سفیه محجور آقچه استقراض ایدوبده کندو نفقه سنه
صرف ایتدکده اکر قدر معروف اوله رق صرف ایتمش
ایسه حاکم اول آقچه بی انک مالندن تأدیه ایلر .
واکر فضله صرف ایتمش ایسه حاکم نفقه سی مقدارینی
محسوب ایدوب فضله سنی ابطال ایلر

۹۹۷ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ایتدکده حاکم طرفندن حجرک
اولنور

(فصل رابع)

(مدیون محجور حقننده در)

۹۹۸ ماده

مدیونك قدرتی وار ایكن دینك اداسنده بماطله ایلدیكى
 نزد حاكمه ظاهر اولوبده دأئتری دخی مالی صاتیله رق
 دینك تأدییه سنی حاكمدن طلب ایتدكرنده حاكم آنی حجر
 ایدر

و كندوسی مالی صاتوبده دیننی ایفادن امتناع ایتدیكى
 تقدیرده حاكم انك مالی صاتوب دیننی تأدییه ایلر
 شویله كه مدیون حقننده بیعی اهون اولاندن بدأ ایله صكره
 ده بو ترتیب اوزره اهونی تقدیم ایدرك ابتدا نقودندن
 باشلا یوب وفا ایتمز ایسه عروضنی وعروضی دخی وفا
 ایتمز ایسه عقارینی صاتار

۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالیه مساوی یاخود ازید
 اولوبده غرماسی تجارتله مالنك ضایع اولمسندن و یاخود
 مالی قاچرمسندن و یا آخرك اوزرینه كچورمسندن خوف
 ایله حاكمه مراجعت ایدرك مالنده تصرفدن یاخود
 آخره بوج اقرارندن حجر اولنمسنی طلب ایتدكرنده
 حاكم اول كیمسه یی حجر ایدر . و اموالنی صاتوب ائماننی

بین الغرما تقسیم ایلر . فقط کندوسنه بر یا ایکی قات
البسه ترك اولنور

شو قدر که اول مديونك قیمتلو البسه سی اولوبده مادونی
ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب
ثمنندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النهرق باقیسی
غرمایه و بریلور کذلک برقوناغی اولوبده مادونی ا کا
کفایت ایدر ایسه اول قوناق صاتیلوب ثمنندن
حالنه مناسب بر مسکن النور و باقیسی غرمایه اعطا اولنور
۹۰۰۰ ماده

مديون مفلسك مدت محجوریتنده كرك كندو و كرك
اوزینه نفقه سی لازم اولان كسنه لر کندوسنك مالندن
انفاق اولنور.

۱۰۰۱ ماده

دين ایچون حجر انجق مديونك وقت حجرده موجود
اولان مالنه تاثیر ایدر اما بعد الحجر انه یکن مالنه تاثیر
اولماز

۱۰۰۲ ماده

هبة و صدقه و ثمن مثلندن نقصاننه مال صاتمق كبی
هر نه که غرمانك حقنی ابطاله مؤدی اوله حجر انده مؤثر
اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمایه مضر اولان
 عقودی و سائر تصرفات و تبرعاتی وقت مجرده موجود
 اولان اموالی حقه منده معتبر اولماز . اما بعد الحجر
 اکتساب ایلدیکی اموالی حقه منده معتبر اولور . و بشقه سنه
 بوج اقرار ایتدکده وقت مجرده موجود اولان اموالی
 حقه منده معتبر اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور
 و اولوقت ادا ایلک اوزره مديون قالور و برده بعد الحجر
 مال قازانور ايسه اندن ویرلک اوزره اقراری نافذ اولور

(باب ثانی)

(اکر اه متعلق مسائل بیانده در)

ماده ۱۰۰۳

مجبرك تهديدیني ایقاعه مقتدر اولسی شرطدر
 بناء عليه تهديدیني ایقاع و اجرایه مقتدر اولیان کیسه نك
 اکر اهی معتبر اولماز

ماده ۱۰۰۴

مكره بهك وقوعنده مكرهك قورقسی یعنی مكره علیه
 ایشلمدیکی تقدیرده مجبرك مكره بهی اجرا ایده جكنه كند و سنجه
 ظن غالب حاصل اولسی شرطدر

۱۰۰۵ ماده

مکړه اکر مکړه علیهی مجبرک یاخود آدمنک حضورنده
ایشلر ایسه اکراه معتبر اولور . اما مجبرک یاخود آدمنک
غیابنده ایشلر ایسه اکراهک زوالندن صکړه طوعا ایشلش
اوله جنی جهتله بوا اکراه معتبر اولماز

مثلا بر کیمسه دیکره مالی صائمق اوزره اکراه ایدوبده
مکړه انک غیابنده طرفندن برآدمی دخی اولمدیغی حالده
واروب مالی صائسه اکراه معتبر اولیوب بیعی صحیح
ومعتبر اولور

۱۰۰۶ ماده

اکراه معتبر ایله و قوعبولان بیع وشرایح و هبه
و فراغ و عن مال صلح و اقرار و ابراء و تأجیل دین
واسقاط شفعه معتبر اولماز . کرک اکراه ملجی اولسون
و کرک اکراه غیر ملجی اولسون . فقط مکړه بعدزوال
الا اکراه مجیز اولورسه اول خالده معتبر اولور

۱۰۰۷ ماده

اکراه ملجی بروجه بالا تصرف قولیه ده معتبر اولدیغی
کبی تصرفات فعلیه ده دخی معتبر اولور . اما اکراه
غیر ملجی یا لکز تصرفات قولیه ده معتبر اولوب تصرفات
فعلیه ده معتبر اولماز بناء علیه بر کیمسه دیکره فلانک

مالنی اتلاف ایت یوخسه سنی قتل ایدرم یا خود بر عضوکی
 کسرم دیو بدیه مکره دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر
 اولوب ضمان انجق مجره لازم کلور . اما فلانک مالنی
 اتلاف ایت یوخسه سنی ضرب یا حبس ایدرم دیو بدیه
 او دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر اولیوب ضمان انجق
 متلفه لازم کلور

(باب ثالث)

(شفعه بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مراتب شفعه بیانده در)

۱۰۰۸ ماده

اسباب شفعه اوچدر . اولکیسی نفس میعهده مشارک
 اولمقدر . نه کیم ایکی کیسه نیک بر عقارده شایعه
 اشتراکری کبی
 ایکنجیسی حق میعهده خلیط اولمقدر . نه کیم حق شرب
 خاص و طریق خاصده اشتراک کبی
 مثلاً حق شرب خاصده اشتراکری اولان باغچه لردن
 بر یسی صاندلقدیه دیگر باغچه لراصبابی شب شفیع اولورلو
 کرک جار ملاصق اولسونلرو کرک اولسونلر

کذاک قپوسی طریق خاصه آچیلان یرخانه صاتلدقده
 اول طریق خاصه قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک
 کافه سی شفیع اولور کرک جار ملاصق اولسونلر و کرک
 اولسونلر . اما عمو مک منتفع اولدیغی بر نهر دن صو
 آلان یاخود قپوسی طریق عامه آچیلان خانه لردن بری
 صاتلدقده اول نهر دن صو آلان یاخود اول طریق عامه
 قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک حق شفعه سی یو قدر
 اوچنجیسی مبیعه جار علاصق اولمقدار
 ۱۰۰۹ ماده

حق شفعه اوللا نفس مبیعه مشارک اولان کیمسه نک
 ثانیاً حق مبیعه خلیط اولانک ثالثاً جار ملاصق کدر .
 و برنجی طالب ایکن دیکر لرینک وایکنجیسی طالب ایکن
 اوچنجینک حق شفعه سی یو قدر
 ۱۰۱۰ ماده

نفس مبیعه مشارک اولدیغی یاخود اولوبده حق شفعه
 سنلن واز یکدیکی حالدده حق مبیعه خلیطی وار ایسه
 حق شفعه آنکدر

حق مبیعه خلیطی دخی یوغیسه یاخود اولوبده
 حقندن واز یکر ایسه اول حالدده جار ملاصق شفیع
 اولور

مثلاً بر کیمسه مستقلاً ملکی اولان عقارینی صائدقده یاخود
بر مشترک عقارده کی خصه شایعه سنی صاتو بده مشارکی
حق شفعه سندن واز یکدکده اگر اول عقارک حق
شرب خاصنده یاخود طریق خاصنده خلیطی وار ایسه
حق شفعه آنکدر یوق ایسه یاخود اولوبده حقندن
چکر سه اول حالده حق شفعه جار ملاصقکدر

۱۰۱۱ ماده

بر بنانک فوقانیسی یعنی اوست قاتی بر ینک و تحتانیسی
یعنی الت قاتی دیگر ینک ملکی اولدیغی صورتده یکدیگره
جار ملاصق عد اولتور

۱۰۱۲ ماده

بر خانه نک دیوارنده مشارک اولان کیمسه اول خانه ده
مشارک حکمنده در . اما دیوارده مشارک اولیو بده
فقط کندو خانه سنک کیرشلی قوشوسنک دیواری
اوزرینه تمتد اولدیغی صورتده جار ملاصق عد اولتور
بجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلی ینک او جلینی قویمق
حق اولمغله شریک و خلیط عد اولنه ماز

۱۰۱۳ ماده

متعدد شفیعملر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولتور
مقدار سهامه یعنی حصه لرینک مقدارینه اعتبار اولنماز

مثلاً بر خانه نك نصف حصه سی بر کیمسه نك وثلث ايله
سدس حصه لری دیگر ایکی کشینک اولدیغی حالده نصف
حصه صاحبی حصه سنی آخره صاتدقده دیگر لری شفعه ايله
طالب اولسه لر بالمناصفه بینلرنده تقسیم اولنور . یوخسه
ثلث حصه صاحبی حصه سنه کوره زیاده حصه الهماز

۱۰۱۴ ماده

ایکی صنف خلیطرا اجتماع ایتدکده اخصی اعمک اوزرینه
تقدیم اولنور

مثلاً بر نهر صغیردن آچیلان خرقدہ حق شربی اولان
یری ملک بر باغچه حق شربله بیله صاتلدقده اول
خرقدہ حق شربی اولنلر حق شفعه ده مقدم و مر جحدور .
اما اول نهرده حق شربی اولان یری ملک بر باغچه حق
شر بیله بیله صاتلدقده کرک اول نهرده و کرک خرقدہ
حق شربی اولنلر هب شفیع اولورلر . نته کیم بر
چیمماز زقاقدن منشعب دیگر بر چیمماز زقاغه قپوسی
اچیلان بر ملک خانه صاتلدقده انحق بوشعبه یه قپوسی
اولان خانه لر اصحابی شفیع اولور . اما اول چیمماز
زقاقده قپوسی اولان بر خانه صاتلدقده کرک اول زقاقده
و کرک شعبه سنده حق مروری اولنلر هب شفیع اولورلر

۱۰۱۵ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربنی
صاتیوبده یالکزاول باغچه بی صاتسه حق شربنده خلیط
اولنلر شفیع اوله ماز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه

۱۰۱۶ ماده

حق شرب حق طریقہ مقدمدر

بناء علیه بر باغچه صاتیوبده بر کیسه انک حق شرب
خاصنده و دیگر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق
شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزربنه ترجیح و تقدیم
اولنور

(فصل ثانی)

(شرائط شفعه بیانده در)

۱۰۱۷ ماده

مشفوعک ملک عقار اولسی شرطدر

بناء علیه سفینه ده و سایر منقولاتده و وقف عقارده و اراضی
امیریه ده شفعه جاری اولماز

۱۰۱۸ ماده

مشفوع بهک دخی ملک اولسی شرطدر

بناء عليه بر ملك عقار صاتلدقده اتصالنده بولنان وقف
عقارك متوليسي ياخود متصرفي شفيع اوله ماز

۱۰۱۹ ماده

وقف ير ياخود اراضي اميريه اوزرنده كي ملك اشجار
وابنيه منقول حكمنده اوله رق بونلرده شفيعه جاري
اولماز

۱۰۲۰ ماده

بر ملك عرصه اوزرنده كي اشجار وابنيه ايله برابر صاتلدقده
يره تبعاً اشجار وابنيه ده دخی شفيعه جاري اولور . اما
يالکز اشجار وابنيه صاتلديغي صورتده شفيعه جاري اولماز

۱۰۲۱ ماده

شفيعه انجق عقد بيع ايله ثابت اولور

۱۰۲۲ ماده

هبه بشرط العوض بيع حكمنده در

بناء عليه بر كيمسه ملك خانه سني بشرط العوض آخره هبه
وتسليم ايتسه جار ملا صقي شفيع اولور

۱۰۲۳ ماده

بلاعوض هبه وميراث ووصيت كي بلا بدل آخره تمليك
اولنان عقارده شفيعه جاري اولماز

۱۰۲۴ ماده

شفيعك واقع اولان عقد بيعه صراحة ياخود دلالة
رضاسى اولماق شرطدر

مثلا عقد بيعى ايشتكده يك اعلا ديسه حق شفعهسى
ساقط اولوب اندن صكره طلب شفعه ايده مز • وكذا
بيعك عقد اولنديغنى ايشتكده صكره عقار مشفوعى مشتريدن
اشترا ياخود استيجار ايتك ايستسه حق شفعهسى ساقط
اولور • كذلك بر كسـنهـنـك بايعه وـكـيل اولوبده
صـاـتـديـغـى عـقـاـرـده حق شفعهسى اولهـماز (۱۰۰)

ماده يه باق

۱۰۲۵ ماده

بدلك معلوم المقدار مال اولسى شرطدر
بناء عليه مال اولميان بدل ايله تمليك اولنان عقارده شفعه
جارى اولماز

مثلا بر حرام استيجار ايله اجرت ديو ويريلان ملك خانهده
شفعه جريان ايتمز زيرا بونده يك بدلى مال اولميوب
منافع قبيلندن اولان اجرتدر • كذلك بدل مهر اولهـرق
ويريلان ملك عقارده شفعه جارى اولماز

۱۰۲۶ ماده

بايعك مبيعدن ملكى زائل اولق شرطدر

بناء علیه بیع قاسده بایعك حق استردادى ساقط اولمده
شفعه جارى اولماز و بیع بشرط الخیارده اکر مخیر یالکمز
مشتري ایسه شفعه جارى اولور . و اکر بایع مخیر ایسه
حق خیاری ساقط اولمده شفعه جارى اولماز . اما
خیار عیب ایله خیار رؤیت شفعهك ثبوتنه مانع دکلدر
۱۰۲۷ ماده

تقسیم عقارده شفعه جارى اولماز
مثلا بر مشترک خانه مشارکری بیننده تقسیم اولندقد
جار ملاصق شفیع اوله ماز

(فصل ثالث)

(طلب شفعه بیا ننده در)

۱۰۲۸ ماده
شفعهده اوچ طلب لازمدر که طلب مواثبه و طلب تقریر
و اشهاد و طلب خصومت و تملکدر

۱۰۲۹ ماده
شفیعك عقد بیعی طویدیغی مجلسده درحال بن مبیعك
شفیعی یم یاخود بالشفعه طلب ایدرم دیمك کبی طلب
شفعهیه دلالت ایدر بر سوز سویلمی لازمدر . بوکا
طلب مواثبه دینلور

۱۰۳۰ ماده

طلب مواثبه دن صکره شفیعک طلب تقریر و اشهاد ایتسی
لازمدر

شویله که ایکی کشی حضورنده اوله رق مبیعک یاننده بو
عقاری فلان کیمسه اشترا ایتش یا خود مشتری نیک یاننده سن
فلان عقاری اشترا ایتش سین و یا خود مبیع هنوز بابع
یونده ایسه انک یاننده سن فلان عقار کی فلانده صائمش سین
بن ایسه شوجهته انک شفیعیم و طلب شفعه ایتشیدم
شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولکز دیمیدر

واکر شفیع اوزاق محله بولنوبده بالذات بو وجهله
طلب تقریر و اشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر . وکیل
بوله ماز ایسه مکتوب کونددر

۱۰۳۱ ماده

طلب تقریر و اشهاد دن صکره شفیعک حضور حاکمه طلب
و دعوی ایتسی لازمدر . ایشته بوکا طلب خصومت
و تملک دینلور

۱۰۳۲ ماده

شفیع اکر طلب مواثبه یی تأخیر ایدر ایسه مثلاً عقد بیعی
طویدیغی کبی اول مجلسده طلب شفعه ایتیبوده بشقه ایش
ایله یا خود آخر صده دایر بر بحث ایله مشغول اولمق کبی

اعراضه دلالت ایدر بر حالده بولنور ایسه یاخود طلب
شفعه ایتمدین اول مجلسدن قالدقار ایسه حق شفعه سی
ساقط اولور

ماده ۱۰۳۳

شفیع اکر طلب تقریر و اشهادی و لوکه مکتوب ایله
اولسون اجرا ایده جک قدر وقت کچوبده تأخیر ایدر سه
حق شفعه ساقط اولور

ماده ۱۰۳۴

طلب تقریر و اشهاددن صکره شفیع اکر اخر دیار ده
بولنق کبی بر عذر شرعیسی یوق ایکن طلب خصومتی
برآی تأخیر ایدر سه حق شفعه سی ساقط اولور

ماده ۱۰۳۵

محجورینک حق شفعه سنی و لیبی طلب ایدر . و بر
صغیرک حق شفعه سنی و لیبی طلب ایتمز ایسه بعد البلوغ
کندونک طلب شفعه یه صلاحیتی قالماز

(فصل رابع)

(حکم شفعه بیانده در)

ماده ۱۰۳۶

مشرینک بالتراضی تسلیمیه یاخود حاکم حکمیه شفیع
اولان کیمسه مشفوعه مالک اولور

۱۰۳۷ ماده

برملکی شفعه ایله الحق ابتدا اشترا منزله سنده در
بناء علیه خیار رؤیت و خیار عیب ایله رد کبی ابتدا
اشترا ایله ثابت اولان حکم شر شفعه ایله دخی ثابت اولور

۱۰۳۸ ماده

طلب مواثیه و طلب تقریر د نصکره مشترینک بالتراضی
تسلیمی یا خود حاکم حکمی ایله شفیع هنوز مشفوعه
مالک اولدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ایتمز

۱۰۳۹ ماده

شفیع ایکی طلبدن صکره هنوز بروجه مشروح مشفوعه
مالک اولدن مشفوع بهی صاتلسه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۴۰ ماده

شفیع بروجه مشروح هنوز مشفوعه مالک اولدن مالک
مشفوعک اتصائلده دیگر بر مالک عقار صاتلسه بوایکنجی
عقاره شفیع اوله من

۱۰۴۱ ماده

شفعه تجزی قبول ایتمز

بناء علی ذلک عقار مشفوعک بر مقدارینی ترک ایله دیگر
بر مقدارینی المغه شفیعک حق یوقدر

۱۰۴۲ ماده

شفعدان بعضی سی حصه سنی بعضی سینه هبه ایده من
ایدرسه حق شفعد سنی اسقاط ایتش اولور

۱۰۴۳ ماده

شفیعلردن بریسی حاکم حکمندن مقدم حقنی اسقاط
ایلسه دیگر شفیع عقار مشفوعی تماما الهیلور و اگر
حاکم حکمندن صکره شفیعلردن بریسی حقنی اسقاط
ایلسه شفیع دیگر انک حقنی الهماز

۱۰۴۴ ماده

مشتري بناء مشفوعی بویاتق کبی مالندن برشی زیاده
ایلسه شفیع مخیردر دیلرسه ترک ایدر دیلرسه بنانک
ثمنیه برابر اول زیاده نك دخی قیمتنی و یروب مشفوعی
الور

و مشتري عقار مشفوع اوزرینه ابنیه یا پیش یا خود آماج
غرس ایتش ایلسه شفیع مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر
و دیلرسه عقار مشفوعك ثمنیه برابر ابنیه نك یا خود
اشجارك قیمتنی و یروب مشفوعی الور یوخسه ابنیه یا خود
اشجاری قلع ایتك اوزره مشتری به جبر ایده من

اراده سینه تاریخی فی ۱۶ ربیع الآخر سنه ۱۲۹۰

احمد جودت

امين الفتوى

السيد خليل

قاضى دار الخلافة العلية
سيف الدين

عن اعضاء ديوان احكام عدليه
احمد خلوصى

عن اعضاء ديوان احكام
عدليه احمد حلى

عن اعضاء مجلس تدقيقات
شرعية احمد خالد

— ❧ كتاب الشركت ❧ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بنجه عمل اولنه)

(کتاب عاشر)

(انواع شرکاته دائر اولوب بر مقدمه ایله سکرز بابی)

(حاویدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۰۴۵ ماده

شرکت . فی الاصل بردن زیاده کیمسه لره بر شیئک

اختصاصی وانلرک اول شی ایله امتیازی در

فقط اویله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده

دخی عرف واصطلاح اوله رق مستعملدر

بناء علیه مطلقا شرکت ایکی قسمه تقسیم اولنور . بری

شرکت ملکه در که اشترا و اتهام کبی اسباب تملکدن بریله

حاصل اولور . دیکری شرکت عقد در که شریکدر

بینده ایجاب و قبول ایله حاصل اولور ایکسینک دخی

تفصیلاتی باب مخصوص صمرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه وارد در که مباح اولان

یعنی صو کبی فی الاصل کمسنه نك ملكی اولیان شیرلی
اخذ و احراز ایله تملکله صلاحیتده عامه نك متشارك
اولسیدر

۱۰۴۶ ماده

قسمت . تقسیم دیمکدر . تعریف و تفصیلی باب مخصوصنده
کلور

۱۰۴۷ ماده

حادث . دیوان و تخته پرده و چیت دیمکدر . جمعی حیطان
کلور

۱۰۴۸ ماده

ماره . عامه و زننده طریق عامدن مرور و عبور ایدنلردر
۱۰۴۹ ماده

قنسات . قافک فتحیله یرده صو اجرا ایده جك كول
و کار یزدر . جمعی قنوات کلور

۱۰۵۰ ماده

مسنات . میم مضومه و سین مفتوحه و نون مشدده ایله
سنور و صو بندی و صو خرقلرینك کنارلری دیمکدر .
جمعی مسنیات کلور

۱۰۵۱ ماده

احیا . اعمار دیمکدر که اراضی بی زراعتله صالح قیلقدردر

۱۰۵۲ ماده

تجیر . اراضی به بشقه کسسه وضع یدایتماک ایچون
اطرافه طاش و سائر نسنه وضع ایتمکدر

۱۰۵۳ ماده

انفاق . مالی خرج و صرف ایتمکدر

۱۰۵۴ ماده

نفقه . حوایجه و تعیشه صرف اولنه جق آقچه وزاد
و ذخیره مقوله سیدر

۱۰۵۵ ماده

تقبل . برایشی تعهد و التزام ایتمکدر

۱۰۵۶ ماده

مفاوضین . عقد شرکت مفاوضه ایدنلردر

۱۰۵۷ ماده

رأس المال . سرمایه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

ربح . فائده و کار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع . بر کیمسه نك کاری تماما کندوسنه عائد اولوق
اوزره دیگر کسسه به سرمایه و بر مسیدر که سرمایه به بضاعه
و ویرن کسسه به مبضع و الان کسسه به مستبضع دینلور

(باب اول)

(شرکت ملك بياننده اولوب اويچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شرکت ملك تعریف و تقسیمی بياننده در)

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك . اسباب تملكدن اولان اشترا و اتهاپ و قبول وصیت و توارث کبی بر سبيله يا خود خلط و اختلاط اموال ايله یعنی مالاری یکدیگره قابل تمیز و تفریق اولیه جق صورتده فارشدیرمق و يا خود مالاری اول صورتده یکدیگره قارشیق ايله برشیئک بردن زیاده کیمسدر بیننده مشترك یعنی اول شیئک انلره مخصوص اولمیسدر

مثلا ایکی کیمسه بر مال اشترا يا خود بری انلره هبه یا وصیت ایلدو بده انلر دخی قبول ایتسه و يا خود بر مال ایکی کشی یه موروث اولسه اول مال انلرک بیننده مشترك اولور وانلر اول مالده حصه دار و متشارك و هر بری انده دیگرینه مشارک اولورلر

کذلک ایکی کیمسه ذخیره لرینی بر برینه قارشیدرسه يا خود چو الاری دنلرک کبی بروجله ایکیسنک ذخیره لری بر برینه

قارشده اشبو مخلوط یا مختلط ذخیره ایکیمی بیننده مال
مشترك اولور

۱۰۶۱ ماده

بر کیمسه بر التونی دیکرک اول جنسدن اولان ایکی
التونیه قاریشو بده تمیزی قابل اولدیغی حالده ایکیمی
ضایع اولسه قالان بر التون ایکیمی بیننده ثلث و ثلثان
نسبتیه مشترك اولوب ثلثانی ایکی التون صاحبک و
ثلثی بر التون صاحبک اولور

۱۰۶۲ ماده

شرکت ملک . اختیاری و جبری قسملریته تقسیم اولور
۱۰۶۳ ماده

شرکت اختیاریه . مشارکک فعللری ایله حاصل
اولان اشتراکدر

نته کیم بر وجه بالا اشترا و اتیاب و قبول وصیت ایله خلط
اموال صورتلرنده حاصل اولان اشتراک کبی
۱۰۶۴ ماده

شرکت جبرییه . مشارکک فعللری ایله اولیوب بشفه
سبب ایله حاصل اولان اشتراکدر

نته کیم توارث و اختلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان
اشتراک کبی

۱۰۶۵ ماده

معدد و ديعلرك و ديعه يي حفظده اشتراكري شركت
 اختياريه قبيلندندر . اما روزكار اسوبده بر كس نه نك
 جامه سني بر مشترك خانه يه اتسه اول خانه صاحبلي نك
 اول جامه يي حفظده اشتراكري شركت جبريه قبيلندن
 اولور

۱۰۶۶ ماده

شركت ملك . شركت عين و شركت دين قسملرينه دخي
 تقسيم اولنور

۱۰۶۷ ماده

شركت عين . معين و موجود اولان مالمده اشتراكدر
 ايكي كشينك برقيونده يا خود بر سوري قيونده شايعا
 اشتراكري كي

۱۰۶۸ ماده

شركت دين . اله جقده اشتراكدر
 ايكي كشينك بر كس نه ذمتده اله جقري اولان شوقدر
 غرو شده اشتراكري كي

(فصل ثانی)

(اعیان مشترکہ نک کیفیت تصرفی بیانده در)

۱۰۶۹ ماده

بر مملکده مستقلا صاحبی اولان کیسه نصل که کیف مایشاء
تصرف ایدرسه ملک مشترکده دخی صاحببری بالاتفاق
اولوجهله تصرف ایدرلر

۱۰۷۰ ماده

بر مشترک خانه ده صاحببری برلکده اوله رق ساکن
اوله بیلور . فقط بریمی اول خانه یه اجنبی آدم ادخال
ایده جک اولورسه دیکری مانع اوله بیلور

۱۰۷۱ ماده

بر ملک مشترکده حصه دارلردن بری دیکرینک اذنیله
مستقلا تصرف ایده بیلور فقط اول حصه داره مضر
اوله جق وجهله تصرفی جائز اولماز

۱۰۷۲ ماده

حصه دارلردن بری آخره حصه کی بکاصات ویاخود
بنم حصه می اشترا ایت دیو جبرایده من فقط بینلرنده
مشترک اولان ملک اگر قابل قسمت اولوبده مشارکی دخی
غائب دکل ایسه تقسیم وقابل قسمت دکل ایسه مه ایاه
ایتدیره بیلور . نه کیم تفصیلاتی باب ثانیده کاور

۱۰۷۳ ماده

شرکت ملك ايله مشترك اولان اموالك حاصلاتى
صاحبلىرى بيشنده حصه لرينه كوره تقسيم اولتور
بناء عليه بر مشترك حيوانك سوتندن يا خود ياوريلردن
مشاركلرك برينه حصه سندن فضله بر شى شرط ايدلسه
صحيح اولماز

۱۰۷۴ ماده

ياوريلر ملكيتده انالرينه تابعدر
مثلا برينك اتى ديكرك قيصراغنى اشمه حاصل اولان
ياوريسى قيصراق صاحبنكدر . كذاك برينك اركك
و ديكرك ديشى كوكر جنلى اولسه بولردن حاصل
اولان ياوريلر ديشى كوكر جين صاحبلرينكدر
۱۰۷۵ ماده

شرکت ملكده مشاركلردن هر برى ديكرى حصه سنده
اجنيدنر . بريسى ديكرك و كيلي دكلدر
بناء عليه برينك اذنى اولدقجه ديكرى انك حصه سنده
تصرف ايدمهز . فقط مشترك خانه سکناده و دخول
و خروج كى توابع سکنادن اولان احوالده صاحبلردن
هر برينك على وجه الكمال ملك مخصوصى اولمق اوزره
اعتبار اولنور

مثلاً بر مشترک بارگیری صاحبان بری دیگرینک اذن
 اولقسمین اعاره و یا اجاره ایدوبده بارگیرمستعیر و یا
 مستأجر یکنده تلف اولسه دیگرى اکا حصه سنی تضمین
 ایتدیره بیلور . کذلک بریمی بلا اذن مشترک بارگیره
 بنوب یا خود یوک یوکدوبده کیدرکن بارگیر تلف اولسه
 دیگرینک حصه سنی ضامن اولور . و کذا بر مدت
 استعمال ایله بارگیر زبون اولوبده قیمتیه نقصان کلسه
 دیگرک نقصان قیمتدن حصه سنی ضامن اولور . اما
 مشترک خانه ده صاحبان بری دیگرینک اذن المقسین
 بر مدت ساکن اولسه کندى ملککنده ساکن اولمش
 دیمک اولور . بوجهته مشارکنک حصه سنی ایچون
 اجرت و یرمسی لازم اولماز . وقضارا خانه محترق
 اولسه ضمان دخی لازم کلز

۱۰۷۶ ماده

مشترک اراضی بی صاحبان بری زراعت ایتکله
 دیگرینک نادت بلده اوزره حاصلاتدن ثلث یا ربع کبی
 بر حصه المغه صلاحیتی یوقدر

فقط زراعتیله ارضه نقصان کلش ایسه نقصان قیمتدن
 حصه سنی زراعت ایدن مشارکنه تضمین ایتدیره بیلور

۱۰۷۷ ماده

مال مشترکی صاحبزندان بری آخره ایجار ایله اجرتنی
اخذ ایتدکده دیگرینک حصه سنی اکارد و اعطا ایدر

۱۰۷۸ ماده

حصه دارلردن بری غائب اولدیغی صورتده اگر مواد
آیه ده بیان اولنه جغی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه
حاضر اولان کندی حصه سی قدر ملک مشترکدن انتفاع
ایده بیلور

۱۰۷۹ ماده

حاضرک غایبه مضر اولیه جق وجهله ملک مشترکدن
انتفاعنه غائبک رضاسی وار عد اولنور

۱۰۸۰ ماده

مستعملینک استعمالیه مختلف اولان ملک مشترکدن انتفاعه
غائبک دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترک البسه صاحبزندان بری دیگرک غایبده
تلبس ایده من

وکذا بریسی دیگرینک غایبده بینلرنده مشترک اولان
بار کیره بنده من

اما بولک طاشمق و چفت سورمک کی مستعملینک اختلافیه
مختلف اولیان ایشلرده حصه سی قدر استعمال ایده بیلور

نته کیم متشار کردن بری غائب اولدقده دیکری بینلرنده
بالاشترک اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام

ایده یلور

۱۰۸۱ ماده

خانه ده سکنی مستعملینک اختلافیه مختلف دکلدور

بناء علیه مناصفة مشترک اولان خانه صاحبیلرندن بریسی
غائب اولسه دیکری التی آی ترک ایتک کبی بروجله انتفاع

ایده یلور

شو قدر که دائره سی خلقی غلبه لک ایسه مستعملینک
استعمالیه مختلف قییلندن اولور و بونده غائبک دلالة

رضایی بولتماز

۱۰۸۲ ماده

حاضر و غائبک خانه مشترکده حصه لری یکدیگردن مفرز
ایسه حاضر اولان کیمسه غائبک حصه سنده ساکن
اوله ماز لکن بوش طور مغله خراب اولسندن خوف
اولنور ایسه حاکم اول حصه مفرزه بی ایجار ایله اجرتنی
غائب ایچون حفظ و توقیف ایلر

۱۰۸۳ ماده

مهایاة النجق بعد الخصومه جاری و معتبر اولور
بناء علیه بر مشترک خانه ده صاحبیلرندن بریسی نیکرینک

حصه سی ایچون اجرت ویر مکسزین بر مدت مستقلا
ساکن اولدقده دیکری یا اول مدت ایچون بنم حصه مک
اجرتنی ویر . ویاخود بن اولقدر مدت ساکن اولورم
دیه میوب انجق دیلر سه خانه قابل قسمت اولدیغی تقدیرده
تقسیم و دیلر سه اندن صکره معتبر اولق اوزره مه ایاء
ایتدیرر

فقط مشترک خانه صاحب لرندن بری غائب اولوبده
دیکری ماده آنفده ده بیان اولندیغی اوزره بر مدت انده
ساکن اولسه غائب دخی کلدکده او قدر مدت انده ساکن
اوله یلور

ماده ۱۰۸۴

خانه مشترکی صاحب لرندن حاضر اولان کیمسه ایجار
و اجرتندن کندی حصه سنی الوب غائب حصه سنی حفظ
و توقیف ایتسه جائز اولور . و غائب کلدکده حصه سنی
اندن الور

ماده ۱۰۸۵

مشترک اراضی صاحب لرندن بری غائب اولدقده زراعتک
نقصان ارضی موجب اولیوب ارضه نافع اوله جخی
معلوم اولور ایسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینک
تمامی زراعت ایده یلور . و نقدر مدت زراعت ایدر سه

غائب دخی کلد کده اول قدر اراضی بی زراعت ایلر
 واکر زراعتک نقصان ارضی موجب و ترکی نافع و ارضک
 قوتلشمسنی مؤدی اوله جغی معلوم اولور سه اول اراضینک
 زراعتنه غائبک دلالة اذنی بولتماز . بناء علیه حاضر اولان
 مشارکی اول اراضیدن یالکز کندی حصه سی مقدارینی
 مثلا مناصفة مشترک ایسه نصفنی زراعت ایلر . و سنه
 آتیده تکرار زراعت ایده جک اولور سه ینه اول نصفنی
 زراعت ایدوب یو خسه بر سنه بر طرفنی و دیگر سنه
 دیگر طرفنی زراعت ایده من واکر اول اراضینک
 تمامی زراعت ایدر سه غائب کلد کده ! ک نقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیره یلور

تفصیلات سابقه حاضرک حاکمه مراجعت ایتدیکی تقدیرده
 در . اما حاکمه مراجعت ایتد کده هر حالده عشر یا خراج
 اراضی ضایع اولماق ایچون اول اراضینک تمامی
 زراعت ایتک اوزره حاکم اکاذن ویرر . و بوتقدیرجه
 غائب کلد کده نقصان ارض دعواسی ایده من

ماده ۱۰۸۶

مشترک باغ صاحب لرندن بری غائب اولدقده دیگر ی باغک
 اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلد کده کندی
 حصه سنی اخذ و استهلاك ایدر

غائب حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توفیف ایدہ بیلور .
 فقط غائب کلد کدہ مخیر در . دیلر سہ اول بیعی مجیز اولور
 وموقوف اولان ثمنی الور . ودیلر سہ مجیز اولیوب
 حصہ سنی اکا تضمین ایتدیرر

۱۰۸۷ ماده

مشار کردن برینک حصہ سی دیگرینک یدندہ ودیعه
 حکمنده در

بناء علیہ بریسی خود بخود مال مشترکی آخرہ ایداع ایدوبده
 اول مال تلف اولسہ مشارکنک حصہ سنی ضامن اولور
 (۷۹۰) مادہ یہ باق

۱۰۸۸ ماده

حصہ دارلردن بری حصہ سنی دیلر سہ مشارکنہ صاتار .
 ودیلر سہ مشارکندن اذن المقسزین آخر کسنہ یہ دخی
 صاتہ بیلور (۲۱۵) مادہ یہ باق

فقط فصل اولدہ بیان اولسان خلط واختلاط اموال
 صورتلرنده بری مشارکنک اذنی اولدقہ مخلوط
 یا مختلط اولان مال مشترکده کی حصہ سنی بشقہ کسنہ یہ
 صاتہ من

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیدہ ورثہ دن بعضیمی مشترک اولان

تخمی دیگر لرینک یا خود صغیر ایسه لر و صیلرینک اذنیله
اکسه حاصلاتی جله سنک بیننده مشترک اولور
واکر ایچلرندن بریسی کندی تخمی اکسه حاصلاتی
انکدر . فقط زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر
ورثه نك حصه سنی ضامن اولور
(۹۰۷) ماده یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورثه دن بری دیگر لرینک اذنی اولمق سزین قبل القسمه
ترکه دن بر مقدار پاره اخذ و اعمال ایتسه ضرری کند و سینه
حادث اولدیغی کبی کار ایتدیکی صورتده دخی ورثه اندن
حصه الهماز

(فصل ثالث)

(دیون مشترکه بیانده در)

۱۰۹۱ ماده

ایکی یا زیاده کیمسه لرک برکسنه ذمتده اولان الاجقلمری
سبب واحددن ناشی ایسه ایکیمی بیننده شرکت ملک
ایله مشترک بر دین اولور . و اکر سبب متحد اولماز ایسه
دین دخی مشترک اولماز . نته کیم مواد آتیه دن متضح
و مستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعيان متروكه سى وارثلى يىنىده حصه لىنه كوره
مشتراك اولديغى كېي آخرك ذمتنده اولان اله جىنى دىنى
كذلك وارثلى يىنىده حصه لىنه كوره مشترك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشتركى اتلاف ايدين كىسنىه نك ضمانا دىنى اولان مبلغ
اول مالك صاحبلى يىنىده مشترك اولور

۱۰۹۴ ماده

ايكى كىشى يىنىده مشترك اولان شوقدر غروشى بر كىسنىه
اقراض ايتسه لر مستقرضك اشو دىنى اول ايكى كىشى
يىنىده مشترك اولور

اما ايكى كىشى بر كىسنىه بىشقه بىشقه آچقه اقراض ايتسه لر
هر برى بىشقه بىشقه اله جىلو اولوب مستقرضك بودىلىرى
ايكىسى يىنىده مشترك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفقه واحده ايله بر مال مشترك صاتىلو بده صاحبلىرى
هيچ برى نك حصه سى حين بيعده ذكرو تسميه اولمىسه
بوندن طولايى مشتري ذمتنده اولان اله جىلىرى دىن
مشتراك اولور

واكر حين بيعده هر برى نك ثمن مبيعده اولان حصه نك

مقداری یا خود نوعی تسمیه و تعیین قلنسسه مثلا برینک
 حصه سی شو قدر و دیگرینک حصه سی بوقدر غروش
 یا خود برینک حصه سی مسکوکات خالصه و دیگرینک
 حصه سی مسکوکات مغشوشه دیو حصه لری تفریق و
 تمیز اولنسسه بایعلر ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

کذلک بریسی حصه شایعه سنی برکسنه یه صائد قد نص کره
 دیگرى دخی حصه شایعه سنی ابروجه اوله رقینه اول
 مکسنه یه صائسه ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

۱۰۹۶ ماده

ایکی کشی برر مالی صفقه واحده ایله برکسنه یه صائسه لر
 مثلاً برینک برآتی و دیگرینک برقصراغی اولوبده ایکیسی
 برلکده اوله رق شو قدر غروش یه ایتسه لر مبلغ مزبور
 بایعلر بیننده مشترک براله جق اولور

واکر هر بری کندو حیواننه شو قدر غروش دیو تسمیه
 ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه الاجقلو اولوب حیوانلرک
 مجموع اثمانی دین ایله مشترک اولمازه کذلک ایکی کشی
 برکسنه یه بشقه بشقه برر مال صائسه لر مبیعلرک اثمانی

دین مشترک اولیوب هر بری بشقه بشقه الاجقلو
اولور

۱۰۹۷ ماده

ایکی کشی کفالتلری حسینه برکسنه نك بورجنى تأدیه
ایتدکلرنده اکر بینلرنده مشترک اولان مالدن ویرمشلر
ایسه مکفول عنده اولان الاجقلری دین مشترک اولور
۱۰۹۸ ماده

برکیمسه شو قدر غروش دیننی ادا ایتک اوزره اینی
کشی به امر ایدوبده انلر دخی تأدیه ایتدکلرنده اکر
بینلرنده کی مال مشترکدن ویرمشلر ایسه اول کیمسه ده
اولان الاجقلری بر دین مشترک اولور
واکرویردکلری آچه بینلرنده مشترک اولیوبده هر برینک
حصه سی حقیقه متمیز ایسه مجرد برلکده ادا ایتش اولملریله
اول کیمسه ده اولان الاجقلری دین مشترک اولماز
۱۰۹۹ ماده

دین مشترک دکل ایسه دانلرندن هر بری اله جغنی مدیوندن
بشقه بشقه طلب واستیفا ایلر وهر بریسی هر نه قبض
ایدرسه کندی اله جغنه محسوب ایدر دان دیکراندن
حصه الهماز

۱۱۰۰ ماده

دین مشترک ایسه داتلردن هر بری کندی حصه سنی
مدیوندن طلب ایدیه یلور و بریتک غیابنده داتن دیگر حاکمه
مراجعت ایله حصه سنی مدیوندن طلب ایتدکده و یرمسی
ایچون حاکم طرفندن امر اولنور

۱۱۰۱ ماده

دین مشترکدن داتلرک بری هر نه قبض ایدر سه دیگر یله
بیلرلنده مشترک اولور . و مشارکی اندن حصه سنی
الور . قابض انی یالکز کندی حصه سنه محسوب ایدیه من
۱۱۰۲ ماده

داتلردن بری دین مشترکدن حصه سنی الوبده صرف
واستهلاک ایسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیره یلور
مثلا ایکی کشی بیلنده مناصفه مشترک اولان بیک غروش
اله جقدن بریسی حصه سی اولان بش یوز غروشی مدیوندن
اخذ و قبض ایله صرف و استهلاك ایسه مشارکی اولان
داتن دیگر اکا ایکی یوز الی غروشی تضمین ایتدیره یلور
و بو حالده مدیونک ذمتنده قالان بش یوز غروش ینه
ایکیسی بیلنده مشترک اولور

۱۱۰۳ ماده

داتن مشارکاردن بری دین مشترکدن برشی قبض ایتموب

فقط حصه سنه بدل مديوندين بر متاع اشترا ايلسه دائن
ديكر اول متاعده مشارك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى
حصه سنى اكا تضمين ايتديره بيلور . واکر اشتراك اوزره
اتفاق ايدر لسه او متاع بيلنلرنده مشترك اولور
۱۱۰۴ ماده

دائن مشاركردن برى دين مشتركده كى حقندن مثلا
شو قدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق او
قدر طوپ بزى قبض ايتسه بخير اولور . ديلر سه الديغى
بزلردن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى
اكا تسليم ايدر . و ديلر سه واز چكمش اولديغى
حقندن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى
اكا ويرر

۱۱۰۵ ماده

دائنلردن برى بروجه بالا كرك دين مشتركدان بر مقدارينى
يا تمامنى قبض ايتسون و كرك كندى حصه سنه بدل مال
اشترا ايلسون و كرك اله جنى مقابله نده بر مال اوزرينه
مديون ايله صلح اولسون دائن ديكر هر صورتده بخير
اولور . ديلر سه مشاركنك بو معامله سنى مجيز اولور .
و مواد آنفده بيان اولنديغى اوزره حصه سنى اندن
الور . و ديلر سه مجيز اوليوب حصه سنى مديوندين استر

وا کر مدیونده اله جخی باتارسه دائن قابضه رجوع ایدر .
مقدما مجیز اولماسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائیلردن بری دین مشترکده اولان حصه سنی مدیوندن
الو بدیده قضارا تلف اولسه مشارکنک بو مقبوضده
اولان حصه سنی ضامن اولماز . فقط کندوسی حصه سنی
استیفا ایتیش اولور . مدیونده قلان اله جق دخی مشارکنه
عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائیلردن بری دین مشترکده کی حصه سنه بدل مدیونی
اجرت ایله استخدام ایلسه دیگری اجرتدن کندی
حصه سنه اصابت ایدن مقداری ا کا تضمین ایتدیره ییلور
۱۱۰۸ ماده

دائن مشارکاردن بری کندی حصه سی ایچون مدیوندن
رهنی الو بدیده رهنه رهن تلف اولسه مشارکی اندن
حصه سنه دوشن مقداری تضمین ایتدیره ییلور

مقار مناصفة مشترک اولان دیک مقداری بیک غروش
اولو بدیده دائیلردن بری کندی حصه سی ایچون بشیوز
غروشاق بر رهن السه و بدیده بو رهن تلف اولسه
دین مشترکک نصفی ساقط اوله جغندن دائن دیگر کندی

حصه سمنه عاٹہ اولان اکیوز الی غروشی اکا تضمین
ایتدیره بیلور

۱۱۰۹ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سی ایچون مدیوندن
کفیل الدیغی و یاخود حصه سنی بر کسمنه اوزرینه
حواله ایتدیردیکي صورتده کفیلدن یاخود محال علیهدن
اخذ و قبض ایلدیکي مبلغده دائن دیکر اکا مشارک
اولور

۱۱۱۰ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سنی مدیونه هبه
یاخود مدیونک ذمتنی اندن ابرا ایلسه هبه سی یا ابراسی
صحیح اولور . و بوندن طولایی مشارکنک حصه سنی
ضامن اولماز

۱۱۱۱ ماده

بری دین مشترکده متشارک اولان دائردن بری مدیونک
مالنی اتلاف ایدوبده ضماننا انک الاجفنه تقاص اولسه
مشارکی اندن حصه سنی اله بیلور

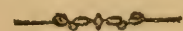
فقط دین مشترکک ثبوتندن مقدم اولان بر سبيله دائردن
برینک مدیونه دینی اولوبده دین مشترکده کی حصه سبيله
تقاص اولسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیره من

ماده ۱۱۱۲

دائـلـردن بری دیکرینک اذنی اولقسزین دین مشترکی
تأجیل و تأخیر ایده من
(لاحقہ)

ماده ۱۱۱۳

بر کیمسه ایکی کشی یه بر مال صاتسه هر برندن حصده سنی
بشقه بشقه مطالبه ایدر مشتریلر یکدیگره کفیل اولدجه
بر ینک بورجی دیکرندن مطالبه اولنه ماز



(باب ثانی)

(قسمت بیانده اولوب طقوز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(قسمتک تعریف و تقسیمی حقنده در)

ماده ۱۱۱۴

قسمت . حصه شایعه یی تعیین ایتمکدر
یعنی کیل و وزن و ذراع کی بر مقیاس ایله حصه لری
یکدیگردن تمیز و افراز ایتلکدر

ماده ۱۱۱۵

قسمت ایکی وجهله اولور . شو یله که یا اعیان مشترکه

یعنی متعدد و مشترك شیلر قسمله بولندرك هر فردنده شایع
اولان حصه لر برر قسمنده جمع ایدلش اولور . اوچ کشی
بیننده مشترك اولان اوتوز قیونی اوزر اوزر اوچه تقسیم
کبی بوکا قسمت جمع دینلور . یاخود برعین مشترك تقسیم
اولنوب هر جزئنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده تعین
ایدر . بر عرصه نك ایکی یه تقسیمی کبی . بوکا قسمت
تفریق و قسمت فرد دینلور

۱۱۱۶ ماده

قسمت بر جهته افراز و بر جهته مبادله در
مثلا ایکی کیمسه بیننده مناصفة مشترك اولان برکیله
بغدايك هر حبه سنده هر برينك نصف حصه سی اولدیغی
حاله مجموعی قسمت جمع قبلندن اوله رق ایکی قسمه
تقسیم ایله بر قسمی برینه و دیگر قسمی دیگر بنه ویرلدکده
هربری کندوسنك نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی
آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتش اولور
کذلک ایکی کشی بیننده مناصفة مشترك اولان بر عرصه نك
هر جزئنده هر برينك نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت
تفریق ایله ایکی یه تقسیم اوله رق هر برینه برر قسمی
ویرلدکده هربری کندو نصف حصه سی افراز و نصف
دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایلش اولور

۱۱۱۷ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکده متشارك اولنلردن هربری
 دیگرینک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کنندی حصه سنی
 اخذ ایده بیلور . فقط غائبک حصه سی کندوسنه تسلیم
 اولند قجه قسمت تمام اولماز . و قبل التسیم غائبک حصه سی
 تلف اولسه مشارکنک قبض ایلش اولدیغی حصه بیلنلرنده
 مشترک اولور

۱۱۱۸ ماده

قیمیاتده مبادلہ جهتی راجحدر . مبادلہ ایسه تراضی
 یاخود حکم قاضی ایله اوله بیلور

بناء علیه مثلیاتدن اولیان اعیان مشترکده متشارك اولنلردن
 بریسی آخرک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کنندی حصه سنی
 اخذ ایده من

۱۱۱۹ ماده

مکیلات و موزونات ایله جوز و یمورطه کبی عددیات
 متقاربه هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان او انی کبی
 اختلاف صنعت حسبیه مختلف و متفاوت اولان موزونات
 قیمیدر

و برده ارپه ایله قاریشق بغدادی کبی خلاف جنسمیله یکدیگردن

تمیز و تفریق اولنه میه جق صورتده مخلوط اولان مثلی
قیمیاتندر

ذرعیات دخی قییدر فقط برجنس چوقه و فابریقه
معمولاتی اولان بزرگی افرادی بیننده تفاوت اولیوبده
دراعی شو قدر غروشه دیو صاتیلان ذرعیات مثلیدر
حیوانات ایله قانون و قارپوز کی افرادی بیننده قیمته
تفاوت بولسان عددیات متفاوته قییاتندر
یازمه کتابلر قیمی وباصمه کتابلر مثلیدر

۱۱۲۰ ماده

قسمت جمع ایله قسمت تفریقدن هربری ایکی نوعه تقسیم
اولنور . نوع اول قسمت رضا . ونوغ ثانی قسمت
قضادر

۱۱۲۱ ماده

قسمت رضا . متقاسمینک یعنی ملک مشترک صاحبلرینک
رضالریله اجرا اولنان قسمندر که بالتراضی بیلنلرنده تقسیم
ایدرلر یاخود جمله سنک رضالریله حاکم تقسیم ایلر

۱۱۲۲ ماده

قسمت قضا . مقسوم له اولنلردن یعنی ملک مشترک
صاحبلرندن بعضیسینک طلبی اوزرینه قاضینک جبراً حکماً
تقسیم

(فصل ثانی)

(شرائط قسمت بیانده در)

ماده ۱۱۴۳

مقسومك عين اولسى شرطدر . بناء عليه دين مشترك
 قبل القبض تقسیمی صحیح اولماز
 مثلا متوفانك متعدد كمسنه لر ذمتنده اله جفی اولوبده
 فلانده اولان اله جفی فلان وارثك وفلانده اولان اله جفی
 فلان وارثك اولق اوزره تقسیم اولنسه صحیح اولماز .
 وبوصورتنده وارثلردن بری نه تحصیل ایدرسسه وارث
 دیگر اكا مشارك اولور (باب اولك فصل ثالثه باقی)

ماده ۱۱۴۴

حصه لر تمیز و افراز اولنمدقچه قسمت صحیح اولماز
 مثلا مشترك بریغین بغدادی صاحب لردن بری دیگرینه سن
 یغنك شو طرفنی ال بو طرفنی بنم اولسون دیسه تقسیم
 اولنمش اولماز

ماده ۱۱۴۵

مقسوم حین قسمته مشاركلك ملكی اولق شرطدر
 بناء عليه بعد القسمه مقسومك مجموعنه بری مستحق چیقسه
 قسمت باطل اولور

و کذا مقسومك نصف وثلث کبی بر جزء شایعنه مستحق
چیهسه قسمت باطل اولوب مقسومك تکرار تقسیمی
لازم کلور

کذاک بر حصه نك مجموعنه مستحق چیهسه قسمت باطل
اولوب حصه باقیه حصه دارلر بیننده مشترک اولور
واکریالکز بر حصه نك بر مقدار معینده یاخود بر جزء شایعنه
مستحق چیهسه اول حصه صاحبی مخیر در .

دیلسه قسمتی فسخ ایدر . و دیلسه فسخ ایتیموب مقدار
نقصانیه دیگر حصه داره رجوع ایدر

مثلا یوز آلتش ارشون بر عرصه مناصفه ایکی به تقسیم
اولندقدن صکره بر حصه نك نصفه بری مستحق چیهسه
اول حصه صاحبی دیلسه قسمتی فسخ ایدر و دیلسه
حصه سنک ربعیله مشارکنه رجوع ایدر یعنی انک حصه سنک
یکرمی ارشون محلی اولور و هر حصه نك بر مقدار معینده
مستحق چیهسه تقدیغی تقدیرده اکر مساوات اوزره ایسه قسمت
فسخ اولنماز . و اکر بریککی از و بریککی چوق ایسه
انجق مقدار زیاده به اعتبار اولور . و یالکز برینک
حصه سنک بر مقدار معینده مستحق چیهسه کبی اولور
و زیاده کیمک حصه سنه اصابت ایتش ایسه بوجه بالا

مخیر اولوب دیرلر سه قسمتی فسخ ایدر • ودیرلر سه
مقدار نقصانیله مشار کنه رجوع ایلر •

۱۱۲۶ ماده

قسمت فضولی • قولا یا خود فعلا اجازته موقوف اولور
مثلا بری مال مشترکی خود بخود تقسیم ایتسه جائزو نافذ
اولماز • فقط صاحببری پک اعلا دیو قولا اجازت ویرسه
یا خود حصه مفزهرلنده تصرف املاک ایله یعنی بیع و
ایجار کبی تملکک لوازمندن اولان بر وجهله تصرف
ایتسدر قسمت صحیح و نافذ اولور

۱۱۲۷ ماده

قسمتک عادلانه اولسی یعنی حصه لر استحقاقلرینه کوره
تعديل اولنهرق بریسنده نقصان فاحش اولماسی لازمدر
بناء علیه قسمته غبن فاحش دعواسی استماع اولنور •
فقط مقسوم له اولنر استیفای حق ایلدکلرینی اقرار
ایتدکنصکره غبن فاحش دعواسی ایدرلر سه استماع
اولنماز

۱۱۲۸ ماده

قسمت رضاده متقاسمیندن هر برینک رضاسی شرطدر
بناء علیه بریسی غائب اولسه قسمت رضا صحیح اولماز •
و ایچلرنده صغیر وار ایتسه وایمی یا خود وصیسی انک

مقامنه قائم اولور . واکر ولیسی یاخود وصیسی یوق
ایسه حاکم امرینه موقوف اولور و حاکم طرفندن بر
وصی نصب اولندهرق انک معرقیله تقسیم اولنور
۱۱۲۹ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر . حصه دارلرک بریسی
طرفندن اولسون طلب واقع اولدجه حاکم طرفندن
جبراً قسمت صحیح اولماز
۱۱۳۰ ماده

حصه دارلردن بعضیسی قسمت استیو بده بعضیسی امتناع
ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنده جفی
وجهله مال مشترک اکر قابل قسمت ایسه حاکم آنی
جبراً تقسیم ایلر . دکل ایسه تقسیم ائلر
۱۱۳۱ ماده

قابل قسوت . تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر .
شویله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله
قوت اولیه

(فصل ثالث)

(قسمت جمع بیانده در)

۱۱۳۲ ماده

متحد الجنس اولان اعیان مشترکه ده قسمت قضا جاری
اولور

یعنی مشارک کردن یا لکز بعضیسنک طلبی اوزینه حاکم
انلری حکما تقسیم ایلر . کرک مثلیاتدن اولسون و کرک
قیمیاتدن اولسون

۱۱۳۳ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک افرادی بینده فرق و تفاوت
اولدیغندن قسمتی مشارک کردن هیچ برینه مضر اولدقدن
بشقه هر بری حقنی المش و هر برینک تمامیت ملکی
حصوله کلمش اولور

نته تیم ایکی کشی بینده مشترک اولان بر مقدار بغدادی
حصه لرینه کوره تقسیم اولندقدن هر بری حقنی استیفا
ایدرک حصه سینه اصابت ایدن بغدایه مستقلاً مالک
اولور . شو قدر درهم النون کلیچه و بو قدر قیه
کوش یا باقر و یا تیمور کلیچه و برجنسدن اولان شو قدر
باستال چرکه و بو قدر طوپ بز و شو قدر عددیمورطه
دخی بو قیلدن در

۱۱۳۴ ماده

متحد الجنس اولان قيميانتك افرادى بېنىندە فرق و تفاوت وار ايسه ده پك جرئى اولقى حسييله يوق حكمنده اولديغندن بونلر دخی بروجده بالا قابل قسمت عداو لنمشر مثلاً ايكي كشي بېنىندە مشترك اولان بشيوز قيون حصه لرينه كوره ايكي به تقسيم اولندوقده هر برى حقنى عينييله الماش كې اولور .

شو قدر يوز دوه و بوقدر يوز اينك دخی بو قبيلدندر

۱۱۳۵ ماده

اجناس مختلفه ده يعنى مختلف الجنس اولان اعيان مشتركده قسمت قضا جارى اولماز . كرك مثلياندىن اولسون و كرك قيمياندن اولسون يعنى مشاركردن ياللكز بر ينك طلبى اوزرينه حاكم انلرى جبراً قسمت جمع ايله تقسيم ايده مز

مثلاً حصه دارلردن برينه شو قدر كيله بغدادى و اكا مقابل ديكرينه بوقدر كيله ارپه يا خود برينه شو قدر قيون و اكا مقابل ديكرينه بوقدر دوه يا اينك و برينه بر قليج و ديكرينه براكر طاقى و برينه بر قوناق و ديكرينه بردكان يا بر چفتلك اعطاسيله قسمت قضا جائز اولماز .

اما کندیلری راضی اولدقلری طالده وجه مشروح
اوزره قسمت رضا جائز اولور
۱۱۳۶ ماده

اختلاف صنعت حسیله مختلف اولان اوانی ولوکه بر
جنس معدن مصنوع اولسه بيله مختلف الجنس عد
اولنور

۱۱۳۷ ماده

جلیات و بیوک اینجو و جواهر دخی مختلف الجنس اولان
اعیاندر

اما افرادی بینده قیمته تفاوت اولیان اوفق اینجولر
و صایی طاشی دنیلان خرده الماسلر کبی جواهر صغیره
متحد الجنس عد اولنور

۱۱۳۸ ماده

متعدد قوناقلر و دکانلر و چفتلکار دخی مختلف الجنس
اولوب قسمت جمع ایله تقسیم اولمازلر

مثلا متعدد قوناقلردن بری مشارکاردن برینه و دیگری
دیگرینه اعطا ایله قسمت قضا جائز اولوب بونلرک هر بری
بروجه آتی قسمت تفریق ایله تقسیم اولنه بیلور

(فصل رابع)

(قسمت تفریق بیانده در)

۱۱۳۹ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحبان بردن هیچ برینه
مضر دکل ایسه قابل قسمت در

مثلا بر عرصه تقسیم اولند قدده هر قسمده ابنیه یا پایاور .
واغاج دیکیلور . و قیو قازیلور . بوجهتله هر صده دن
مقصود اولان منفعت باقی اولور

کذاک برقوناغک سلاملق و حرم دائره لری بشقه بشقه
بر منزل اولمق اوزره تفریق تقسیم اولند قدده قوناقدن
مقصود اولان سکنی منفعتی فوت اولماز . و مشارکاردن
هربری مستقلاً بر منزل صاحبی اولور
بناء علیه کرک عرصه ده و کرک قوناقدده قسمت قضا جاری
اولور

یعنی صاحبان بردن بری قسمت ایستیبوده دیکری امتناع
ایلسه خاکم انلری جبراً تقسیم ایلر

۱۱۴۰ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحبان بردن برینه نافع
و دیکرینه مضر یعنی منفعت مقصوده سنی فوت اولوبده

نفعی اولان کیمسه قسمت ایسترایسه کذلک حاکم آنی
حکماً تقسیم ایلر

مثلاً مشترک بر خانه ده مشارک اولنلردن برینک حصه سی
از اولوبده بعدالتقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه حق
اولدیغی حالده حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت
ایسترایسه حاکم آنی قضاء تقسیم ایلر

۱۱۴۱ ماده

تفریق و تبعیضی صاحب لردن هر برینه مضر اولان برهین
مشتراکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلاً بر دکرمن تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال
اولنه من بوجه تله منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه
مشارک لردن یا لکز برینک طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم
ایده من . اما بالتراضی تقسیم اولنور . جام وقوی
وقنات و پکوک اوطه و ایکی خانه ارمهنده کی حائط دخی
بویله در . بر حیوان ایله بر عربه و بر اکر و برجبه و بر
بوزک طاشی کی یارمغه و قیرمغه محتاج اولان عروض
دخی بوقبیلندندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

۱۱۴۲ ماده

بر مشترک کتابک تقسیم اوراقی جائز اولدیغی کی متعدد

جلد لره منقسم^۱ اولان برکت ابک جلد بجلد تقسیمی دخی جائز
اولماز

۱۱۴۳ ماده

ایکی یاخود زیاده کیسه لر بیننده مشترک اولوبده بشقه سنک
اصلا دخوله حق اولیان طریق بری قسمتی ایستیوبده
دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور . اکر
بعدالقسمة هر برینه برر طریق قاله جق اولور ایسه تقسیم
اولنور

والا قسمته جبر اولماز . مکرکه هر برینک بشقه بشقه
طریق و منفذی اوله . اول حالده ینسه تقسیم اولنور
۱۱۴۴ ماده

مسئل مشترک دخی طریق مشترک کبیرکه بری قسمت
ایستیوبده دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده اکر بعدالقسمة
هر برینه صوینی آقیده جق قدریر قالورسه یاخود مسئل
اتخاذ ایده جک بشقه یری وار ایسه تقسیم اولنور . والا
تقسیم اولماز

۱۱۴۵ ماده

بر کیسه حق مروری باقی اولوق اوزره ملکی اولان طریق
صاته بیلدیکی کی ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر عمارک
تقسیمنده طریق مشترک رقبه سی یعنی ملکیتی یرنده قالمق

و دیگرینک یالکز حق مروری اولق اوزره قسمت دخی
جائز اولور

۱۱۴۶ ماده

برخانهك تقسیمده ایکی حصه اره سندکی حائط حصه دارلر
بینده مشترک اوله رق براغلق جائز اولدیغی کبی یالکز
برینک ملکی اولق اوزره قسمت دخی جائز اولور

(فصل خامس)

(کیفیت قسمت بیانده در)

۱۱۴۷ ماده

مال مشترک اگر مایلاتدن ایسه کیل ایله و موزوناتدن
ایسه وزن ایله و عددیاتدن ایسه عدد ایله و ذریعاتدن
ایسه ذراع ایله تقسیم اولنور

۱۱۴۸ ماده

عرصه و اراضی ذریعاتدن اولدقلرینه مبنی ذراع ایله
تقسیم اولنور
اما اوزرلرنده کی اشجار و ابویه تقدیر قیمت ایله تقسیم
قلنورلر

۱۱۴۹ ماده

برقوناغك تقسیمده بر حصهك ابویه سی دیگر حصهك

ابنيه مننه نسبتله دهها قيمتلو اولديغي تقديرده ممكن
ايسه ديكر حصه يه عرصه دن قيمتجه اكا معادل
اوله جق قدر فضله ير ويريلور دكل ايسه اكا مقابل
نقود علاوه ايديلور

۱۱۵۰ ماده

ايكى كشي بيشنده مشترك برخانه نك فوقانيسى برينه
وتختانيسى ديكرينه اعطا اولنمق اوزره قسمتى مراد
اولندقد كرك فوقانى و كرك تختانى تقويم اولنهرق قيمت
اعتباريله تقسيم اولنور

۱۱۵۱ ماده

برقوناق تقسيم اولنهرق اولدقد قسام اولان كيمسه
ابتدائى كاغد اوزرنده تصوير وعرصه سنى ذراع ايله
مساحه وابنيه سنى تقويم وصاحبلىك حصه لرينه كوره
تسويه وتعديل وممكن ايسه هر حصه يى يكديكره تعلق
قالماسق اوزره حق طريق و شرب ومسيلي ايله افراز
وبرنجى واىكنجى واوچنجى ديو تليقب ايتلى وبعده
قرعه چكملتدر . برنجى ابتدا اسمى چيقانك واىكنجى
ثانيا اسمى چيقانك واوچنجى ثالثا اسمى چيقانك اولور .
زباده حصه وار ايسه ينه بوتريتب اوزره يورر

۱۱۵۲ ماده

تکالیف امریه اکر محافظه نفوذ ایچون ایسه عدد
 رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان و صبیان دقتر
 توزیعہ ادخال اولنماز . واکر محافظه املاک ایچون
 ایسه مقدار ملک اوزرینه تقسیم اولنور
 زیر (۸۷) ماده ده مذکور اولدیغی اوزره غرامت
 غنیمته کوره در

(فصل سادس)

(خیارات بیانده در)

۱۱۵۳ ماده

بیعه اولدیغی کبی اجناس مختلفه نك تقسیمده دخی خیار
 شرط و خیار رؤیت و خیار عیب وار در
 مثلا حصه دارلردن بری شو قدر کیله بغدادی واکا مقابل
 دیکری بو قدر کیله ارپه یاخود بری شو قدر قیون و
 اکا مقابل دیکری بو قدر اینک آلمق اوزره مال مشترکی
 بالتراصی بیلنرنده تقسیم ایتدکلرنده اکر بریسی شو قدر
 کون مخیر اولمق اوزره شرط ایلمش اولسه اول مدت
 ظرفنده دیلرسه قسمتی قبول و دیلرسه فسخ ایدر واکر
 بریسی هنوز مال مقسومی کورمالمش ایسه کوردکده

كذلك مخیر اولور و اكر بریسنك حصه سی عیبلو چقسه
دیلسه قبول و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۴ ماده

متحد الجنس اولان قیمااتك تقسیمده دخی خیاری شرط
و رؤیت و عیب وار در

مثلا مشترك اولان یوز قیون صاحبلی پیننده حصه لرینه
کوره تقسیم اولندقدہ اكر بریسی شو قدر کون مخیر
اولیق اوزره شرط ایلش اولسه اول مدت ظرفنده
قسمتی قبول ایدوب ایتمکه مخیر اولور . و اكر هنوز
قیونلری کور ماش ایسه کوردکده كذلك مخیر اولور .
واكر بریسنك حصه سنه اصابت ایدن قیونلرک عیب
قدیمی ظهور ایتسه كذلك مخیر اولوب دیلسه قبول
و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۵ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتك تقسیمده خیاری شرط و رؤیت
اولیوب فقط خیاری عیب وارد در

مثلا ایکی کشی پیننده مشترك اولان بریغین بغدای تقسیم
اولندقدہ شو قدر کون مخیر اولیق شرطی معتبر اولماز .
و بری بغدایی کور ماش ایسه کوردکده مخیر اولماز .
اما برینه یغینك اوست طرفندن و دیگرینه الت طرفندن

ویریلوبده الت طرفی چورک چیقسه صاحبی مخیر اولوب
دیلرسه قبول و دیلرسه رد ایدر

(فصل شابع)

(قسمتک فسخ و اقاله سی بیانده در)

۱۱۵۶ ماده

قرعه لر کاملاً چکلدکده قسمت تمام اولور

۱۱۵۷ ماده

قسمت تمام اولدقده ارتق اندن رجوع اولنه ماز

۱۱۵۸ ماده

اثنای قسمتده مثلاً قرعه لرک چوغی چیقوبده یالکز بری
قالمش اولدیغی حالدده حصه دارلردن بری رجوع ایدءجک
اولسه باقیلور ۱۰ کر قسمت رضا ایسه رجوع ایده یلور .
وا کر قسمت قضا ایسه رجوع ایدءمز

۱۱۵۹ ماده

بعد القسمه حصه دارلر کندی رضه الریله قسمتی فسخ
واقاله ایدرک مقسومی کافی السابق بینلرنده مشترک ایده یلورلر

۱۱۶۰ ماده

قسمتده غبن فاحش اولدیغی تبین ایدر ایسه فسخ اولنه رق
تکرار قسمت عادلله ایله تقسیم اولنور

۱۱۶۱ ماده

ترکه نك تقسیمیدن صکره میتک دینی ظهور ایتسه قسمت
فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائرله جقلمندن انلری
ابرا ایدرله ویاخود میتک مقسومدن بشقه مالی اولوبده
بورج انکله ایفا اولنور ایتسه اول حالده قسمت فسخ
اولنماز

(فصل ثامن)

(احکام قسمت بیانده در)

۱۱۶۲ ماده

حصه دارلردن هر بری بعد القسمه کندی حصه سنده
مستقلا مالک اولور . برینک حصه سنده ارتق دیگرینک
علاقه سی قالماز . و باب ثالثده بیان اولنه جغی وجهله
هر بریسی کندی حصه سنده کیف مایشاء تصرف ایدر
حتی ایکی کشی بیننده مشترک بر خانه تقسیم اولنوبده
برینک حصه سنده ابنیه و دیگرینک حصه سنده عرصه
خالیه اصابت ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول
عرصه ده قوی قازار و کاریر یاپار و ابنیه انشا ایدوب
دیلدیکی قنر یوکسک چیقار ابنیه صاحبینک هواسی
یاخود کونشی سد ایتسه بیله مانع اوله ماز

۱۱۶۳ ماده

اراضی تقسیمده اشجار و چفتلك تقسیمده اشجار ایله
 ابنیه من غیر ذکر داخل اولور . یعنی اشجار و ابنیه
 کیمک حصه سنده بولنور ایسه انک اولور . حین تقسیمده
 ذکر و تصریح یا خود جمیع حقوقیله و یا جمیع مرافقیله
 دینلک کبی بر تعبیر عمومی ایله ادخاله حاجت یوقدر

۱۱۶۴ ماده

کرک اراضی و کرک چفتلك تقسیمده اکین و میوه ذکر
 و تصریح اولندقیه داخل اولوب انلر کما کان مشترک
 اوله رق قالور . حین تقسیمده کرک جمیع حق و قیله کبی
 بر تعبیر عمومی ایراد اولنسون و کرک اولنسون

۱۱۶۵ ماده

مقسومک اراضی مجاوره ده اولان حق طریق و مسیلی
 هر حالده داخل قسمت اولور . یعنی کیمک حصه سنده
 واقع اولور سه انک حقوقندن اولور . حین قسمته
 کرک جمیع بحقوقیله دینلسون و کرک دینلسون

۱۱۶۶ ماده

حین قسمته بر حصه نك دیگر حصه ده طریق یا خود
 مسیلی اولسی شرط ای دیلور سه اول شرطه رعایت
 ای دیلور

۱۱۶۷ ماده

بر حصه ك ديكر حصه ده طريق اولوبده حين قسمتده
 ابقاسی شرط ایدلماش ایسه بشقه طرفه صرف
 و تحویلی قابل اولدیغی تقدیرده صرف و تحویل اولنور .
 حين قسمتده كرك جميع حقوقيله دینلسون و كرك دینلسون
 اما طريقك بشته طرفه صرف و تحویلی قابل اولدیغی
 تقدیرده باقیلور . اكر حين قسمتده جميع حقوقيله دینلش
 ایسه طريق داخل قسمت اوله رق حالی اوزره ابقا
 اولنور . و اكر جميع حقوقيله کی بر تعیر عمومی علاوه
 ارلنماش ایسه قسمت فسخ اولنور

بو خصوصده مسیل دخی عینيله طريق کبدر

۱۱۶۸ ماده

ایکی کشی بینده مشترك برخانه ده ديكر کسنه ك طريق
 اولوبده خانه صاحبلى اول خانه بی تقسیم ایده جك
 اولدقلرنده طريق صاحبی مانع اوله ماز . فقط انلر
 دخی خانه بی تقسیم ایتدکلرنده طريق حالی اوزره ترك
 ایدرلر

واوچی بالاتفاق خانه ايله برابر طريق دخی صاندقلری
 تقدیرده اكر طريق اوچك بینده مشترك ایسه ثمن اوچنك
 بینده تقسیم اولنور

واکر طریقک رقبه سی قوناق صاحبزینک اولوبده اول
کسنه نک یالکز حق مروری وار ایسه هر بری حقنی
الور

شویله که عرصه بر کره حق مرور ایله وبر کره حق
مرورسز تقویم اولنوب ایکی قسمت بینده کی فضله
حق مرور صاحبک اولور . و باقیسی خانه صاحبزینه
مائد اولور

مسیل دخی طریق کبیدر . یعنی بر مشترک خانه ده دیگر
کسنه نک حق مسیلی اولسه اول خانه صاحبزین خانه یی
تقسیم ایدوب مسیلی حالی اوزره ترک ایدر لر
۱۱۶۹ ماده

برقوناغک حوالیسند دیگر کسنه نک منزلی اولوبده منزل
صاحبی اول حویلدن مرور ایدر اولدیغی حالده قوناق
صاحبزین قوناغی تقسیم ایده جک اولدقلرنده منزل صاحبی
مانع اوله ماز

فقط انلر قوناغی تقسیم ایدکلرنده منزلک قپوسی عرضنده
اکا بر یول ترک ایدر لر
۱۱۷۰ ماده

ایکی به تقسیم اولنان برقوناغک ایکی قسمی اره سند بر
حائط اولوبده بر قسمک دیگر حائطنک اوزرنده کی کیرشک

اوجلری اول حائط مشترك اوزرنده بولندیغی صورتده
اگر حین قسمتمده اول کیرشترك رفعی شرط ایدلمش ایسه
رفع اولنور . والا رفع اولتماز

ایکی قسم ارسنده کی حائط بر حصه دارک و اوجلری اول
حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیرشترك دیگر حصه دارک
ملکی اولمق اوزره تقسیم اولندیغی صورتده دخی حکم
ینه بو وجهله در

۱۱۷۱ ماده

بر قسمده واقع اولان اغاج-لرک دالیری دیگر قسمک
اوزرینه صارقش اولدیغی صورتده دخی اگر حین
قسمتمده قطعی شرط ایدلمش ایسه اول دالیر

کسدریله مز

۱۱۷۲ ماده

بر طریق خاصده ح-ق مروری اولان بر مش-ترك خانه
تقسیم اولندوقده حصه دارلردن هر بری اول طریق قیو
و پنجره آچه-یلور . سائر اصحاب طریق اکا مانع
اوله ماز

۱۱۷۳ ماده

قابل قسمت اولان بر ملک مشرکده حصه دارلردن بری
کندوسیمچون دیگر حصه دارک اذنی اولمقسزین بر بنا

یابد قد نص کره دیگر حصه دار قسمت طلب ایتد کده تقسیم
اول نور

اول بنا بانیسنگ حصه سنه اصابت ایدرسه فها . واکر
دیگر حصه دارك حصه سنه اصابت ایدرسه بو حصه دار
اول بنایی هدم و رفع ایتدیره بیلور

(فصل تاسع)

(مهائیه بیاننده در)

۱۱۷۴ ماده

مهائیه . قسمت منافعدن عبارتدر

۱۱۷۵ ماده

مثلیاتده مهائیه جاری اولماز

مهائیه اول قیمیاتده جاری اولور که عینلری باقی اوله رق
انلرله انتفاع ممکن اوله

۱۱۷۶ ماده

مهائیه ایکی نوعدر . نوع اول زمانا مهائیه در

ته کیم ایکی کشی بیننده مش-ترك اراضی بی بر سنه بری
و دیگر سنه دیگر زراعت ایتك و بر مشترك قوناق
صاحب لرندن هر بری بالماوبه اول قوناقده برر سنه
اوتور مق اوزره مهائیه لری کی

نوع ثانی مکانا مهائیه در

نه کیم ایکی کشی بینده مشترک اولان اراضینک یاریسنی
بری و دیگر یاریسنی دیگری زراعت ایتک و مشترک
قوناغک بر طرفنده بری و دیگر طرفنده دیگری یا خود
اوست قاتنده بری و الت قاتنده دیگری و مشترک ایکی
خانهک بریسنده بری و دیگرنده دیگری اوتوروق اوزره
مهایاهلری کبی

۱۱۷۷ ماده

بر مشترک حیوانی صاحبلری بالمناوبه قوللانق اوزره
مهاییه جائز اولدیغی کبی ایکی مشترک حیواندن برینی
بری و دیگرینی قوللانق اوزره مهائیه دخی
جائز اولور

۱۱۷۸ ماده

زمانا مهائیه بر نوع مبادله در

شویله که بر حصه دارک کندو نو بتنده کی حصه منفعتی
دیگر حصه دارک نو بتنده کی حصه منفعتیه مبادله ایدلمش
اولور . بوجهتله زمانا مهائیه اجاره حکمنده در
بناء علی ذلک زمانا مهائیه ده شو قدر کون یا خود شو
قدر آی کبی بر مدت ذکر و تعیین اوللق لازمدر

۱۱۷۹ ماده

مکانا مهائیه بر نوع اقرار در

شویله که ایکی حصه دارك مثلا بر مشترك قوناقدہ اولان
منفعتلری شایع یعنی اول قوناغك هر جزئه شامل ایکن
مهائیه ایله برینك منفعتی اول قوناغك بر قطعه سنده
و دیگرینك منفعتی دیگر قطعه سنده جمع ایدلمش اولور
بناء علی ذلک مکانا مهائیه ده ذکر و تعیین مدت لازم
دکدر

۱۱۸۰ ماده

زمانا مهائیه ده بدایت ایچون یعنی حصه دارلردن
قنغیسی اول انتفاع ایتك ایچون قرعه چکدییکی کبی
مکانا مهائیه ده دخی قرعه ایله تعیین محل اولنماید

۱۱۸۱ ماده

مشترك و متعدد شیلرك صاحبیلردن بری مهائیه استیوبده
دیگری امتناع ایتدکده اگر اول عین مشترک متفق المنفعه
ایسه لر مهائیه جبر اولنور و اگر مختلف المنفعه ایسه لر
جبر اولنماز

مثلا ایکی مشترك خانه دن برنده بری و دیگرنده دیگری
ساکن اولق و ایکی مشترك حیواندن برینی بری
و دیگرینی دیگری قوللانق اوزره بری مهائیه استیوبده

دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور . اما بری
 خانه ده ساکن اولو بده دیگری جامی ایجار ایتک یاخود
 بری خانه ده ساکن اولو بده دیگری اراضی بی زراعت
 ایتک اوزره بالتراضی مهائیه جائز ایسه ده بری امتناع
 ایلسه مهائیه یه جبر اولنماز

۱۱۸۲ ماده

قابل قسمت اولان مال مشترک صاحب لرندن بری قسمت
 و دیگری مهائیه ایستسه قسمت ادعای قبول اولنور
 و هیچ بریسی قسمت طلبنده اولدیغی حالده بری مهائیه
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور

۱۱۸۳ ماده

قابل قسمت اولمیان برعین مشترک صاحب لرندن بری مهائیه
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه یه جبر اولنور

۱۱۸۴ ماده

سفینه و دکرمن و قهوه خانه و خان و حمام بی عموم
 اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مشترک اهلنه ایجار ایله
 اجرتی حصه دارلر بینده حصه لرینه کوره تقسیم اولنور
 و اگر حصه دارلردن بری حصه سنی ایجاردن امتناع ایدر
 سه مهائیه یه جبر اولنور . فقط برینک نو بتنده غله سی

یعنی کراسی زیاده اولور سه اول زیاده حصه دار لر بینه
تقسیم اولور

۱۱۸۵ ماده

حصه دار لر دن هر بری زمانا مهـایـهـ دن صـکره کنـدو
نو بـنـده عـقـار مـشـترکی و مـکـانـا مهـایـهـ دن صـکره کنـدو
حصه سـنـه اصـابـت ایدن قـطـعـه یی بالذات استعمـال
ایده بیلدیکی کبی آخره ایجار ایله کندو سیچون اجرتنی اخذ
ایده بیلور

۱۱۸۶ ماده

ابتدا منافع اوزرینه مهـایـهـ اولندقدن صـکره حصه دار لر
کندو نو بتلرینی ایجار ایدو بده برینک نو بـنـده غـله زیاده
اولسه دیگر حصه دار اول زیاده ده مشارک اولماز
اما ابتدا استغلال ایتک اوزره مثلاً بر مشـترک خانـهـنک
کراسنی بر آی بری و بر آی دیگر ی المـق اوزره مهـایـهـ
ایتمه لر فضله سی مشترک اولور

فقط ایکی خانـهـ دن برینک غـله سنی بری و دیگرینک غـله سنی
دیگری المـق اوزره مهـایـهـ ایتدکلرنده بر خانـهـنک غـله سی
زیاده اولسه دیگر حصه دار اکا مشارک اولماز

۱۱۸۷ ماده

اعیان اوزرینه مهـایـهـ جائز اولماز

مثلاً مشترک اشجار میوه‌لری و مشترک حیوانلرک سوتی و یوکی اعیانندن اولمغله اشجار مشترکه‌دن بر مقدار ینک میوه‌سنی مشارک‌لردن بری و دیگر مقدار ینک میوه‌سنی دیگرى و دیوشرمک و مشترک قیونلرک برسوريسنک سوتینی و یوکی بری و دیگر برسوريسنک سوتینی و یوکی دیگرى آلمق اوزره مهائیه صحیح اولماز

۱۱۸۸ ماده

حصه‌دارلر بالتراضی بیلنلرنده مهائیه ایتدکلرنده بعده یالکز بریسی آنی فسخ ایده‌بیلور ایسه‌ده بری‌کنندی نوبتی آخره ایجار ایتش ایسه مدت اجاره منقضی اولمقجه دیگرى مهائیه‌یی فسخ ایده‌مز

۱۱۸۹ ماده

حکم حاکم ایله اجرا اولنان مهائیه‌یی حصه‌دارلردن یالکز بری فسخ ایده‌مز ایسه ده هپسی بالتراضی فسخ ایده‌بیلور

۱۱۹۰ ماده

حصه‌دارلردن بری حصه‌سنی صاتیق یاخود تقسیم ایتک مراد ایتدکده مهائیه‌یی فسخ ایده‌بیلور اما مجرد مال مشترکی اسکی حالنه اعاده ایتک اوزره

بلا سبب مهائیه بی فسخ ایدہ جک اولسہ حاکم اکا

مساعده ایتمز

۱۱۹۱ ماده

حصه دارلردن برینک یاخود هپسنک وقتیلہ مهائیه

باطل اولماز

(باب ثالث)

(حیطان و جیرانه متعلق مسائل بیانده اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(احکام املا که دائر بعض قواعد بیانده در)

۱۱۹۲ ماده

هرکس ملککنده کیف مایشاء تصرف ایدر • فقط

بشقه سنک حق تعلق ایدرسه مالکی ملککنده استقلال

اوزره تصرفدن منع ایدر

مثلا فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملککی اولان

ابنیه ده فوقانی صاحبک تحتانیده حق قراری و تحتانی

صاحبک فوقانیده حق سقفی یعنی کونشدن و باغموردن

تسترو تحفظ حق اولمغله بریسی دیکرک اذنی اولمدجه اکا

مضر اوله بیلہ جک برشی یاپه ماز و کندو بناسنی یقه ماز

۱۱۹۳ ماده

فوقانی ایله تحت-اینک زقاق قپوسی بر اولدیغی حالده
ایکیسینک صاحبیری اول قپویی مشترک استعمال ایدر لر .
احد هما آخری دخول و خروجدن منع ایده من

۱۱۹۴ ماده

کیم که بریره مالک اولور سه مافوقنه و ماتحتنه دخی مالک
اولور

یعنی ملکی اولان عرصه ده ایستدیکی ابنیه یی یایمق و دیلدیکی
قدر چیقماق وزمین حفریله مخزن یایمق و دیلدیکی قدر
درین قوی قازمق کی تصرفاته مقتدر اولور

۱۱۹۵ ماده

کسینه خانه سنده احداث ایلدیکی او طه-س-نک سچ-باغنی
قومشوسنک خانه سی اوزرینه اوزاده ماز . اوزادرسه
اول خانه اوزرینه کلان مقداری قطع اولنور

۱۱۹۶ ماده

برکیمسه نک باغچه سنده کی اغاجک دالری قومشوسنک
خانه سی یاخود باغچه سی اوزرینه اوزامش اولسه
اول دالری باغلا یوبده کیروچکدیر مک یاخود کسدیر مک
ایله کندو هواسنی تفریغ ایتدیر مک قومشوسنک صلاحیتی
وارد

اما اغاجاڭ گولکه سی قومشوسنک باغچه سنده کی مزروعاته
مضر در دیو اغاج کسیله مز

۱۱۹۷ ماده

هیچ کیمسه ملکنده تصرفدن منع اولنه ماز • مکرکه
آخره ضرر فاحشی اوله • اول حالده منع اولنه یلور •
نته کیم فصل ثانیده تفصیل اولنور

(فصل ثانی)

(معاملات جواریه حقنده در)

۱۱۹۸ ماده

هرکس کندی ملکی اولان حائط اوزرینه دیلدیکی قدر
چیقار واستدیکی شیئی یاپار ضرر فاحشی اولدجه
قومشوسی مانع اوله ماز

۱۱۹۹ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن کتورن وانهدامنه
سبب اولان یاخود حوایج اصلیه یی یعنی سکنی کبی
بنادن مقصود اولان منفعت اصلیه یی منع ایدن شیلر
ضرر فاحشدر

۱۲۰۰ ماده

ضرر فاحش بأی وجه کان دفع ایتدیریلور

مثلا بر خانه نك اتصاليانده تيمور جي دكاني ياخود دكرمن
ياپيلوبده تيمور ضربندن يادكرمنك دوراندن اول خانه نك
بناسنه وهن كلك ياخود فرون احداث ايله توتونك
كثرتندن ويازر خانه احداث ايله رايحه كريهه سندن اول
خانه ده اوتوريله ميه جق مرتبه صاحبي ماذي اولق
ضرر فاحش اولغله بوضررلر باي وجه كان دفع وازاله
ايتديريلور

وكذا بر كيمسه ديكر ك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق
احداث ايدر ك دكرمنه صو اجرا ايتكله خانه نك ديوارينه
وهن كلسه ياخود بر كيمسه قومشوسنك ديوارينك ديني
مزيله اتخاذه و سپورندي القبا ايتكله ديوار چوريسه
ديوارك صاحبي ضرريني دفع ايتديرر

كذلك برينك خانه سي قربنده ديكر ك احداث ايلديكي
خرمنك توزي كلكله اول خانه ده طوريله ميه جق مرتبه
صاحبي ماذي اولسه ضرري دفع ايتديريلور

ته تيم برينك خرمن يري قربنده ديكر ي بر مرتقع بنا احداث
ايله خرمنك روزكاريني سد ايلسه ضرر فاحش اولغله
رفع ايتديريلور كذلك بر كيمسه بزازلر چارشوسنده آشجبي
دكاني احداث ايدوبده توتوني قومشوسنك امتعه سنه
اصابت ايله ضرر فاحشي اولسه دفع ايتديريلور

و کذاک بر کیمسه نك خانه سنده کی کارین یاریلو بدده قومشوسنك
خانه سنده جریان ایتکله ضرر فاحش اولسه قومشوسنك
دعواسی اوزرینه اول کارینك تعمیر واصلاحی لازم کلور
۹۲۰۱ ماده

بر خانه نك هواسنی یاخود نظارتنی کسمک و یاخود کونشك
دخولانی منع ایتک کبی حوایج اصلیه دن اولمیان منافعه
مانع اولمق ضرر فاحش دکلدر

فقط ضیایی بالسکلیه سد ایتک ضرر فاحشدر

بناء علیه بر کیمسه بر بنا احداث ایله قومشوسنك بر پنجره لی
اولان او طه سنك پنجره سنی سد ایدوبده یازی او قونه میه حق
مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ایتدیر یلور .
قیوسندن ضیا السون دینیه مز . زیرا او طه سنك
قیوسی صوغوقدن واسباب سائر دن ناشی قیامغه محتاج
اولور

وا کر او طه نك ایکی پنجره سی اولوبده بریسی بروجه
بالا بنا احداثیه سد ایدمش اولسه ضرر فاحش عد
اولماز

۱۲۰۲ ماده

مطح و قوی باشی و خانه نك حولیسی کبی مقر نسوان
اولان محاک کورنمی ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلک برکمنه نك خانه سنده احداث ایلدیکی
 پنجره سندن یاخود مجدداً انشا ایلدیکی بنانک پنجره سندن
 جار ملا صقنک یاخود زقاق آشوری خانه سی اولان
 برکمنه نك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه
 بوضررک رفعیله امر اولنور . اول کمنه دخی نسوان
 کورنیه چک صورته دیوار یاخود تخته پرده یاپوب اول
 ضرری دفع ایتکه مجبور اولور . اما بهر حال پنجره سی
 سد ایتک اوزره جبر اولنه ماز

تسه کیم چیتدن معمول برحاطک ارالغندن قومشونک
 مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقلمری
 سد ایتک اوزره حاطک صاحبه امر اولور . اما
 یقوبده دیوار یا بمق اوزره جبر اولنه ماز

(۲۲) ماده یه باق

۱۲۰۳ ماده

برینک انسان بریندن یوکسک یرده پنجره سی اولوبده
 احتمالکه نردبان وضعیله قومشوسنک مقر نسوان اولان
 محله نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره یی سد ایتدیره مز
 (۷۴) ماده یه باق

۱۲۰۴ ماده

باغچه مقر نسوان عد اولماز

بناء عليه برکیمسه نك خانه سندن قومشوسنك مقر نسوان
اولان محلی کورنموب فقط باغچه سی کورنمکله قومشوسی
مجرد ارالقده نسوان باغچه یه چیقده خانه کدن کورنمکله
باغچه مه اولان نظارتکی کس دیه مز

۱۲۰۵ ماده

برکیمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیقده قومشوسنك
مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه کسنه
اغاجك اوزرینه چیقہ حق اولدقه نسوان تسستر ایتك
ایچون اخبار ایتك لازمدر . اخبار ایتدیکی تقدیرده
حاکم انی بلا اخبار اول اغاجه چیقمقدن منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی کشی بیلنرنده مشترک اولان قوناغی تقسیم ایتدکلرنده
برینك حصه سنه اصابت ایدن محلدن دیکرینك مقر نسوان
اولان محلی کورینور اولسه مشترک بیلنرنده برستره اتخاذا
ایتملی ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

برکیمسه مشروع اوله رق ملکنده تصرف ایتمکده ایکن
بشقہ سی انك یاننده بنا احداثیه کندوسی متضرر اولسه
ضررینی انحق کندو دفع ایتك لازم کاور
مثلا برخانه نك قدیمی پنجره لرندن دیکر کسنه نك محدث

خانه سنك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث
 خانه صاحبی مضرتی کندو دفع ایتک لازم کور .
 عتیق خانه صاحبیدن ادعایه صلاحیتی یوقدر . نته کیم
 برکسه تیمورچی دکانه متصل عرصه سنده بر خانه احداث
 ایلسه تیمور ضربندن خانه مه ضرر فاحش ترتب ایدیور
 دیو دکانی تعطیل ایتدیره مز . و کذا اسکیدن خرمن یری
 اولان بر محاک قربنده بری خانه احداث ایتدکه خرمنک
 توزی خانهم اوزرینه کلیور دیو خرمن صاحبنه بوراده
 خرمن دوکمه دیه مز

۱۲۰۸ ماده

بر منزلت قدیمی یعنی عتیق پنجره لردن قومشوسنك
 عرصه خالیه سی کورینور کن منزل محترق اولدقده اول
 قومشوسی اول عرصه ده خانه احداث ایتدکن صکره
 اول منزلی دخی صاحبی وضع قدیمی اوزوه بنا ایدهرک
 آپدیغی پنجره لردن اول محدث خانه نك مقر نسوان
 اولان محلی کورینور اولسه بو مضرتی خانه صاحبی
 کندو دفع ایتک لازم کور . صاحب منزله نظارتکی
 کس دیو جبر ایده مز

۱۲۰۹ ماده

برکسه نك خانه سنده احداث ایلدیکی پنجره لرايله

قومشوسنك مقرنسوان اولان مواضعی بینده قومشوسنك
 بر یو كسك او طه سی اولمغله مقرنسوان اولان محلی اول
 پنجره لردن كور نیز ایكن قومشوسی اول او طه یی هدم
 ایتكله اول پنجره لردن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی
 كورینور اولسه قومشوسی مجرد پنجره لر محدث ایدی
 انكچون نظارتکی كس باخود پنجره لری سدایت دیه میوب
 مضرتنی كندو دفع ایتك لازم كلور

۱۲۱۰ ماده .

حائط مشترکی صاحب لردن بری دیگر ينك اذنی اولمغجه
 ترفیع ایده مزو اوزرینه كوشك و سائر یابه مزو . كرك
 آخره مضر اولسون و كرك اولسون

فقط بریسی عرصه سی اوزرینه او طه بنا ایتك اوزره
 كیرش وضع ایده جك یعنی كیر شلك او جلرینی اول حائط
 اوزرینه بندیره جك اولسه مشارکی اكا مانع اوله ماز .
 لکن اون قدر كیرش وضع ایده جك ایسه مشاركنك
 دخی اولقدر كیرش وضعنه حقی اوله جفغندن حائط نقدر
 كیرش وضعنه متحمل ایسه انجق نصفی قدر كیرش
 وضع ایده بیلوب زیاده یه تجاوز ایده مزو

واكر اول حائط اوزرنده فی الاصل ایكسینك دخی

مساوات اوزره کیرشلیری اولدیغی حالده بری کنندی
کیرشلیرنی تزید ایده جک اولسه منع ایده یلور
۱۲۱۱ ماده

حائط مشترک صاحب لرندن بری اول حائط اوزرنده کی
کیرشلیک محللارینی صاغه صوله و اشاغیدن یوقارویه
دکشیره مز . اما کیرشلیک او جلری یوکسکده ایکن
ایندیرو بده حائطک دها اشاغیسنه وضع ایده یلور
۱۲۱۲ ماده

برکیمسه نک صو قویسی قربنده قومشوسی برکنیف
یا کاریز یاپوبده اول قویینک صوینی افساد ایلمسه
ضرری دفع ایتدیره یلور . و بر وجهله دفع ضرری
قابل اولماز ایسه اوکنیف یا کاریز قیاتدیریلور
کذاک برصویولنک یاننده برینک یاپدیغی کاریزک چرکابی
صویه واصل اوله رق ضرر فاحشی اولوبده قیاتمقدن
غیری صورتله دفع ضرری قابل اولمسه اول کاریز
قیاتدیریلور

(فصل ثالث)

(طریق لر حقننده در)

۱۲۱۳ ماده

بر طریقک ایکی طرفنده خانه سی اولان کیمسه برندن

دیگرینه کوپری انشا ایده جک اولسه منع اولنور . اما
انشا ایتد کدن صکره اکر ماریه ضرری یوق ایسه
هدم اولماز

فقط بویله طریق عام اوزره یاپیش اولان کوپریلر ده
وشهنیشینلرده حق قرار اولماز . بناء علی ذلک
بر وجه بالا طریق عام اوزره انشا اولنان کوپری نهم
اولدقن صکره صاحبی بنالیده جک اولسه ینه منع اوله ییلور

۱۲۱۴ ماده

طریق عام اوزرند، الحق چیقندیلر و شهنیشینلر کی ماریه
ضرر فاحشی اولان شیرقدیم اولسه بیلر رفع ایتدیریلور
(۷) ماده یه باق

۱۲۱۵ ماده

برکیمسه خانه سنی تعمیر ایده جک اولدقده ماریه ضرر
ویر مامک شرطیله طریقک بر طرفنده سریعا چامور یاپوب
بناسنه صرف ایده ییلور

۱۲۱۶ ماده

لدی الحاجه امر سلطانی ایله برکسدنک ملکی قیمیله
التوب طریقه الحاق اولنه ییلور . فقط تأدییه ثمن
اولنمدقجه ملکی یدندن اننه ماز (۳۵۱) و (۲۶۲)

ماده لره باق

۱۲۱۷ ماده

ماره به مضرتی اولدیغی حالده بر کسسه طریقک فضلہ
اولان یرینی ثمن مثلیله جانب میریدن الوب خانه سسه
الحاق ایدہ یلور

۱۲۱۸ ماده

طریق عامہ کیم اولور ایسه اولسون مجدد قپو
آچہ یلور

۱۲۱۹ ماده

طریق خاصده حق مروری اولمیان کسسه مجددا قپو
آچہ ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق مروری اولنلرک ملک مشترکاری
کبدر

بناء علیہ طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینک اذنی
اولدقجه کرک مضر اولسون و کرک اولسون اول طریقده
برشی احداث ایدہ مز

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقک اذنی
اولدقجه مجددا بنا ایلدیکی خانه سنک طامله سنی اول
طریقہ اقیده ماز

۱۲۲۲ ماده

بر کیمسه طریق خاضده اولان قپوسنی سـ د ایتمکه حق
مروری ساقط اولماز

بناء علیه صکره کندوسی و خانه سنی صاتسه مشتری
تکرار قپوسنی آچه بیلور

۱۲۲۳ ماده

طریق عامدن مرورایدنلرک کثرت ازدحامدن ناشی طریق
خاصه دخول ایتمکه حقلمی واردر

بناء علیه بر طریق خاص اصحابی بینلرنده بالاتقـافی اول
طریق خاصی صاته مازلر • و بینلرنده تقسیم ایده مازلر •
واغزینی سد ایلیمه مازلر

(فصل رابع)

(حق مرور و مجری و مسیل بیاننده در)

۱۲۲۴ ماده

حق مرورده و حق مجراده و حق مسیلده قدمه اعتبار
اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترک وابقا
اولنورلر

زیرا (۶) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره

ابقا اولنور . و خلافتنه دلیل اولدجه تغیر اولماز
 اما شرعه مخالف اولان قدیمه اعتبار یوقدر . یعنی
 فی الاصل نامشروع اوله رق یاپیش اولان شی قدیم
 اولسه ده اکا اعتبار اولنمیوب ضرر فاحشی وار ایسه
 ازاله اولنور (۲۷) ماده یه باق

مثلا بر خانه نك چركابی از قدیم طریق عامه جاری اوله کسه
 و ماره یه ضرری اولسه قدمنه اعتبار اولنمیوب ضرری
 دفع ایتدیریلور

۱۲۲۵ ماده

برینك عرصه سندن دیگر کسنه نك حق مروری اولدیغی
 حالده عرصه صاحبی آتی مرور و عبور دن منع ایده مز
 ۱۲۲۶ ماده

میچك اباحه سندن رجوعه صلاحیتی واردر . و بر ضرر
 اذن و رضا ایله لازم اولماز

بناء علی ذلک بر کسنه دیگرک عرصه سندن حق مروری
 اولدیغی حالده مجرد صاحبینك اذنیله بر مدت مرور
 ایتدکدن صکره صاحبی دیلر سه انی مرور دن منع
 ایده یلور

۱۲۲۷ ماده

برینك عرصه سندن بر عمر معینده حق مروری اولان

كسـنهـنـك اذـنـيـله صـاحـب عـرـصـه اول مـر اوزـرـيـنـه بـنا
اـحـدـاث اـيـلـسـه اول كـسـنـهـنـك حـق مـرـورـي سـاقـط اولوب
صـاحـب عـرـصـه اـيـله اـرتـق مـخـاصـمـهـيـه حـق قـلـماز

(۵۱) مـادـهـيـه بـاق

۱۲۲۸ مـادـه

بـرـيـنـك عـرـصـه سـنـدن دـيـكـر كـسـنـهـنـك خـرقـي يـاـخـود صـو
بـولـي بـحـق جـارـي اولـه كـاـورـكـن عـرـصـه صـاحـبـي فـيـمـا بـعد
اـجـرا اـيـتـدـيـرـم دـيـو مـنـع اـيـدهـمـز

و بـونـلـر اـصـلـاح و تـعـمـيـر مـحـتـاج اولـدـقـده مـمـكـن اـيـسـه
صـاحـبـي مـجـرايـه دـخـول اـيـله بـونـلـري اـصـلـاح و تـعـمـيـر اـيـدـر
اـمـا اول عـرـصـهـيـه كـيـر مـدـكـچـه تـعـمـيـر لـري مـمـكـن اولـدـيـغـي
حـالـده صـاحـبـي عـرـصـهـسـنـه كـيـر مـكـه اـذن و بـر مـز اـيـسـه
حـا كـم طـر فـنـدن كـنـد و سـنـه يـا عـرـصـه كـيـر مـكـ اوزـرـه اـذن
و يـر يـاـخـود سـن تـعـمـيـر اـيـت دـيـو مـجـر اولـنـور

۱۲۲۹ مـادـه

بـر خـانـهـنـك يـاـغـمـور صـو لـري اـز قـدـيـم قـومـشـو نـك خـانـهـسـنـه
آقـقـده اولـدـيـغـي حـالـده قـومـشـو سـي بـونـدن صـكـره اـقـتـم دـيـو
مـنـع اـيـدهـمـز

۱۲۳۰ مـادـه

بـر طـر يـقـده اولـان خـانـهـلـر كـ طـا مـلـهـلـري اـز قـدـيـم اول طـر يـقه

منصب و اورادن الت طرفنده واقع بر عرصه ایچندن
جاری اوله کاورکن عرصه صاحبی عرصه سنده کی مسیل
قدیمی سد ایده من . سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی
رفع ایله وضع قدیمه ارجاع اولنور

۱۲۳۱ ماده

کسنه محدث او طه سنک طاعله سنی آخرک خانه سنه
اقیده ماز

۱۲۳۲ ماده

برخانه ده حق مسیلی اولان کاریزی خانه صاحبی یاخود
صاتار ایسه مشتریسی کافی السابق المقدن منع ایده من

۱۲۳۳ ماده

برخانه دن بحق جاری اولان کاریز طولوب یاخود
یاریلوبده خانه صاحبنه ضرر فاحش اولسه کاریزک
صاحبی بوضرری دفعه مجبور اولور

(باب رابع)

(شرکت اباحه بیانده اولوب یدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباح اولوب اولمیان شیر بیانده در)

۱۲۳۴ ماده

صو و اوت و آتش مباحدر . ناس بو اوج شیده
شرکادر

۱۲۳۵ ماده

یرالتنده جریان ایدن صولر کیمسه نك ملیکی دکلدور

۱۲۳۶ ماده

بر شخص مخصوصک سعی و عملی ایله استنباط اولتمش
اولیوبده ناسک انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس
مشترک و مباح اولان شیردندور

۱۲۳۷ ماده

دکزلر و بیوک کوللر مباحدر

۱۲۳۸ ماده

مملوک اولمیان انهار عامه که مقاصده یعنی بر جاعتک ملیکی
اولان مجراره داخل اولمیان نه رلردر . بونلر دخی
مباحدر

نیل و فرات و طونه و طونجه کبی

۱۲۳۹ ماده

انهار مملوکه یعنی بروجه مشروح مقاسمه داخل اولان
نهرلر ایکی نوعدر

نوع اول اول نهرلردر که صوی بین الشرکا متفرق
و منقسم اولور فقط انلر اراضیسینه تماماً محو اولیوب
بقیه سی عامه یه مباح اولان مفازه لره یعنی قیرلره جریان
ایلر

بوقیلدن اولان نهرلر من وجه عام اولدیغندن بونلره
دخی نهر عام دینلور بونلرده دخی شفعه جاری اولماز
نوع ثانی نهر خاصدر که صوی اشخاص معدوده نك
اراضیسینه متفرق و منقسم اولور . و اراضیلرینک نهایتنه
وارنجه محو اولوب بر مفازه یه منفذی اولماز . ایشته
شفعه انجق بونوعده جاری اولور

۱۲۴۰ ماده

بر کیمسه نك اراضیسینه نهرک کتوردیکی چامور انك
ملکیدر . دیگر کیمسه اکا تعرض ایده من

۱۲۴۱ ماده

صاحبسنز یرلرده خدایی نابت اولان اولتر مباح اولدیغی

کې برکیمسه نك ملكنده سببیتى اولقمسزین خدایى نابت
اولان اوتلر دخی مباحدر

اما بونصوصده اول کیمسه نك تسبی ارسه شویله که
اراضیسنی سقی ایتسه یاخود اطرافنه خندق چو یرمک
کې بروجهله نبات ایچون اعداد و تهیه ایلسه اول
اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنك مالی اولور .
آخر کمنه انلردن برشی الهمز . الو بده استهلاك ایدرسه
ضامن اولور

۱۲۴۲ ماده

اوت . ساقی اولمیان نباتات اولوب اشجاره شامل
اولماز

منتار دخی اوت حکمنده در

۱۲۴۳ ماده

جبال مباحده یعنی کمنه نك ید تملکینه کچماش اولان
طاغلرده کی خدایى نابت اغاجلر مباحدر

۱۲۴۴ ماده

برکیمسه نك ملكنده خدایى نابت اولان اغاجلر کندوسنك
ملکیدر . انك اذنی اولدجه بشقه سی انلری احتطاب
ایده هنز . ایدرسه ضامن اولور

۱۲۴۵ ماده

بر کیمسه بر اغاجی آشیلهسه آشی قلندن سورن فلیر لر
کندوسنک ملکی اولدیغی کبی میوه لری دخی انک
اولور

۱۲۴۶ ماده

بر کیمسه نک نفسیچون اکدیکی تخمک هر در لو حاصلاتی
کندی مالیدر کسنه طرفندن تعرض اولنه ماز

۱۲۴۷ ماده

آو مباحدر

(فصل ثانی)

(مباح اولان شیلرک کیفیت استملاکی بیانده در)

۱۲۴۸ ماده

اسباب تملک اوچدر . برنجیسی بیع و هبه کبی ملکی
بر مالکدن دیگر مالکده ناقلدر . ایکنجیسی ارث کبی
بر کسنه نک دیگره خلف اولسیدر . اوچنجیسی مالکی
اولمیان بر مباح شیئی اله کچور مکدر . بودخی یا حقیقیدر
که اول شیئه حقیقه وضع ید ایلکدر یا خود حکمیدر که
یاغور صوبی بر کدیر مک ایچون بر قاب قویق و آو ایچون
طوزاق قورمق کبی سببنی تهیه ایله اولور

۱۲۴۹ ماده

هر کیم که مباح اولان شیئی احرار از ایلر سه اکا مستقلا
مالک اولور

مثلا بر کیمسه نك دستی یاخود فوجی کبی بر قاب ایله بر
نهر دن الدیغی صواول قاب ایچنده محرز و محفوظ اولغله
اول کیمسه نك مالی اولور . بشقه سنك اندن انتفاعه
صلاحیتی یوقدر . و صاحب نك اذنی اولقسزین بشقه سی
اخذ و استهلاك ایدر سه ضامن اولور

۱۲۵۰ ماده

احرازك قصده مقرون اولسی لازمدر

بناء علیه بر کیمسه یاغور صوی المی قصدیله بر محله
بر قاب قویقدقه اول قاب ایچنده طویلانان یاغور
صوی اول کیمسه نك مالی اولور . کذلک صو بر کدر مک
ایچون انشا اولنان حوض و صهر یجده کی صو صاحب نك
مالیدر . اما بر کیمسه نك بغیر قصد بر محله وضع ایتدیکی
قاب دروننده بر یکن یاغور صوی کندوسنك مالی اولماز .
بشقه بر کسنه آنی اخذ ایله استملاک ایده یلور (۲)

ماده یه باق

۱۲۵۱ ماده

صوی احرار زده ارقه سی منقطع اولمی شرطدر

بناء علیه ایچندن صو صیران قوییده کی صو محرز اولماز .
صاحبی اباحه ایتمکسزین دیگر کمسنه اویله بر قوییده
صیروده مجتمع اولان صوی اخذ واستهلاك ایلسه ضمان
لازم کلز

وکذا صوی متابع الوزود اولان یعنی بر طرفدن نقدر
صو چیقارسه دیگر طرفندن او قدر صو کیرن حوضلرده کی
صو محرز دکدر

۱۲۵۲ ماده

خدایی نابت اولئر طویللامغله و بیچوب دمت ایتمکله احراز
اولنیش اولور

۱۲۵۳ ماده

جبال مباحده خدایی نابت اولان اغاجلری کیم اولورسه
اولسون احتطاب ایده بیلور . و مجرد احتطاب ایله
یعنی طویللامغله انلره مالک اولور . باغلامق شرط دکدر

(فصل ثالث)

(مباح اولان شیرک احکام عمومیه سی بیانده در)

۱۲۵۴ ماده

مباح ایله هر کس انتفاع ایده بیلور . فقط سائر ضرر
ویرمالمک ایله مشروطدر

۱۲۵۵ ماده

مباح اولان شییء اخذ و احراز ایتمکدن برکیمسه آخر
کیمسه بی منع ایده مز

۱۲۵۶ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هر کس
حیواننه یدیره بیلور و انلردن استدیکی قدر اخذ و احراز
ایده بیلور

۱۲۵۷ ماده

برکیمسه نك ملكنده کندوسنك تسبی اولقسزین خدایی
نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه ده صاحبی کندی
ملکینه آخری دخولدن منع ایده بیلور

۱۲۵۸ ماده

برکیمسه نك جبال مباحه دن طوپلایو بده اوراده بر اقدیغی
اودونلری بشقه سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد
ایده بیلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه ده و صاحبسز وادیلرده و مرعالرده کی
صاحبسز آغاجلرک میوه لرینی کیم اولور سه اولسون
دیوشیره بیلور

۱۲۶۰ ماده

بر کیمسه برینی قیردن اودون طویلامق یاخود آوطوتمق
ایچون استجاره ایتسه اول اجیرک طویلا دیغی اودون
ویا طوتدیغی آو مستأجرک اولور

۱۲۶۱ ماده

بر کیمسه کندی ملکنده آتش یا قسه سائرینی ملکینه
دخول ایله انتفاعدن منع ایده یلور
اما کسنه نك ملکلی اولمیان صحرا ده بری آتش یا قسه سائر
ناس انکله انتفاع ایده یلور . شویله که انکله ایصینه یلور
وضیاسنده برشی دیکه یلور . واندن قندیلنی یا قه یلور
آتشک صاحبی مانع اوله ماز . فقط صاحبنک اذنی
اولدجه کسنه اول آتشدن بر قور اله مز

(فصل رابع)

(حق شرب و شفه بیانده در)

۱۲۶۲ ماده

شرب . اکین و حیوان صولامق ایچون صو ایله
انتفاع ایتک نو بتیدر

۱۲۶۳ ماده

حق شفه . صو ایچمک حق دیمکدر

۱۲۶۴ ماده

هر كس هوا و ضياء ايله انتفاع ايلديكى كې دكزلر و بيوك
كولار ايله دخی انتفاع ایده یلور

۱۲۶۵ ماده

مملوك اوليان نهرلردن هر كس اراضيسنى سقى ایده یلور .
واراضيسنى سقى ايتىك و دكرمن انشا ايتىك اوزره
جدول و خرق آچه یلور . فقط سائر مضرقتى اولماق
شرطدر

بناء عليه صوبى طاشيرو بده خلقه ضرر و ير سه يا خود
نهر ك صوبى بتون بتون كسلسه و يا خود قايقلىك سیرینه
مانع اولسه منع اولنور

۱۲۶۶ ماده

محرز اوليان صوده جله انسان و حيوانلىك حق شفہسى
واردر

۱۲۶۷ ماده

انهار مملوكه نك يعنى مجارىء مملوكه يه داخل اولان صولوك
حق شربى اصحابنكدر . سائر ينك انلرده حق شفہسى
واردر

بناء على ذلك برجاعته مخصوص اولان نهردن يا خود
برينك خرقتدن يا قناتندن يا خود قويسندن بلا اذن

بشقه سی اراضی سی سق ایده من . فقط حق شفه سی
اولق حبیبله صو ایچه بیلور . و حیوانلرینک کثرتی
حبیبله نهرک یاخرقک و یاخود قمتاک تخریبندن خوف
اولماز ایسه حیوانلرینی دخی کتوروب صولایه بیلور .
ورده دستی و فوچی ایله صو الوب خاله سنه و باغچه سنه
کوتوره بیلور

۱۲۶۸ ماده

برکیمه نك ملیکی درونده صوی متابع اولور و داولان
برحوض یاخود برقویی و یاخود برنهر اولدیغی حالده
صو ایچمک استیان کسنه مکنه دخرلدن منع
ایده بیلور

لکن قربنده بشقه ایچه جک مباح صو بولماز ایسه
ملک صاحبی یا اول کیمسه یه صو چیقارمغه و یاخود
کیرو بده صوامسی ایچون رخصت و یرمکه مجبوردر .
و صو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه نك کیرو بده صو
المغه حق واردر . فقط بشرط السلامه در . یعنی
حوضک یا قویینک و یاخود نهرک کنارینی بوزمق کبی
بر ضرر ایتماسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

بر نهر مشتمل کرده حصه دار اولان کیمسه دیگرلرک اذنی

اولدجه اندن دیکر برنهر یعنی جدول و یا خرق آچاماز .
 و قدیم نوبتی تبدیل ایلیه من . و کندی نوبتی اول
 نهر دن حق شربی اولیان دیکر اراضیسنه سوق ایده من
 و بوشلر دیکر حصه داران رضا و برسه لر بعده کندولری
 یاخود وارثلری رجوع ایده ییلورلر

(فصل خامس)

(احياء موات حقنه در)

۱۲۷۰ ماده

اراضی موات . اول یرلر در که کسینه نك ملکی و بر
 قصبه و قریه نك مرعای یا مختطبی یعنی بالطلدغی اولدیغی
 حالده اقصای عمراندن بعید اوله

یعنی قصبه یا قریه نك الك کسارنده کی خانه لردن جهیر
 الصوت اولان کیمسه نك صداسی استماع اولنیه

۱۲۷۱ ماده

عمرانه قریب اولان یرلر اهالییه مرعی و خرمن یری
 و مختطب اواسق اوزره ترك اولنور . و بو یرلره
 اراضی متروکه دینلور

۱۲۷۲ ماده

بر کیمسه اذن سلطانی ایله اراضی مواتدن بر یری احیا
 و اعمار ایلمه اکا مالک اولور

واکر سلطان یاخود وکیل بر کیمسه یه بر یردن مجرد
انتفاع ایدوبده تملک ایتماک اوزره احیاسنه اذن ویرسه
اول کیمسه مأذون اولدیغی وجهله اول یرده تصرف
ایدر . اما اول یره مالک اولماز

۱۲۷۳ ماده

بر کیمسه بر قطعه اراضینک بر مقدارینی احیا ایدوبده
باقیسی ترک ایتسه احیا ایتدیکی محالره مالک اولوب
باقیسی انک اولماز

فقط احیا ایلدیکی اراضینک اورته سنده بر مقدار محلی
خالی قالسه اول محل دخی انک اولور

۱۲۷۴ ماده

بر کیمسه اراضی موآدن بر یری احیا ایتدکن صکره
دیگر کیمسه لر دخی کلوب درت طرفنده کی بر یری احیا
ایتسه لر اول کیمسنه نیک یولی انک صکره احیا ایدنه نیک
اراضیسنده تعین ایدر . یعنی انک یولی اورادن اولور

۱۲۷۵ ماده

تخم اکسک و فدان دیکسک ارضی احیا اولدیغی کی
نطاس ایتک یاسقی ایتک یاخود سقی ایچون خرق و جدول
ایچق دخی احیا در

۱۲۷۶ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یرک اطرافنه دیوار چکسه
یاخود سیل صویندن محافظه ایده جک قدر اطرافنی
یو کسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتش اولور

۱۲۷۷ ماده

طاش یاخود دیکن و یا قوری اغاج داللی وضع ایدرک
اراضینک جوانب اربعه سنی احاطه ایتک یاخود
اراضینک او تلینی آیقلامق و یاخود ایچنده کی دیکنلری
یاقق و یاخود قوی قازمق اول اراضی بی احیا دیمک
اولمبوب انجق تکجیر در

۱۲۷۸ ماده

بر کیمسه اراضی مواتده اولان او تلی یا دیکنلری بیچوب
و اراضینک اطرافنه وضع ایله اوزر لرینه طوپراق دخی
وضع ایدوب انجق سیل صوینه مانع اوله جق وجهله
مسناتی اتمام ایلسه اول اراضی بی احیا ایتش اولمبوب
فقط تکجیر ایتش اولور

۱۲۷۹ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر محلی تکجیر ایتسه اوج سنه
مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوج سنه یه قدر

نحیا ایتز ایسه حق قالماز . واحیا ایتک اوزره بشقه

سنه ویز یله بیلور

ماده ۱۲۸۰

برکیمدنک اذن سلطانی ایله اراضی مواتده قازدیغی
قوی کئندوسنک ملکیدر

(فصل سادس)

(اراضی مواتده اذن سلطانی ایله حفر اولمان قویملرک)

(واجرا اولمان صولرک و غرس اولمان اغاجلرک)

(حریمی بیانده در)

ماده ۱۲۸۱

قویینک حریمی یعنی حولیسنک حقوقی هر طرفدن
قرقر ارشوند

ماده ۱۲۸۲

کوزلرک یعنی بریردن چیقاریلوبده صوی بر یوزنده
جاری اولان منجملرک حریمی هر طرفدن بشر یوز
ارشوند

ماده ۱۲۸۳

هر وقت آیقلاغنه محتاج اولمان نهر کبیرک ایکی طرفدن
حریمی نهرک نصفی قدر در که ایکی طرفده کی حریملرینک
مقداری نهرک عرضنه مساوی اولور

۱۲۸۴ ماده

هر وقت آيقلانمغه محتاج اولان نهر صغيرك يعنى خر قلك
 وجدولارك و برده يرالتنده كى قناتك حريملى آيقلاننه جقملى
 وقت طاشلر ينى و چامورلر ينى طرح والقا ايچون لزومى
 قدر ير در

۱۲۸۵ ماده

صويي ير يوزنده جارى اولان قناتك حريمى كوزلركى
 هر طرفدن بشر يوز آرشوندر

۱۲۸۶ ماده

قويلرك حريمى صاحبلىرىك ملكيدر . بشقه سى انده
 بروجهله تصرف ايده مز . و بر كيمسه ديكرينك حريمنده
 قوينى قازسه قياتدير يلور

منبعلرك و نهرلك و قنواتك حريملى دخى بو وجهه
 اوزره در

۱۲۸۷ ماده

بر قوينك حريمى قربنده ديكرى اذن سـلمطانى ايله بر
 قوينى حنر ايتسه سائر جهتلردن بو قوينك دخى قرقـر
 آرشون حريمى اولور . اما اولكى قوينك جهتمده
 انك حريمه تجاوز ايده مز

۱۲۸۸ ماده

برقوینک حریمی خارجنده برکسنه قویی قازوبده اولکی
 قوینک صویی بو قیویه کیمسه برشیدی لازم کلز
 نه کیم برکسنه دیکرک دکانی یاننده دکان آچوبده اولکی
 دکانک اخذ واعطاسی کاسد اولسه ایکنجی دکان سـد
 اولنه مز

۱۲۸۹ ماده

اراضی موآده اذن سلطانی ایله غرس اولنان اغاجک
 حریمی هر طرفدن بشر آرشوندن . بو مسافه دروننده
 بشقه سی اغاج غرس ایده مز
 ۱۲۹۰ ماده

دیکرک عرصه سی ایچنده جریان ایدن خرقک ایکی
 طرفدن صویی طوته جـق قدر کنارلری خرق
 صاحبکدر

وایکی طرفدن کنارلری مرتفع ایسه بومرتفع یرلردخی
 کذلک خرق صاحبکدر

و اگر کنارلری مرتفع اولوبده اوزرلرنده کرک عرصه
 صاحبک و کرک خرق صاحبک مغروس اغاجلری اولق
 کبی برینک ذی الید اولدیغنه دائر بر دلیل دخی بولمز
 ایسه اول حالده بو یرلر عرصه صاحبکدر . فقط خرق

صاحبی دخی خرقنی ایقلایه جفی وقت چامورینی ایکی
طرفه طرح و القا ایتکه حق وار در
۱۲۹۱ ماده

بر کیمسه نك كندی ملککنده حفر ایلدیکی قویفك حریمی
بو قدر . قومشوسنی دخی ایلک یاننده و کندی ملککنده
دیگر بر قوی حفر ایده ییلور . و اول کیمسه بنم قویفك
صوبینی جذب ایدر دیو قومشوسنك قوی حفر ایتسنه
مائع اوله مز

(فصل سابع)

(احکام صیده دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۲۹۲ ماده

کرك مزراق و تفك کبی آلات جارحه ایله و کرك آغ
و طوزلق کبی شیرله و کرك معلم کلب کبی آزیلی حیوانلر
و معلم طوغان کبی یرتیجی قوشلر ایله آو طوتمق جائزدر
۱۲۹۳ ماده

صید یعنی آوانساندن متوحش اولان یبانی حیواندر
۱۲۹۴ ماده

حیوانات اهلیه صید اولندیغی کبی انسان ایله مانوس
اولان یبانی حیوانلر دخی صید اولتماز

بناء علی ذلك امثالی دلائلیه یبانی اولمدیغی معلوم اولان
 کوکرجین یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان و بویونده
 طاسمه بولنان کیك طوتلسه لقطه قیلندن اولوب صاحبی
 ظهورنده ویرمک اوزره طوتان کیسه نك انی اعلان
 ایتمی لازم کلور

۱۱۹۵ ماده

صیدک انساندن ممنوع اولسی یعنی ایاقلرله یاخود قنادلرله
 صاوشوب قورتیله بیله جک حالدده بولنمی لازمدر
 قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلاً برکیك
 برقوبی به دوشسه حال صیدیتدن چیقمش اولور

۱۲۹۶ ماده

کیم که برآوی حال صیدیتدن چیقارارسه انی طوتمش
 اولور

۱۲۹۷ ماده

آو طوتانکدر
 مثلاً برکیسه برآوه آتوبده انی قاچوب قورتیله میه جق
 صورتده جرح ایلسه اکا مالک اولور . اما خفیفجه
 یعنی قاچوب قوتیله بیله جک صورتده جرح ایتمکه اکا
 مالک اولوب دیکر کسنه انی اورمغله یاخود دیکر
 صورتله طوتسه اکا مالک اولور

و کذا بر کیمسه بر آوی اوروب دوشور دکنصکره اول
 آو قالقوبده قجارکن دیگر کیمسه انی اخذ ایله استملاک
 ایده بیلور

۱۲۹۸ ماده

ایکی صیادک قورشونلری بردن بر آوه اصابت ایلمسه
 اول آو ایکیمی بیننده مناصفة مشترک اولور

۱۲۹۹ ماده

ایکی کیمسه کلب معلمین صالیویروبده ایکیمی بر آوه
 اصابت ایتمسه اول آو صاحبلی بیننده كذلك مشترک
 اولور. واکر هربری برر آوطوتسه هر برینک طوتدیغی
 آو صاحبنک اولور

کذلك ایکی کیمسه کلب معلمینی صالیویروبده بری آوی
 دوشورمش و دیگری اولدرمش اولدیغی صورتده اگر
 اولکیمسینک کلبی انی قاقوب قورتیلمیه جق حاله کتورمش
 ایسه اول آو انکدر

۱۳۰۰ ماده

بر کیمسه نك خرقنده یاجدولنده اولامقسنزین طوتیلمه ماز
 اولان بالقلری دیگر کیمسه صید ایله استملاک ایده بیلور

۱۳۰۱ ماده

بر کیمسه صو کنارنده صیدماهی ایچون بریر تهیه ایدرک

اورايه برچوق بالق کلوبده صو ازاله رق اول بالق
 اوله مغه محتاج اولمق سزین طوتيله بیلور اولسه اول بالق
 اول کیمسه نک اولور

اما اول محمله صویک کثرتندن ناشی بالق ک ترک طوتلمسی
 اوله مغه محتاج اولسه بوبالق اول کیمسه نک اولیوب دیگر
 کسینه انلری صید ایله استملاک ایده بیلور
 ۱۳۰۲ ماده

بر کیمسه نک خانه سنه بر آو کیروبده انی طوتمق ایچون قپوسنی
 سد ایلسه اکا مالک اولور

اما قپوسنی سد ایله احراز ایتمدن اکا مالک اولیوب دیگر
 بر کسینه اول آوی طوتیورسه اکا مالک اولور
 ۱۳۰۳ ماده

بر کیمسه صید ایچون بر محله آغ و طوزاق کبی برشی وضع
 ایدوبده بر آو طوتلسه اول کیمسه نک مالی اولور
 فقط بر کیمسه آغنی قوریمق ایچون بر محله سروبدده اکا
 بر آو طوتیلیورسه انک مالی اولماز

نه کیم بر کیمسه نک اراضیسندده کی چتوره دوشن آوی
 دیگر کسینه اخذ ایله استملاک ایده بیلور . اما اول اراضی
 صاحبی اول چتوری صید ایچون حفر ایتش ایسه اول
 آوه سائرندن احق اولور (۱۲۵۰) مادیه باق

۱۳۰۴ ماده

بر یبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده بووه یاغچه
و یورطله منله انك مالی اولماز . دیگر بر کیمسه انك
یورطله لرینی یاخود یاوریلرینی اخذ ایدیورسه باغچه
صاحبی استرداد ایده من

فقط اول کیمسه باغچه سنی یبانی حیوان کلوبده یورطله مق
ویاوریلامق ایچون تهیه ایتش ایسه کلوب یورطلایان و
یاوریلایان حیوانلرک یورطله لری ویاوریلری کندوسنك اولور

۱۳۰۵ ماده

بر کیمسه نك باغچه سنده مکان اتخماز ایدن آرلرک یاپیغی
بال اول باغچه نك منافعتدن معدود اوله رق اول کیمسه نك
مالیدر . کسسه اكا تعرض ایده من . یالکزی بیت الماله
عشرینی ویرمسی لازم کاور

۱۳۰۶ ماده

بر کیمسه نك قواننده مجتمع بولن ان آرلر مال محرز عد
اولنور . بونلرک بالی دخی اول کیمسه نك مالیدر

۱۳۰۷ ماده

برینك قوانندن چیقان اوغل آریسی دیگرک خانه سنده
قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی
استرداد ایده یلور

(باب خامس)

(نفقات مشتركه پيائنده اولوب ايكي فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(اموال مشتركه نك تعميراتی و دیگر بعض مصارفاتی)

(پيائنده در)

۱۳۰۸ ماده

بر ملك مشترك تعمير و ترميمه محتاج اولدوقده صاحبلى
حصه لرینه كوره بالاشتراك تعمير ایدرلر

۱۳۰۹ ماده

حصه دارلردن بری دیگرینه نك اذنیله كندی مالندن قدر
معروف پاره صرف ایدرلر ملك مشتركی تعمير ایتسه
مشاركنه حصه سیله رجوع ایدر

یعنی مصرفدن مشاركنك حصه سنه هر نه اصابت ایدر سه
انی اندن الور

۱۳۱۰ ماده

محتاج تعمير اولان ملك مشترك صاحب لر نندن بری غائب
اولوبده دیگرى انی تعمير ایتك ایستدكده حاكمدن اذن
الور

و حاكمك اذنی غائب اولان حصه دارك اذنی مقامده قائم
اولور

یعنی حاضر اولان حصه دار اذن حاکمه اول ملک
مشرک کی تعمیر ایتدکده غائب اولان مشارکندن اذن المش
حکمنده اوله رق مصرفدن حصه سیله اکار رجوع ایدر

۱۳۱۱ ماده

بر کیمسه مشارکنندن و حاکمکن استینان ایتکسزین ملک
مشرک کی خود بخود تعمیر ایلسه متبرع اولور

یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری
اندن آله ماز اول ملک مشترک کرک قابل قسمت اولسون
و کرک اولسون

۱۳۱۲ ماده

بر کیمسه قابل قسمت اولان ملک مشترک کی تعمیر ایتک
ایستیوبده مشارکی استناع ایتشیکن خود بخود تعمیر ایلسه
متبرع اولور

یعنی مشارکنه حصه سیله رجوع ایده من
واکر اول کیمسه مشارکنک بوججهله امتناعی اوزرینه
حاکمه مراجعت ایتسه (۲۵) ماده یه مبنی تعمیره جبر
اولنه ماز • فقط جبرا تقسیم اولنه یلور • وبعد القسمه
اول کیمسه کنایه حصه سنده ایستدیکنی یاپار

۱۳۱۳ ماده

دکرمن و حاکم کی قابل قسمت اولمیان بر ملک مشترک

تعمیرہ محتاج اولغلہ صاحبہلرندن بری تعمیر ایتک استیوبده
 مشارکی امتناع ایتسه حاکمک اذنیله کندی طرفندن قدر
 معروف پاره صرف ایدرک تعمیر ایلر . و مصارف
 تعمیریهدن مشارکنک حصصسنه اصابت ایدن مقدار پاره
 کندوسنک اندن اله جغنی اولور . و اول ملک مشترکی
 ایجار ایله اجریتندن اشبو اله جغنی استیفا ایده یلور
 و اگر حاکمن استیدان ایتکسزین تعمیر ایتش ایتسه نقدر
 صرف ایتدیکنه باقلیوب انحق بنانک وقت تعمیردهکی
 قیمتندن مشارکنک حصصسنه اصابت ایدن مقداری
 روجه مشروح استیفا ایده یلور

۱۳۱۴ ماده

بویله دکرمن و حاکمکی قابل قسمت اولیان ملک مشترک
 بالکلیه منهدم اولوبده عرصه صرفه قالدیغی حالده
 صاحبہلرندن بری بنا ایتک ایتسه یوبده دیگرکی امتناع
 ایتسه بنایه جبر اولغیوب عرصه سی تقسیم اولور

۱۳۱۵ ماده

فوقانیسی برینک و تختانیسی دیکرک ملکی اولان ابنیه
 منهدم یا محترق اولسه هر بری کافی السابق ابنیه سی
 یایار . احد هما آخره مانع اوله ماز

و فوقانی صاحبی تحتانی صاحبیه سن ابنیه کی یاب که
 اوزرینه بنده ابنیه می یابیم دیوبده تحتانی صاحبی امتناع
 ایتکله فوقانی صاحبی حاکدن اذن الهرق تحتانی
 و فوقانی ابنیه بی انشا ایتدکده تحتانی صاحبی حصه
 مصرفی ورنجیه دک انی تحتانیده تصرفدن منع ایدر
 ماده ۱۳۱۶

ایکی قومشو بیننده کی حائط مشترک اوزرینه طرفینک
 کوشک و کیرش او جلری کبی حوله لری اولدیغی حالده
 حائط منهدم اولوبده برینک امتناعی اوزرینه دیکری
 بنا ایلسه مشارکی مصرفنک نصفنی تأدیه ایدنجیه دک
 انی اول حائط اوزرینه حوله وضعندن منع ایدر
 ماده ۱۳۱۷

ایکی خانه بیننده دیوار منهدم اولوبده برندن دیکرینک
 متر نسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جهتله برینک
 صاحبی مشترکا دیواری بنا ایتک استدیکی حالده دیکرینک
 صاحبی امتناع ایلسه بنایه جبر اولماز . فقط تحتهدن
 یاخود سائر نینهدن بالاشتراک بینلرله بر ستره اتخاذ
 ایتلری ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور
 ماده ۱۳۱۸

ایکی قومشوسی بیننده مشترک اولان دیواره و هن کلریده

سقوطندن خوف اولمغله بری نقضنی ایستدیکی حالد
دیگری امتناع ایله بالاشترک نقض وهدم ایتک اوزره
جبر اولنور

۱۳۱۹ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر عمار
تعمیریه محتاج اولوبده حالی اوزره ابقامی مضر اولدیغی
حالد ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتک
ایستیوبده دیگری امتناع ایله تعمیریه جبر اولنور

مثلا ایکی صغیرک خانه لری بیننده بر مشترک دیوار اولوبده
سقوطندن خوف اولنورق برینک وصیسی تعمیر ایتک
ایستدیکی حالد دیگرینک وصیسی ابا ایله جانب حاکدن
برامین آدم ارسال ایله نظر اولنور. فی الواقع دیوارک
حالی اوزره ترکی تقدیرنده صغیرلر حقنده ضرر اوله جغی
معلوم اولورسه ابا ایدن وصی دیگر وصی ایله مشترکا
مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتک اوزره جبر اولنور
کذلک ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر خانه تعمیر محتاج
اولوبده متولیلردن بری تعمیر ایتک ایستدیکی حالد
دیگری امتناع ایله مال وقفدن تعمیر ایتک اوزره حاکم
طرفندن جبر اولنور

۱۳۲۰ ماده

ایکی کشی بینده مشترک بر حیوان اولوبده بریسی آتی
بسلمکدن ابا ایتیمکه دیگری حاکمه مراجعت ایتسه حاکم
ابا ایدن حصه داره یا حصه کی صیات و یا خود مشترکا
حیوانی بسله دیو امر ایدر

(فصل ثانی)

(نهر و مجر الرک کری و اصلاحی حقنه در)

۱۳۲۱ ماده

مملوک اولیان نهرک کری و اصلاحی یعنی آیقلا نسی بیت
المال اوزرینه در واکر بیت المالك وسعتی یوق ایتسه
انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

۱۳۲۲ ماده

مملوک اولان نهر مشترک آیقلا نسی اصحابی یعنی حق
شربی اولنور اوزرینه در . حق شفه اصحابی مؤنت
کری و اصلاحده تشریک اولنده ماز

۱۳۲۳ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتک
ایستیوبده بعضیلری ابا ایتدیکی صورته نظر اولنور
اگر نهر عام ایتسه ابا ایدن کیمسه سائر لریله بالاشترک
ایقلامق اوزره جبر اولنور (۲۶) ماده یه باق

وا کر نهر خاص ايسه آيقلامق ايسه يانلر حاكمك اذنيه
اول نهری آيقلايوب امتناع ايدن كيمسه مصرفدن
حصه سنه اصابت ايدن مقداری ایفا ایدنجه دك انی اول
نهر ايله انتفاعدن منع ایدرلر

۱۳۲۴ ماده

حق شرب اصحابك كافه سی نهر مشترکی آيقلامق
امتناع ایتدکلی صورتده كذلك نهر عام ايسه آيقلامق
اوزره کندولرینه جبر اولنور واکر نهر خاص ايسه جبر
اولماز

۱۳۲۵ ماده

كرك مملوك اولميان و كرك مملوك اولان نهر عامك كنارنده
بركيسه نك یری اولوبده صو ایچمك ونهری اصلاح
ایتمك کی احتیاجات ایچون بشقه یول اولدیغی حالده
عامه اول یردن مرور ایده یلور . صاحبی مانع
اولماز

۱۳۲۶ ماده

نهر مشترک مؤنت کری و اصلاحی یوقارودن باشلار .
و ابتدا جمله حصه دارلر بونده مشارك اولورلر . واک
اوست طرفده کی حصه دارك اراضیسندن کچلدکده

او خلاص اولور و هکذا اشاغیسنه قدر اینر . زیرا
غرامت غنیمته کوره در (۸۷) ماده یه باق

مثلا اون کشی بینده مشترک اولان بر نهر آیقلا نه جق
اولدقه ا ک اوست طرفنده کی حصه دارک نهایت
اراضیسنه قدر اولان قطعه سنک مصار فی جمله سنک
اوزرینه و اندن صکره طقوزی اوزرینه و ایکنجیسنک
اراضیسی دخی کچلد کده سکزی اوزرینه تقسیم ایدیلور .
صکره ده بوسیاق اوزره کیدیلور واک اشاغیده کی
حصه دار جمله سنک مصرفنده مشارک اوله رق ا ک صکره
کندو حصه سنی یالکز یاپار بوجه تله ا ک یوقاروده کی
حصه دارک مصرفی جمله سنندن آز واک اشاغیده کی
حصه دارک مصرفی جمله سنندن زیاده اولور

۱۳۲۷ ماده

کاریز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار
شویله که ا ک اشاغیده کی حصه دارک عرصه سنده کی حصه
کاریزک مصرفنده جمله سی حصه دار اولور لر و اندن
یوقارو چیقلدقه اول حصه دار خلاص اولور و هکذا
برر برر خلاص اوله رق ا ک یوقاروده کی حصه دار کندی
حصه سنی یالکزجه یاپار بوجه تله ا ک اشاغیده کی

حصه دارك مصرفي جله سندن از واك يوقاروده كي
حصه دار مصرفي جله سندن زياده اولور

۱۳۲۸ ماده

طريق خاصك تعميري دخی كاريزكي اشاغیدن باشلار .
واغزی یعنی مدخلی اشافی منتهمای یوقارو عد و اعتبار
اولور . واغزنده بولنسان حصه دار یالکز کندی
حصه سنه عائد اولان مصارف تعمیری ده مشارك اولور
و منتهماسنده اولان حصه دار هر برینك حصه مصارفنده
مشارك اولدقدن بشقه کندی حصه سنی یالکز کندی
یا پار



(باب سادس)

(شرکت عقد بیانده اولوب التی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(شرکت عقدك تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱۳۲۹ ماده

شرکت عقد . ایکی یا زیاده کیمسه لر بیننده سرمایه
و فائده سی مشترک اولیق اوزره عقد شرکندن عبارتدر

۱۳۳۰ ماده

شرکت عقدك رکنی لفظا یا خود معنی ایجاب و قبولدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کیمسه به شو قدر غروش سرمایه ایله
 اخذ و اعطا ایتک اوزره سنکله شریک اولدم دیوبده
 دیگر دخی قبول ایتدم دیسه لفظاً ایجاب و قبول ایله
 شرکت منعقد اولور . واکر بریسی دیگرینه بیک
 غروش و یروب و بونک اوزرینه سنده بیک غروش قوی
 و مال اشترا ایت دیوبده دیگر دخی انک دیدیکی کبی
 یاپسه معنی قبول ایتش اولمغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد . ایکی قسمه تقسیم اولنور . شو یله که
 شریکرا کر بینلرنده مساوات تامه اولمق شرطیله عقد
 شرکت ایدرک سرمایه شرکت اوله ییله جک ماللرینی
 شرکتته ادخال ایتدکری حالده مقدار سرمایه لری
 و ر بحدن حصه لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه
 اولور

نته کیم بر کیمسه وفات ایدوبده اوغلاری پدرندن قالان
 مجموع اموالی سرمایه اتخاذ ایدرک هر درلو مال آلوب
 صاتمق و ر بحی بینلرنده مساوات اوزره عقد شرکت
 مفاوضه ایده یلور فقط بویله مساوات تامه اوزره شرکتک
 وقوعی نادر اولور

واکر مساوات تامہ شرط ایدلکسزین عقد شرکت
ایدرلر ایسہ شرکت عنان اولور

۱۳۳۲ ماده

شرکت کرک مفاوضہ و کرک عنان اولسون یا شرکت
اموال و یا شرکت اعمال و یا خود شرکت و جوہدر
شویله کہ شریکرا کر اورتہیہ سرمایہ اولق اوزرہ
بر مقدار مال قویوبده بر لکده یا خود آرو آرو و یا خود
مطلقا اخذ و اعطا ایتک و حاصل اولہ حق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت اموال اولور

واکر عمللرینی سرمایہ ایدوبده آخردن ایش تقبل یعنی
تعهد و التزام ایدرک حاصل اولہ حق کسبی یعنی اجرتی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت اعمال اولور ، بوکا شرکت ابدان و شرکت
صنایع و شرکت تقبل دخی دنیلور ، نته کیم ایکی درزینک
یا خود بر درزی ایله بر بو یا چینک شریک اولملری کبی
واکر سرمایہ لری اولدیغی حالده کندی اعتبار لریله
ویرہ سینی مال آلوب صاتہرق حاصل اولہ حق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت وجوہ اولور

(فصل ثانی)

(شرکت عقدك شرائط عمومیه سی بیانده در)

۱۳۳۳ ماده

شرکت عقدك هر قسمی و کالتی متضمندر
شویله که شریک کردن هر بری تصرفده یعنی الوب
صائمقده و آخردن اجرته ایش تقبل ایتکده دیگر ینک
وکیلدر

بناء علی ذلک و کالتده عقل و تمیز شرط اولدیغی کبی
علی العموم شرکته دخی شریکک عاقل و ممیز اولمری
شرطدر

۱۳۳۴ ماده

شرکت مفاوضه کفالتی دخی متضمندر
بناء علیه مفاوضک کفالتده اهلیتیری دخی شرطدر
۱۳۳۵ ماده

شرکت عنان یا لکز و کالتی متضمن اولوب کفالتی متضمن
دکدر

بناء علیه حین عقدنده کفالت ذکر اولندیغی صورتده
شریککریکدییکریک کفیلی دکدر • بوجهته صبی مأذون
دخی عقد شرکت عنان ایده یلور

اما شرکت عنانك حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي
تقديرده شريككرك يكديكرك كفيلى اولور
ماده ۱۳۳۶

شريككرك بيننده ربحك نه وجهاه تقسيم اولنه جعى بيان
اولنقى شرطدر • مبهم ومجهول قالمورسه شركت فاسد
اولور
ماده ۱۳۳۷

شريككرك بيننده تقسيم اولنه جق ربحك حصه لرى نصف
و ثلث و ربع كى جزء شايع اولق شرطدر • شريككركدن
برينه ربجدن مقطوعا شو قدر غروش و يرك اوزره
مقاوله اولنسه شركت باطل اولور
(فصل ثالث)

(شركت اموالك شرائط مخصوصه سى بياننده در)
ماده ۱۳۳۸

سرمايه نك نقود قبيلندن اولسى شرطدر
ماده ۱۳۳۹

رايح اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدود در
ماده ۱۳۴۰

مسكوك اوليان التون وكومش ايله معامله بين الناس

عرف و عادت ايسه بونلر دخی نقود حکمنده اولورلر .
 دکل ايسه عروض حکمنده درلر
 ماده ۱۳۴۱

سرمایه نك عين اولمسی شرطدر . دین یعنی ذمم ناسده
 اولان اله حق سرمایه شرکت اوله ماز
 مثلا ایکی کیمسه آخر کیمسه ذمتنده اولان اله جققرینی
 سرمایه اتخاذا ایدوبده انك اوزرینه عقد شرکت
 ایده مزلر . و برینك سرمایه سی عین و دیگرینك سرمایه سی
 دین اولسه ینه شرکت صحیح اولماز
 ماده ۱۳۴۲

عروض و عقار کبی نقوددن معدود اولمیان اموال
 اوزرینه عقد شرکت صحیح اولماز یعنی بونلر سرمایه
 شرکت اوله ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلهندن اولمیان ماللرینی
 سرمایه شرکت ایتک استدلارنده هر بری مالنك نصفی
 دیگرینه صانوبده اشتراکری حاصل اولدقدن صکره
 بو مال مشترکری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر
 نته کیم ایکی کیمسه مثلیاتدن اولان بر نوع ماللرینی مثلا
 برر مقدار بغدادیلرینی بکدیگرینه قارشدیرو بده بیلنرنده
 شرکت ملک حاصل اولدقدن صکره اشبو مان

مخلوطی سرمایه اتخاذ ابدرك انك اوزرينه عقد شرکت
ایده بیلور

۱۳۴۳ ماده

برينك باركیری و دیگرينك اگر طاقی اولوبده بونلری
ایجار ایله حاصل اولان اجرتی بینلرنده تقسیم ایتمك
اوزره شريك اولسهلر شرکت فاسد اولوب اجرت
حاصله باركیر صاحبنه عائد اولور . و اگر طاقی
بارکیره دخیل و تابع اولغله صاحبی اجرتدن حصه دار
اوله میوب انجق اکرينك اجر مثلنی الور

۱۳۴۴ ماده

برينك دابه سی اوزرینه دیگرى امتعه سنی تحمیل ایله
کزدیروب صاتمق و ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره
شريك اولسهلر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار
امتعده صاحبنك اولور . دابه صاحبی دخی دابه سنك
اجر مثلنی الور

دکان دخی دابه کبیدرکه بری دیگرک دکانده امتعه سنی
صناعتوبده ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره شريك
اولسهلر شرکت فاسد اولوب امتعه نك ربجی صاحبنه
عائد اولور . دکان صاحبی دخی دکانك اجر مثلنی
الور

(فصل رابع)

(شرکت عقدہ متعلق بعض ضوابط حقندہ در)

۱۳۴۵ مادہ

عمل تقویم ایله مقوم اولور . یعنی ایش تعین قیمت ایله
قیمتاتور . و بر شخصک عملی دیگر شخصک عملندہ نسبتله
دها قیمتلو اوله یلور

مثلا شرکت عنان ایله شریک اولان ایکی کیمسه نک
سرمایه لری متساوی و ایکسینک دخی عمل ایتسی مشروط
اولدییی حالده برینه ربحدن فضلہ حصہ اعطاسی شرط
قیلنسه جائز اولور . زیرا بریسی اخذ و اعطاسی دها
ماهر و عملی ازید و انفع اوله یلور

۱۳۴۶ مادہ

ضمان عمل برنوع عمل در

بناعلیه بر کیمسه دکاننه ارباب صنایعدن برینی قویوب
و تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری اکا کوردیروبدہ حاصل
اوله جق کسی یعنی اجرتی بندلرنده مناصفہ تقسیم
ایتمک اوزره عقد شرکت صنایع اینسہلر جائز اولور .
و دکان صاحبک نصف حصہ به استحقاقی انجق عملی
ضامن و متهد اولمسیلہ در شو قدر که بونک ضمنده
دکانک منفعتنه دخی نائل اولور

۱۳۴۷ ماده

رَبْحُهُ اسْتَحْقَاقُ بَعْضًا مَالٍ يَأْجُلُ إِلَيْهِ أَوْلَدِيغِي كَبِي بَعْضًا
دُخِي (۸۵) مَادَهُ حَكْمَنَجَه ضَمَانِ إِلَيْهِ أَوْلُور
نَتَه كَبِي مَضَارِبُهُ دَه رَبْحُهُ رَبِّ الْمَالِ مَالِيْلَهُ وَمَضَارِبِ عَمَلِيْلَهُ
مُسْتَحَقُّ أَوْلُور وَ أَرَبَابِ صَنَائِعِدُن بَرِي يَانَنَه بِرْشَا كَرْد
الْوَبْدَه تَقْبِل وَ تَعْهَدُ أَيْلَدِيكِي أَيشْئَرِي نَصْفِ أَجْرَتْلَه
اكَأ كُور دِيرْسَه جَائِزْ أَوْلُور وَ كَسْبِكْ يَعْنِي أَيشْ صَاحِبْلَرْنَدُن
الْأَنَانِ أَجْرَتَكْ نَصْفَنَه أَوَّلْ شَا كَرْد عَمَلِيْلَهُ مُسْتَحَقُّ أَوْلَدِيغِي
كَبِي اسْتَاد دُخِي عَمَلِي ضَامِن وَ مَتَعْهَدُ أَوْلَسِيْلَه نَصْفِ
دِيكْرِيْنَه مُسْتَحَقُّ أَوْلُور

۱۳۴۸ ماده

سَالَفُ الذِّكْرِ أُمُورُ ثَلَاثَه دُن يَعْنِي مَالٌ وَعَمَلٌ وَ ضَمَانِدُن
بَرِيْسِي بُولْمَاز أَيشَه رَبْحُهُ اسْتَحْقَاقُ يَوْقَدِر
مَثَلًا بِرَكِيْمَسَه دِيكْرِيْنَه سَنَ مَالِكَاهُ تِجَارَتِ ائْتَدَه رَبْحِي
بِيْنَمَزْدَه مُشْتَرَكْ أَوْلَسُون دِيْسَه شَرْكَتِي ائْجَابِ ائِلْز ۰ وَ
بِوَصُورْتَدَه حَاصِلِ أَوْلَانِ رَبْحِدُن حَصَه اَلْهَاز

۱۳۴۹ ماده

رَبْحُهُ اسْتَحْقَاقُ اَنْجَقْ عَقْدِ شَرْكَتَدَه اِیرَادِ أَوْلَانِ شَرْطَه
كُورَه دَر ۰ اَجْرَا أَوْلَانِ اِيشَه كُورَه دَكْلَدِر

بناء عليه عمل ايتسى مشروط اولان شريك عمل ايتسه
بيله عمل ايتش كى عد اولنور

مثلا شركت صحیحه ايله شريك اولان ايكي كيمسه نك
ايكيسى دخى عمل ايتك اوزره شرط ايداش اولديغى
حاله يالکز بريسى عمل ايدوبده ديكرى بعذر ياخود
بغير عذر عمل ايتسه بيله يكدىكرى وكيلى اولديغندن
شريكنك عمل ايتسيله كندوسى دخى عمل ايتش كى عد
اولنورق كار بينلرنده شرط ايتدكارى وجهله تقسيم
اولنور

۱۳۵۰ ماده

شريكار يكدىكرى امينيدر

هر برينك ينده مال شركت وديعه حكمنده در . بلا تعد
ولا تقصير بريسنك ينده مال شركت تلف اولسه
شريكنك حصه سنى ضامن اولماز

۱۳۵۱ ماده

شركت اموالده سرمايه شريك برينده متساويا ياخود
متفاضلا مشترك اولور

اما برندن سرمايه ديكرندن عامل اولديغى صورتده اكر
ربحى بينلرنده مشترك اولمق اوزره مقاوله اولسه
مضاربه اولور . نته كيم باب مخصوصنده كاور

واکر ربحی تماما عاملنه عائد اوله جق ایسه قرض اولور
 واکر ربحک تماما سرمایہ صاحبنه عائد اولسی شرط
 ایدیلورسه اول سرمایہ عاملک یئنده بضاعه وعامل
 مستبضع اولور

مستبضع ایسه وکیل متبرع حکمنده اولدیغندن کار و
 زیان تماما مال صاحبنه عائد اولور
 ۱۳۵۲ ماده

شریکاردن بری فوت یاخود جنون مطبق ایله مجنون
 اولسه شرکت منفسخ اولور
 فقط شریکار اوچ یاز یاده اولدیغی صورته شریکتک
 انفساخنی یالکز فوت یا مجنون اولان حقنده اولوب
 دیگرلرک یئنده شرکت باقی قالور
 ۱۳۵۳ ماده

شریکاردن برینک فسخیله شرکت منفسخ اولور
 فقط انک فسخنی دیگرک بیلسی شرطدر . برینک فسخ
 ایلدیکی دیگرینک معلومی اولدجه شرکت منفسخ اولماز
 ۱۳۵۴ ماده

شریکار فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینک
 و ذممه اولان اله جق دیگرینک اولق اوزره اقسام
 ایتسملر قسمت صحیح اولماز

بوصورتده نقود موجوده دن بری نه قبض ایتسه دیگر
 ا کا مشارک اولور . ذمده کی اله جق دخی بینلرنده
 مشترک قالور (۱۱۲۳) ماده یه باق

۱۳۵۵ ماده

شریکلردن بری مال شرکتدن بر مقدارینی الوبده اعمال
 ایدر کن مجهلا فوت اولسه ترکه سندن شریکنک حصه سی
 استیفا اولنور (۸۰۱) ماده یه باق

(فصل خامس)

(شرکت مفاوضه بیاننده در)

۱۳۵۶ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیگرک
 کفیلیدر

بناء علیه برینک اقراری کندی حقنده فصل نافذ اولورسه
 شریکی حقنده دخی اویله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هر قنغیسندن ایسترایسه
 مطالبه ایدر و بیع و شرا و اجاره کی شرکت جاری اولان
 معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هر نه درلو بورج
 ترتب ایدر ایسه دیگرینه دخی لازم اولور

وبرینک صاندیغی شی عیله دیگرینه رد اولنه بیلدیکی

کبی برینک اشترا ایلدیکی شیئی دیکری عیله رد
ایده بیلور

۱۳۵۷ ماده

مفاوضلدن برینک کندویه واهل و عیالنه الدیغی
ما کولات و البسه و سائر حوائج ضروریه کندوسنکدر
شریکنک انده حق یوقدر

فقط بایع بونلرک ثمنی دخی بحسب الکفاله شریکندن
مطالبه ایده بیلور

۱۳۵۸ ماده

شرکت اموالده مفاوضلرک مقدار سرمایه لری وربحدن
حصه لری متساوی اولیق شرط اولدیغی کبی برینک
سرمایه شرکتدن فضله سرمایه شرکت اوله بیله جک
مالی یعنی نقودی یاخود نقود حکمنده اولان اموالی
اولماق شرطدر

امابرینک سرمایه شرکتدن فضله سرمایه شرکت
اولیه جق مالی یعنی عروض یا عتقاری یاخود آخر
کمننه ذمتنده اله جغی اولسه مفاوضه یه ضرر
ویرمز

۱۳۵۹ ماده

شرکت اعمالده شریکلرک هربری فصل ایش اولورسه

اولسون تقبل والتزام ايدہ بيلک و علی السوئہ علی ضامن
و متعهد و قائده و ضررده و تساوی و برينه شرکت سبيله
نه ترتب ايدرسه ديکری اکا کفيل اولق اوزره عقد
شرکت ايدرلرسه مفاوضه اولور

بوصورتده هر قنغيسندن اولورسه اولسون اجيرو دکان
اجرتی مطالبه اولنه بيلور

و انلردن آخر برکسنه بر متاع دعوی ايدوبده بریسی
اقرار ايتدکده ديکری انکار ايتسه بيله انک اقراری
نافذ اولور

۱۳۶۰ ماده

ایکی کیمسه ویره سییه مال الوب صاتمق و مال مشترا
و ثمن ور بحی بیلرلنده مناصفة مشترک و هر بری ديکرينه
کفيل اولق اوزره عقد شرکت ايتسه لر شرکت
و جوهک مفاوضه سی اولور

۱۳۶۱ ماده

عقد مفاوضه ده مفاوضه لفظی سويلتمک يا خود
مفاوضه نك جميع شرائطی تعداد اولتمق شرطدر
علی الاطلاق عقد شرکت اولنورسه عنان
اولور

۱۳۶۲ ماده

بر وجه بالا بو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی
بولنسه، مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلا شرکت اموالده مفاوضلردن برینک یدینه ارت ایله
یا هبه طریقله بر مال یکدکده اکر نقود کبی سرماییه
شرکت اوله یاه جک مال ایسه، مفاوضه عنانه منقلب
اولور. اما عروض وعقار کبی سرماییه شرکت
اولیان مال ایسه مفاوضه یه ضرر ویرمز
۱۳۶۳ ماده

شرکت عنانک صحتی ایچون هر نه که شرط ایسه
مفاوضه نك صحتی ایچون دخی شرطدر
۱۳۶۴ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولانلر تصریفه هر نه یاه یلمور
ایسه، مفاوضلر دخی انی یاه یلمور

(فصل سادس)

(شرکت عنان حقنده اولوب اوچ مجتبی حاویدر)

(مجتبی اول)

(شرکت امواله دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۳۶۵ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولنلرک سرمایهلری متساوی

اولی شرط دکلر . برینک سرمایہ سی دیکرینک
 سرمایہ سندن دها زیادہ اولہ بیلور . وهر بریسی بالجله
 نقدلرینی سرمایہ اداخل ایتکه مجبور اولیوب ماللرینک
 مجموعی یا خود بر مقدار اوزرینه عقد شرکت ایدہ بیلور .
 بوجهتله سرمایہ لرنندن فضلہ سرمایہ شرکت اولہ بیلہ جک
 ماللری مثلا نقدلری اولہ بیلور

۱۳۶۶ ماده

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی
 خاصه برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتی اوزرینه
 دخی عقد شرکت اولنه بیلور

۱۳۶۷ ماده

شرکت صحیحده ربک نوجهتله تقسیمی شرط ایدیلور
 ایسه هر حالده اول شرطه رعایت اولنور

۱۳۶۸ ماده

شرکت فاسدهده ربج وفائده سرمایہ لک مقدارینه کوره
 تقسیم اولنور . شریکلردن برینه فضلہ شرط ایدلش
 ایسه اکا اعتبار اولنماز

۱۳۶۹ ماده

بلا تعد ولا تقصیر وقوعه کلان ضرر و زیان هر حالده

سرمایه لرك مقدارينه كوره منقسم اولور . ديكرو جهله
شرط ايدلسه اكا اعتبار اولماز
۱۳۷۰ ماده

سرمایه لرك متساوی و كرك متفاضل اولسون
شريكار كاری بيلرنده سرمايه لرينك مقدارينه كوره
تقسيم ايتك اوزره شرط ايتسه ل صحيح اولور . و كار
بيلرنده شرط ايتدكاری و جهله سرمايه لرينك مقدارينه
كوره تقسيم اولنور . كرك ايكيسنك دخی عمل ايتمی
شرط اولسون و كرك يالكز برينك عمل ايتمی شرط
قيلنسون . شو قدر وار كه يالكز برينك عمل ايتمی
مشروط اولديغی تقديرده انك ينده ديكرك سرمايه سی
بضاعه حكمنده اولور

۱۳۷۱ ماده

شريكارك سرمايه لری متساوی اولديغی حالده برينه
ربحدن فضله حصه مثلاً ربحك ثلثانی شرط ايدلسه
ايكيسنك دخی عمل ايتمی مشروط اولديغی تقديرده
شرکت صحيح و شرط معتبر اولور

(۱۳۴۵) ماده يه باق

اما يالكز برينك عمل ايتمی مشروط اولديغی تقديرده
نظر اولنور . عمل اكر ربحدن حصه سی زياده اولان

شریک اوزرینه شرط ایدلش ایسه کذلک شرکت صحیح و شرط معتبر اولور . و اول شریک مالیه سرمایه سنک ربخنه و عملیه فضله سنه مستحق اولور فقط انک یئنده شریک سنک سرمایه سی مال مضاربه حکمنده اوله رق مضاربه یه شبیه بر شرکت اولور

و عمل اکر ربخدن حصه سی آز اولان شریک اوزرینه شرط ایدلش ایسه جائز اولیوب ربخ یئرلرنده سرمایه لرینک مقدارینه کوره تقسیم اولور

زیرا ربخ اکر شرط ایتدکری وجهله تقسیم اولنسه عامال اولیان شریک اله جعی فضله مال و عمل و ضماندن برشی مقابل اولماز ربخه استحقاق ایسه انجق بواور ثلثه دن بریله در (۱۳۴۷) و (۱۳۴۸) ماده لره باق ۱۳۷۲ ماده

شریکلرک سرمایه لری متفاضل مثلا برینک سرمایه سی یوز بیک و دیگرینک سرمایه سی یوز الی بیک غروش اولدیغی حالده ربخک یئرلرنده مساوات اوزره تقسیمی شرط اولنسه سرمایه سی آز اولان کیمسه نک سرمایه سنه نسبتله ربخدن فضله حصه المسی شرط ایدلش دیمک اوله چغندن شریکلرک سرمایه لری متساوی اولدیغی حالده برینه ربخدن فضله شرط ایدلش کبی اولور

بناء عليه ابكى سنك يا خود ربحدن حصه سى زياده يعنى
 سرمايه سى از اولان شريكك عمل ايتمى شرط ايدلمش
 ايسه شركت صحيح و شرط معتبر اولور . و اكر
 يالكز ربحدن حصه سى از يعنى سرمايه سى چوق
 اولان شريكك عمل ايتمى شرط ايدلمش ايسه جائز
 اوليوب كار بيلرنده سرمايه لرى مقدار ينه كوره تقسيم
 اولنور

۱۳۷۳ ماده

شريكك هر برى مال شركتى كرك پشين پاره ايله و كرك
 ويره سى يه اوله رق از و چوق بها ايله صاته بيلور

۱۳۷۴ ماده

شريككردن قنغيسى اولور ايسه اولسون يندنه شركتك
 سرمايه سى اولديغى حالده پشين پاره ايله و ويره سى يه
 مال اشترا ايدنه بيلور

فقط غبن فاحش ايله مال اشترا ايدر ايسه الديغى مال
 كندوسنك اولوب شركتك اولماز

۱۳۷۵ ماده

شريككردن برى يندنه شركتك سرمايه سى اولمديغى
 حالده شركت ايچون مال اشترا ايدنه مز . ايدرسه
 اول مال كندوسنك اولور

۱۳۷۶ ماده

شریک کردن بری تجارتلری جنسندن اولیان برشیی کندو
پارده سیله اشترای ایتدکده اول مال کندوسنک اولوب
شریکی اندن حصه مند اولماز

اما بریسنک یندنه شرکتک سرماییه سی وار ایکن
تجارتلری جنسندن اولان برمالی کندوی پارده سیله اشترای
ایتسه بیله شرکتک اولور

مثلاً قاشجیلیق ایتک اوزره عقد شرکت ایدن ایکی کسنه دن
بری کندو پارده سیله برآت السه کندوسنک اولوب شریکی
اول آته حصه دار اولماز . اما برقاش السه شرکتک
اولور و آلور ایکن بن قاشی کندم ایچون الیورم شریکمک
بونده حصه سی یوقدر دیوا اشهاد ایتسه بیله مفید اولیوب
اول قاش شریکیله بینرنده مشترک اولور

۱۳۷۷ ماده

حقوق عقد انجق عاقده عائددر

بناء علیه شریک کردن برینک اشترای ایلدیکی مالی قبض ایله
ثمنی تأدیه ایلک یا لکزانک اوزرینه لازم اولور . بو
جهتله برینک اشترای ایلدیکی مالک ثمنی انجق اندن مطالبه
اولنوب شریکندن مطالبه اولنده ماز . و کذا شریک کردن
برینک صاندیغی مالک ثمنی قبض ایتک انجق آنک

حقیق در بوجهتله مشتری ثمنی دیگرینه ویرسه یالکز
 ثمنی قابض اولان شریکک حصه سندن بری اولوب
 عاقد اولان شریکک حصه سندن بری اولماز .
 وینه بوجهتله عاقد اولان شریکک صاندیغی مالک ثمنی
 قبضه آخر برکیمسه یی توکیل ایتسه شریکی انی عزل
 ایده مز . اما بیع و شرا و اجاره ایچون شریککردن
 برینک توکیل ایتدیکنی دیگر شریکی عزل ایده ییلور
 ماده ۱۳۷۸

عیب ایله رد دخی حقوق عقددن اولمغله شریککردن
 برینک اشترا ایلدیکی مالی دیگری عیب ایله رد ایده مز .
 و برینک صاندیغی مال عیب ایله دیگرینه رد
 اولمه ماز

ماده ۱۳۷۹

شریککردن هربری مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده ییلور .
 و مضاربه یه ویره ییلور . و عقد اجاره ایده ییلوب
 مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان و اجیر استیجار
 ایده ییلور

اما شریککنک اذنی اولمدیجه مال شرکتی کنندو مالیه
 خلط و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده مز . ایدوبده

مال شرکت ضایع اولسه شریکنک حصه سنی ضامن
اولور

۱۳۸۰ ماده

شریکاردن بری دیگرینک اذنی اولدجه مال شرکتدن آخر
کسنه یه اقراض ایده ماز اما شرکت ایچون استقراض
ایده بیلور • وبری هر نقدر آقچه استقراض ایدرایسه
بالاشترای شریکنک دخی بورجی اولور

۱۳۸۱ ماده

شریکاردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکه
مصرفنی مال شرکتدن الور

۱۳۸۲ ماده

شریکاردن هر بری دیگرینه رأیکله عمل ایت یاخود
دیلدیکی یاپ دیهرک شرکت ایشنی یکدیگرک رأینه
نفویض ایتسه هر بری توابع تجارتدن اولان ایشلمری
یاپه بیلور

شویله که مال شرکتی رهن شرکت ایچون ارتهان
و مال شرکت ایله سفر و مال شرکتی کندی مالیه خلط
و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده بیلور

اما مالی اتلاف و بغیر عوض تملیک خصوصلمری
شریکنک اذن صریحی اولدجه یاپه من

مثلاً شریکنک اذن صریحی اولدجه مال شریکندن
کسینه اقراض و هبه ایده من

۱۳۸۳ ماده

شریکاردن بری دیگرینی مال شریکته آخر دیاره کیتسه
یاخود ویره سی به مال صاتمه دیو نهی ایتش یکن دیگری
دکلی و بده آخر دیاره کیتسه یاخود ویره سی به مال
صاتسه واقع اولان ضرردن شریکنک حصه سی
ضامن اولور

۱۳۸۴ ماده

شرکت عنانک معامله لرنده شریکاردن برینک بوج
اقرار ایتسی دیگرینه سرایت ایتز
شویله که اول دینک انجق کندو عقد و معامله سی ایله
اولدیغنی اقرار ایتش ایسه تمامی کندوسنک ایفا ایتسی
لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی
بر بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه نصفنی ادا ایتسی
لازم اولور

واکر انجق شریکنک اجرا ایلدیکی بر معامله دن طولایی
بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه برشی لازم کلر

(مبحث ثانی)

(شرکت اعماله دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۳۸۵ ماده

شرکت اعمال ایش تقبل ایتک اوزره عقد شرکتمدن
عبارتدر

شویله که اجیر مشترک مستأجرین طرفندن طلب
وتکلیف اولنان عملک ایفاسنی تقبل یعنی تعهد والتزام
ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر . ضمان عملده
کرك متساوی وکرك متفاضل اولسونلر . یعنی
کرك عملی علی التساوی متعهد وضامن اولمق
شرطیله عقد شرکت ایلسونلر وکرك عملک مثلاً ثلثنی
برسی اوزرینه وثلثانی دیکری اوزرینه شرط
ایلسونلر

۱۳۸۶ ماده

شریکلردن هربری ایش تقبل وتعهد ایده بیلور
بری تقبل ایدوبده دیکری عمل ایتک دخی جائز اولور
وشرکت صنایع ایله شریک اولان ایکی درزینک بری
متاعی قبول ایله کسوب بچمک ودیکری دیکمک دخی
جائزدر

۱۳۸۷ ماده

ایش تقبل ایتمکده شریکار یکدیگر و کیلیدر
 بوجهتله برینک تقبل ایلدیکی ایشک ایفاسی هم کندوسنه
 و همده شریکنه لازم کلور

بناء علی ذلک ضمان عملده شرکت اعمالک عنانی مفاوضه
 حکمنده در که شریکردن برینک تقبل ایلدیکی ایشک
 ایفاسی مستأجر هر قنغیسندن ایستر ایسه مطالبه ایدر
 و شریکردن هر بریسی اول ایشی ایفایی مجبور اولور
 بریسی بواشی شریکم تقبل ایتش بن قارشتم دیه من

۱۳۸۸ ماده

اقتضای بدل خصوصنده دخی شرکت اعمالک عنانی
 مفاوضه حکمنده در

یعنی شریکردن هر بری مستأجر دن تمام اجرتی مطالبه
 ایده یلور مستأجر دخی هر قنغیسنه ویرسه بری اولور

۱۳۸۹ ماده

شریکردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور
 دکلدر ۰ دیلرسه کندوسی یاپار و دیلرسه شریکنه یا خود
 دیگر برینه یاپدیرر

فقط مستأجر اکر بالذات انک عمل ایتسنی شرط

ایدرسه اول حالده ککندوسنک یامسی لازم کاور

(۵۷۱) ماده باق

۱۳۹۰ ماده

شریکار کسی شرط ایتدکاری وجهله تقسیم ایدرلر
یعنی مساویا تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه مساوات
اوزره تقسیم ایدرلر . واکر متفاضلا مثلا ثلث وثلثان
وجهله تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه ایکیلی برلی
اوله رق تقسیم ایدرلر

۱۳۹۱ ماده

عملده تساوی وکسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز
اولور

مثلا شریکار متساویا عمل ایتک وکسی ایکیلی برلی اوله رق
تقسیم ایتک اوزره شرط ایتسلر جائز اولور . زیرا
برسی صنعتده دها ماهر و عمل دها ایی اوله ییلور

۱۳۹۲ ماده

شریکار ضمان عمل ایله اجرتیه مستحق اولورلر
بناء علیه بری مریض اولوق یا بر طرفه کیتک ویاخود
بوش طوروق کبی بر وجهله ایشلیو بده یالکز شریکی
ایشلسه حاصل اولان کسب واجرتینه شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولور

۱۳۹۳ ماده

شریک کردن برینک صنعيله مستأجر فیه تلف یاسقط اولسه
 دیگر شریکيله بالاشترک ضامن اولورلر
 و مستأجر مالی قنغیسنه ایسترایسه تضمین ایتدیرر .
 و بوزیان شریکار بیتنده مقدار ضمانه کوره تقسیم اولنور
 مثلاً ایشی مناصفة تقبل و تعهد ایتک شرطيله عقد شرکت
 ایتشلر ایسه زیان دخی یاری یاری به تقسیم اولنور .
 و اگر ثلث و ثلثان وجهله عمل تقبل و تعهد ایتک اوزره
 عقد شرکت ایتشلر ایسه زیان دخی اکیلی برلی اوله رق
 تقسیم اولنور

۱۳۹۴ ماده

تقبلده و عملده مشارک اولق اوزره حمالارک عقد شرکت
 ایتسی صحیحدر

۱۳۹۵ ماده

دکان برینک و آلات و ادوات دیگرینک اوله رق ایکی
 کشی تقبل عمل ایتک اوزره عقد شرکت ایتسلر صحیح
 اولور

۱۳۹۶ ماده

برندن دکان و دیگرندن عمل اولق اوزره ایکی کشی عقد
 شرکت صنایع ایتسلر صحیح اولور (۱۳۹۶) ماده یه باق

۱۳۹۷ ماده

برينك بر استري وديكرينك بر دوهسي اولوبده انلرله
 حوله نقلني متساويا تقبل وتعهدي ايتك اوزره عقد
 شركت اعمال ايتسهلر صحيح اولور . وحاصل اولان
 كسب واجرت بينلرنده مناصفة تقسيم اولنور . دوه
 يوكنك زياده اولسندن باقماز . زيرا شركت اعمالده
 شريكار ضمان عمل ايله بدله مستحق اولورلر

اماتقبل عمل اوزرينه عقدشركت اولنميوپده استرودوهي
 عينا ايجار ايتك وحاصل اولان اجرتي بينلرنده تقسيم
 ايتك اوزره شريك اولسهلر شركت فاسد اولوب
 استرودوهدن قنغيسي ايجار اولنور ايسه اجرتي صاحبنه
 عائد اولور . فقط ديكرى تحمیل ونقلده اكا اعانه ايتمش
 ايسه غمليك اجر مثلي الرر

۱۳۹۸ ماده

بر كيمسه كندوسنك عيالنده بولنان او غليله بر لكده اوله رق
 اجراي صنعت ايلسه كسبك كافهسي اول كيمسه نك اولور
 و اوغلي معين صاييلور

نته كيم بر كيمسه اغاج غرس ايدر كن عيالنده اولان اوغلي
 اكا اعانه ايتسه اغاج اول كيمسه نك اولوب اوغلي اكا
 شارك اولماز

(مبحث ثالث)

(شرکت وجوهه دار اولان مسائل بیانده در)

۱۳۹۹ ماده

شریکلرک مال مشتراده علی التساوی حصه دار اولمری
شرط دکادر

مثلا الدقلری مال بینلرنده نصفیت اوزره اوله بیلدیکی
کبی ایکیلی برلی اولوق دخی جائز اولور
۱۴۰۰ ماده

شرکت وجوهده ربحه استحقاق انجق ضمان ایله در
۱۴۰۱ ماده

مال مشترانک ضمان ثمنی شریکلرک مال مشتراده کی حصه لینه
کوره در

۱۴۰۲ ماده

شریکلردن هر برینک مال مشتراده حصه سی نقدر ایسه
ربجدن حصه سی دخی او قدر اولور
واکر برینه مال مشتراده کی حصه سندن فضله شرط
ایدلسه شرط لغو اولور

وربح بینلرنده مال مشتراده کی حصه لینه کوره تقسیم اولنور
مثلا الدقلری اشیانک بینلرنده یاری یه اولسنی شرط

اید رلر ایسه ربح دخی یاری یاری یه اولور
واکر ایکیلی برلی اولوق اوزره شرط ایدرلرسه ربح دخی
ایکیلی برلی اولور

اما الدقلری اشیانک نصفیت اوزره اولسی مشروط
اولدیغی حالدده ربحک ثلث وثلشان وجهله تقسیمنی شرط
ایتسهلر بوشرطه اعتبار اولمییوب ربح بینلرنده مناصفه
تقسیم اولنور

۱۴۰۳ ماده

ضرر و زیان هر حالدده شریکک مال مشتراده کی حصه لرینه
کوره تقسیم اولنور . عقد شرایه کک برلکده مباشرت
ایتمونلر و کک یالکیز بریسی مباشرت ایلسون

مثلا شرکت وجوه ایله شریک اولان ایکی کیسه اخذ
واعطالرنده متضرر اولدقلری صورتده اکر مال مشترا
بینلرنده نصفیت اوزره اولوق شرطیله عقد شرکت ایتملر
ایسه ضرر و زیان دخی مساوات اوزره تقسیم اولنور .

واکر مال مشتراده ثلث وثلشان وجهله حصه دار اولوق
شرطیله عقد شرکت ایتملر ایسه ضرر و زیان دخی ایکیلی
برلی اوله رق تقسیم اولنور . ضرر ایتدکاری مالی
کک برلکده صاتون السونلر و کک بریسی شرکت ایچون
صاتون المش اولسون

(باب سابع)

(مضارب به حقنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مضارب به نك تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱۴۰۴ ماده

مضارب به • بر طرفدن سرمایه و دیگر طرفدن سعی و عمل
اولمق اوزره بر نوع شرکتدر • سرمایه صاحبنه
رب المال و عامله مضارب دینلور

۱۴۰۵ ماده

مضارب به نك رکنی ایجاب و قبولدر
مثلا رب المال مضارب به شو سرمایه بی آل ربخی بینزده
یاری یاری به یاخود ایکیلی برلی تقسیم اولمق اوزره
مضارب به سعی و عمل ایت دیسه یاخود شو پاره لری آل
و سرمایه ایت ربخی بینزده شو نسبت اوزره مشترک
اولسون دیمک کبی مضارب به معناسنی افاده ایدر بر سوز
سویلسه و مضارب بدخی قبول ایلسه مضارب به منعقد اولور

۱۴۰۶ ماده

مضارب به ایکی قسمدر • بری مضارب به مطلقه • و دیگری
مضارب به مقیده در

۱۴۰۷ ماده

مضار بهء مطلقه . زمان و مکان و برنوع تجارت، ایله
و بايع و مشترى يى تعيينله مقيد اولميان مضار به در .
و بونلردن بريله تقيد اولنورسه مضار بهء مقيده اولور
مثلا فلان وقت يا فلان يرده يا خود فلان جنس مال آل
صات و يا خود فلان کيمسه لر ايله يا فلان بلده اهالي سيله
آلش و يرش ايت ديسه مضار بهء مقيده اولور

(فصل ثانی)

(مضار به نك شروطى بيانده در)

۱۴۰۸ ماده

رب المالك توكيله و مضار بك و كالته اهلي تلى شرطدر

۱۴۰۹ ماده

رأس المالك سرمايهء شركت اوله يله جك مال اولمى
شرطدر . (باب شركت عقدك فصلى ثالثه باق)

بناء على ذلك عروض و عقار ايله ذم ناسده اولان
آله جق مضار بهءه رأس المال اوله ماز

فقط رب المال اكر عروضدن برشى و يرو بده بونى صات
و ثمنيله مضار بهءه عمل ايت ديسه و مضارب دخى قبول
و قبض ايدرك اول مالى صاتوب و بدلى اولان نقودى

سرمایه ایدو بده آتش ویرش ایلسه مضار به صحیح
اولور

کذلک فلانک ذمتنده آله جـ غم اولان شو قدر غروشی
قبض ایتده مضار به یولنده قوللان دیسه و اودخی قبول
ایتسه صحیح اولور

۱۴۱۰ ماده

سرمایه نك مضار به تسلیم اولنمسی شرطدر

۱۴۱۱ ماده

شرکت عقدکی مضار به ده دخی رأس المالك معلوم
اولنسی و عاقدینک ر بحدن حصه لری نصف و ثلث کی
بر جزء شایع اوله رق تعیین اید لمسی شرطدر

فقط علی الاطلاق شرکت تعبیر اولنسه مثلاً ربخی بینزده
مشارك اولسون دینلسه مساواته مصروف اولور
و رب المال ایله مضارب بیننده ربج یاری یاریه تقسیم
اولنور

۱۴۱۲ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنمسه مثلاً عاقدینک
حصه لری جزء شایع اوله رق معین اولمیوبده برینه ر بحدن
شو قدر غروش ویرلک اوزره قطع و تعیین اولنسه
مضار به فاسد اولور

(فصل ثالث)

(مضارب به نك احكامی بیانده در)

۱۴۱۳ ماده

مضارب امیندر . انك یدنده سرمایه و دیعه حکمنده در
و سرمایه ده تصرف ایتمی جهتله رب المالك و کیلیدر .
و کار ایدرسه انده شريك اولور

۱۴۱۴ ماده

مضارب بهء مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضارب به ايله
مضارب به نك لوازم و تفرد تنیدن اولان ایشلمری یا پیغه
مأذون اولور

شویله که اولاً صاتوب کار ایتک ایچون مال اشترا
ایده ییلور . فقط غبن فاحش ايله مال اشترا ایدرسه
کندوسی ایچون المش اولور . مضارب به حسابنه داخل
اولماز

ثانیاً كرك پشین پاره ايله و كرك ویره سییه اوله رق
آز و چوق بهما ايله مال صاته ییلور . فقط بین التجار
عرف و عادت اولدیغی مرتبه مهلت ویره ییلور یوخسه
بین التجار معروف اولمیان اوزون مدت ايله مال صاته ماز
ثالثاً صاتدیغی مالک ثمننی حواله قبول ایده ییلور

رابعاً آخر کسنتی بی بیع و شرایه وکیل ایده بیلور
 خامساً مال مضارب به بی ایداع و ابضاع و رهن و ارتهان
 و ایجار و استیجار ایده بیلور
 سادساً آتش و یرش ایتک اوزره آخر بلده به
 کیده بیلور

۱۴۱۵ ماده

مضارب به مطلقه ده مال مضارب به بی مضارب کنندی مالیه
 قارشدر مغه و مضارب به به ویرمکه مجرد عقد مضارب به ایله
 مأذون اولماز

فقط مضارب بلك مال مضارب به بی کنندی مالاری ایله
 قارشدر ملری عادت اولان بلده ده ایسه مضارب به مطلقه ده
 مضارب ا کا دخی مأذون اولور

۱۴۱۶ ماده

اگر مضارب به مطلقه ده رب المال مضارب به رأیکه عمل
 ایت دیهرک مضارب به امورینی انک رأینه تقویض ایش
 ایسه مضارب هر حالده مال مضارب به بی کنندی مالیه
 قارشدر مغه و مضارب به به ویرمکه مأذون اولور

اما مال مضارب به دن هبه و اقراض ایتکه و سرمایه دن
 زیاده بورج التنه کیرمکه بوصورته دخی مأذون

اولیوب بونلرک اجراسی رب المالك اذن صریحنه
موقوفدر

۱۴۱۷ ماده

مضارب کندی مالیه مال مضارب به بی قارشدردیغی
صورتده حاصل اولان ربخی سرمایهلرک مقدارینه کوره
تقسیم ایدر

یعنی کندی سرمایهنک فائده سی کندوسی آاور و مال
مضارب به نک فائده سی رب المال ایله بینلرنده شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولنور

۱۴۱۸ ماده

رب المالك اذنیله مضاربك سرمایهدن زیاده اوله رق
و یره سی به الدیغی مال ایکسی بیننده شرکت وجوه ایله
مشرتک اولور

۱۴۱۹ ماده

مضارب اکر مضارب به ایشیه بولندیغی بلده دن بشقه
یره کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضارب به دن آاور
۱۴۲۰ ماده

مضارب به مقیده ده رب المالك قید و شرطی نه ایسه
مضاربك اكا رعایت ایتسی لازمدر

۱۴۲۱ ماده

مضارب اکر مأذونیتک خارجنه چیقار و شرطه مخالفت
ایدر ایسه غاصب اولور و بوحالده ایتدیکی آتش و یرشک
کار و ضرری کندوسنه عائد اولور . و مال مضارب
تلف اولورسه ضامن اولور

۱۴۲۲ ماده

رب المال اکر مال مضارب به ایله فلان محله کیمه یاخود
ویره سی به مال صاتمه دیو نهی ایتش-یکن مضارب اکا
مخالفت ایدرک مال مضارب به ایله اول محله کیدوبده
مال مضارب به تلف اولسه یاخود ویره سی به مال صاتوبده
پاره سی باتسه مضارب ضامن اولور

۱۴۲۳ ماده

رب المال مضارب به بی روقت معین ایله توقیت ایتدکده اول
وقتک یکمسیله مضارب به منفسخ اولور

۱۴۲۴ ماده

رب المال مضارب به عزل ایتدکده عزلی اکا بیلدیرمی لازم
کلور

مضارب کندوسنک عزله واقف اولنجیه دک واقع اولان
تصرفاتی معتبر اولور

وعزله واقف اولدقدن صکره النده کی نقودده تصرف

ایده مز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه انی صاتوب
نقده تبدیل ایده بیلور

۱۴۲۵ ماده

مضارب انجق عملی مقابلہ سنده ربحه مستحق اولور
عمل ایسه انجق عقد ایله مقوم اولور • بناء علیه عقد
مضاربہ ده مضاربہ نه مقدار شرط ایدلمش ایسه اکاکوره
ربحدن حصہ آلور

۱۴۲۶ ماده

رب المالك ربحه استحقاقی مالی ایله در
بناء علیه مضاربہ فاسده ده ربحك مجموعی اکاکائد
اولور • ومضارب انك اجیری منزله سنده اولوب
اجر مثل آلور • فقط حین عقده شرط ایتدکری
مقداری تجاوز ایده مز • ورمح یوق ایسه اجر مثله دخی
مستحق اولماز

۱۴۲۷ ماده

مال مضاربہ دن بر مقدار ی تلف اولسه اول امرده ربحدن
محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایتدیرلر
واکر ربحك مقدارینی تجاوز ایدوبده رأس الماله سرایت
ایدرسه مضارب انی ضامن اولماز • مضاربہ کرک صحیح
اولسون وکرک فاسد اولسون

۱۴۲۸ ماده

ضرر و زیان هر حالده رب الماله عائد اولور . و مضارب
ایله بینلرنده مشترک اولسی شرط ای دیلورسه اول شرطه
اعتبار اولتماز

۱۴۲۹ ماده

رب المال یا مضارب فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
اولسه مضارب به منفسخ اولور

۱۴۳۰ ماده

مضارب مجهلا فوت اولسه ترکه سندن ضمان لازم کلور
(۸۰۱) و (۱۳۵۵) ماده لره باق

(باب ثامن)

(مزارعه و مسافات بیاننده اولوب ایکی فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مزارعه بیاننده در)

۱۴۳۱ ماده

مزارعه . بر طرفدن اراضی و دیگر طرفدن عمل یعنی
زراعت اوله رق حاصلات بینلرنده تقسیم اولنق اوزره
برنوع شرکتدر

١٤٣٢ ماده

مزارعه نك ركنى ايجاب و قبولدر
شويله كه اراضى صاحبى عامله يعنى چفتجى به بويرى
حاصلاتدن شو قدر حصه اولمق اوزره سكا مزارعه
وجهله ويردم ديوبده چفتجى دخی قبول ايتدم يا راضى
اولدم ديسه يا خود رضاسنه دلالت ايدر برسوزسويلسه
ويا خود چفتجى ير صاحبنه بن سنك یرکده مزارعه
وجهله عمل ايديم ديوبده اودخی راضى اولسه مزارعه
منعقد اولور

١٤٣٣ ماده

مزارعه ده عاقدینك ناقل اولمسی شرطدر . بالغ اولمسی
شرطدکلدر . بناء علیه صبی مأذون دخی عقد مزارعه
ایده بیلور

١٤٣٤ ماده

زرعك يعنى نه اکیله جکینك تسبیلنی یا خود چفتجی هر نه
دیلسه اکک اوزره تعمیمی شرطدر

١٤٣٥ ماده

حين عقدده چفتجینك حاصلاتدن اولمق اوزره حصه سی
نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین اولمق
شرطدر

واکر حصه سی تعیین اول نماز یا خود حاصلاتدن بشقه
برشی ویرلک اوزره تعیین قیلنور و یا خود حاصلاتدن
شوقدر کیله دیو قطع اولنور ایسه مزاره صحیح
اولماز

۱۴۳۶ ماده

یرک زرعہ صالح اولسی و چقجی به تسلیم ایدلسی شرطدر
۱۴۳۷ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولماز ایسه مزاره
فاسد اولور

۱۴۳۸ ماده

مزراعہ صحیحده عاقدین فصل شرط ایتدیلر ایسه
حاصلاتی بینلرنده اولوجهله تقسیم ایدرلر

۱۴۳۹ ماده

مزراعہ فاسدهده حاصلات کاملاتخم صاحبک اولور
دیگری یر صاحبی ایسه یرینک اجرتنی آلور . واکر
چقجی ایسه اجر مثل آلور

۱۴۴۰ ماده

ا کین یشیل ایکن یر صاحبی فوت اولسه ا کین یتشجیه
قدر چقجی ایشنه دوام ایدر . متوفانک وارثلری ا کا
مانع اوله ماز

واکر چفتجی فوت اولسه کندوسنک وارثی انک مقامنه
 قائم اولوب دیلر سه اکین یتشنجیه دکین زراعت ایشنه
 دوام ایلر . یر صاحبی اکا مانع اوله ماز

(فصل ثانی)
 (مساقات بیانده در)

۱۴۴۱ ماده

مساقات . برطرفدن اشجار و دیگر طرفدن تربیه اولق
 و حاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولغق اوزره برنوع
 شرکتدر

۱۴۴۲ ماده

مساقاتک رکنی ایجاب و قبولدر
 شویله که اشجار صاحبی میوه سندن شو قدر حصه
 اولق اوزره مساقات وجهیله شو اشجاری سکا و یردم
 دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده جک اولان
 کیمسه دخی قبول ایتسه مساقات منعقد اولور

۱۴۴۳ ماده

عاقدینک عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
 دکدر

۱۴۴۴ ماده

مزارعه ده اولدیغی کبی عقد مساقانده دخی عاقدینک

حصه لری نصف و ثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین
اولنق شرطدر

۱۴۴۵ ماده

اشجارک عامله تسلیمی شرطدر

۱۴۴۶ ماده

مساقات صحیحده عاقدین بینلرنده شرط ایتدکری وجهله
میوه بی تقسیم ایدرلر

۱۴۴۷ ماده

مساقات فاسدهده حاصل اولان میوه تماماً اشجار صاحبک
اولور • عامل دخی اجر مثل آلور

۱۴۴۸ ماده

میوه خام ایکن اشجار صاحبی فوت اولسه میوه یتیمنجیه
قدر عامل ایشنه دوام ایدر • متوفانک وارثلری اکا
مانع اوله ماز

واکر عامل فوت اولسه وارثی انک مقامنه قائم اولوب
دیلسه ایشنه دوام ایدر • اشجار صاحبی اکا مانع
اوله ماز

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ جادی الاخره سنه ۱۲۹۱

ناظر معارف عمومیه

امین الفتوی

احمد جودت

السید خلیل

قاضی دار الخلافۃ العلیہ

مفتی دارشورای عسکری

سابقا سیف الدین

احمد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام

عن اعضاء مجلس تدقیقات

عدلیہ احمد حلی

شرعیہ احمد خالد

— ❖ كتاب الوكالة ❖ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجب پنجه عمل اولنه)

(كتاب حادى عشر)

(وكالت حقننده اولوب بر مقدمه ايله اوچ بابى مشتملدر)
(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهيه بياننده در)

۱۴۴۹ ماده

وكالت . بر كيمسه ايشنى بشقه سنه تفويض ايتك واول
ايشده انى كندو يرينه اقامه ايتلكدر
اول كيمسه يه موكل و يرينه اقامه ايلديكى كيمسنيه و كيل
واول ايشه موكل به دنيلاور

۱۴۵۰ ماده

رسالت . بر كيمسه تصرفده دخلى اولمق سزىن بر كيمسنيه فك
سوزينى ديكره تبليغ ايتلكدر
اول كيمسه يه رسول واول كيمسنيه مرسل و ديكرينه
مرسل ايله دنيلاور

(باب اول)

(وکالتک رکن و تقسیمی بیاننده در)

۱۴۵۱ ماده

توکیلک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده
وکیل دخی قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه
برسوز سویلسه وکالت منعقد اولور کذلک وکیل برشی
سویلیو بده اول خصوصک اجراسنه تشبث ایلسه دلالة
وکالتی قبولی ایتش اولغله تصرفی صحیح اولور

اما بعدالایجاب وکیل رد ایتسه ایجابک حکمی قلماز

بناء علیه موکل بوخصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده
وکیل اوله جق کسنه قبول ایتم دیو رد ایلد کدنصکره
موکل بهک اجراسنه مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز

۱۴۵۲ ماده

اذن و اجازت توکیلدر

۱۴۵۳ ماده

اجازت لاحقه وکالت سابقه حکمنده در

مثلا برکیمسه فضولی آخرک مالنی صاندقدن صکره مال
صاحبنه خبر و یروب اودخی مجیز اولسه اولجهانی وکیل
ایتش کبی اولور

۱۴۵۴ ماده

رسالت و کالت قبیلندن دکلدر

مثلا بر کیمسه یه صراف آچه اقراض ایده جک اولوبده
 او دخی آچه بی کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه
 خدمتکار اول کسندنک رسولدر یوخسه استقراضه و کیلی
 دکلدر

کذلک بر کیمسه نک بر آت اشترا ایتک اوزره جانبازه
 کوندردیکی شخص اول جانبازه فلان کیمسه سندن فلان
 آتی صاتون المی ایستبور دیمسی اوزرینه جانباز دخی
 شو قدر غروشه اولمق اوزره بو آتی اکا صاتم وار اکا
 س-ویله و آتی تسلیم ایله دیهرک اول شخصه و یروب او
 دخی منوال مشروح اوزره اول کیمسه یه اتی تسلیم و او
 دخی همان قبول ایتدکده اول کیمسه ایله جانباز بیننده
 بیع منعقد اوله رق اول شخص ارده مجرد بر رسول
 و واسطه اولور • یوخسه و کیلی اولماز

و کذلک بر کیمسه قصابه بنم بازاره کیدوب کلان فلان
 خدمتکاریمه بنم ایچ-ون یومیه شو قدر قیه ات و پر
 دیوب او دخی بو وجهله ویرسه اول خدمتکار افندیسنک
 رسولی اولور و کیلی دیمک اولماز

۱۴۵۵ ماده

امر بعضا وکالت و بعضا رسالت قبیلندن اولور
مثلا بر کیمسه نك امر یله خدمتکاری بر تاجردن مال اشترا
ایلدکده اول کیمسه نك شرایه وکیلی اولور
اما اول کیمسه بر تاجر ایله بازارلق ایدوبده مالی الوب
کتورمك اوزره خدمتکارینی کوندرسه افندیسنك رسولی
دیمك اولوب یوخسه وکیلی اولماز

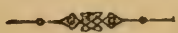
۱۴۵۶ ماده

رکن توکیل بعضا مطلق اولور
یعنی بر شرطه معلق یا بروفته مضاف یا خود بر قید ایله
مقید اولماز و بعضا شرطه معلق اولور
مثلا فلان تاجر بورایه کلور ایسه بنم شو آتمی صاتمق
اوزره سنی وکیل ایتدم دیوبده اودخی قبول ایسه وکالت
اول تاجرك کلمسنه معلق اوله رق منعقد اولور • واول
تاجر کلور ایسه وکیل دخی اول مالی صاته یلور •
والا صاته ماز

و بعضا بروفته مضاف اولور

مثلا نیسان آینده بنم حیوانلری صاتمغه سنی وکیل ایتدم
دیوبده اودخی قبول ایسه شهر نیسان حلولنده وکیل

او اوب همان اولوقت یا خود اندن صکره اول حیوانلری
 بالوکاله صاته بیلور اما نیتساندن اول صاته ماز
 و بعضا بر قید ایله مقید اولور
 مثلا شوساعتی بیک غروشه صاتمغه سنی وکیل ایتدم
 دیسه وکیل وکالتی انی بیک غروشدن اشاغی یه صاتمامق
 ایله مقید اولور



(باب ثانی)

(شرط وکالت بیاندهدر)

۱۴۵۷ ماده

موکلک موکل به اولان ایشی یا پیغمبه مقتدر اولسی
 شرطدر

بناء علیه صبی غیر ممیز ایله مجنونک توکیلی صحیح
 اولماز

وصبی ممیز حقنده هبه و صدقه کبی ضرر محض اولان
 ایشلرده ولیسی اذن ویرسه بیله آخری توکیل ایده مز •
 و قبول هبه و صدقه کبی حقنده نفع محض اولان ایشلرده
 ولیسنک اذنی اولسه بیله آخری توکیل ایده بیلور •
 اما بیع و شرا کبی نفع ایله ضرر بیننده دائر و متردد اولان
 تصرفاتده اگر اخذ و اعطایه مأذون ایسه بشقه سنی

دخی توکیل ایده بیلور • دکل ایسه توکیل وایسنک
اجازتنه موقوفا منعقد اولور

۱۴۵۸ ماده

وکیلک عاقل و ممیز اولسی شرطدر • بالغ اولسی شرط
دکلدر

بناء علیه صبیء ممیز مأذون اولسه بیله وکیل اوله بیلور •
فقط حقوق عقد اکا عائد اولیوب موکلنه عائد اولور
۱۴۵۹ ماده

برکیمسه بالذات یاپه بیله چکی خصوصلرده و معاملاتده دائر
اولان هر حق ایفا و استیفاسنده بشقه سنی توکیل ایده
بیلور

مثلا برکیمسه بیع و شرا و ایجار و استیجار و رهن و ارتهان
و ایداع و استیداع و هبه و اتهماب و صلح و ابراء و اقرار
و دعوی و طلب شفعه و قسمت و ایفا و استیفای دیونه
و قبض مالیه دیگر برکیمسینی توکیل ایسه جائز اولور
فقط موکل بهک معلوم اولسی لازمدر

(باب ثالث)

(وکالتک احکامی بیانده اولوب الی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(وکالتک احکام عمومی بیانده در)

۱۴۶۰ ماده

هبه و اعاره و رهن و ایداع و اقراض و شرکت و مضاربته ده
و عن انکار صلحه و کیلک عقدی موکله مضاف
قیلمسی لازمدر . موکله مضاف قیلماز ایسه صحیح
اولماز

۱۴۶۱ ماده

بیع و شرا و اجاره ده و عن اقرار صلحه و کیلک عقدی
موکله مضاف قیلمسی شرط دکلدرد . موکله مضاف
قیلمیوبده نفسنه اضافت ایله اکتفا ایتسی دخی صحیح
اولور . وایکی صورتده دخی ملکیت انجیق موکله
ثابت اولور

فقط عقد اگر موکله مضاف قیلنماز ایسه حقوق عقد
ماقده یعنی وکیلله عائد اولور . و اگر موکله مضاف
قیلمنور ایسه حقوق عقد دخی موکله عائد اولور .
و بصورتده وکیل رسول کبی اولور

مثلا وکیل بالبيع عقدی موکلنه مضاف قیلوبده نفسنه
 اضافت ایله اکتفا ایدرک موکلنک برمانی صائدقده مبیعی
 مشتری به تسلیم ایتکه مجبور اولور و ثمنی مشتریدن طلب
 و قبض ایده یلور و مال مشتری به بر مستحق چیقوبده بعد
 الحکم ضبط اولنسه مشتری وکیل بالبیعه رجوع ایدر •
 یعنی ویردیکی ثمنی اندن ایستر

و وکیل بالشرا عقدی بو وجهله موکلنه مضاف قیلقسزین
 اشترا ایلدیکی مالی قبض ایدر و مال مشتری ترانک ثمنی
 موکلندن المسه بیله کندی مالندن بایعه و یرمک اوزره
 جبر اولور • و مال مشتری ده عیب قدیم ظهور ایتسه رد
 ایچون وکیلک مخاصمه به حق اولور • اما وکیل اگر
 عقدی موکلنه مضاف قیلش ایسه مثلا فلانک طرفندن
 بالو کاله صائدم یاخود فلان ایچون الدم زیهرک عقد
 بیع ایلش اولسه اولخالده آنفا بیان اولنان حقوق عقد
 هپ موکله عائد اولور • و بو صورتده وکیل رسول
 حکمنده قالور

۱۴۶۲ ماده

رسالته حقوق عقد مرسله عائد اولور • رسوله اصلا
 تعلق ایتز

۱۴۶۳ ماده

بیع و شرا و ایفا و استیفای دینه و قبض عینه و کیل اولان
 کیمسه نك جهت و کالتدن طولایی مقبوضی اولان مال
 کندی یئنده و دیعه حکمنده در • بلا تعد و لاتقصیر تلف
 اولسه ضمان لازم کلز

جهت رسالتدن طولایی رسولک یئنده کی مال دخی کذلک
 و دیعه حکمنده در

۱۴۶۴ ماده

مدیون بورجی دأئه کوندرو بده قبل الوصول رسول
 یئنده تلف اولدیغی صورتده اکر مدیونک رسولی ایسه
 مدیونک مالندن تلف اولور و اکر دأئهک رسولی ایسه
 دأئهک مالندن تلف اولوب مدیون بورجندن بری
 اولور

۱۴۶۵ ماده

برکیمسه ایکی کشی بی بردن توکیل ایسه و کیل اولدقلری
 خصوصده یالکز بریسی تصرف یعنی ایفای و کالت
 ایده من

فقط خصوصته یا خود رد و دیعه یه و یا خود قضاء دینه
 و کیل ایسه لر یالکز بریسی ایفای و کالت ایده بیلور
 اما برکیمسه بی بر خصوصه و کیل ایتد کدنصکره دیگرینی

دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدیکي صورتده هر قنغیسی
ایفای وکالت ایتسه جائز اولور
۱۴۶۶ ماده

بر کیمسه وکیل اولدیغی خصوصده بشقه سنی توکیل
ایده من

مکرکه موکل اکا اذن ویرمش و یاخود رأیکله عمل ایت
دیمش اوله اول حالده وکیل بشقه سنی توکیل
ایده بیلور

و بو وجهله وکیلک توکیل ایتدیکي کیمسه موکلک و کیلی
اولور . یوخسه اول وکیلک و کیلی اولماز . حتی
وکیل اولک عزلیله یاخود وفاتیهله وکیل ثانی منعزل
اولماز

۱۴۶۷ ماده

اگر وکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفای
وکالت ایلر ایهه اجرتیه مستحق اولور . و اگر شرط
ایدیلوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر مقوله دن
دکل ایهه متبرع اولوب اجرت ایستیه من

(فصل ثانی)

(شرایه وکالت بیانده در)

۱۴۶۸ ماده

(۱۴۵۹) ماده نك فقره آخره سی حکمنجه وکالتك
ایفاسی قابل اوله جق مرتبه موکل بهک معلوم اولمی
لازمدر

شویله که موکل اشترا ایتدیره جکی شیئک جنسنی بیان
ایتملیدر و جنسك تحتنده اگر انواع متغایره وار ایسه
یالکز جنسك بیانی کافی اولمیوب نوعنی یاخود بهاسنی
دخی بیان ایتك لازم کلور

وا اگر انه جق شیئک جنسنی بیان اولنماز ایسه یاخود
جنسنی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغی
حالده نوعنی یا بهاسنی تعیین قلمناز ایسه وکالت صحیح
اولماز مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتمش اوله

مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیکرینی توکیل ایتسه
وکالت صحیح اولور و برکیمسه اثوابلق قاش آلمق
اوزره برینی توکیل ایده جك اولدوقده جنسنی یعنی
چتاریمی المق ایستریوخسه بشقه جنس قاشمی ایستر
بوراسنی بیان ایله برابر شام یا هند قاشی دیو نوعنی

یاخود طوپی شو قدر غرو شلق دیو بهاسنی بیان ایتسی
 لازمدر . جنسنی بیان ایتیو بده یالکز بکا بردابه ال
 یاخود قاش آل دیسه و یاخود مثلاً چتاری آل دیو بده
 نوعنی یا بهاسنی بیان ایتسه وکالت صحیح اولماز فقط
 بکا برقات رو بالق قاش یاخود چتاری آل هر قنخی جنس
 و یا نوعدن اولور سه اولسون سنک رایکه مفوضدر
 دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنخی جنس و نوعدن
 ایسترایسه الهیلور

۱۴۶۹ ماده

اصلک یا مقصدک و یاخود صنعتک اختلافیه جنس دخی
 مختلف اولور

مثلاً پاموق بزیه کتسان بزى اصلار ينک اختلافی سبيله
 مختلف الجنسدرلر و قیونک یوکی ایله دریسی اختلاف
 مقصد حسبیه مختلف الجنسدر زیرا دریدن مقصد طلوم
 یا یمق اولوب یوک المقدن مقصد ایسه ایلیک یا پوب کایم
 طوقومق کبی اکا مغایر اولان خصوصلردر . و شار
 کوی کچه سیه عشاق کچه سی هب یو کدن معمول اولدقلى
 حالده اختلاف صنعت حسبیه مختلف الجنسدرلر

۱۴۷۰ ماده

وکیل اگر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان

جندیدن برشی آل دیو بده وکیل بشقه بر جندیدن بر مال
آلسه هر نه قدر الدیغنی شی دها فائده لو اولسه بيله
موکل حقنده نافذ اولماز یعنی وکیلک الدیغنی مال کندو
اوزرنده قالب موکل ایچون انمش اولماز

۱۴۷۱ ماده

موکل قوج آل دیو بده وکیل دیشی قیون السه موکل
حقنده نافذ اولمیوب النان قیون وکیلک اولور

۱۴۷۲ ماده

موکل بکا فلان عرصه بی آل دیو بده اول عرصه اوزرینه
ابنیه یاپسه اندن صکره وکیل انی بالوکاله الهماز . اما
قلان خانه بی آل دیو بده اول خانه صیوادلسه یاخود
اکا بر دیوار علاوه ایدلسه بو حالدیه وکیل انی بالوکاله
الهیلور

۱۴۷۳ ماده

موکل سوت آل دیو بده نه سوتی اولدیغنی تصریح
ایتمسه بلده ده معروف اولان سوته شمول اولور

۱۴۷۴ ماده

موکل پرنج آل دیسه وکیل اولان کیمسه چارشوده
صاتیلان هر نوع پرنجیدن الهیلور

۱۴۷۵ ماده

بر کیمسه بر خانه المی ایچ-ون دیکرینی توکیل ایده جک
اولدقده محله سنی و بهاسنی بیان ایتلیدر . بیان ایتز
ایسه وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۶ ماده

بر کیمسه پر نک اینجو یاخود بر قرمری یا قوت طاشی المی
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدقده بهاسی قاچ غروشه
قدر اوله جغنی بیان ایتسی لازمدر . ایتز ایسه وکالت
صحیح اولماز

۱۴۱۷ ماده

مقدراتده موکل بهک مقداری یاخود ثمنی بیان اولنق
لازمدر

مثلا بغدادی المی ایچ-ون برینی توکیل ایتدکده قاچ کیله
اوله جغنی سویتسی یاخود شو قدر غروشلق بغدادی دیو
مقدار ثمنی بیان ایتسی لازم کاور . بیان ایتز ایسه
وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۸ ماده

موکل بهک وصفی بیان اولنق لازم دکادر
مثلا اعلی یا اوسط یا ادنی دیو وصفنک بیانی لازم کمر

شو قدر که موکل بهک وصفی موکلک حالته موافق اولمق
لازمدر

مثلا بر بارکیر کیراجیسی کندوسنه بر بارکیر المق اوزره
برینی توکیل ایتدکده وکیل کیدو بده یکر می یک غرو شلق
بر عرب آتی آله من الزور ایسه شراسی موکل حقنده
نافذ اولماز یعنی اول آت موکل ایچون النمش اولیوب
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۷۹ ماده

وکالت بر قید ایله تقیید اولندقده وکیل اکا مخالفت
ایده من ایدر ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولیوب
الدیغی مال کندو اوزرنده قالور
فقط موکل حقنده دها فائده لو بر صورتد مخالفت ایدر سه
معنا مخالفت اولنمز

مثلا بر کیسه فلان خانینی بنم ایچون اونیک غرو شه آل
دیدکده وکیل دها زیاده اشترا ایتسه موکل حقنده نافذ
اولیوب اول خانه کندوسنک اوزرنده قالور اما اونیک
غرو شدن اشاغی ایسه موکل ایچون النمش اولور
کذلک ویره سی به آل دیوبده وکیل پشین اقچه ایله الهه
اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما پشین اقچه ایله آل
دیوبده ویره سی به الهه موکل ایچون النمش اولور

۱۴۸۰ ماده

بر کیمسه اشترا سینه وکیل اولدیغی شیئک نصفی اشترا
ایتدیکی صورتده اگر اول شیئک تبعیضنده ضرر وار
ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یوق ایسه نافذ
اولور

مثلا بر طوپ قاش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل
حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما
التي کيله بغدادی آل دیوبده وکیل اوچ کيله السه موکل
ایچون النمش اولور

۱۴۸۱ ماده

موکل بکا برجه لک چوقه آل دیوبده وکیلک الیدیغی
چوقه دن جبه چیمسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب
اول چوقه وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۲ ماده

بر شیئک بهاسی بیان اولنمق سزین اشترا سینه وکیل اولان
کسنه اول شیئی قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر
ایله دخی آله یلور

فقط ات و الیک کبی سعر و قیمتی معین اولان شیلرده
غبن یسیر دخی معفو اولماز

اما غبن فاحش ایله آلور سه هر حالده شراسی موکل

حقننده نافذ اولم یوب اول مال ککندوسنک اوزرنده
قالور

۱۴۸۳ ماده

علی الاطلاق اشترا نقود ایله اشترا به مصروف اولور
بوصورتده برشیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه انی بر
مالی ایله ترانیه ایتسه موکل حقننده نافذ اولم یوب اولشی
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۴ ماده

بره موسم معینده لزومی اولان شیئی المق ایچون بر کیمسه
دیگرینی توکیل ایتسه اول موسم مصروف اولور
مثلا بر کیمسه بر بهار موسمده شالی جبه المق ایچون
برینی توکیل ایتسه او یازین قوللانلق اوزره جبه المسی
ایچون توکیل ایتش اولور موسم پکر کدن صکره یا خود
کله جاک سنه نك بهارنده السنه موکل حقننده نافذ اولم یوب
وکیلک الدیغی جبه کندی اوزرنده قالور

۱۴۸۵ ماده

برمعین شیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه اول شیئ
کندوسی ایچون اشترا ایدمز و اشترا ایدرکن بن بونی
کندم ایچون الدم دیسه بیله کندوسنک اولم یوب
مرکاک اولور

مکرکه موکلک تعیین ایتدیگی بهادن زیاده و تعیین بها
ایتدیگی صورتده غبن فاحش ایله اولورسه اول وقت
مال و کیلک اولور

و برده موکل حاضر اولدیغی حالده وکیل بن بونی کندم
ایچون الدم دیرسه اول مال و کیلک اولور

۱۴۸۶ ماده

برکیمسه بکا فلانک آتئی آل دیوبده وکیل لا ونه رشی
سویلهکمزین کیدوب اول آتی اشتر ایتدیگی تقدیرده
اگر آلورکن موکل ایچون آلام دیرسه موکلک اولور
واگر کندم ایچون الدم دیرسه کندوسنک اولور
اما یالکز الدم دیوبده کیمک ایچون الیغنی سویلماهشیکن
صکره دن موکل ایچون الدم دیدیگی صورتده اگر آت
تلف یاخود بر عیب حادث اولدن دیمش ایسه تصدیق
اولنور . و اگر آت تلف یاخود بر عیب حادث اولدقدن
صکره دیمش ایسه تصدیق اولنماز

۱۴۸۷ ماده

رشی المق اوزره برکیمسه بی ایکی کشی بشته بشته
توکیل ایتدیگی صورتده وکیل اول مالی الورکن قنغیسی
ایچون قصد و مراد ایتش ایسه اول مال امک اولور

۱۴۸۸ ماده

وکیل بالشرا کندی مالی موکل ایچون صاتسه صحیح اولماز

۱۴۸۹ ماده

وکیل الدیغی مالی هنوز موکله تسلیم ایتدن عینه
مطلع اولسه انی کندولکنندن اوله رق رد ایده یلور
اما موکله تسلیم ایتدکن صکره انک امر وتوکیل
اولقسزین رد ایده من

۱۴۹۰ ماده

وکیل اگر مالی مؤجل اوله رق اشترا ایلسه موکل حقنده
دخی مؤجل اولوب وکیل انک ثمنی پشین اوله رق طلب
ایده من

اما وکیل پشین پاره ایله اشترا ایتدکن صکره بایع ثمنی
تاجیل ایتسه وکیل ثمنی موکلدن بوجه پشین طلب
ایده یلور

۱۴۹۱ ماده

وکیل بالشرا ثمنی کندی مالندن و یرو بده میبعی قبض
ایتسه موکله رجوع ایده یلور یعنی ویردیگی ثمنی اندن
اله یلور ۰ و مال مشترانک ثمنی هنوز بایعه ویرمامش
اولسه بیله موکلندن ثمنی طلب و موکل انی ادا ایدنجیه دک
مالی حبس وتوقیف ایده یلور

۱۴۹۲ ماده

وکیل بالشرا یکنده مال مشترک قضاوت تلف یا ضایع
اولسه موکلک مالندن تلف اولور و ثمنندن برشی ساقط
اولماز

فقط وکیل انی استیفای ثمن ایچون حبس ایدوبده
اول حالدہ تلف یا ضایع اولسه ثمننی وکیلک ویرمی
لازمکلور

۱۴۹۳ ماده

وکیل بالشرا موکلک اذنی اولمده عقد بیعی اقاله
ایده منی

(فصل ثالث)

(بیعه وکالت حقننده در)

۱۴۹۴ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکلنک مالنی
ازہ چوغه یعنی مناسب کوردیکی بها ایلہ صانه بیلور

۱۴۹۵ ماده

موکل اکر تعیین ثمن ایتیش ایسه یعنی شو قدر غروشه
صات دیش ایسه وکیل اندن نقصانه صانه ماز
• صاتار ایسه بیعی موکلنک اجازتنه موقو فامعقد اولور •

و خود بخود نقصانته صاتوبده مالی مشتری به تسلیم
ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور
۱۴۹۶ ماده

وکیل بالبيع موکل مالی کندوسی ایچون السه صحیح
اولماز
۱۴۹۷ ماده

وکیل بالبيع کندو لهنده شهادتتری جائز اولمیانلره موکل
مانی صاته من مکرکه دکرندن زیاده صاتار ایسه
بیعی صحیح اولور

وبرده موکل اگر دیلدیکک کیمسه صات دیو وکالت
عاهه ایله توکیل ایتش ایسه اول حالده وکیلک انلره دخی
ثمن مثلیله صاتمسی جائز اولور
۱۴۹۸ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیمسه موکل مالی
پشین اقچه ایله یاخود اول مال حقننده بین التجار معروف
اولان مدت ایله ویره سی به صاته بیلور . اما عرف
وعادته مخالف بر مدت طویله ایله صاته من
وبرده صراحة یاخود دلالة بروجه پشین صاتمغه وکیل
اولسه ویره سی به صاته من

مثلا موکل بومالی بروجه پشین صات یاخود شومالی

صاته بورچی ویردسه وکیل انی ویرهسی به صاته من
ماده ۱۴۹۹

بر مالک تبعیضنده ضرر وار ایه وکیل انک نصفنی
صاته من یوق ایه صاته یلور
ماده ۱۵۰۰

وکیل ویرهسی به صاتدیغی مالک ثمنی مقابانده رهن
یا کفیل الیه یلور . فقط رهن تلف یا کفیل مفلس اولسه
وکیل ضامن اولماز

ماده ۱۵۰۱

موکل رهن ایله یا کفیل ایله صات دیدکده وکیل
بلا رهن و بلا کفیل صاته من
ماده ۱۵۰۲

وکیل بالبع صاتدیغی مالک ثمنی مشتریدن المدیغی
حاله کندی مالندن موکله ادا ایتک اوزره جبه
اولماز

ماده ۱۵۰۳

ثمن مبیی قبض ایتک وکیل حق اولسه دخی موکل
قبض ایدویورسه صحیح اولور
ماده ۱۵۰۴

وکیل اگر اجرتسز ایه صاتدیغی مالک ثمنی

استیفا و تحصیل مجبور دکلدر فقط کندو رضاسیله تحصیل
ایتمدیکه تقدیرده موکلنی قبض و تحصیل ثمنه توکیل ایتمسی
لازم کلور

اما دلال و سمسار کی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه
مبیعک ثمنی استیفا و تحصیل مجبوردر
۱۵۵ ماده

وکیل بالبیع خود بخود بیعی اقاله ایده بیلور
فقط بو اقاله موکل حقننده نافذ اولیوب وکیلک موکله
ثمنی ویرمسی لازم کلور

(فصل رابع)

(مأموره دائر اولان مسائل بیانندهدر)

۱۵۶ ماده

بر کیمسه یر شخصه یاخود میری به اولان دینی ادا ایتمک
اوزره دیگر کیمسه به امر ایدوبده اودخی کندی مالندن
ایفا ایتمسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرک رجوعی
شرط ایتمسون و کرک شرط ایتمسون

یعنی کرک صکره بندن المق اوزره بورجی ویر یاخود
سن ویرده صکره بن سکا ویرهیم دیمک کی بر تعبیر ایله
مأمورک کندوسنه رجوع ایتمسی شرط ایلمسون و کرک
یالکز بورجی ویردیمش اولسون

۱۵۰۷ ماده

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ايله ايفاي دینه
 مأمور اولان کیمسه دائئه مسکوکات خالصه ویرسه آمردن
 مسکوکات مغشوشه الور . و مسکوکات خالصه ايله
 ايفاي دینه مأمور اولان کیمسه مسکوکات مغشوشه
 ايله اداء دین ایتسه آمردن مسکوکات مغشوشه الور
 اما بر دینک اداسنه مأمور اولان کیمسه دائئه کندی
 مالی صاتوبده آمرک دینه تقاص ایتسه دینک مقداری
 نه ایتسه آمردن انی آلور . و کندی مالی دائئه دکرندن
 زیاده صاتمش اولسه بیله امر مدیون اول زیاده یی
 دینندن تنزیل ایتدیره من

۱۵۰۸ ماده

بر کیمسه کندوسی یاخود اهل و عیالی ایچون مصرف
 ایتک اوزره آخر کسنه یه امر ایتدکدنصکره مصرفی
 بن ویرهیم رجوعی شرط ایتسه بیله اول کسنه قدر
 معروف مصرفی آمردن الور

کذلک خانه می یادر دیو امر ایدوبده مأمور دخی
 یادر دیغی صورته رجوعی شرط ایتامش اولسه بیله
 صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمردن الور

۱۵۰۹ ماده

بر کیمسه فلانه او د ونج اچیه یاخود بخشش و یاخود صدقه
ویر صکره بن سکا ویرهیم دیو آخر کمنه یه امر ایدوبده
او دخی ویره صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویرهیم یاخود صکره بندن آل دیمک
کبی رسوز ايله رجوعی شرط ایتکمنین یالکز ویر
دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایده من . شو قدر
وارکه مأمور اکا آمرک عیالنده بولمق یاخود شریکی
اولمق کبی بر وجهله بوشالو خصوص صکره آمره رجوعی
عرف و عادت ایسه رجوعی شرط ایتماش اولدیغی
صورتده دخی رجوع ایلر . (۳۶) ماده یه باقی

۱۵۱۰ ماده

بر کمنه نك امری انجق کندی ملکی حقنده جاری اولور
مثلا بر کیمسه شو مالی دکره آت دیوبده مأمور دخی انی
بشقه سنک مالی اولدیغی بیلهرک آتسه صاحبی او مالی
اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولدجه آمره برشی لازم کلز

۱۵۱۱ ماده

بر کیمسه بنم شو قدر غروش دینی سن کندی مالندن
ادا ایت دیو آخر کمنه یه امر ایدوب او دخی وعد

ایتد کدنصکره ادادن امتناع ایسه مجرد وعد ایتش
اولسینه اول مکسند ادای دینه جبر اولتماز

۱۵۱۲ ماده

آمرک مأمورده الاجفی یاخود امانت ایقه سی اولو بده
اندن دیننی ادا ایتک اوزره امر ایسه مأمور ادای
دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالی صماتده دیننی ادا ایت دیدیکی
صورتده مأمور اکر وکیل متبرع ایسه بیله جبر اولتماز
واکر وکیل بالاجره ایسه اول مالی بیع ایله آمر دیننی
ادا ایتک اوزره جبر اولنور

۱۵۱۳ ماده

برکیمه فلان دائمه ویر دیو آخر مکسندیه بر مقدار ایقه
ویردیکی صورتده آمرک بشقه دائلری اندن حصه المغه
صلاحتلری اولیوب مأمور اول ایقه بی انجیق آمرک
امر ایتدیکی دائمه ویرر

۱۵۱۴ ماده

برکیمه بورجنی تأدیه ایتک اوزره بشقه سنه بر مقدار
ایقه ویر و بده مأمور هنوز اول مبلغی دائمه اعطا
یا ارسال و ایصال ایتدن آمرک فوت اولدیخی معلوم

اولسه اول اچہ آمرک ترکہ سنہ رحمت ایدر • ودائنک
ترکہ یہ مراجعتی لازم کاور

۱۵۱۵ ماده

برکیمسه دائنہ ویرمک اوزره آخر کمسنہ یہ بر مقدار اچہ
ویروب انجی دائنہ کی سندیمہ ظہریہ ایتدیکہ ویانخود
علم و خبر المدقہ اچہ بی تسنیم ایتہ دیو نہی ایتدیکہ
مأمور ظہریہ ایتدیرمکسنین علم و خبر المقسنین اچہ بی
دائنہ ویروب بعدہ دائن انی انکار ایتسہ و قبضی اثبات
اولنہ میوبده تکرار اول پارہ بی آمردن السہ آمرانی
مأموره تضمین ایتدیرر

(فصل خامس)

(خصوصتہ یعنی مرافعہ یہ وکالت حقنہ در)

۱۵۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیہ دن هر بری دیلاریکنی خصوصتہ توکیل
ایده یلور دیگرینک رضاسی شرط دکلد

۱۵۱۷ ماده

خصوصتہ وکیل اولان کیمسہ نک موکلی علیہنہ اقراری
اگر حضور حاکمده ایسہ معتبر اولور • حضور حاکمده
دکل ایسہ معتبر اولماز • وکندوسی وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۸ ماده

بر کیمسه آخری خصوصته توکیل ایدو بده کندی علیهنه
اقراری استثنا ایلسه جائز اولور

بوصورته موکک علیهنه وکیل اقراری صحیح اولماز
(۱۴۵۶) ماده نك فقره اخیره سنه باق

و بوبله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمه اقرار
ایتدیکی صورتده وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۹ ماده

خصوصته وکالت قبضه وکالتی مستلزم اولماز
بناء علیه دعوی وکیلی قبضه دخی وکیل دکل ایسه
محکوم به اولان مالک بالو کاله قبضه صلاحیتی اولماز
۱۵۲۰ ماده

قبضه وکالت خصوصته وکالتی مستلزم اولماز

(فصل سادس)

(عزل وکیلله دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۲۱ ماده

موکل وکیلنی وکالتدن عزل ایده یلور
فقط غیرک حق تعلق ایتش ایسه عزل ایده مز
نته کیم بر مدیون مالی رهن ایدو بده حین عقد رهنده

یا خود صکره دن دینک وعده سی حلولنده رهنی صائمق
اوزره برینی توکیل ایتدیکی صورتده مرتبهنک رضاسی
اولدقجه موکل راهن او وکیلی عزل ایده من
کذلک مدعینک طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصوصته
توکیل ایتدکده مدعینک غیابنده انی عزل ایده من
۱۵۲۲ ماده

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایده یلور
فقط بر وجه بالا غیرک حقی تعلق ایتش ایسه عزل
ایده میوب ایفی وکالتده مجبور اولور
۱۵۲۳ ماده

موکل وکیلنی عزل ایتدکده وکیلله خبر عزلی واصل
اولنجیه دک وکالتی اوزرینه قالور • واولوقته قدر
تصرفی صحیح اولور
۱۵۲۴ ماده

وکیل کندوسنی عزل ایتدکده عزلی موکله یلدرمی
لازم کالور وعزلی موکک معلومی اولنجیه دک وکالت
کندی عهده سنده قالور
۱۵۲۵ ماده

مدیونک غیابنده قبض دینه وکیل اولان کیمسه بی موکلی
عزل ایده یلور اما دائن انی مدیونک حضورنده توکیل

ایتمش ایسه مدیونک علمی لاحق اولدجه عزلی صحیح اولماز
 بو صورتده مدیون انک عزلی او کر نمکدن ا کا دینی اعطا
 ایتمه دیندن بری اولور

۱۵۲۶ ماده

موکل بهک ختامیله وکالت نهایت بولور وکیل دخی
 بالطبع وکالتدن منعزل اولور

۱۵۲۷ ماده

موکلک وفاتیه وکیل منعزل اولور

فقط غیرک حق اتمش ایسه منعزل اولماز

(۷۶۰) مادهیه باق

۱۵۲۸ ماده

موکلک وفاتیه وکیلک وکیل دخی منعزل اولور

(۱۴۶۶) مادهیه باق

۱۵۲۹ ماده

وکالت موروث اولماز

یعنی وکیل فوت اولدقه وکالتک حکمی قلماز . و بو

جهته وکیلک وارثی انک مقامنه قائم اولماز

۱۵۳۰ ماده

موکلک یا خود وکیلک تبخیر اتمیله وکالت باطل اولور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱

امین الفتوی معاون ریاست شورای دولت
السید خلیل احمد جودت

رئیس دائره محاکمات قاضی دارالخلافه العلیه
سیف الدین احمد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام عدلیه
احمد حملی

— ❧ كتاب الصلح والابرا ❧ —

✽ صورت خط ۵ مایون ✽

(موجبجه عمل اولنه)

(کتاب ثانی عشر)

(صلح را برا حقننده اولوب بر مقدمه ایله دوت بابی)

(مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقد در که ایجاب

و قبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصلح . عقد صلح ایدن کسسه در

۱۵۳۳ ماده

مصلح علیه . بدل صلح دیمکدر

۱۵۳۴ ماده

مصلح عنه . مدعی به اولان شیدر

۱۵۳۵ ماده

صلح . اوج قسمی در . قسم اول عن اقرار صلحدر که

مدعی علیه اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر .

قسم ثانی عن انکار صلحدر که مدعی علیه انکاری
اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم ثالث عن سکوت
صلحدر که مدعی علیه اقرار و انکار ایتیوب سکوتی
اوزرینه واقع اولان صلحدر

ماده ۱۵۳۶

ابرا . ایکی قسم اولوب بری ابراء استسقاط و دیگری
ابراء استیفا در . ابراء استسقاط . بر کیمسه دیگر کسندده
اولان حقیقت تمامی استسقاط یا خود بر مقدارینی حط و تنزیل
ایله اول کسندده بری قیلمقدن . اشته بو کذاب صلحده
موضوع بحث اولان ابرا بو در

ابراء استیفا بر کیمسه دیگر کسندده حقنی قبض و استیفا
ایلمش اولدیغنی اعتراف ایتمکدن عبارت اولهرق بر نوع
اقرار در

ماده ۱۵۳۷

ابراء خاص . بر خانه یا خود بر چفتلک و یا خود بر جهندن
تولایی اله جق دعوائی کی بر خصم و صده متعلق دعوا دن
بر کسندده ابرا ایتمکدر

ماده ۱۵۳۸

ابراء عام . کافه دعاویدن بر کسندده ابرا ایتمکدر

(باب اول عقد صلح و ابرا ایدنلر حقنده در)

ماده ۱۵۳۹

مصالحك عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دكلدر .

بناء علیه مجنون و متوه ایله صبی غیر ممیزك صلحی اصلا
صحیح اولماز . وصبی مأذونك صلحنده ضرر بین یوق
ایسه صحیح اولور . شویله برکیمه صبی مأذوندن
برشی دعوی ایدوبده او دخی اقرار ایتدیکی صورته
عن اقرار صلحی صحیح اولور

وصبی مأذون اله جفنی امهال و تأجیل ایتك اوزره
عقد صلح ایدوبیلور . و اله جفنگ بر مقدار ی اوزرینه
صلح اولدوقده ا کرینه سی وار ایسه صلحی صحیح اولماز .
وا کرینه سی اولیوبده خصمنك یمین ایدوبدیکی دخی
معلوم اولور ایسه صلحی صحیح اولور . و آخر کسنه دن
بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح اولسه
صحیح اولور . فقط اولمالك قیمتدن نقصان فاحش
اوزرینه صلح اولسه صحیح اولماز

ماده ۱۵۴۰

بر صبینك دعوا سندن ولیسی صلح اولدوقده ا کر صبیله

ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور . واکر ضرر بین
وار ایسه صحیح اولماز

بناء علیه برکیمه بر صیدن شوقدر غروش دعوی ایدوبده
صمیمک پاره سندن ویرمک اوزره پدری صلح اولدوقده
اکر مدعینک یینه سی وار ایسه صلح صحیح اولور واکر
مدعینک یینه سی یوق ایسه صلح صحیح اولماز .
وصمیمک آخر کسنه ذمتده اله جغی اولوبده پدری انک
بر مقدارینی حط و تنزیل ایله صلح اولدوقده اکر یینه سی
وار ایسه صحیح اولماز واکر یینه سی اولوبده خصمک
یمین ایدیه جکی دخی معلوم اولور ایسه اول حالده صلح
صحیح اولور و صمیمک اله جغی قیمتده بر مال اوزرینه
ولایی صلح اولسه صحیح اولور . فقط غبن فاحش بولنور
ایسه صلحی اولماز

۱۵۴۱ ماده

علی الاطلاق صبی ایله مجنون و معتوهک ابراسی صحیح
اولماز

۱۵۴۲ ماده

خصوصته وکالت صلحه وکالتی مستلزم اولماز
بناء علیه برکیمه آخر کسنه بی دعوا سنده وکیل ایدوبده
اودخی بلا اذن اول دعوا دن صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۳ ماده

بر کیمسه کندی دعواسندن صلح اولمق اوزره دیکرینی
توکیل ایدوبده اودخی بالوکاله صلح اولدقده مصالح
علیه موکل اوزرینه لازم کلور وکیل انکله مؤاخذه
و مطالب اولماز

مکرکه وکیل مصالح علیه ضامن اوله اول حالده وکیل
کفالتی حسیه مؤاخذه اولنور

وبرده وکیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده
صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت وکیل
مؤاخذه اولنور • یعنی بدل صلح اندن النور اودخی
موکله رجوع ایلر

مثلا وکیل بالوکاله شو قدر غروش اوزرینه صلح
اولدقده اول مبلغی موکلک ویرمسی لازم کلور وکیل اندن
مسؤل اولماز

فقط سن شو قدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیل دیمش
ایسه اول حالده بو اچه وکیلدن النور اودخی موکلنه
رجوع ایلر • وبرده عن اقرار مالدن مال اوزرینه صلح
واقع اولوبده وکیل سن فلانک دعواسندن بنله صلح
اول دیهرک عقد صلح ایش ایسه بیع حکمنده اولدیغی

جهتله بوصورته دخی بدل صلح وکیلدن النور او دخی
موکله رجوع ایدر
ماده ۱۵۴۴

ایکی کشی یلنده اولان دعوادن آخر بر کسینه فضولی
اوله رق یعنی بلا امر صلح اولدقده ~~ا~~ بدل صلحه
ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل
صلحی کندی مالنه مضاف قیلار ایسه ویاخود شو مبلغ
یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانه اولان نقوده
یا عروضة اشـارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولیوب
و کندی مالنه اضافه یا اشـارت دخی ایتیموده علی الاطلاق
شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر واول مقدار
مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشـبو درت صورتده دخی صلح
صحیح واول کسینه متبرع اولور

وا کر دردنجی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتز ایسه
مدعی علیهک اجازته موقوف اولوب اکر مجیز اولور
ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم
اولور. و ~~ا~~ کر مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور
ودعوی حالی اوزره قالور

(باب ثانى)

(مصالح عليه ايله مصالح عنھك بعض احوال)

(وشروطى بيانده در)

۱۵۴۵ ماده

مصالح عليه اكر عين ايسه مبيع حكمنده و اكر دين
ايسه ثمن حكمنده اولور بناء عليه بيعه مبيع يا خود
ثمن اولغه صالح اولان شئ صلحه بدل صلح اولغه دخی
صالح اولور

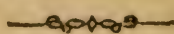
۱۵۴۶ ماده

مصالح عليه مصالحك مال و ملكى اولق شرطدر
بناء عليه مصالح شقه كسنهك مالى بدل صلح اوله رق
ويرسه صلحى صحيح اولماز

۱۵۴۷ ماده

كرك مصالح عليه و كرك مصالح عنه قبض و تسليمه محتاج
ايسه معلوم اولمى لازم . و اكر قبض و تسليمه محتاج
دىل ايسه معلوم اولمى شرط دكلدر
مثلا بر كيمسه ديكر كسنهك ينده بولنان برخانه دن و اول
كسنه دخی انك ينده بولنان باغچه دن برحق دعوى
ايدوبده ايكيلى دخی تعيين مدها ايتيمكسرين دعوا لرندن

واز پچمك اوزره صلح اولسدر صحيح اولور . كذلك
بركيسه ديكر ك ينده كي خانه ده برحق دعوى ايدوبده
تعين مدعا ايتكمزين مدعى عليه اكا بر بدل معلوم ويرمك
واو دخی ترك دعوى ايتك اوزره صلح اولسدر صحيح
اولور . اما مدعى مدعى عليه بدل ويرمك واو دخی
اكا حقنى تسليم ايتك اوزره صلح اولسدر صحيح اولماز



(باب ثالث)

(مصالح عنه حقنده اولوب ايكي فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(صلح عن الاعيان حقنده در)

۱۶۴۸ ماده

بر مال معين دعوا سندن عن اقرار صلح اكر مال اوزرينه
واقع اولور ايسه بيع حكمنده در
بونده خيار عيب و خيار رؤيت و خيار شرط جارى
اولديغي كې كرك مصالح عنه و كرك مصالح عليه عقار
اولديغي تقديرده شفعه دعواسى دخی جارى اولور .
و مصالح عنھك كليسى يا خود بعضيسى بالاستحقاق ضبط
اولسسه مدعى عليه و ير مش اولديغي بدل صلحك

اولمقدارینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی کیر و آلور .
 واکر بدل صلح کایسنی یاخود بعضیسنی بالاستحقاق
 ضبط اولسه مدعی مدعی علیه مدی مصالح عنیه اول
 مقدارینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی ایست

مثلا بر کیمسه دیکرندن بر خانه دعوی ایدوب او دخی
 اول خانه انک اولدیغنی اقرار ایله برار شو قدر غروش
 بدل ویرمک اوزره صلح اولسه مدعی اول خانه یی
 مدعی علیه صائمش کبی اولور . و بونده بر وجه بالا
 بیعک احکامی جاری اولور

۱۵۴۹ ماده

مال دعوا سندن عن اقرار صلح اکر منفعت اوزرینه
 واقع اولور ایسه اجاره حکمنده در . بونده دخی
 اجاره احکامی جاری اولور

مثلا بر کیمسه بر باغچه دعوا سندن شو قدر مدت مدعی
 علیه خانه سنده اوتور مق اوزره صلح اولسه باغچه
 مقابلنده اول خانه یی او قدر مدت ایله استیجار ایتیش
 اولور

۱۵۵۰ ماده

عن انکار یاخود عن سکوت صلح اولق مدعی حقنده

معاوضه و مدعی علیه حقه‌ده می‌نند خلاص ایله قطع
منازعه در

بناء علی ذلك مصالح علیه اولان عقارده شفعه جریان
ایدر اما مصالح عنه اولان عقارده شفعه جریان ایتمز .
و مصالح عنھک کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی بدل صلحک اول مقدارینی یعنی کایسی
یاخود بعضیسی مدعی علیه رد ایدر . و مستحق ایله
خصوصته باشلار و بدل صلحک کایسی یاخود بعضیسی
بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی اول مقدارده دعواسنه
رجوع ایلر

۱۵۵۱ ماده

بر کیمسه بر مال معین مثلا بر باغچه دعوی ایدوبده بر
مقداری اوزرینه صلح اوله رق باقیسنک دعواسندن مدعی
علیهی ابرا ایتسه حقتک بر مقدارینی المش و باقیسنک
دعواسندن و از کچمش یعنی باقیسنک کی دعوی حقی
اسقاط ایلش اولور

(فصل ثانی)

(دیندن یعنی اله جقندن و حقوق سائرہ دن صلح اولمق)

(پیا نندہ در)

مادہ ۱۵۵۲

بر کیمسہ آخر کسنہ دقتندہ کی اله جقنک بر مقداری اوزرینہ
 صلح اولسہ اله جقنک بعضی سینی استیفا ایله باقی سینی اسقاط
 یعنی باقی سندن اول کسنہ بی ابرا ایلش اولور

مادہ ۱۵۵۳

بر کیمسہ مجل اولان هر در لو اله جقنی تأجیل واهمال
 ایتک اوزره صلح اولسہ کندوسنک حق تعجیلنی اسقاط
 ایلش اولور

مادہ ۱۵۵۴

بر کیمسہ مسکوکات خالصہ اولان اله جقنی مسکوکات
 مغشوشہ اوله رق المق اوز، صلح اولسہ اله جقنک سکه
 خالصہ اولمق حقنی اسقاط ایلش اولور

مادہ ۱۵۵۵

حق شرب و شفعه و حق مرور کی حقوق دعو الرندہ
 یمیندن قور تلمق ایچ-ون بدل و یروبدہ صلح اولمق دخی
 صحیحدر

(باب رابع)

(احکام صلح و ابرا بیانده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام صلحه دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۵۵۶ ماده

صلح تمام اولدوقده یالکز طرفیندن بری اندن دونه مز .
ومدعی صلحه بدل صلحه مالک اولور . وارتق دعواده
حق قالماز . ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد
ایده مز

۱۵۵۷ ماده

طرفیندن بری فوت اولسه وارتقری دخی انک صلحی
فسخ ایده مز

۱۵۵۸ ماده

صلح اکر معاوضه حکمنده ایسه طرفین انی کیندو
رضایله فسخ واقاله ایده یلورلر . واکر معاوضه
معتاسنه اولیوبده بعض حقوق اسقاطی متضمن ایسه
اصلا نقض وفسخی صحیح اولماز . (۵۱) ماده یه باق

۱۵۵۹ ماده

میندن خلاص ایچون بدل ویرمک اوزره عقد صلح

اولندتده مدعی حق خصوصتینی اسقاط ایلمش اولور .
 وارتق مدعی علیه تحلیف اولندماز
 ماده ۱۵۶۰

بدل صلح هنوز مدعی به تسلیم اولندن کلیسی یاخود
 بعضیسی تلف اولدیغی صورته اسکر تعیین ایله متعین
 اولان شیردن ایسه بالاستحقاق ضبط اولنش حکمنده
 اولور

یعنی عن اقرار واقع اولان صلحه مدعی مصالح عنه
 کیسی یاخود بعضیسی مدعی علیه دن ایسترو عن انکار
 یاخود عن سکوت واقع اولان صلحه مدعی
 دعواسنده رجوع ایلمر . (۱۵۴۸) و (۱۵۵۰)
 ماده لره باق . واسکر بدل صلح دین ایسه یعنی
 شوقدرغروش کی تعیین ایله متعین اولمیان شیردن ایسه
 صلحه خلل کلیوب تلف اولان مقدارک مثلی مدعی علیه
 طرفندن مدعی به ویرلک لازم کلور

(فصل ثانی)

(احکام ابرایه دائر اولان مسائل بیاننده در)

ماده ۱۵۶۱

برکیسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر وفلانده حقم

یوقدر وفلاں ایله اولان دعوا مدن فارغ اولدم یاخود
واز یچدم و فلانده حقم قالمدی و فلانندن تماما حقی الدم
دیشه انی ابرا ایتش اولور

۱۵۶۲ ماده

برکیمسه دیگرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حقی ساقط
اولور . ارتق انی دعوی ایده مز . (۵۱) ماده یه باق

۱۵۶۳ ماده

ابرانک مابعدینه شمولی اولماز

یعنی برکیمسه دیگر کسمندی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم
اولان حقوقی ساقط اولور . یوخسه ابرادن صکره
حادث اولان حقی دعوی ایده ییلور

۱۵۶۴ ماده

برکیمسه دیگرینی برخصوصه متعلق دعوا دن ابرا ایتسه
ابراء خاص اولوب بعده اول خصوصه متعلق دعوا سی
مسموع اولماز اما بشقه خصوصه متعلق حقی دعوی
ایده ییلور

مثلا برکیمسه برحانه دعوا سندن خصمنی ابرا ایاسه ارتق
اول خانیه متعلق دعوا سی مسموع اولماز . اما چفتلک
وسائر نسبهیه متعلق دعوا سی استماع اولنور

۱۵۶۵ ماده

بر کیمسه فلا نی کافه دعاویدن بری قیلدم یاخود انده
 اصلا حقم بوقدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن
 مقدم اولان هیچ بر حق دعوی ایده مز . حتی کفالتدن
 طولانی برحق دعوی ایتسه سموع اولماز

شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسنده کفیل
 اولمشیدک دیو دعوی ایتسه استماع اولندیغی کبی آخر
 بر شخصدن سن بنم ابرا ایتش اولدیغیم کیمسه قبل ابرا
 کفیل اولمشیدک دیو دعوی ایده مز . (۶۶۲) ماده
 باق

۱۵۶۶ ماده

بر کیمسه مال صا توب و ثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق
 کافه دعاویدن مشتری بی ابرا ایتدیگی کبی مشتری دخی
 انی ثمن مذکور متعلق کافه دعاویدن ابرا ایتش و بو
 وجهله بینلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق
 ضبط اولنسه ابرانک تأثیری اولیوب مشتری ویرمش
 اولدیغی ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (۵۲) ماده باق

۱۵۶۷ ماده

ابرا اولنان کسنه لر معین و معلوم اولق لازمدر
 بناء علیه بر کیمسه جله دیونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ

کیمسه ده حقم یوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما
فلان محله اهالیسی ابرا ایتدم دیوب اول محله اهالیسی
دخی معین و معدود کساندن تبارت ایسه لر ابرا صحیح
اولور

۱۵۶۸ ماده

ابرا قبوله توقف ایتز . فقط رد ایله مردود اولور
شویله که برکسینه دیگر کسینه یی ابرا ایتدکه اول کسینه نک
قبولی شرط دکادر . فقط او مجلسده ابرایی قبول ایتم
دیور د ایله اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی
قالماز

لکن ابرایی قبول ایتدکن صکره رد ایته ابرا مردود
اولماز

ورده محال له محال علیه یا خود اله جقلو کفیلی ابرا
ایدوبده محال علیه یا خود کفیل انی رد ایته ابرا مردود
اولماز

۱۵۶۹ ماده

وفات ایدن کسینه یی دینندن ابرا ایتم صحیح اولور

۱۵۷۰ ماده

بر کیمسه مرض موته ورته مندن برینی دینندن ابرا ایته

صحیح و نافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسمنه بی دینندن
ابرا ایتسه ثلث مالندن معتبر اولور
۱۵۷۱ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کسمنه مرض موتنده کندی
مدیونلرندن برینی دینندن ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۶ شوال سنه ۱۲۹۱

شیف الدین السید خلیل احمد جودت

احمد حلمی احمد خلوصی

— ❧ كتاب الاقرار ❧ —

✱ صورت خط همايون ✱

(موجب پنجه عمل اولنه)

(كتاب ثالث عشر)

(اقرار حقنده اولوب درت بابي مشتملدر)

(باب اول)

(اقرارك شرائطی بیانده در)

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کیمسه دیگر کسنه نك کند و سنده اولان حقنی
خبر و بر مکدر اول کیمسه یه مقر و اول کسنه یه مقرله و اول
حقه مقربه دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرک عاقل بالغ اولسی شرطدر
بناء علیه صغیر و صغیره و مجنون و مجنونه و معتوه و معتوه نك
اقراری صحیح دکدر . و بونلرک علیه نه ولی و وصیلرینک
اقراری دخی صحیح اولاز . فقط صغیر ممیز مأذون کند و سنک
مأذونیتی صحیح اولان خصوص صلرده بالغ حکمنده در

۱۵۷۴ ماده

مقرلهک عاقل اولسی شرط دکدر

بناء عليه بر كيمسه بر صغير غير مميز ايچون مال اقرار ايلسه
 صحيح اولور واول مالی ويرمسی لازم كلور
 ماده ۱۵۷۵

اقرارده مقرر رضاسی شرطدر
 بناء عليه جبروا كراه ايله واقع اولان اقرار صحيح اولماز
 (۱۰۰۶) ماده يه باق
 ماده ۱۵۷۶

مقرر محجور اولماسی شرطدر
 كتاب جرك ايكنجی و اوچنجی و در دنجی فصلار ينه باق
 ماده ۱۵۷۷

ظاهر حالات اقراری تكذيب ايتماسی شرطدر . بناء
 عليه جته سنك بلوغه تحملى اولميان بر صغيراكر بالغ
 اولدم ديو اقرار ايلسه صحيح و معتبر اولماز
 ماده ۱۵۷۸

مقرهاك جهالت فاحشه ايله مجهول اولماسی شرطدر .
 اما جهالت يسيره اقرارك صحتنه مانع اولماز
 مثلا بر كيمسه ينده كى مال معينه اشارت ايله بومال بر
 آدمكدر ديو اقرار ايلسه يا خود بومال فلان بلده
 اهالي سندن برينكدر ديو اقرار ايدوبده اول بلده اهالي سی
 معدود اولسه اول كيمسه نك اقراری صحيح اولماز اما

بو مال شو ایکی کشیدن برینکدر دیسه یاخود فلان محله
 اهالیسنندن برینکدر دیوبده اول محله اهالیسی قوم محصور
 اولسه اقراری صحیح اولور . و بروجہ بالا کیسه بو مال
 شو ایکی کشیدن برینکدر دیدیکی صورتده اکر اول ایکی
 کشی اتفاق ایدرلر ایسه اول مالی مقردن اله بیلورلر و
 بعد الاخذ اول ماله بالاشترک مالک اولورلر . و اکر
 اختلاف ایدرلر ایسه هربری اول مال کندوسنک اولدیغنه
 مقرک یمین ایتسنی طلب ایده بیلورلر و مقر ایکیسنک یمینندن
 دخی نکول ایدرسه اول مال کذلک اول ایکی کشی
 بیننده مشترک اولور . و اکر یالکز برینک یمینندن نکول
 ایدرسه اول مال مستقلا یمینندن نکول ایتدیکی کشینک
 اولور ایکیسنه دخی یمین ایدرسه مقر انلرک دعواسندن
 بری اولوب مقربه اولان مال کندی یدنده قالور

(باب ثانی)

(اقرارک وجوه صحقی بیانده در)

۱۵۷۹ ماده

ملومی اقرار صحیح اولدیغی کی معلولی اقرار دخی
 فقط یسع و اجاره کی مع الجهاله صحیح

اولیان عقودده مقر بهك مجهول اولسی اقرارك صحتنه
مانعدر

نته کیم بر کیمسه بنده فلان کسنه نك امانتی واردر یاخود
بن فلان آدمك مالنی غصب یا سرقت ایلدم دیسه اقراری
صحیح اولوب اول امانت مجهوله یی یاخود مال مقصوب
یا مسروقی بیان و تعیین ایتك اوزره کندوسنه جبر
اولنور اما بن فلان کسنه یه برشی صاتم یاخود اندن
برشی استیجار ایتدم دیسه صحیح اولماز و اول صاتیغك
و یا استیجار ایتدیك ندر دیو بیان ایتك اوزره جبر
اولماز

۱۵۸۰ ماده

اقرار متر لهك قبولنه تواقف ایتمز . ققط انك ردله
مردود اولوب حکمی قالماز . و مقرله مقر بهك یا لکز
بر مقدارینی رد ایلسه انجق اول مقدارده اقرارك حکمی
قالمیوب رد ایتدیکی مقدارده اقراری صحیح اولور

۱۵۸۱ ماده

مقر ایله مقرله مقر بهك سسیندن اختلاف ایتسه لر بو
اختلافلی اقرارك صحتنه مانع اولماز

مثلا بر کیمسه جهت قرضدن طولانی بیک غروش دعوی
ایدوب مدعی علیه ایسه ثمن مبیع اوله رق بیک غروش

اقرار ایلسمه بو وجهله اختلا فلی اقرارک صحته مانع
اولماز

۱۵۸۲ ماده

بر مالدن صلحه طالب اولمق اول مالی اقرار دیمک اولور
اما بر مالک دعواسندن صلحه طالب اولمق اول مالی
اقرار دیمک اولماز

شویله که بر کیمسه دیگر کمنهیه زشتکده بیک غروش
الاجق حقم اولغله ویردیده اول کمنه مبلغ مزبور دن
یدی یوز غروشه صلح اولهلم دیو صلحه طالب اولسه
مطلوب اولان بیک غروشی اقرار ایتش اولور . اما
شوی بیک غروش دعواسندن صلح اولهلم دیو مجرد دفع
منازعه ایچون صلحه طالب اولسه مبلغ مزبوری اقرار
ایتش اولماز

۱۵۸۳ ماده

بر کیمسه نک یدنده کی مالی دیگر کمنه نک شرایه یا استیجاره
و یا استعاره به طائب اولسی یا خود بومالی بکا هبه ایت
و یا ودیعه اولهرق ویر دیمسی و یا خود اول کمنه اکا
بو مالی ودیعه اولهرق ال دیوبده انک دخی قبول ایتسی
اول مال کندوسنک اولدیغنی اقرار در

۱۵۸۴ ماده

شرطه تعلیق اولنان اقرار باطلدن . فقط عرف ناسده
حلول اجله صالح اولان بر زمانه تعلیق اولنور ایسه
دین مؤجلی اقراره حل اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه یه بن فلان محله وار رسم یا خود
فلان مصلحتی در عهده اید رسم سکا شو قدر غروش دیندر
دیسه اشبو اقراری باطل اولوب مبلغ مز بورک تأدیسه سی
لازم کلز . اما فلان آیک ایتداسی یا خود روز قاسم
کلور سه سکا شو قدر غروش دیندر دیسه دین مؤجلی
اقراره حل اولنور و اولوقتک حلولنده مبلغ مز بورک
تأدیسه سی لازم کلور (۴۰) ماده یه باقی

۱۵۸۵ ماده

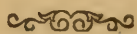
مشاعی اقرار صحیحدر

شویله که بر کیمسه ینده اولان بر ملک عقارک نصف و
ثلث کبی بر حصه شایعه سی دیگر کسنه یه اقرار و او
دخی تصدیق ایتدکدنصکره قبل الافراز والتسلیم مقروقات
ایلسه مقر بهک شیوعی اشبو اقرارک صحتنه مانع اولماز

۱۵۸۶ ماده

دلسزک اشارت معهوده سیله اقراری معتبردر . اما مناطق
اولان کسنه نک اشارتیه اولان اقراری معتبر دکادر

مثلاً بر کیمسه ناطق اولان کسه نه یه فلانک سنده شو قدر
غروش حق وارمیدر دیدکده اول کسه نه باشنی اکسیله
اول حق اقرار ایتش اولماز



(باب ثالث)

(اقرارک احکامی بیانده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام عمومی بیانده در)

۱۵۸۷ ماده

یتش طقوزنجی ماده موجبجه کشی اقرارایله الزام
اولنور انجق حاکم حکمیله تکذیب اولنورسه اقراری
حکمنز قالور

شویله که بر کیمسه نک صاتون الو بده یدنده بولنان بر شیئه آخر
کسه نه مستحق چیقهرق انی ادعا ایتسی اوزرینه
لدی المحاکمه اول کسه نه بوشی فلانک مالی ایدی بکا
صاتی دیمش اولدیغنی حالده اول کسه نه دعواسنی
اثبات و حاکم دخی حکم ایتدکده مشتمری بایعه رجوع
ایله ثمن مبیعی اندن استرداد ایلر واکرچه حین محاکمه ده
اول شی بایعک مالی ایدوکنی اقرارایله مستحقک دعواسنی
انکار ایلش ایسه ده حاکم حکمیله تکذیب اولنمش

ایدو کنند اقرار ینک حکمی قالدیغنی جهتله مانع رجوع
اوله ماز

ماده ۱۵۸۸

حقوق عبادده اقرار دن رجوع صحیح اولماز
شو یله که بر کیسه فلان کسینه شو قدر غروش دینم
وار در دیدکده صکره اقرار مدن رجوع ایتدم دیسنه
اعتبار اولنمیوب اقرار یله الزام اولنور
ماده ۱۵۸۹

بر کیسه وقوعبولان اقرارنده کاذب اولدیغنی ادعا ایسه
مقرله انک کاذب دکل ایدوکنه تحلیف اولنور
مثلا بر کیسه فلان دن شو قدر غروش استقراض ایتدم
دیو بر قطعه سند ویردکن صکره واقعا او قدر غروش
استقراض ایتدم دیو سند ویردم ایسه ده هنوز مبلغ
مزبوری اندن المدم دیسه انک بواقرارنده کاذب
اولدیغنه مقرله تحلیف اولنور

ماده ۱۵۹۰

بر کیسه دیگر کسینه ذمتمده شو قدر غروش الاجنک
وارد در دیو اقرار ایتدکده اول کسینه دخی اول الهجق
بنم دکلدر فلان شخصکدر دیو اقرار و او شخص دخی
انی تصدیق ایسه اول الهجق ایکنجی مقر لهک اولور

لکن حق قبضی اولکی مقررلهک اولور . یعنی ایکنجی
مقرله انی مدیوندن مطالبه ایتسه اکا ادا ایتک اوزره
مدیونده جبر اولماز . شو قدر که مدیون کندیرضا سیله
اول دینی ایکنجی مقرلهه اعطا ایدرسه ذمتی بری
اولوب اولکی مقرله انی تکرار مدیوندن مطالبه
ایده من

(فصل ثانی)

(نفی ملک و نام مستعار بیانده در)

۱۵۹۱ ماده

مقرر اقرارانده مقر بهی نفسنه مضاف قیلارسه
انی مقرلهه هبه ایتش اولوب تسلیم و قبض اولنمجه
تمام اولماز واکر نفسنه مضاف قیلمازسه مقربه قبل
الاقرار مقررلهک ملکی اولدیغنی اقرار ایله نفی ملک ایتش
اولور

مثلا برکیمسه یدمده اولان کافه اموال و اشیا فلان کسسه
نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر دیسه اول وقت یدنده
موجود اولان جمیع اموال و اشیا سن اول کسسه هبه
ایتش اولوب تسلیم و قبض لازم کلور واکر اوزریمه
لابس اولدیغم اثوابدن ماعدا بکا نسبت اولنسان کافه
اموال و اشیا فلان کسسه نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر

دیسہ اولوقت لابس اولدیغی اثوابدن ماعدا کندوسنه
نسبت اولنان یعنی انکدر دینلان کافه اموال واشیایی
اول کسهنه یه اقرار ایله نفی ملک ایتیش اولور فقط بو
اقرارندن صکره بعض اشیا یه مالک اولسه اشبو اقراری
اول اشیا یه شامل اولماز

کذاک شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان
کبیر اوغلنکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیاسنی اول
بیوک اوغلنه هبه ایتیش اولوب تسلیم لازم کاور

واکر شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان
کبیر اوغلنکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیایی اول
بیوک اوغلنه اقرار ایله نفی ملک ایتیش اولور فقط اندن
صکره اول دکانه بعض اشیا قویسه بو اقراری اول اشیا یه
شامل اولماز

وکذاک برکیمسه فلان یرده کی دکام زوجهمکدر دیسه
هنبه قیلندن اولوب تسلیم لازم کاور واکر بکانسبت
اولنان فلان دکان زوجهمکدر دیسه قبل الاقرار اول
دکان زوجهمسناک اولوب کندوسناک ملکی اولدیغی
اقرار ایتیش اولور

۱۵۹۲ ماده

بر کیمسه یاسند یدنده اولان بر ملک دکان حقنده بو دکان
 فلان کسسه نکدر بنم علاقه م یوقدر وسندنده محرر اسمم
 مستعاردر دیوب یاخود یاسند آخردن صاتون الیغی
 بر ملک دکان ایچون بودکانی فلان کسسه ایچون المشدم
 ثمن اوله رق ویردیکم ایچه دخی انک مالندندر وسندنده
 اسمم مستعار اوله رق قید اولنمشدر دیسه اول دکان نفس
 الامرده اول کسسه نک ملک ی اولدیغنی اقرار ایتش اولور

۱۵۹۳ ماده

بر کیمسه یاسند فلان کسسه ذمتنده اولان شوقدر غروش
 اله حق هر نقدر سندده بنم نامه محرر ایسه ده مبلغ مزبور
 فلان کسسه نکدر سندده اسمم مستعاردر دیسه مبلغ مزبور
 نفس الامرده اول کسسه نک حق اولدیغنی اقرار ایتش اولور

۱۵۹۴ ماده

بر کیمسه حال صحتنده ایکن بروجہ بالا اقرار ایله نفی ملک
 ایتش اولسه یاخود اسمنک مستعار اولدیغنی اقرار ایتسه
 اقراری معتبر اولوب حال حیاتنده کندوسی و وفاتندن
 صکره ورثه سی بو اقرار ایله الزام اولنور . اما مرض
 موتنده ایکن اول وجهله اقرار ایتسه حکمی فصل آتیده
 مستبان اولور

(فصل ثالث)

(اقرار مریض بیانده)

ماده ۱۵۹۵

مرض موت اول خسته لکدر که اکثر یا آنده اولوم قورقوسی
اولدیغی حالده خسته ذکور دن ایسه خانه سی خارچنده
واناشدن ایسه خانه سی داخلنده اولان مصالحی کورمکدن
عاجز اولوب بو حال اوزره برسنه مرور ایتمدن وفات
ایلیه کرک صاحب فراش اولسون و کرک اولسون
واکر مریضک مرضی تمتد اولوبده دائما بر حال اوزره
برسنه پکر ایسه اول مریضک مرضی مشدد و حالی متغیر
اولدجه صحیح حکمنده اولوب تصرفاتی صحیحک
تصرفاتی کبیر

اما مرضی مشدد و حالی متغیر اولوبده برسنه کچمه دن
وقات ایدرسه وقت تغیر دن اعتبارا وفاتنه دک اولان حالی
مرض موت عد اولنور

ماده ۱۵۹۶

فیج وارثی اولمیان کشینک یا خود زوجه سندن بشقه
وارثی اولمیان آدمک و یا خود زوجندن بشقه وارثی
اولمیان قادینک مرضی موده اقراری بر نوع وصیت
اوله رق معتبر اولور

بناء عليه وارثي اوليان كشي مرض موتنده جميع اموالي
بر كسمه يه اقرار ايله نفى ملك ايتسه صحيح اولوب وفاتندن
صكره تركه سنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز
كذلك زوجة سندن بشقه وارثي اوليان كيمسه مرض
موتنده جميع اموالي زوجة سنه يا خود زوجندن بشقه
وارثي اوليان قادين جميع اموالي زوجنه اقرار ايله نفى
ملك ايتسه صحيح اولوب بعد الوفاة بونلردن بريسنىك
تركه سنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز

۱۵۹۷ ماده

بر كيمسه مريض ايكن ورثه سندن برينه مال اقرار ايدوبده
بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقارارى معتبر
اولور

۱۵۹۸ ماده

بر كيمسه مرض موتنده وارثلردن برينه بر عين يا خود دين
اقرار ايتدكدن صكره فوت اولسه ديكر وارثلك
اجازته موقوفدر انلر مجيز اولورسه انك اقرارى دخى
معتبر اولور . واكر انلر مجيز اولماز ايسه انك اقرارى
دخى معتبر اولماز

شوقدر واركه مقرر حياتنده ديكر وارثلر انى تصديق

ایتمشدر ایسه وفاتندن صکره انظر بوتصدیققرندن رجوع
ایده میوب اول اقرار معتبر اولور

و برده وارثه امانت اقراری هر حالده صحیحدر .
شویله که بر کیسه کندوسنک بر وارثنده اولان امانتی
قبض ایتمش یاخود وارثک کندوسنده اولان امانت
معلومه سی استهلاك ایلمش ایدوکتی مرض موتنده اقرار
ایسه صحیح اولور

مثلا فلان او غلده ودیعه اولان ماللی اخذ و قبض ایتمشدر
دیو اقرار ایسه صحیح و معتبر اولور و کذا فلان کیسه ده
اولان اله جغمی فلان او غلم بالوکاله اخذ ایدوب بکا
تسلیم ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولور . کذلک فلان
او غلمک بنده ودیعه یاخود عاریت اولان بشیک غرو شلق
الماس یوزوکتی صاتوب ثمنی کندی اموریمه صرف
و استهلاك ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولوب اول
یوزوکت قیمتی ترکدن تضمین اولمقی لازم کاور

۱۵۹۹ ماده

بومجشده وارثدن مراد مریضک وقت وفاتنده وارث
بولمان کیسه در

شو قدر وارکه وارث دکل ایکن صکره دن بر سبب حادث

ایله مقرر وقت و فائده حاصل اولان ورثت اقرارک
صحتنه مانع اولماز

نه کیم بر کیمسه مرض موتنده بر اجنبی قالدینه مال اقرار
ایدوبده بعده انی تزوج ایتدکدن صکره فوت اولسه
اقراری نافذ اولور

اما وراثتی بویله بر سبب حادث ایله حاصل اولیوبده سبب
قدیم ایله اولور ایسه اقراری ینه نافذ اولماز

مثلا اوغلی اولان بر کیمسه لابوین قرداشلرندن برینه مال
اقرار ایدوبده اوغلنک وفاتندن صکره کندوسی وفات
ایتسه مقررله ایلک قرداشی بولندیخی جهتله وارث
اوله جعفرندن اول اقرار نافذ اولماز

۱۶۰۰ ماده

مريضك مرض موتنده ایکن زمان صحتنه اسناد ایله
اقراری زمان مرضندکی اقراری حکمنده در

بناء علیه مرض موتنده ایکن وارثنده اله جغی اولان
شوقدر غروشی زمان صحتنده استیفای ایلش ایدوکنی
اقرار ایتسه دیگر وارثلر مجیز اولدجه نافذ اولماز

کذلک حال صحتنده ایکن فلان مالنی ورثه سندن فلانه
هبه و تسلیم ایلش ایدوکنی مرض موتنده اقرار ایتسه

هېبه سی بڼه ایله ثابت یاخود دیگر وارث لری انی مجیر
اولم دجه اقراری نافذ اولماز
۱۶۰۱ ماده

مريضك مرض موشنه اجنبی یه یعنی کندوسنه وارث
اولمیاں کیسه یه كرك عین و كرك دین اقراری جمع اموالی
محیط اواسه بیله صحیح اولور

شو قدر واركه مقربه مقربه هنوز بیع یا هبه اولمش یاخود
اخر دن ارثا انتقال ایلش اولمق کی بر سبیله وقت اقرارده
انك ملكی اولدیغی چوق کیسه لك معلومی اوله رق
کندو اقرارنده کاذبایدو کی ظاهر اولور سه اول حالده
نظر اولنور . اکر بو اقراری مذاکره وصیت ائسانده
دکل ایسه هبه دیمك اوله رق تسلیم لازم کلور . و اکر
مذاکره وصیت ائسانده ایسه وصیت معناسنه محمول
اولور و كرك هبه اولسون و كرك وصیت اولسون انجق
ثلث مالندن معتبر اولور

۱۶۰۲ ماده

ذیون صحت دیون مرض اوزرینه مقدمدر
یعنی ترکه سی غریم اولان کیسه نك حال صحتمنده ذمتنه
تعلق ایدن دیونی مرض موشنه کی اقراریله ذمتنه تعلق
ایدن دیونی اوزرینه تقدیم قلنور . شویله که مريضك

ترک سندن اولاد یون صحت استیفا قلوب بعده فضله
قالور ایسه دیون مرض تأدیه اولنور

فقط مریضک مرض موتنده اسباب معروفه ایله یعنی
اقراردن بشقه ناسک مشاهد و معلومی اولان شرا
و استقراض و اتلاف مال کبی سببلرله ذمتنه تعلق ایدن
دینلری دیون صحت حکمنده در

مقربه اعیانندن برشی اولدیغی صورته دخی حکمی بو
منوال اوزره در

یعنی برکیمسه مرض موتنده اجنبی به هرنه درلوشی اقرار
ایسه دیون صحتی یا خود بوجه بالا اسباب معروفه ایله
لازم کلهرک دیون صحت حکمنده اولان دیونی تأدیه
اولمقدقه مقرله مقربه مستحق اولماز

۱۶۰۳ ماده

برکیمسه کندوسنک بر اجنبی کسنه دن اولان اله جغنی
استیفا ایش اولدیغی مرض موتنده اقرار ایتدکده
نظر اولنور . اکر بو اله جغنی کندوسنک حال مرضنده
ایکن اول کسنه نك ذمتنه تعلق ایش ایسه بواقاراری
صحیح اولور . فقط غرماء صحت حقند نافذ اولماز
واکر و اله جغنی کندوسنک حال صحتنده ایکن اول

کسینه لك ذمتنه تعلق ايتش ايسه هر حالده صحيح اولور .
 كرك ديون صحت اولسون و كرك اولسون
 مثلا بر مريضك حال مرضنده ايكن بر مال صائدقن
 صكره ثمنى قبض ايلش اولديغنى اقرار ايتسه صحيح
 اولور ايتسه ده غرماء صحت وار ايسه انلر بو اقرارى
 طوتمامغه قادر اولودلر . و اكر حالى صحتنده ايكن بر مال
 صائدقن صكره ثمنى قبض ايلش اولديغنى مرض موتنده
 اقرار ايتسه هر حالده صحيح اولوب غرماء صحت اولسه
 دخی انلر بو اقرارى طوتميز ديه مزلر
 ماده ۱۶۰۴

کسینه مرض موتنده دائلرندن برينك دينى ادا ايله سائر
 دائلرينك حقوقنى ابطال ايده مز
 فقط مريض ايكن استقراض ايلديكى پاره يى واشترا
 ايلديكى مالك ثمنى ادا ايده بيلور
 ماده ۱۶۰۵

بومجئده كفالت بالمال دين اصلى حكمنده در
 بناء عليه بر كسینه مرض موتنده وارثك بورجنه يا خود
 اله جفته كفيل اولسه نافذ اولماز . واجنبى يه كفيل
 اولدقده ثلث مالندن معتبر اولور . اما حال صحتنده

ایکن اجنبی به کفیل اولدیغنی مرض موتنده اقرار
ایتدکده مجموع مالندن معتبر اولور . شو قدر که دیون
صحت وار ایسه تقدیم اولنور

(باب رابع)

(اقرار بالکتابه بیانده در)

ماده ۱۶۰۶

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار ککبیدر
(۶۹) مادهیه باق

ماده ۱۶۰۷

برکسهنهک کندو اقرار ینی یازمق اوزره آخره امر
ایتمی حکما اقرار در

بناء علیه فلان کیمیه شو قدر غروش بورجم اولدیغنه
دائر برسند یاز دیو کاتبه امر ایدرک یازدیرو بده امضا
ایلش یاخود مهرلش اولدیغنی سند کندو خط دستتیه
اولان سند کی اقرار بالکتابه قیلنددر

ماده ۱۶۰۸

تجارک ممتد به اولان دفترلرنده کی قیودی دخی اقرار
بالکتابه قیلنددر

مثلاً بر تاجر بر کمندیه شو قدر غروش بوری اولدیغنی
کندو دفترینه قید ایتش اولسه اول کمندیه اول قدر
بورج اقرار ایتش اولوب لاری الحاحه اقرار شفاهیدی
کی معتبر و مرعی اولور

۱۶۰۹ ماده

بر کیسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیرو بده
مضایا خود مختوم اولهرق آخره ویرمش اولدیغنی دین
سندی اکر مرسوم ایسه یعنی رسم وعاده موافق
اولهرق یازمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر
شفاهیدی کی معتبر و مرعی اولور

بر معتاد ویریه کلان وصولار یعنی مقبوض علم و خبر لری
دخی بو قبیلند

۱۶۱۰ ماده

بر کیسه بر وجه بالا مرسوم اولهرق یازوب یاخود
یازدیرو بده مضایا خود مختوم اولهرق ویرمش اولدیغنی
دین سندی کندوسنک اولدیغنی معترف ایکن حاوی
اولدیغنی بوری انکار ایسه انکارینه اعتبار اولغیوب
اول بوری ایفا ایلمی لازم کاور

اما سند کندوسنک اولدیغنی انکار ایتدیکی تقدیرده

اگر خط و یا ختمی مشهور و متعارف ایسه انکارینه اعتبار
اولم یوب اول سند ایله عمل اولنور
واگر خط و ختمی مشهور و متعارف دکل ایسه استکتاب
اولنورق اهل خبریه ~~کوسه~~ تریلور انلر ایکیسیده
بر شخصک یازوسیدر دیو خبر و یرلر ایسه دین مذکوری
و یرمک اوزره اول کیمسه یه امر اولنور
الحاصل سند اگر شائبه تزویر و شبهه تصنیعدن بری
اولور ایسه انکه عمل اولنور

اما شبهه دین بری اولدیغنی تقدیرده مدیون اول سند
کندی سندی اولدیغنی انکار ایلدیکی کبی اصل دینی
دخی منکر ایسه دینی اولیوب سند دخی کندوسنک
اولدیغنه مدعینک طلبیه تحلیف اولنور

۱۶۱۱ ماده

بر وجه بالا بر کیمسه مرسوم اولهرق دین سندی
و یردکن صکره قوت اولسه وارثلری او سند متوفانک
اولدیغنی معترف اولدقلری حالده اول دینی ترکه
متوفادن ایضا ایللری لازم کاور

اما اول سند متوفانک اولدیغنی انکار ایتدکاری تقدیرده
اگر متوفانک خط و ختمی مشهور و متعارف ایسه اول
سند ایله عمل اولنور

۱۶۱۲ ماده

وفات ایدن بر کیمسه نك ترکه سندن نقود ایله مملو بر کیمسه
 ظهور ایدوب اوزرند، بو کیمسه فترن کیمسه نك مالیدر
 بنم یدمه امانتدر دیو متوفانك خطیله محرر بر یافته
 بولنسه اول کیمسه اول کیمسه بی ترکه متوفان اخذ ایدر
 دیگر وجهله اثباته محتاج اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۹ جادی الاولى سنه ۱۲۹۱

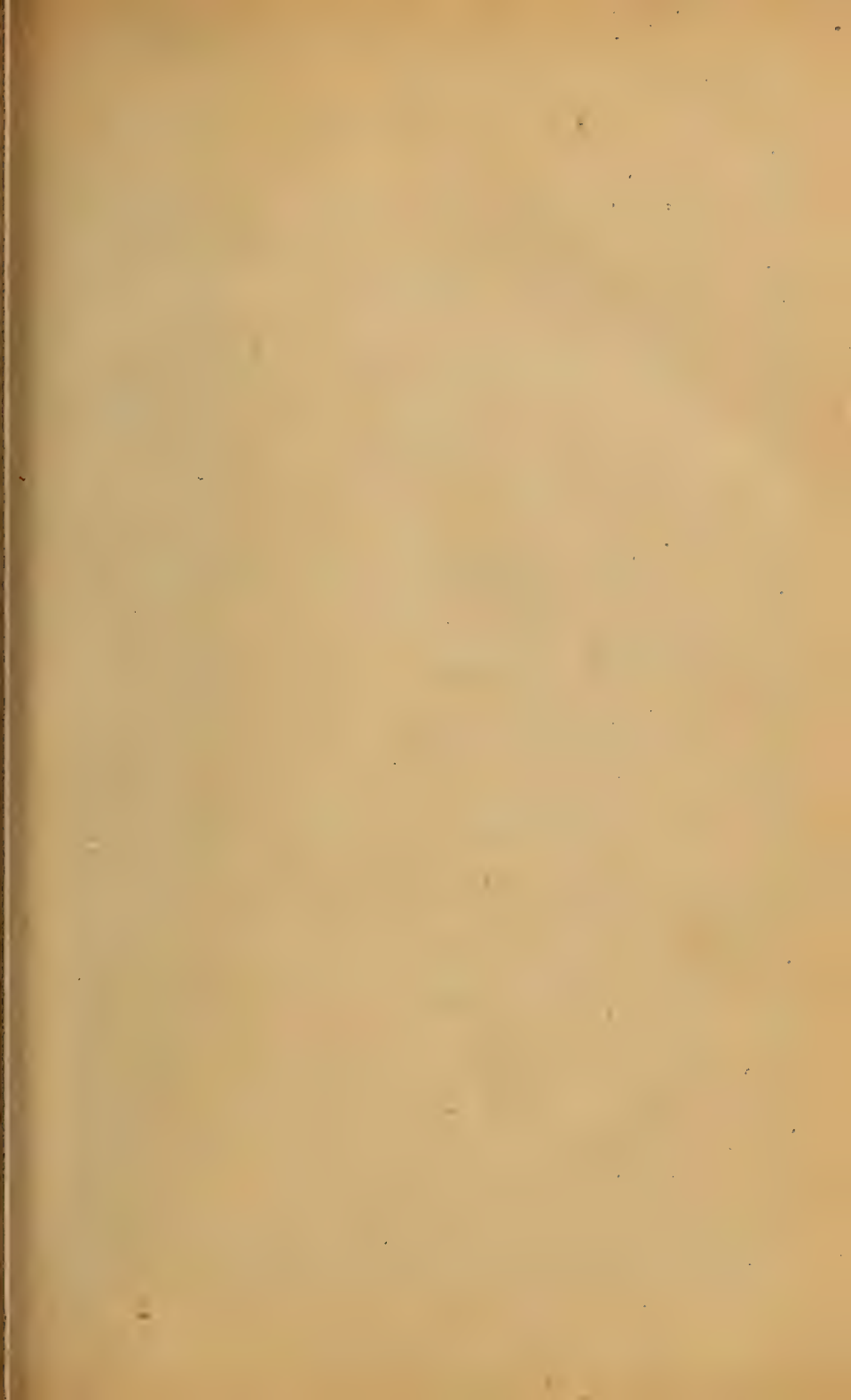
عن اعضاء شورای دولت امین القوی ناظر عدلیه
 سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات
 السید احمد حلمی شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضاء مجلس تدقیقات
 عمر حلمی شرعیه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی

عبد الستار



— ❦ كتاب الدعوى ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجب نه عمل اولنه)

(کتاب رابع عشر)

(دعوی حقنده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۱۶۱۳ ماده

دعوی • بر کیسه دیگر کسندن حضور حاکمه حقنی
طلب ایتکدر

اول کیسه یه مدعی و اول کسندیه مدعا علیه دینلور

۱۶۱۴ ماده

مدعا • مدعینک دعوی ایلدیکی شیر که مدعا به دخی
دینلور

۱۶۱۵ ماده

تناقض • مدعیدن کندی دعواسنه مناقض یعنی دعواسنک
بطلانی • موجب برسوز سبقت ایلش اولقدر



(باب اول)

(دعوانك شروط و احكامنه و دفع دعوايه دائر اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(دعوانك شروط صحتی بیانده در)

۱۶۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیهک عاقل اولمیری شرطدر
مجنونك وصبی غیر ممیزك دعوا الی صحیح دکلدر .
فقط ولیری و وصیلری بالولایه و بالوصایه انلرك یرینه
مدعی و مدعی علیه اولورلر

۱۶۱۷ ماده

مدعا علیهک معلوم اولمسی شرطدر
بناء علیه مدعی فلان قریه اهاالیسندن لاعلی التعین برنده
یاخود برقاچنده شوقدر غروش الهجغ وار دیسه صحیح
اولماز مدعی علیهی تعیین ائلك لازم کلور

۱۶۱۸ ماده

حین دعوا ده خصمك حضوری شرطدر . و مدعا علیه
محکمهیه کلکدن و وکیل کوندرمکدن امتناع ایتدیگی
تقدیرده اولنده حق معامله کتاب قضاده بیان قلنده حقدر

۱۶۱۹ ماده

مدعا بهك معلوم اولسي شرطدر . مجهول اولور ايسه
دعوى صحيح اولماز

۱۶۲۰ ماده

مدعا بهك معلوميتى اشارت ايله يا خود وصف و تعريف
ايله در

شويله كه عين منقول اولديغى تقديرده مجلس محكمه ده
حاضر ايسه اكا اشارت كافيدر . و حاضر دكل ايسه
وصف و تعريف و قيمتى بيان ايله معلوم اولور و عقار
اولديغى تقديرده حدودينك بيانيله تعيين اولور .
و دين ايسه جنس و نوع و وصف و مقدارى بيان
اولمق لازم كلور . نه حكم مواد آيه دن متضخ
اولور

۱۶۲۱ ماده

مدعا به عين منقول اولديغى حالده حاضر بالمجلس ايسه
مدعى اكا ايله اشارت ايدرك اشته بوخدر بو آدم اكا
بغير حق وضع يد ايدور اليورلسنى طلب ايدرم ديور
دعوى ايدر و اكر حاضر بالمجلس اوليوب انجق
مصر فسر جلب و احضارى ممكن ايسه دعوا ده
و شهادت و يا خود يمينده اكا بويله جه اشارت اولمق

اوزره مجلس حکمه کتوریکور . واکر مصرفسز
احضاری ممکن دکل ایسه مدعی اتی تعریف و قیمتی
بیان ایلر

فقط غصب ورهن دعوارنده قیمتک بیانی لازم کلز
مثلا بر زمرد یوزکی غصب ایتدی دیسه و قیمتی بیان
ایتمه و حتی قیمتی بیلم دیسه بیله دعواسی صحیح اولور
۱۶۲۲ ماده

مدعا به اکر جنس نوع و وصفی مختلف اعیان ایسه
جمله سنک مجموع قیمتی ذکر ایتک کافی اولور . هر برینک
بشقه بشقه قیتملرینی تعیین ایتک لازم کلز
۱۶۲۳ ماده

مدعا به عقار ایسه حین دعوی و شهادتده بلده سی
و قریه سی و یا محله سی و زقاقی و حدود اربعه سی یا خود
ثلاثه سی و حدودینک صاحببری وار ایسه انلرک و بابا
و دده لرینک اسم لری ذکر اولنمق لازمدر فقط مشهور
و معروف اولان آدمک یا لکر اسم و شهرتی ذکر ایتک
کافیدر . بابا و دده سنک اسملرینی ذکره حاجت یوقدر
کذلک اول عقار اکر شهرت سی محدوددن مستغنی
ایسه کرک دعواده و کرک شهادتده حدودینک بیانی
شرط دکلدر

و برده مدعی اگر شو سندده حدودی محرر اولان
عقار بنم ملکهدر دیو دعوی ایدر ایسه صحیح اولور

۱۶۲۴ ماده

مدعی حدودک بیاننده اصابت ایدو بده عقارک مقدار
ذراع و یا دونمنی اکسک یا زیاده سویلسه دعواسنک
صحتنه مانع اولماز

۱۶۲۵ ماده

عقارک ثمنی دعواده حدودینک بیانی شرط دکلد

۱۶۲۶ ماده

مدعابه دین ایسه مدعی انک جنس ونوع و وصف
و مقدارینی بیان ایلسی لازمد

مثلا التون و کومش دیو جنسینی و عثمانلی سکه سی یا خود
انکلیز سکه سی دیو نوعنی و سکه خالصه یا خود سکه
مغشوشه دیو وصفنی و نه مقدار اولدیغنی بیان ایلسی
لازمدر . فقط علی الاطلاق شو قدر غروش دیو ادعا
ایتسه دعواسی صحیح و عرف بلده جه معهود اولان
غروشه مصروف اولور . و ایکی درلو غروش متعارف
اولدیغنی حالده برینک رواج و اعتباری ده ا زیاده اولسه
ادانسه صرف اولنور . نه کیم شو قدر عدد بشاک دیو

دعوی ایتسه فی زماننا مسکوکات مفشوشه دن اولان
قره بشلکه مصروف اولور
ماده ۱۶۲۷

مدعا به عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولتمق
لازم کلیوب بلکه بومال بندر دیو ملک مطلق دعواسی
صحیح اولور

امادین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن مبیعیدر
یوخسه اجر تمیدر و یا خود آخر جهتدن طولایی بر
بورجدر الحاصل نه جهتدن طولایی دین اولدیغی
سؤال اولور

ماده ۱۶۲۸
اقرار حکمی مقربک ظهوریدر یوخسه بدایه حدوثی
دکدر . بوجهتله اقرار سبب ملک اوله ماز . بناء علیه
مدعی مجرد مدعا علیه اقرارینی سبب طوتهرق اندن
برشی دعوی ایتسه استماع اولماز

مثلا مدعی بومال بندر وانک ذی الیدی اولان شو آدم
دخی بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع
اولور اما بومال بندر زیرا انک ذی الیدی اولان شو
آدم بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع
اولماز . کذلک مدعی جهت قرضدن طولایی شو

آدمه بوقدر غروش اله جفم واردر حق کندوسی دخی
 بوجهتدن طولایی او قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار
 ایتشیدی دیو دعوی ایتسه مسموع اولور اما شول آدم
 بکا جهت قرضدن طولایی بوقدر غروش بورجی اولدیغنی
 اقرار ایتش اولدیغنی ایچون انده بوقدر غروش حق
 واردر ایسترم دیو دعوی ایتسه مسموع اولماز
 ۱۶۲۹ ماده

مدعا بهک محتمل الثبوت اولسی شرطدر
 بناء علیه عقلاً یا عادة وجودی محال اولان شیء ادعا
 صحیح اولماز
 مثلاً بر کیمسه کندوسندن سنأ بولک یا خود نسبی معروف
 اولان کسینه حقنده بوبنم او غلدر دیو ادعا ایتسه دعواسی
 صحیح دکدر
 ۱۶۳۰ ماده

دعویاتک ثبوتی تقدیرنده مدعا علیهک برشی ایله محکوم
 و ملزم اولسی شرطدر
 مثلاً بر کیمسه دیگر کسینه برشی اعاره ایتدکده دیگر بر
 شخص چقوبده بن امک متعلقه ایتدنه بکا اعاره ایتسون
 دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز کذلک بر کیمسه دیگر
 کسینه بی بر خصوصه توکیل ایتدکده دیگر بر شخص

چيقوبده بن انك قومشوسى يم انك وكالتنه دها مناسيم
 ديو دعوى ايتسه صحيح اولماز . زيرا هر كس مالى
 ديلديكنه اعاره و ديلديكنى امورينه تو كـيـل
 اينده بيله چكندن بو دعوالر ثايت اولديغى تقديرده مدعا
 عليه حقنده هيچ بر حاكم ترتيب ايتمز .

(فصل ثانى)

(دفع دعوى حقنددر)

۱۶۳۱ ماده

دفع . مدعا عليه طرفندن مدعينك دعواسنى دفع ايده چك
 بر دعوى درميان اولمقده در
 مثلاً بر كيمسه جهت قرضدن طولايى شوقدر غروش دعوى
 ايتدكده مدعا عليه بن انى ادا ايتشـيـدم يا خود سن بنى
 اندن ابرا ايتشـيـدك و يا خود بز صلح اولمش ايدك يا خود
 بومبلغ قرض دكلدر بلكه سـكا صـاـتمش اولديغم فلان
 مالك ثمنيدرو يا خود فلان كسنه ده اله جغم اولان اولمقدار
 غروشى سـكا حواله ايتـكـله سن دخی بكا اول مبلغى
 و بر مشيدك ديسـه مدعينك دعواسنى دفع ايتش اولور
 كذا بر كيمسه ديكر كسنه دن فلاك ذمتنه اله جغم اولان
 شوقدر غروشه سن كفيل اولمشك ديو دعوى ايتدكده

اول كسبته مديونك مبلغ مزبوري ادا ايلش ايدوكنى ادا
ايتسه مدعينك دعواسنى دفع ايتش اولور
و كذا بر كيمسه ديكر كسبته نك يندنه بولنان برمالى بنذر
ديودعوى ايتدكده اول كسبته اكا بوندن مقدم فلان
آدم اول مالى بندن دعوى ايتدكده سن انك دعواسنه
شهادت ايتشيدك ديو ادا ايلسه مدعينك دعواسنى دفع
ايلش اولور

كذلك بر كيمسه بر متوفاك تركه سندن شو قدر غروش اله جق
دعوى و وارثك انكارى اوزرينه بو دعواسنى اثبات
ايتدكده نصكره متوفاك حال حياتنده اول دينى ادا ايلش
اولديغنى وارثى ادا ايلسه مدعينك دعواسنى دفع ايتش
اولور

۱۶۳۲ ماده

دفع دعوى ايدن كيمسه دفعنى اثبات ايتدكده مدعينك
دعواسى مندفع اولور و اثبات ايدمه مديكى تقديرده انك
طلبيله اصل مدعى تحليف اولور

مدعى يميندن نكول ايدر ايسه مدعا عليهك دفعى ثابت
اولور و اكر مدعى يمين ايدر ايسه كندوسنك اصل
دعواسى عودت ايدر

ماده ۱۶۳۳

بر کسیسه دیگر کسیسه دن شو قدر غروش اله حق دعوی
ایدوبنده مدعی علیه دخی بن سنی بومبلغ ایله فلاک
اوزرینه حواله ایدوب هر بریکز دخی حواله یی قبول
ایتمش ایدیکز دیو ادما و بونی محال علیه دخی حاضر
اولدیغی حالده اثبات ایسه مدعی یی دفع ایله مطالبه سندن
خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه
انک حضورینه قدر موقوف مدعی یی دفع ایش اولور

(فصل ثالث)

(خصم اولوب اولیانلر بیاننده دیر)

ماده ۱۶۳۴

بر کسیسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه اقراری
تقدیرنده انک اقراری اوزرینه بر حکم ترتب ایدرایسه
انکاریله دعواده واقامه بینده خصم اولور
واکر مدعا علیه اقراری تقدیرنده بر حکم ترتب ایتز
ایسه انکاریله خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلوبده بر ذاتن سنک رسدولک
فلان بندن شو مالی الدی ثمنی ویر دیو دعوا ایتدکده
اول ذات اقرار ایسه ثمن مبیعی دفع و تسلیمه مجبور

اولدیغی جهته انکار ایتدیکی صورتده دخی مدعی یه
 خصم اولور اول حالده مدعینک دعواسی و بینه سی
 استماع اولنور . اما مدعی سنک شرایه وکیلک اولان
 کسسه الری دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه
 ثمن مبیعی مدعی یه دفع و تسلیه مجبور اولمادیغی جهته
 انکار ایتدیکی صورتده مدعی یه خصم اولماز
 اول حالده مدعینک دعواسی استماع اولماز

ولی و وصی و متولی بوقاعده دن مستثادر . شویله که
 برکیمسه مال یتیمی یاخود مال وقفی ملکدر دیو دعوی
 ایتدکده وکیلینک یا وصینک یاخود متولینک اقرارلری نافذ
 اولمادیغندن اوزرینه برحکم ترتب ایتمز . اما انکارلری
 صحیح اولوب انک اوزرینه مدعینک دعوی و بینه سی
 استماع اولنور شو قدر وار که ولی و وصی و متولیدن
 صادر اولان برعقد اوزرینه دعوی اولندیغی حالده
 اقرارلری دخی معتبر اولور

مثلا مسوغ شرعی یه بناء بر صغیرک مالنی و ایسی صاتوبده
 اکا دائر مشتری طرفندن بر دعوی و قوعبولسه ولینک
 اقرارنی معتبر اولور

۱۶۳۵ ماده

دعوی عینده خصم انجق ذی الیددر

مثلاً بر کسیسه دیگر کسیسه نك آتني غصب ايله آخر بر
 شخصه بيع و تسليم ايدو بده اول، کسیسه آتني استرداد
 ايتك استدكده انجق ذی الیددن دعوی ايدر اما او
 آتک قیمتی تضمین ایتدیرمك استدكده غاصبدن دعوی
 ايدر

۱۶۳۶ ماده

بر کسیسه مال مشتری مستحق چیقو بده آنی دعوی
 ایتدكده نظر اولنور

اكر مشتری اول مالی قبض ایتش ایسه حین دعوی
 و شهادتده خصم یالکز مشتریدر بایعك حضوری شرط
 دكلدر . و اكر مشتری اول مالی هنوز باعدن قبض
 ایتامش ایسه مشتری مالك و بایع ذی الید اولق حسابله
 حین دعوی و شهادتده ایکیسك دخی حضوری لازمدر
 ۱۶۳۷ ماده

ودیعه یی و دیعه دن و مستعار یی مستعیردن و مأجوری
 مستأجردن و مرهونی مرتهندن دعوی وقتنده و دیع ايله
 مودعك و مستعیر ايله معیرك و مستأجر ايله موجرك
 و مرتهن ايله راهنك برلكده حاضر بولناری شرطدر
 فقط و دیعه و یا مستعار و یا مأجور و یا خود مرهون
 غصب اولسه یالکز و دیع و مستعیر و مستأجر و مرتهن

انلری غاصبدن دعوی ایده یلور مالکک حضوری
لازم کلز و بونلر حاضر اولد بجه یالکز مالک آنلری
دعوی ایده مر

ماده ۱۶۳۸

ودیع مشتری یه خصم اولماز
شویله که برکسنه دیگر کسنه نك یدنده اولان خانه ایچون
بن بو خانه بی فلان شخصدن شو قدر غروشه صاتون
آلدم انی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکه اول کسنه
بو خانه بی بکا اول شخص ایداع و تسلیم ایتدی دیسه
مدعینک خصومتی مندفع اولور اول شخصک ایداعنی اثباته
حاجت یوقدر . فقط مدعی دخی فی الواقع اول شخص
بو خانه بی سکا ایداع ایتشیدی لکن صکره بکا صاتدی
وسندن قبض و تسلمه بنی توکیل ایتدی دیوبده اول
شخصک بیع و توکیلنی اثبات ایدرسه اول خانه بی
ودیعندن اخذ ایدو

ماده ۱۶۳۹

ودیع مودعک دائنده خصم اولماز
بناء علیه دائن مودعده اولان اله جعنی ودیعک مواجهه
سندده اثبات ایدو بده انده کی ودیعه دن استیفای دین
ایده مر . فقط (۷۹۹) ماده ده بیان اولندیغی اوزره

غائبك اوزرينه نفقه سی واجب اولان كشی نفقه سی
غائبك امانت آچه سمندن الموق اوزره و دیعدن دعوی
ایده بیلور

۱۶۴۰ ماده

دائنه مدیونك مدیونی خصم اولماز
بناء علیه بر کیمسه متوفاده اولان اله جغنی متوفاك مدیونی
مواجهه سنده اثبات ایدو بده اندن استیفا ایده من

۱۶۴۱ ماده

بایعه مشتریك مشتری خصم اولماز
مثلا بر کیمسه بر مالی دیگر کسینه بیع و او دخی آنی قبض
ایله آخر شخصه بیع و تسلیم ایتدکدن صکره (مشتری
اول اول مالی ثمنی ادا ایتکسزین قبض ایتشیدی انك
ثمنی ویر یا خود ثمنك استیفا سنده قدر حبس ایتك اوزره
آنی بکا ویر) دیو بایعك مشتری ثانیدن دعواسی استماع
اولماز

۱۶۴۲ ماده

متوفاك لهنه و علیه نه اولان دعوا ده یالکز ورثه دن
بررسی خصم اوله بیلور

فقط ترکه دن بر عینی دعوا ده اول عین ورثه دن کیمك

ی‌دنده ابدہ خصم او در . ذی‌الید اولیان وارث خصم
اولہ‌ماز

مثلاً متوفانک بر کسندہ اولان الہ جغنی ورثہ دن یالکز
بری دعوی ایدہ یلور و بعد اثبوت اول الہ جغنی مجموعی
جملہ ورثہ ایچہ ون حکم اولنور . فقط مدعی اولان
وارث اندن یالکز کندی حصہ سنی قبض ایدر سائر
ورثہ نیک حصہ سنی قبض ایدہ مز

کذلک بر کیمسہ ترثہ دن دین دعوی ایدہ جک اولدقدہ
ورثہ دن یالکز بر یسنک حضورندہ دعوی ایدہ یلور .
کریک اول وارث ی‌دندہ ترکہ دن مال بولمسون و کریک
بولمسون . و بویله یالکز بر وارثک حضورندہ دعوی
دین ایدو بدہ اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی تقدیردہ
دیندن آنک حصہ سنہ نقدر اصابت ایدرسہ یالکز اول
مقداری و یرمک اوزرہ امر اولنور وانک اقراری سائر
ورثہ یہ سرایت ایتز . و اگر اقرار ایتسوبدہ مدعی
یالکز اول وارثک حضورندہ دعوی سنی اثبات ایدرسہ
جملہ ورثہ علیہنہ حکم اولنور . و مدعی اولو جملہ
محکوم بہ اولان دینی ترکہ دن الہ جق اولدقدہ سائر ورثہ
مدعی یہ اول دینی تکرار بزم حضور مزدہ اثبات ایت
دیہ منزله فقط مدعی نیک دعوی سنی دفعہ صلاحیتلری وار

در . اما قبل القسمه متوفانك تركه سندن اولان فقط
 ورثه دن برينك ينده بولنسان برآتی بر کیمسه بنم مالم
 اولوب متوفایه ایداع ایتمشیدم دیو دعوی ایده جک
 اولدنده خصم انجق ذوالید اولان وارث در . دیگر
 ورثه دن دعوی ایتسه استماع اولماز . و ذی الیددن دعوی
 ایدوبده انک اقرار یله حکم اولنور ايسه سائر ورثه یه سرایت
 ایتزانک اقرار ی انجق کندی حصه سی مقدار نجه نافذ اولوب
 انک اول آتده اولان حصه سی مدعینک اولق اوزره حکم
 اولنور واکر ذی الید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی
 دعواسنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیه نه حکم
 اولنور . (۷۸) ماده یه باق

۱۶۴۳ ماده

ارشدن غیری بر سبب ملک ایله بر قاج کیمسه بینده
 مشترک اولان بر عینی دعواده شرکادن بری دیگرک
 حصه سنده مدعی یه خصم اولدمن

مثلا شراطر یقیله بر قاج کیمسه بینده مشترک بر خانده یی
 بر کیمسه شرکادن یا لکز بری حضورنده ملکمدر دیو
 دعوی و اثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر
 اولان شریکک حصه سنده مقصور اولوب سائرینه سرایت
 ایتز

۱۶۴۴ ماده

طریق عام کی منافعى عمومہ عائد اولان یرلرک دعواسنده
عامه دن یالکز بریسی مدعی اولوب انک دعواسی
استماع ایله مدعا علیه اوزرینه حکم اولنه یلور

۱۶۴۵ ماده

اهالیلری قوم غیر محصور اولان ایکی قریه بینده نهر
ومرعی کی منافعى مشترك اولان شیلر دعواسنده طرفیندن
بعضیلرینک حضوری کافیدر . اما اهالیلری قوم
محصور اولدیغی صورتده بعضیلرینک حضوری کافی
اولیوب جمله سنک یاخود طرفلرندن وکیللرینک حضوری
لازمدر

۱۶۴۶ ماده

یوز نفردن زیاده اولان قریه اهالیسی قوم غیر محصور
عدا اولنور

(فصل رابع)

(تناقض پیدائنده در)

۱۶۴۷ ماده

تناقض ملکیت دعواسنده مانع اولور
مثلا برکیمسه برمال استشرایا ایدوبده یعنی صاتون المق

استبوابه بعده اول مال قبل الاشتراك كسند و سنك ملكي
ايد و كني دعوى ايتسه مسموع اولماز . و كذا فلان كسند ده
هيج بر حقم يو قدر ديد كدن صكره اول كسند دن بر شي
دعوى ايتسه مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسند دن فلان آدمه وير مك اوزره
سكا شو قدر غروش وير مشيدم سن اكا وير ميوب يد كده
قالمغله كتور اول مبلغى وير ديو دعوى ايتد كده مدعا
عليه انكار ايتمكه مدعى اقامه بينه ايتد كد نصكره مدعا
عليه دونوبده كر چك اول آدمه وير مك اوزره بكا او قدر
غروش وير مشيدك لكن بن اول مبلغى اكا تسليم ايلدم
ديو دفع دعوى ايده چك اولسه مسموع اولماز

و كذلك بر كيمسه ديكر ك ينده اولان بر دكانى ملكمدر
ديو دعوى ايتد كده ذواليد كر چك اول دكان سنك ملكك
ايدى لكن فلان تاريخده سن انى بكا بيع ايتمشيدك ديو
دعوى و مدعى اصلا بيلمزده بيع و شرا جريان ايتدى ديو
كايما انكار ايتمكه ذى اليد دعوا سنى اثبات ايتد كدن
صكره مدعى دونوب فى الحقيقة اول دكانى اول تاريخده
سكا بيع ايتمش ايدم لكن بيع وفا يا خود شو مقوله شرط
ايلاه عقد اولمشيدى ديو دعوى ايلسه استماع اولتماز

۱۶۴۸ ماده

بر کیمسه بر مالی دیگر کسینه نك اولدیغنی اقرار ایتدکن
صکره بندر دیو دعوی ایتسه صحیح اولدیغنی کبی آخرک
طرفندن بالوکاله یا بالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح
اولماز

۱۶۴۹ ماده

بر کیمسه دیگر کسینه بی جمیع دعوادن ابرا ایتدکن
صکره کندوسی ایچون اندن بر مال دعوی ایتسه صحیح
اولماز . اما بشقه سی ایچون بالوکاله یا خود بالوصایه
دعوی ایدیلور

۱۶۵۰ ماده

بر کیمسه بر مالی آخر کسینه ایچون دعوی ایتدکن
صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز .
اما کندوسی ایچون دعوی ایتدکن صکره بالوکاله
آخر کسینه ایچون دعوی ایدیلور زیرا دعوی و کیلی
بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار اما بر کسینه عند الخصومه
کندو ملکی بشقه سنه مضاف قیلماز

۱۶۵۱ ماده

حق واحد ابکی کشیدن ابرو ابرو استیفا اولنه مدیغی

کبی جهت و احده دن طولایی حق واحد ایکی کشیدن
ادما دخی اولنه ماز
ماده ۱۶۵۲

نصل که متکلم و احدهك دعواسنده تناقض بولنور
ایسه وکیل و موکل و وارث و مورث کبی متکلم
واحد حکمنده اولان ایکی کسنه نك کلا مرنده دخی
تناقض تحقق ایدر • شویله که بر خصوص حقننده
موکلدن سبق ایدن دعوایه منافی و کیلی بر دعوی در میان
ایتسه صحیح اولماز
ماده ۱۶۵۳

خصمك تصدیقیله تناقض مرتفع اولور
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن اوله رق دیگر کسنه دن شو
قدر غروش اله جق دعوی ایتدکن صکره مبلغ مزبورك
جهت کفالتدن اولدیغنی دعوی ایدوبده مدعی علیه
دخی بونی تصدیق ایلسه تناقض مرتفع اولور
ماده ۱۶۵۴

حاکمك تکذیبیله دخی تناقض مرتفع اولور
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نك یدنده اولان مالی بنذر دیو
دعوی ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانك ایدی
بن اندن صاتون الدم دیو انکار ایتمکله مدعی اقامه بینه

ایدو بده حکم اولسه محکوم علیه اول مالک ثمنیه بایعنه
رجوع ایدر واکرچه ابتدا اول مال بایعک ایدوکنی
اقرار ایتسیله صکره کی رجوعی بینده تناقض وار ایسه
ده حاکم حکمیه بواقارای تکذیب اولندیغندن تناقض
مرتفعدر

ماده ۱۶۵۵

محل خنا اولوبده مدعینک معذرتی ظاهر اولور ایسه
تناقض معفو اولور

مثلا برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکدنصکره بن صغیر
ایکن پدرم بوخانه بی بنم ایچون اشترا ایش حین استیجارده
خبرم یوق ایدی دیو موجردن ادعا و بو یولده بر قطعه
سند ابراز ایلسه دعوائی مسموع اولور

کذلک برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکدنصکره و قتیله
اول خانه کندوسنه پدرندن ارثا انتقال ایش ایدوکنه
واقف اولوبده موجردن ادعا ایلسه دعوائی استماع قلمور
ماده ۱۶۵۶

تقسیم ترکیه ابتدار مقسومک مشترک اولدیغنی اقرار در
بناء علیه بعدالتقسیم مقسومی بنمدر دیو دعوی ایتک
تناقضدر

مثلا تركه نك تقسيمند نصكره ورثه دن بر يسي اعيان
مقسوم و مدد دن بر يني بن متوفادن صاتون المشيدم يا خود
متوفى انى حال صحته بكا هبه و تسليم ايتشيدى ديو ادا
ايتسه مسموع اولماز فقط بن صخير ايكن متوفى اول مالى
بكا ويرمش وقت تقسيمده بيليموردن دير ايتسه معذور و
دعواسى مسموع اولور
۱۶۵۷ ماده

مناقض كور ينان ايكي كلامك توفيق ممكن اولوبده مدعى
دخى توفيق ايدر ايتسه تناقض مرتفع اولور
مثلا بر خانه ده مستأجر اولديغنى اقرار ايتش ايكن بو خانه
بندر ديو دعوى ايتسه استماع اولماز . اما مستأجر
ايدم صكره صاحبندن صاتون الدم ديو توفيق ايتسه
دعواسى استماع اولنور

كذلك بر كيسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش
دعوى ايدوبده مدعا عليه دخى بن سندن بر شى الدم
وسنگاه بينزده هيچ بر معامله جارى اولماشدر يا خود
بن سنى اصلا طائيم ديو بده مدعى اقاله بينه ايتدكدن
صكره مدعا عليه بن اول مبلغى ايضا ايتشيدم يا خرد سن
بنى اندن ارا ايتشيدم ديو ادا ايتسه تناقض اولمغله
دعواسى استماع اولنماز . اما مدعىك دعواى

مشر و حده سی اوزرینه مدعا علیه سکا هیچ بورجم یو قدر
دیو بده مدعی اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت
سکا او قدر بورجم وار ایدی لکن بنانی سکا نادیه
ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتمشیدک دیو دعوی
واثبات ایلسه مدعی بی دفعه ایدمیلور

و کذاک بر کیمسه دیگر کمنه دن سنده شویله برو دیعه م
وار ایدی و یر دیو دعوی ایتد کده مدعا علیه سن بکا
اصلا برشی ایداع ایتدک دیو انکار ایدوبده مدعی
اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه بنانی سکا ردو تسلیم
ایتمشیدم دیو دفعه ایده جک اولور سه بو دفعی سموع
اولیوب و دیعه امک ینده موجود ایسه مدعی انی عینا
الور و مستهلک ایسه قیمتی تضمین ایتدیرر اما مدعینک
دعوای مشروحه سی اوزرینه مدعا علیه بنده سنک اویله
و دیعه ک یو قدر دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه
ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت اویله برو دیعه ک وار ایدی
لکن بنانی سکا ردو تسلیم ایتمشیدم دیو ادعا ایسه دعواسی
سموع اولور

۱۶۵۸ ماده

بر کیمسه بر عقدک باتا و صحیحا کند و سدن صادر اولدیغنی
اقرار ایدرک بو اقراری سنده ربط اولدقدن صکره

دو نوبده اول عقدك و فاء و يا خود قاسدا منعقد اولديغنى
ادعا ايلسه دعواسى مسموع اولماز
(۱۰۰) ماده يه باق

مثلا بر كيمسه ملك منزلى بر كسنه يه ثمن معلوم مقابلنده
بيع و تسليم ايتد كدنصكره حضور حاكمه واروب بن
شو حدود ايله محدود اولان منزلى شو قدر غروش
مقابلنده فلان كسنه يه بيع بات صحيح ايله صاتم ديو
اقرار ايدوبده بو اقرارى سنده ربط اولند كدنصكره
دو نوبده بيع مزبوري وفا طريقيه يا خود شو مقوله
شرط مفسد ايله عقد اولمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى
مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسنه ايله اولان دعواسندن صلح
اوله رق حضور حاكمه واروبده اول صلحك صحيحا
عقد اولنديغنى اقرار ايدرك بو اقرارى سنده ربط
اولند كدنصكره دو نوبده صلح مزبوري شو مقوله شرط
مفسد ايله اولمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى مسموع
اولماز

ماده ۱۶۵۹

بر كيمسه بر مالى ملكمدر ديو ديكر كسنه حضورنده آخره
بيع و تسليم ايتد كده اول كسنه كورو بده بلا عذر

سكوت ايتشيكن صكره دن اول مال بندر ياخود آنده
 حصه واردر ديو دعوى ايتسه نظر اولنور . اكر
 اول كسنه بايعك اقرار بندين ياخود زوج و زوجه دن
 بريسى ايتسه اشبو دعواى مطلقا استماع اولنماز . و اكر
 اجانبدين ايتسه اول وجهله يالكر مجلس بيعة بولنمى
 دعواسنك استماعنه مانع اوليوب انجق مجلس بيعة
 حاضر اولدقد نبشته مشتريك بر مدت اول ملكده اينيه
 يامق ياخود يقيمق و ياخود اغاج ديكيمك كبي تصرف
 ملك ايله تصرفنى كور و بده بلا عذر سكوت ايتدكدن
 صكره بر وجه بالا بنم ملكدز ياخود آنده حصه وار
 در ديو دعوى ايتسه كذلك استماع اولنماز

(باب ثانى)

(مرور زمان حقنده در)

۱۶۶۰ ماده

دين و وديعه و ملك عقار و ميراث و عقارات موقوفه ده
 مقاطعه ياخود اجارتي ايله تصرف و مشروطه توليت
 و غيله دعوالرى كبي اصل وقفه و عمومه عائد اولميان
 دعوالر اون بش سنه ترك اولندقد نصكره استماع اولنماز

۱۶۶۱ ماده

اصل وقف حقننده متولی و مرتزقه ك دعوالری اوتوز
التي سنه يه قدر استماع اولنور
اما اوتوز التي سنه مرور ايتدكدنصكره ارتق استماع
اولنماز

مثلا بر كيمسه اوتوز التي سنه بر عقاره ملكيت اوزره
متصرف اولدقدنصكره بروققك متوليسي اول عقاره بنم
وققمك مستغلاتنددر ديو دعوى ايتسه استماع اولنماز

۱۶۶۲ ماده

طريق خاص ومسئيل وحق شرب دعوالری اكر ملك
عقارده ايسه اون بش سنه مرور ايتدكدن صكره
استماع اولنماز و اكر عقارات موقوفه ده ايسه متولينك
انلری اوتوز التي سنه يه قدر دعوايه صلاحيتي واردر
اون سنه مرورندن صكره اراضی ميريه دعوالری
استماع اولنمديغی كبی اراضی ميريه ده کی طريق خاص
ومسئيل وحق شرب دعوالری دخی اون سنه ترك
اولندقدنصكره استماع اولنماز

۱۶۶۳ ماده

بو بابده معتبر یعنی دعواك استماعنه مانع اولان مرور
زمان انجق بلا عذر واقع اولان مرور زماندر

یو خسه مدعینک و صیدی بولنسون بولنسون صغیر
یا مجنون یا معتوه اولسی یا خود مدت سفر اولان اخر
دیارده بولنسی و یا خود خصمنک متغلبه دن اولسی کبی
اعذار شرعیه دن بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولماز
بناء علیه مرور زمانک مبدئی عذرک زوال و اندفاعی
تاریخندن اعتبار اولنور

مثلا بر کیمسه نك حال صغیر نده کچن زمانه اعتبار اولنمیوب
مرور زمان انجق حد بلوغه و اصل اولدیغی تاریخندن
معتبر در

کذلک بر کیمسه نك متغلبه دن بویله دعواسی اولوبده
خصمنک تغلبی تمتد اوله رق دعوی ایدمه مدیکندن مرور
زمان بولنسه اول دعوانک استماعنه مانع اولماز . مرور
زمان انجق تغلبک زوالی تاریخندن معتبر در

ماده ۱۶۶۴

مدت سفر سیر معتدل ایله اوچ کونلک یعنی اون سکر
ساعتلک مسافه در

ماده ۱۶۶۵

بیلنرنده مدت سفر اولان ایکی بلده ساکنلرندن بریسی
بر قاق سنده بر صکره بر بلده ده بر لشوب یکدیگر یله
محاکمه لری قابل ایکن بر برندن برشی دعوی اتمه رک

بووجهله مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرور دن
مقدم تاریخ ایله برینک دیکرندن دعواسی استماع اولماز
۱۶۶۶ ماده

برکیمسه بر خصوصی حضور حاکمه دیکر کسیندن
برقاج سینده بر کره دعوی ایدوب انجق فصل دعوی
ایلمیه رک بووجهله اون بش سنه مرور ایسه دعوانک
استماعنه مانع اولماز . اما حضور حاکمه اولسان ادعا
ومطالبه مرور زمانی دفع ایده من

بناء علیه بر کیمسه بر خصوصی مجلس حاکم غیر
پرلده ادعا ومطالبه ایدرک بووجهله مرور زمان بولنسه
مدعینک دعواسی استماع اولماز
۱۶۶۷ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادمایه صلاحیت کلدیکی
تاریخدن اعتبار اولنور

بناء علیه دین مؤجل دعواده مرور زمان انجق حلول
اجلدن معتبر اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعینک
اول دینی دعوی ومطالبه به صلاحیتی یوقدر

مثلا بر کیمسه دیکر کسیندن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنی
اویچ سنه مؤجل اولوق اوزره سکا بیع ایلمدیکم فلان شی
شمندن سینده شوقدر غروش اله جفم واردر دیو دعوی

ایلسه استماع اولنور . زیرا حملول اجلدن اعتبارا
انجق اون ایکی سنه کچمش اولور

کذلک بطننا بعد بطن اولاده مشروط وقفه دائر بطن
ثانیه بولنان اولادک دعوالرنده مرور زمان انجق بطن
اولک انقراضی تاریخندن معتبردر . زیرا بطن اول
موجود ایکن بطن ثانینک دعوایه صلاحیتی یوقدر

و ذلک مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانک مبدائی وقت
طلاقدن یاخود احد زوجینک وفاتی تاریخندن اعتبار
اولنور . زیرا مهر مؤجل یاطلاق یاخود وفات ایله
معجل اولنور

۱۶۶۸ ماده

مفلس اولان کسینده دن الهجق دعواسنده مرور زمان
انجق افلاسک زوالی تاریخندن معتبردر

مثلا اون بش سنه دنبرو مقادیا مفلس اولوب هنوز کسب
یسار ایلدیکی متحقق اولان بر کیمسه دن دیگر کسینده
اون بش سنه مقدم ذمتکده فلان جهتدن شوقدر غروش
اله جفم و ارایدی اول تاریخدنبرو مفلس اولدیغک جهته
دعوی ایده مدم شمدی اداء دینه اقتدارک اولغله دعوی
ایدرم دیسه استماع اولنور

۱۶۶۹ ماده

بر کیمسه بر دعوایی بوجه بالا بلا عذر ترك ایدرك مرور
زمان بولنسه اول دعوی حیاتنده کیندوسندن استماع
اولندیغی کبی وفاتنده وارشدن دخی استماع اولنماز

۱۶۷۰ ماده

بر دعوایی بر مدت مورت و بر مدت وارث ترك ایدوبده
ایکی مدتک نجوعی مرور زمان حدینه بالغ اولورسه
ارتق استماع اولنماز

۱۶۷۱ ماده

بایع ایله مشتری و واهب ایله موهوبله مورت ایله وارث
کبیدر

مثلا بر کیمسه بر عرصه یه اون بش سنه متصرف اولوب
اول عرصه نك اتصالنده خانه سی اولان کیمسنه بومدته
سکوت ایتدکن صکره اول خانه یی آخره بیع ایتدکده
مشتری اول عرصه اشبو اشترا ایتدیکم خانه نك طریق
خاصینر دیو دعوی ایلسه مسموع اولماز

کذلک بر مدت بایع و بر مدت مشتری سکوت ایدوبده ایکی
مدتک نجوعی مرور زمان حدینه بالغ اولسه مشتری نك
دعواسی استماع اولنماز

۱۶۷۲ ماده

متوفات دیگرنده اولان بر مالی دعواده ورثه سندن
 بعضیلری حقنده مرور زمان بولنش یکن دیگر بعضیسی
 حقنده صغر کی بر عذر ایله مرور زمان بولندیغنه مبنی
 اول مالی دعوی و اثبات ایتدکده مدعا به ده اولان
 حصه سی کندوسنه حکم اولنور و بوحکم سار و رثه یه
 سرایت ایتز

۱۶۷۳ ماده

بر کیمسه بر عقارده مستأجر اولدیغنی مقر ایکن اون بش
 سنه دن زیاده زمان مرور ایتکله اکا مالک اوله ماز
 اما انکار ایدوبده مالک دخی اول عقار بنم ملکدر شو
 قدر سنه مقدم سکا ایجار ایتشیدم دائما اجرتنی قبض ایدرم
 دیو دعوی ایتدکده نظر اولنور

اگر ایجاری بین الناس معروف ایسه دعواسی استماع
 اولنور . دکل ایسه استماع اولنماز

۱۶۷۴ ماده

تقادم زمان ایله حق ساقط اولماز
 بناء علیه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا علیه حضور
 حاکمه مدعینک دعواسی وجهله حالا کندوسنده حق
 اولدیغنی صراحة اقرار و اعتراف ایدیورر ایسه مرور

زمانه اعتبار اولنموب مدعا علیه اقرارى موجب
حکم اولنور

امامدعى علیه حضور حاکمه اقرار ایتیموبده مدعى انک
دیگر محله اقرار ایتش اولدیغنى دعوى ایدرسه مدعینک
اصل دعواسى استماع اولنمدیغى کبی اقرار دعواسى
دخی استماع اولنماز

فقط دعوى اولنان اقرار مقدماتى علیه معروف
اولان خط و یا ختمى حاوی بر سنده ربط اولنوبده اول
سندک تاریخدن وقت دعوايه قدر مرور زمان مدتى
بولنماش ایسه اوصورتده اقرار دعواسى استماع اولنور
ماده ۱۶۷۵

طریق عام ونهر و مرعى کبی منافعى عمومه عائد اولان
یرلک دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولنماز
مثلا بر قریه یه مخصوص اولان مرعایى بر کیمسه بلا نزاع
الی سنه ضبط وتصرف ایتدکدنصکره قریه سی اهلایسى
اول مرعایى اندن دعوى ایتسه لر استماع اولنور

اراده سنیه تاریخی فی ۹ جادی الاخری سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی ناظر عدلیه
سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات
السید احمد حلمی شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضاء مجلس تدقیقات
عمر حلمی شرعیه احمد خالد

اعلامات میزنی معاوینی

عبد الستار

— ❧ كتاب البينات والتحليف ❧ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بنجه عمل اولنه)

(کتاب خامس عشر)

(بینات و تحلیف حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)

(مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات قهیمیه بیاننده در)

۱۶۷۶ ماده

بینه • حجت قویه دیمکدر

۱۶۷۷ ماده

تواتر • کذب اوزره اتفاقلری عقلا جائز اولمیان جماعتک

خبریدر

۱۶۷۸ ماده

ملک مطلق • ارث و شرا کبی اسباب ملکدن بر یله

مقید اولمیان مالکیتدر • و بویله بر سبب ایله مقید اولان

ملکیتیه دخی ملک بسبب دینیلور

۱۶۷۹ ماده

ذی الید • بر عینه بالفعل وضع ید ابدن یا خود تصرف

ملک ایله تصرفی ثابت اولان کیمیه در

۱۶۸۰ ماده

خارج . بوجه بالا وضع بد و تصرف در بری اولان
کیمسه در

۱۶۸۱ ماده

تحلیف . احدی خصمینه یمین ویرمکدر

۱۶۸۲ ماده

تحالف . خصمندن ایکیمسنه دخی یمین ویرمکدر

۱۶۸۳ ماده

تحکیم حال . یعنی حال حاضری حکم قبلق استحباب
قبیلندندر

استحباب دخی عدمی مظنون اولیان بر امر محقق
بقاسیله حکم ایتمکدر که ابقاء ما کان علی ما کان دیمک
اولور

(باب اول)

(شهادت حقنده اولوب سکز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شهادتک تعریف و نصایب بیاننده در)

۱۶۸۴ ماده

شهادت . برکیمسندنک آخر کیمسنه ده اولان حقنی اثبات

ایچون حضور محاکمه و خصمینک مواجهه لرنده شهادت
لفظیه یعنی شهادت ایدرم دیو خبر ویرم کدر
اشبو مخبره شاهد و اول کیسه یه مشهود له و اول کسنه یه
مشهود علیه و اول حقه مشهود به دیتیلور
۱۶۸۵ ماده

حقوق عبادده شهادتک نصیبی ایکی ار یاخود برار ایله
ایکی خانوند . فقط ار ککلاک اطلاقی ممکن اولمیان
یرلرده یالاکز خانونلرک مال حقنده شهادتلی قبول
اولنور

۱۶۸۶ ماده

دلسزک و اعمانک شهادتلی مقبول دکدر

(فصل ثانی)

(شهادتک کیفیت اداسی بیاننده در)

۱۶۸۷ ماده

مجلس محاکمه نک خارجنده اولان شهادت معتبر دکدر

۱۶۸۸ ماده

شاهدلرک مشهود بهی بالذات معاینه ایتش اولوبده
اولوجهله شهادت ایلمسی لازمدر . سماع ایله یعنی ناسدن
ایشتمد دیو شهادت ایلمسی جائز اولماز

فقط بر محلك وقف يا خود بر كس نهك فوت اولديغنه
ثقه دن ايشتم ديو شهادت ايتسه يعنى بوكا شهادت
ايدرم زيرا ثقه دن بويله ايشتم ديسه شهادتى مقبول
اولور

و ولايت و موت و نسب خصوصلرنده وجه شهادتى
بويله تفسير ايتليرك يعنى ايشتم سوزيني سويليرك سماع
ايله شهادت ايتلى جائزدر

مثلا فلان آدم فلان تاريخده بوبلدهده والى يا خود حاكم
ايدى و فلان آدم فلان وقت فوت اولدى و فلان كيسه
فلانك اوغليدر بويله بيلورم ديو بده ايتتم ديميرك
صورت قطعيده شهادت ايتديكى صورتده هر نقدر
بو خصوصلرى معايينه ايتامش اولسه و سنى انلرى معايينه
مساعدا اولسه بيله شهادتى قبول اولنور . و برده ناسدن
ايشتم ديميو بده بلكه بز بو خصوصى معايينه ايتدك
اما بيمزده بويله مشتهر در بويله بيلورز ديهرك شهادت
ايتسه هر صورتده جائز اولور

۱۶۸۹ ماده

شاهد اكر شهادت ايدرم ديميو بده يالكر فلان خصوصى
بويله بيلورم يا خود خبر و بررم ديمش اولسه اداء
شهادت ايتلش اولماز . فقط انك اوزرينه حاكم اكا

بویله شهادت ایدرمیسن دیوسؤال ایدو بده او دخی اوت
 بویله شهادت ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتیش اولور
 واکرچه اهل خبره نك اخباری کبی مجرد تحقیق
 واشتکشاف حال ایچون واقع اولان افاداده شهادت
 لفظی شرط دکادر انجق بونلر شهادت شرعیه اولیوب
 مجرد اخبار قبیلندندر

۱۶۹۰ ماده

مشهودله و مشهود علیه و مشهود به حاضر ایسه لر شاهر
 شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانك بووجهله
 اشارتی کفایت ایدر • مشهودله ایله مشهود علیهک بابا
 و ددهلرینك اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلز

اما غائب اولان موککله یاخود متوفایه دائر اولان
 شهادتده شاهد انلرک بابا و ددهلرینك اسملرینی ذکر ایتک
 لازمدر • فقط مشهور و معروف اولان برکیمسه ایسه
 شاهد انك یالکز اسم و شهرتی ذکر ایتک کافیدر زیرا
 مقصد اصلی انی سائرندن تمیز ایدهجک وجهله تعریفدر
 ۱۶۹۱ ماده

عقاره دائر اولان شهادتده حدودنك بیانی لازمدر •
 فقط شاهد اکر مشهود به اولان عقارک حدودینی ذکر

ایتموبده محلنده تعیین و ارائه ایده بیله چکنی بیان ایلر ایسه
 محلنه کیدیلوب ارائه ایتدیریلور
 ماده ۱۶۹۲

(۱۶۲۳) ماده ده بیان اولندیغی اوزره مدعی سندنده کی
 حدوده استناد ایله دعوی ایتدیگی تقدیرده شاهدلر
 دخی بوسندده حدودی محرر اولان عقار انک ملکیدر
 دیو شهادت ایتسeler صحیح اولور
 ماده ۱۶۹۳

برکیمسه مورثک دیگر کیمسه ذمتنده شوقدر غروش
 الهجفی اولدیغی دعوی ایتدکده شاهدلر اگر متوفانک
 اول کیمسنده اول مقدار الهجفی اولدیغنه شهادت
 ایتسeler کفایت ایدر ورثه سنه موروث اولشدر دیو
 تصریح حاجت یوقدر

دین یرینه عین ادما اولندیغی صورتده یعنی اول کیمسه
 یدنده مورثک برمال معینی بولندیغی ادما اولندقدده دخی
 حکم ینه بو وجهله در
 ماده ۱۶۹۴

برکیمسه ترکدن شو قدر غروش الهجق دعوی ایتدکده
 شاهدلر اگر متوفانک اول کیمسه به او قدر زینی اولدیغنه
 شهادت ایتسeler کفایت ایدر وفاتنه قدر ذمتنه باقی ایدی

دیو تصریحہ حاجت یوقدر • دین یرینه عین ادعا
اولدیغی صورتده یعنی اول کیمسه متوفانک یدنده
کندوسنک بر مال معینی اولدیغنی دعوی ایتدکده دخی
حال بومنوال اوزره در

۱۶۹۵ ماده

برکیمسه دیگر کسنه دن اله جقی دعوی ایتدکده شاهدلر
ا کر اول کیمسه نك مدعی به اول مقدار دینی اولدیغنه
شهادت ایتسلر کفایت ایدر • فقط خصمی حالا دینک
بقاسندن سؤال ایدو بده شاهدلر حالا بقاسنی بیلیز دیسه لر
شهادتلی رد اولنور

(فصل ثالث)

(شهادتک شروط اساسیه می بیانده در)

۱۶۹۶ ماده

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

۱۶۹۷ ماده

محسوسک خلافتنه اقامه اولنان بیننه مقبول اولماز
مثلا برکیمسه نك بر حیات ویا بر خانه نك معمر اولدیغی
مشاهد ایکن اول کسنه نك وفات ایلدیکنه یا خود اول
خانه نك خراب اولدیغنه بیننه اقامه اولنسه مقبول و معتبر
اولماز

۱۶۹۸ ماده

متواتر ك خلافتنه اقامه اولنان بینه قبول اولماز

۱۶۹۹ ماده

بینه برحق اظهار ایچون مشروع قلمشدر • بناء علیه
فلان کیمسه اوایشی ایشلیدی و فلان شی فلان کسنه نك
دکدر و فلانك فلانہ بورجی یوقدر کبی نفی صرفه
شهادت قبول اولماز • فقط نفی متواتر بینه سی مقبولدر
مثلا بر کیمسه فلان کیمسه یه فلان وقت فلان محمله شو
قدر غروش اقراض ایتدم دیوجھت فرضدن اول مقدار
غروش دعوی ایدوب حالبوکه اول کسنه نك اولوقت
اوراده اولمیوبده بشقه محمله بولندیغی تواترا اثبات
اولنسه اشبو تواتر بینه سی مقبول اولوب مدعینك
دعواسی مستوع اولماز

۱۷۰۰ ماده

شهادتده دفع مغرم وجر مغرم یعنی دفع مضرت و جلب
منفعت داعیه سی اولماق شرطدر

بناء علیه اصلك فرعہ و فرعك اصلہ یعنی ابا و اجداد
وامهات و جداتك اولاد و احفادی لہلرینه و اولاد
واحفادك ابا و اجدادی و امهات و جداتی لہلرینه و هكذا
احد زوجینك دیکری لهنه شهادتتری مقبول اولماز •

اما بونلردن ماعدا اقر بانك يك ديكري لهسنه شهادتلى
مقبول اولور كذاك بر كيمسه نك اتفاقيه تعميش ايدن
آدمنك و اجير خاصنك كندو لهسنه شهادتلى مقبول
اولماز . اما قپو يولداشلىرىنك يكديكرى لهنه شهادتلى
مقبول اولور و كذاك شريكرك مال شر كتمده يكديكرى
لهسنه شهادتلى و كفيل بالمال اولان كيمسه نك اصيل
طرفندن مكفول بهك ادا اولنديغنه شهادتى مقبول اولماز
اما سائر خصوصلرده يكديكره شهادتلى مقبول اولور
ماده ۱۷۰۱

دوسنك دوسته شهادتى مقبولدر . فقط بيلنلنده كى
دوستلق يكديكر ك مالنده تصرف ايتمه مرتبه سنه وارر
ايسه اول حالده يكديكر ك لهسنه شهادتلى مقبول اولماز
ماده ۱۷۰۲

شاهد ايله مشهود عليه بيننده عداوت دنيويه اولماق
شرطدر . عداوت دنيويه عرف ايله بيلنور
ماده ۱۷۰۳

بر كيمسه هم مدعى وهم شاهد اوله ماز
بناء عليه وصينك يتيمه و وكيك مؤكده شهادتلى صحيح
اولماز

۱۷۰۴ ماده

بر کیمسه نك كندو فعلنه شهادتی معتبر دكلدر
بناء عليه وکیللك ودلاللك بزيع ایتشیدك دیو كندو
فعلارینه شهادتلی معتبر اولماز

كذلك بر بلده حاكمی انفصا-انندن صكره قبل الانفصال
كندوسندن صدور ایتش اولان حكمه شهادت ایلسه
صحیح اولماز اما قبل الانفصال بر کیمسه نك كندی حضورنده
واقع اولان اقرارینه بعد الانفصال شهادت ایلسه معتبر
اولور

۱۷۰۵ ماده

شاهدك عادل اولمسی شرطدر
عادل حسنانی سیئاته غالب اولان کیمسه در
بناء علیه رقاص و مسخره کبی ناموس و مروتی محل حال
و حرکتلی اعتیاد ایدن اشخاصك و کذب ایله معروف
اولان کسانك شهادتلی مقبول اولماز

(فصل رابع)

(شهادتك دعوايه موافقتی بیاننده در)

۱۷۰۶ ماده

شهادت اكر دعوايه موافق ایلسه قبول اولور . دكل

ایسه قبول اولماز . فقط لفظه اعتبار اولیوب معنی
موافقت کافیدر

مثلا مدعا به و دیعه اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک ایداعی
اقرار ایلدیکنه شهادت ایتدیلر یا خود مدعا به غضب
اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک غصبی اقرار ایلدیکنه
شهادت ایتدیلر مقبول اولور .

کذاک مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدوبده شاهدلر
کذاک مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتدیلر مقبول
اولور

۱۷۰۷ ماده

شهادتک دعوا به موافقتی یا اکا تمامیه مطابقتی و یا خود
مشهود بهک مدعا بهدن اقل اولسی صورتیدر

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکدر دیو دعوی
ایدوبده شاهدلر دخی ایکی سنه دنبرو ملکی اولدیغنه
شهادت ایتدکری صورتده شهادتلی مقبول اولدیغی
کی برسنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکری
صورتده شهادتلی قبول قیلنور

کذاک مدعی بیک غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بشیوزه
شهادت ایتدکری صورتده بشیوز غروش حقنده شهادتلی
قبول اولنور

۱۷۰۸ ماده

مدعی با اقل اولوبده شاهدل اکثره شهادت ایلسمدر
مقبول اولماز

مگر که شهادت ايله دعوی بینده کی اختلاف ذاتاً قابل
توفیق اولوبده مدعی دخی انلرک بینی توفیق ایلده
اولخالده شهادت قبول قیلنور

مثلاً مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکدر دیودعوی
ایدو بده شاهدل اوچ سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت
ایلسه لر قبول قلماز . کذلک مدعی بشیوز غروش دعوی
ایدو بده شاهدل بیک غروشه شهادت ایتسه لر قبول اولماز
اما مدعی بنم آنده اله جغم فی الواقع بیک غروش ایدی
لکن بشیوز بینی استینفا ایتشیدم شاهدل اوراسنی تیلزلر
دیو دعوی ايله شهادتک بیننی توفیق ایلسمه شاهدل بیک
شهادتی قبول اولنور

۱۷۰۹ ماده

مدعی مثلاً شو باغ بنم ملکدر دیو ملک مطلق دعواسی
ایدو بده شاهدل مدعی بو باغی فلانندن صاتون الدی
دیو ملک مقیده شهادت ایتسه لر قبول اولنور
شویله که شاهدل اولوجهله ملک مقیده شهادت ایتدکارنده
حاکم سنده بوسبيله می ملک دعواسی ایده یورسین یو خسه

آخر سبيله می دیو مدعیدن سؤال ایدر مدعی اکر اوت
بنده بوسبيله دعوی ایدرم دیر ایسه حاکم اول شاهدلرک
شهادتی قبول ایدر واکر سبب آخرله دعوی ایدرم
یاخود بن بوسبيله دعوی ایتم دیر ایسه حاکم اول
شاهدلرک شهادتی ردایلر

ماده ۱۷۱۰

مدعی مثلاً بر باغده ملک مقید دعواسی ایتدیکی صورتده
نظر اولنور اکر بایعنی ذکر ایتیهلرک صاتون الدم
یاخود مبهم اوله رق بر ادمدن صاتون الدم دیر ایسه
ملک مطلق دعواسی حکمنده اولمغله شاهدلر بو باغ
انک ملکیدر دیو ملک مطلقه شهادت ایتسهلر قبول
اولنور

اما فلان آدمدن صاتون الدم دیو بایعنی تصریح ایدوبده
شاهدلر ملک مطلقه شهادت ایتسهلر شهادتلی قبول
اولنماز

چونکه ملک مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعی ثابت
اولوب زوائدینه مثلاً باغک مقدا حصوله کلمش اولان
میوهلرینه دخی مدعینک مالک اولسی لازم کلور ملک
مقید ایسه انجق سینک مثلاً عقد بیع وشرانک تاریخ

وقوعندن اعتباراً نابت اولور بوجهته ملك مطلق ملك
مقيده نسبتله اكثر اولور و بصورته شاهدلر اكثره
شهادت ايتمش اولورلر

۱۷۱۱ ماده

شهادت اكر دينك سبينده دعوايه مخالف اولور ايسه
مقبول اولماز

مثلا مدعى ثمن مبيع اولق اوزره بيك غروش الهحق
دعوى ايدوبده شاهدلر مدعا عليهك جهت قرضدن
طولاي اولقدار ديني اولديغنه شهادت ايلسهلر مقبول
اولماز . كذلك مدعى بوملك بكا پدرمدن موروثر ديو
دعوى ايدوبده شاهدلر اناسندن موروثر اولديغنه
شهادت ايتسهلر مقبول اولماز

(فصل خامس)

(شاهدلك اختلافلى بيانده در)

۱۷۱۲ ماده

شاهدلر مشهود بهده اختلاف ايتسهلر شهادتلى مقبول
اولماز

مثلا شاهدلك برى بيك غروشلق التون وديكرى بيك
غروشلق سيم مجديه ديو شهادت ايتسهلر شهادتلى
قبول اولماز

شاهدرك مشهود به متعلق اولان برشیده اختلافری
 مشهود بهده اختلافی موجب اولور ایسه شهادتلی
 قبول اولماز و موجب اولماز ایسه قبول اولنور
 بناء علیه غصب و ایفای دین کی صرف فعلدن عبارت
 اولان خصوصاً صرده شاهدرك بری بر زمان معینه و یا مکان
 معینه فعله و دیگری زمان آورده یا مکان آورده فعله
 شهادت ایسه بر بواختلافری مشهود بهده اختلافی موجب
 اولمغله شهادتلی قبول اولماز

اما قول قبیلندن اولان بیع و شرا و اجاره و کفالت
 و حواله و هبه و رهن و دین و قرض و ابرا و وصیت
 خصوصاً صرنده شاهدرك زمان و مکانده اختلافری مشهود
 بهده اختلافی موجب اولمغله شهادتلی قبولنه مانع
 اولماز

مثلاً بر کیمسه بورجی ادا ایتش اولدیغنی دعوی ایدوبده
 شاهدرك بری خانه سنده و دیگری دکانده ادا ایلش
 اولدیغنه شهادت ایتسه بر شهادتلی قبول اولماز . اما
 بر کیمسه دیگر کسینه نك یدنده اولان بر مال ایچون سن
 بو مالی بکا شو قدر غروشه صاتمش ایدك انی بکا تسلیم
 ایت دیو دعوی ایتدکده شاهدرك بریسی فلان خانه ده

ودیکری فلان دکانده صانمش اولدیغنه شهادت ایتسه لر
 شهادتلی قبول اولنور . زیرا فعل تکرار واعاده
 اولنه ماز . اما قول تکرار واعاده اولنه بیلور
 ۱۷۱۴ ماده

شاهد لر مال مغصوبک رنکنده یاخود ارکک و یا دیشی
 اولسنده اختلاف ایتسه لر شهادتلی قبول اولماز
 مثلا مغصوب اولان حیوان حقه نه شاهدلرک بری قیر
 آت و دیکری یاغز یا آل آت و یاخود بری آت و دیکری
 قصراق دیو شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول اولماز
 ۱۷۱۵ ماده

دعوی عقدده شاهد لر بدلاک مقدارنده اختلاف ایتسه لر
 شهادتلی قبول اولماز
 مثلا شاهدلرک بری برمالک بشیوز غروشه و دیکری اوچ
 یوز غروشه صانادیغنه شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول
 اولماز

(فصل سادس)

(تزکیه شهود حقه نه در)

۱۷۱۶ ماده

شاهد لر شهادت ایتدکنده حاکم مشهود علیحدن نه دیرسین
 بولر شهادت لرنده صادقیدر لر یوخسه دکلیدر لر دیو سؤال

ایدر . مشهود علیه اگر شاهد بر بوشهادت نرند صاقد رلر
یا خود بوشهادت نرند عادل رلر دیر ایسه مدعا بهی اقرار
ایتمش اولور و اقرار یله حکم اولور . و اگر یونلر شاهد
زوردرلر یا خود بونلر عادل آدملر در لیکن بو خصوصده
خطا ایده یورلر یا خود واقعه یی اونو تمش لر دیر ایسه و یا خود
یا لکز بونلر عادل آدملر در دیمکله برابر مدعا بهی انکار
ایسه حاکم حکم ایتموب شاهد لری سرا و علنا تزکیه ایله
عادل اولوب اولدقلرینی تحقیق ایلر

۱۷۱۷ ماده

شاهد لر کرک سرا و کرک علنا منسوب اولدقلری جانبدن
یعنی طلبه علومدن ایسه ساکن اولدقلری مدرسه مدرسی
ایله معتمد اهالیسندن و عسکریدن ایسه طابوری ضابطان
و کاتب لرندن و کتبه دن ایسه قلمی ضابطان و خلف اسندن
و تجاردن ایسه تجارک معتبرانندن و اصنافدن ایسه
کتخداسیله اونجه اوسته لرندن و صنوف ساثره دن ایسه
محله و یا قریه لرینک موثوق و مؤتمن اهالیسندن تزکیه
اولور

۱۷۱۸ ماده

سرا تزکیه اصطلاح فقهاده مستوره تعبیر اولور و ورقه
ایله اجرا اولور

شویله که حاکم اول ورقه به مدعی و مدعی علیه اسملرینی
 و مدعا به ایله شهودک اسم و شهرت و صنعتلرینی و اشکال
 و محملرینی و بابا و دده لرینک اسملرینی و معروف ایسه دلر
 یالکزام و شهرتلرینی تحریر و الحاصل شاهدلری سائرندن
 تمیز ایدمک و جهله تعریف و بیان و برظرف درونه
 وضع ایله اوزرینی مهرلدکن صکره مزکی انتخاب
 اولنان کسمنه لره ارسال ایدر مزکیلر دخی مستوره یی
 فتح و قرائت ایدوب ایچنده اسملری محرر اولان شاهدلر
 عادل ایسه دلر اسملری تحته عدل و مقبول الشهاده دیو تحریر
 و عادل دکلر ایسه عادل دکلر دیو تحریر و امضا ایلیه رک
 مستوره یی کتورن آدمی و آخر کسمنه یی مضمونه واقف
 ایتمکسزین ظرف اوزرینی مهرلیوب حاکم اعاده ایدر
 ۱۷۱۹ ماده

مستورده مزکیلر طرفندن شاهدلر حقنده عادل و مقبول
 الشهاده دیو یازلیوبده عادل دکلر یاخود حاللرینی بیلیر
 و یا مجھول الاحوال و یاخود الله بیلور کی صراحة
 یاخود دلالة جرحی افاده ایدر بر سوز یازلمش اولور
 و یاخود هیچ بر شی یازمقسزین مستوره مختوما حاکم
 اعاده اولنور ایسه حاکم اول شاهدلرک شهادتی قبول
 ایتمز

بوصورتده حاکم طرفندن مدعییه سنک شاهدلرک جرح
اولندی دینلیوب انجق بشقه شاهدلرک وارایسه کتور
دینلور

واکر مستورهده عادل و مقبول الشهاده درلر دیو یازلمش
ایسه مرتبه ثانیهده اوله رق علما تزکیهیه ایتدار اولنور
ماده ۱۷۲۰

علما تزکیه بوجهمله اجرا اولنور که مزکیلر حضور
حاکم جلب ایلر مترافعان حاضر اولدقلری حالده
شاهدلر تزکیه اولنور و یا خود مترافعان برابر اولدقلری
حالده شاهدلر تزکیه نایبده ترفیقا مزکیلرک یانلرینه
کوندریلرک محملارنده علما تزکیه اولنورلر

ماده ۱۷۲۱

سرا تزکیهده برمزکی کافی ایسهده احتیاطه رعایه لااقل
ایکی اولملیدر

ماده ۱۷۲۲

تزکیه علنیه شهادت قبیلمدن اولوب شهادتک شرط
ونصابی بونده دخی معتبردر . شو قدر وار که مزکیلرک
شهادت لفظنی ذکر ایتلمی لازم دکدر

ماده ۱۷۲۳

بر حاکمک عندنده بر خصوص ضمننده عدالتی ثابت

اولان شاهدلرینه اول حاکمک حضورنده دیکر بر خصوصه
شهادت ایتدکارنده اکر اردهنی التی آی یکمماش ایسه
حاکم تکرار انلری تزکیه ایله مشغول اولماز . واکر
التی آی یکممش ایسه حاکم تکرار انلری تزکیه ایله
۱۷۲۴ ماده

کرت قبل التزکیه وکرت بعد التزکیه مشهود علیه دفع
مغرم یاخود جر مغرم کی شهادتک قبولنه مانع اولور
برشی اسنادیله شاهدلره طعن ایدر ایسه حاکم اندن بینه
طلب ایله . و مشهود علیه بونی بالینه اثبات ایلدیکی
تقدیرده حاکم اول شاهدلرک شهادتلرینی رد ایدر واثبات
ایده مدیکی تقدیرده حاکم اکر شاهدلری تزکیه ایتماش
ایسه تزکیه ایله . واکر تزکیه ایش ایسه شهادتلری
موجبجه حکم ایدر

۱۷۲۵ ماده

مزکیلردن بعضیسی شاهدلری جرح و بعضیسی تعدیل ایله
جرح طرفی مرجح اوله رق حاکم انلرک شهادتلیله حکم ایتز
۱۷۲۶ ماده

معاملاتده شاهدلر بعد اداء الشهاده فوت و یاخود غائب
اولسدلر حاکم انلری تزکیه ایدرک شهادتلیله حکم
ایده یلور

(تذييل)

(تخليف شهود حقنده در)

ماده ۱۷۲۷

مشهود اليه قبل الحكم شاهد له شهادت نده كاذب
اولد قرينه يمين وير ديو حاكمه الحاح ايدو بده شهادت
يمين اليه تقويته دخی لزوم كورلديكي تقديرده حاكم
او شاهد له يمين ايتديره ييلور . و حاكم شاهد له يمين
ايدرسه كز شهادت كزي قبول ايدرم والا ايتيم ديه ييلور

(فصل سابع)

(شاهد لك شهادتن رجوعى حقنده در)

ماده ۱۷۲۸

شاهد لك بعد اداء الشهاده وقبل الحكم حضور حاكمه
شهادت نندن رجوع ايتسهلر شهادت لري كائن لم يكن
حكمنده اولور و كندولري تعذير اولورلر

ماده ۱۷۲۹

شاهد لك بعد الحكم حضور حاكمه شهادت نندن رجوع
ايتسهلر حاكمك حكيمى نقص اولمى . وب محكوم به
شاهد له تضمين ايتدير ييلور (۸۰) ماده يه باق

۱۷۳۰ ماده

شاهدلك بعضیسی بروجده بالا شهادتندن رجوع ایتدکده
اگر باقیسی نصاب شهادته بالغ ایسه رجوع ایدندن
ضمان لازم کلمز فقط تعزیر اولنور . و اگر باقیسی نصاب
شهادته بالغ دکسه محکوم بهک نصفی رجوع ایدن برکشی
اولدیغی تقدیرده مستقلا ا کا و بردن زیاده اولدقلری
تقدیرده بالاشترک سو یا انلره تضمین ایتدیریلور

۱۷۳۱ ماده

رجوعک شرطی حضور حاکمه اولمقدر . شاهدلك
بشقه محله رجوعنه اعتبار یوقدر
بناء علی ذلک مشهود علیه شاهدلك بشقه محله
شهادتندن رجوع ایتدکرینی دعوی ایسه مسموع اولماز
و شاهد بر حاکم حضورنده شهادت ایتدکنصکره دیگر
حاکم حضورنده شهادتندن رجوع ایسه رجوعی
معتبر اولور

(فصل ثامن)

(تواتر حقننده در)

ماده ۱۷۳۲

کثرت شهوده اعتبار یوقدر
یعنی طرفیندن برینک طرف آخره نسبتله شاهدلری زیاده
اولمغله انک ترجیح اولمسی لازم کلز . مکرکه شاهدلرینک
کثرتی درجه تواتره بالغ اوله

ماده ۱۷۳۳

تواتر علم یقین افاده ایدر
بناء علیه بالاده بیان اولندیغی اوزره تواترک خلافتنه بینه
اقامه اولنه ماز

ماده ۱۷۳۴

تواترده لفظ شهادت شرط اولدیغی کبی عدالت دخی
ارائماز . بناء علیه مخبرلرک تزکیه سنه حاجت کورنمز
ماده ۱۷۳۵

تواترده مخبرلرک عدد معینی یوقدر . انجق عقل انلرک
کذب اوزره اتفاقلرینی تجویز ایتیه جک مرتبه برجم
غفیر اولملری لازمدر

(باب ثانی)

(حج خطیه وقرینه قاطعه بیاننده اولوب ایکی)

(فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(حج خطیه بیاننده در)

۱۷۳۶ ماده

یالکز خط و ختم ایله عمل اولتماز . فقط شبهه تزویر
و تصنیعدن سالم ایسه معمول به یعنی مدار حکم اولور
بشقه وجهله ثبوته حاجت قالماز

۱۷۳۷ ماده

برات سلطانی و قیود دفتر خاقانی تزویردن امین اولمغله
معلول بهدر

۱۷۳۸ ماده

کتاب قضا و بیان اولنه جنجی وجهله حیل و فساددن
سالم اوله جق صورتده طوتیلان سبجلات محاکم ایله دخی
عمل اولنور

۱۷۳۹ ماده

مجرد و ققیه ایله عمل اولتماز . اما بروجه بالا موثوق
و معتمد به اولان سبجل محکمه ده مقید ایسه اول حالده
معمول به اولور

(فصل ثانی)

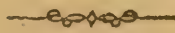
(قرینه قاطعه بیانده در)

۱۷۴۰ ماده

اسباب حکمیدن بریسی دخی قرینه قاطعه ددر

۱۷۴۱ ماده

قرینه قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره در
مثلا بر کسینه النده قانه بولا شمش بچاق اولدیغی حالده
خوف وتلاش ایله بر خالی خانه دن چیقدیغی کبی در عقب
او خانه یه کیر یلورده هنوز بوغاز لانش بر شخص کورلسه
اول کسینه بو شخصک قانلی اولدیغنه اشتباه اولنماز .
شاید که اول شخص کندو کندوسنی اولدرمش اولوق
کبی صرف احتمالات وهیمیه التفات قلنماز . (۷۴)
ماده یه باق



(باب ثالث)

(تحلیف بیانده در)

۱۷۴۲ ماده

اسباب حکمیدن بری دخی یمین یاخود یمیندن نکولدر
شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلدیکی
تقدیرده انک طلبیله مدعا علیه یمین ویریلور

فقط بر کسمه دیگر کسمه دن سن فلانک و کیلیسین دیو
دعوی ایدوبده اول کسمه انکار ایتدیکی صورته
کندوسنه یمین ویرلک لازم گلز

کذلک ایکی کشینک هربری بر کسمه نك یدنده کی مالی اندن
اشترا ایتدم دیودعوی ایدوبده اول کسمه برینه صاتیغنی
اقرار ایله دیگرینک دعواسنی انکار ایتدیکی صورته
کندویه یمین توجه ایتز

بوخصوصده استیجار و ارتهان و اتهاب دخی اشترا
کبدر

۱۷۴۳ ماده

ختمندن بری تحلیف اولنه حق اولدیغی حالده والله
و یاخود بالله دیو الله تعالی حضرتلرینک اسمنه قسم
ایتدیریلور

۱۷۴۴ ماده

یمین انجیق حاکم یاخود نائبنک حضورنده اولور
بشقه کسمه حضورنده اولان یمیدن نکوله اعتبار
یوقدر

۱۷۴۵ ماده

تحلیفده نیابت جاری اولور . اما یمینده نیابت جاری
اولماز

بناء عليه دعوى وكيلارى خصمه يمين ويرديره بيلور .
 اما موكلارينه يمين توجه ايتدكده بالذات انلوك يمين ايتمى
 لازم كلور وكيلارينه يمين ايتديريله من
 ۱۷۴۶ ماده

يمين انجق خصمك طلبى اوزرينه ويريلور . فقط درت
 رده بلا طلب حا كم طرفندن يمين ويريلور
 اولاً بر كيمسه تركه دن برحق دعوى واثبات ايتدكده
 حا كم مدعى به بو حقتى متوفادن بروجله استيفا ايتديكنه
 و ايتدرمديكنه وانى ابرا وبشقه سنك اوزرينه حواله
 ايتلديكنه وبشقه كسنه طرفندن ايفا اولمديغنه وبو حقت
 مقابلنده متوفانك رهنى اولمديغنه يمين ويرر اشته بوكا
 يمين استظهار دينور

ثانياً بر كيمسه بر ماله مستحق چيقوبده دعواسنى اثبات
 ايتدكده اول مالى كسنه به صاتمماش و هبه ايتماش
 والحاصل بروجله ملكندن چيقار ماش ايدوكنه حا كم
 طرفندن يمين ويريلور

ثالثاً مشترى ميبه عيبنه بناء رد ايدو حكت اولدقده
 عيبنه مطلع اولدقدن صكره قولاي خود (۳۴۴) ماده ده
 بيان اولنديغنى اوزره ملاك كك تصرفى كى تصرف ايله

دلالت عینه راضی اولماش ایدوکنه حاکم طرفندن یمین
ویریلور

رابعاً حاکم طرفندن شفعه ایله حکم اولنه جق اولدوقده
شفعه شفعه یی ابطال یعنی حق شفعه سنی بروجهله اسقاط
ایتماش اولدیغنه یمین ویریلور

۱۷۴۷ ماده

خصمک طلبی اوزرینه هنوز حاکم طرفندن یمین تکلیف
اولندین مدعا علیه یمین ایدیویرسه معتبر اولیوب تکرار
حاکم طرفندن تحلیف اولنمی لازم کاور

۱۷۴۸ ماده

برکیمسه کندو فعلنه دائر یمین ایده جک اولدوقده شاته
یمین ویریلور یعنی بوشی بویله در یاخود دکلدر دیو قطعیا
یمین ایتدیریلور

اما دیگر کیمسه نک فعلی حقه نه یمین ایده جک اولدوقده
عدم علمه یمین ویریلور یعنی اول شیی بیلمدیکنه یمین
ایتدیریلور

۱۷۴۹ ماده

یمین یاسبیه یاخود حاصله اولور
شویله که بر خصوصک واقع اولوب اولدیغنه یمین ایتمک

سببه یمیندر و بر خصوصك حالا باقی اولوب اولدیغنه
یمین ایتك حاصله یمیندر

مثلا بیع و شرا دعواسنده عقد بیعك اصلا وقوع
بولدیغنه یمین ایتك سببه یمیندر . اما عقدك حالا باقی
اولوب اولدیغنه یمین ایتك حاصله یمیندر

۱۷۵۰ ماده

مختلف دعوالر مجتمع اولدقده بر یمین کفایت ایدر هر
برینه بشقه بشقه یمین و یرمك لازم کلز

۱۷۵۱ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالر ده کندویه یمین توجه ایدن
کیمسه یه یمین تکلیف اولنوبده یمین ایتم دیو صراحة
یاخود بلاعذر سکوت ایله دلالة یمیندن نکول ایتسه حاکم
انك نکول ایله حکم ایدر . و بعدالحکم یمین ایده جك
اولسه اكا التقات اولنمیوب حاکم حکمی حالی اوزره
قالور

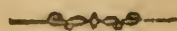
۱۷۵۲ ماده

داسزك اشارت معهوده سیله یمینی و یمیندن نکولی
معتبردر

(لاحقہ)

۱۷۵۳ مادہ

مدعی هیچ شاهد یوقدر دید کردن صکره شاهد
کتوره جک اولسه یاخود فلان وفلانن بشقه شاهد
یوقدر دید کردن صکره آخر شاهد وار دیسه قبول
اول نماز



(باب رابع)

(ترجیح بینات و تحالفه دائر اولوب درت فصلی)
(مشتملدر)

(فصل اول)

(تنازع بالایدی بیانده در)

۱۷۵۴ مادہ

منازع فیه اولان عقارده ذی الیدلک بینہ ایله اثبات
اولنق لازمدر . طرفینک تصادقی یعنی مدعینک
دعواسی اوزرینه مدعا علیہک دخی اقرار ایلسی ایله مدعا
علیہک ذی الید اولدیغنه حکم اولنه ماز
فقط مدعی اول عقاری بن سندن اشترا ایتیشیدم یاخود
سن انی بدن غصب ایتیشیدک دیودعوا ایتدیکی صورتده

مدعا علیہک ذی الید اولدیغنی بینہ ایلہ اثباتہ حاجت
یوقدر

و برده منقول هر کیمک بدنده ایسه ذی الید اودر بروجه
بالا بینہ ایلہ اثباتہ حاجت یوقدر . و بونده طرفینک
تصادقی کافیدر

۱۷۵۵ ماده

ایکی کیمسه بر عقارده نزاع ایدوب هربری اول عقاره
ذی الید اولدیغنه بینہ طلب اولنور
ایکیسی بردن ذی الید اولدقلرینه اقامه بینہ ایتدکری
تقدیرده ایکیسنک دخی مشترکا ذی الید اولدقلری ثابت
اولور

واکر بری وضع یدینی اثباتدن اظهار عجز ایدوبده
دیگری واضع الید اولدیغنه اقامه بینہ ایدرسه انک ذی
الید اولدیغنه حکم اولنوب او بری خارج عد اولنور
و خصمیندن هیچ بریسی ذی الید اولدیغنی اثبات ایدمه
ایسه هر برینه آخرک طایفه خصمینک اول عقارده ذی الید
اولدیغنه یمین و یریلور . ایکیسی دخی یمیندن نکول
ایدرسه بالاشتراک اول عقارده ذی الید اولدقلری ثابت
اولور . واکر بری یمیندن نکول ایدوبده دیگری یمین

ایدر ایسه یمین ایدن کیمسه اول عقاره مستقلا واضع
 الید اولقی اوزره حکم اولنوب دیکری خارج عدا اولنور .
 واکر هر بری یمین ایدرسه هیچ بریسنک ذی الید
 اولدیغنه حکم اولنوب حقیقت حال ظاهر اولنجده دك
 مدعا به اولان عقار توقیف اولنور

(فصل ثانی)

(ترجیح بینات حقنده در)

۱۷۵۶ ماده

ایکی کشی بر مالده علی الاشتراك متصرف یعنی ایکیمی
 دخی ذی الید ایکن بری بالاستقلال و دیکری بالاشتراك
 ملکدر دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه سی اولادر
 یعنی ایکیمی دخی اقامه بینه ایده جک اولدقلرنده دعوی
 استقلال ایدهنک بینه سی دعوی اشتراك ایدهنک بینه سی
 اوزرینه ترجیح اولنور واکر ایکیمی دخی استقلال
 دعوانسی ایدوبده اقامه بینه ایتسه لر اول عقار مشترکا انلره
 حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز اولوبده دیکری
 اثبات ایلسه اول عقار مستقلا انک ملک اولقی اوزره
 حکم ایدیاور

۱۷۵۷ ماده

تاریخ بیان اولنمیان ملک مطلق دعواسنده خارجک
بینه سی اولادر

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان خانه ایچون بو
خانه بنم ملکمدر بو آدم اکا بغیر حق وضع بد ایدیور
الیورلمسی مطلوبدر دیو دعوی و ذی الید دخی بو خانه
بنم ملکمدر بو جهته له بحق وضع بد ایدرم دیو دعوی
ایتدکده خارج اولان کیمسه نک بینه سی ترجیح واستماع
قلنور

۱۷۵۸ ماده

شراکی تکرری قابل بر سهیله مقید اولان و تاریخ بیان
اولنمیان ملکیت دعوالری ملک مطلق دعواسی حکمنده
اولوب بونلرده دخی خارجک بینه سی ذی الیدک بینه سی
اوزرینه ترجیح اولنور

فقط ایکیمی دخی بر شخصدن تعلق ملک ایتمش اولدقلرینی
ادعا ایتدکری صورتده ذی الید بینه سی ترجیح قلنور
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان بر دکان ایچون
بو دکانی بن ولی اغادن اشترا ایتدم بو جهته بنم ملکم
ایکن بو آدم بغیر حق وضع بد ایدیور دیو دعوی و ذی
الید دخی بنانی بکرافتیدن اشترا ایتدم یاخود پدرمدن

موروثدر بوجهتله وضع ید ایدرم دیو دعوی ایتدکده
خارجک بینه سی ترجیح واستماع اولنور . اما ذی الید
بو دکانی ولی اغادن بن اشترا ایتدم دیسه اول حالده
ایک بینه سی خارجک بینه سی اوزرینه ترجیح قلنور
۱۷۵۹ ماده

تساج کبی تکرری قابل اولیان برسپبله مقید ملکیت
دعوالرنده ذی الید بینه سی اولادر
مثلا خارج و ذی الید بر طایده نزاع ایدو بده هر بری اول
طایک کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعوا
ایتدکارنده ذی الیدک بینه سی ترجیح اولنور
۱۷۶۰ ماده

ملک مورخ دعواسنده تاریخی مقدم اولانک بینه سی
اولادر

مثلا برکیمسه دیگر کسینه نک یننده اولان عرصه ایچون
بن بو عرصه یی بر سنه مقدم فلان شخصدن اشترا ایتدم
دیو دعوی و ذی الید دخی بو عرصه بش سنه مقدم
وفات ایدن پدرمدن بکا موروثدر دیو دعوی ایتدکده
ذی الیدک بینه سی ترجیح اولنور . واکر التی آی
مقدم وفات ایدن پدرمدن موروثدر دیمش اولسه اول
حالده خارجک بینه سی ترجیح قلنور . کذلک خصمینک

هر بری مدعا بهی بشقه بشقه شخصلردن اشترا ایتش
اولدقلرینی ادعا وایکیسیده بایعئرئک تار یخ تملککرینی بیان
ایتسه لر قنغیسئک بایعئرئک تار یخ تملکی مقدم ایتسه انک
بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۱ ماده

تاج دعواسنده تار یخه اعتبار اولیوب بروجده بالا
ذی الید بینه سی ترجیح اولنور

انجق مدعا بهک سنی ذی الیدک تار یخنه توافق ایتدیکی
صورته اکر خارجک تار یخنه توافق ایدرسه خارجک
بینه سی ترجیح اولنور . واکر سنی ایتکینه دخی مخالف
اولور یاخود معلوم اولماز ایتسه اول حالده ایتکینه
بینه لری متها تر یعنی متساقط اوله رق مدعا به ذی الیدک
یدنده ترك وابقا قلنور

۱۷۶۲ ماده

زیاده بینه سی اولادر

مثلا بایع و مشتری ثمنک یا مبیعک مقدارنده اختلاف ایتسه لر
زیاده دعوی ایدنه نک بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۳ ماده

تملیک بینه سی عاریت بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور
مثلا برکیمسه دیگر کسینه نک یدنده کی مالی عاریت ویرمشیدم

دیو کیر و المی ایتدیوبده اول کمنه دخی سن اول مالی
بکا بیع یا هبه ایتشیدک دیسه بیع یا هبه بینه سی ترجیح
قیلنور

۱۷۶۴ ماده

بیع بینه سی هبه ورهن و اجاره بینه لری اوزرینه و اجاره
بینه سی رهن بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور
مثلا برکیمسه دیگر کمنه یه فلان مالی سکا صاتمشدیم ثمنی
ویر دیو دعوی ایدوبده اول کمنه دخی سن انی بکا هبه
و تسلیم ایتشیدک دیو دعوی ایتدکده بیع بینه سی ترجیح
قیلنور

۱۷۶۵ ماده

ماریتده اطلاق بینه سی اولادر

مثلا برعاریت آت مستعیریدنده تلف اولوبده معیر بن انی
سکا درت کون قوللانق اوزره اعاره ایتشیدیم سن ایسه
درت کون مرورنده آتی بکا تسلیم ایتیوب بشنجی کون
یدنده هلاک اولمغله قیمتی ضامن اول دیو دعوی و مستعیر
دخی سن او یله درت کونه دک دیو تقید ایتیوب علی
الاطلاق قوللانق اوزره بکا اول آتی اعاره ایتشیدک دیو
دعوی ایتدکده مستعیرک بینه سی ترجیح و استماع اولنور

۱۷۶۶ ماده

صحت بینده سی مرض موت بینده سی اوزرینه ترجیح اولنور
مثلا برکیمسه برمالی ورثه سندن برینه هبه ایدوبده
وفات ایتدکده دیگر ورثه انی مرض موتنده هبه ایش
اولدیغنی وموهوب له دخی حال صحتنده هبه ایش
ایدوکنی ادعا ایتدکده موهوب له ک بینده سی ترجیح
قلنور

۱۷۶۷ ماده

عقل بینده سی جنون و یاغته بینده سی اوزرینه ترجیح
اولنور

۱۷۶۸ ماده

حدوث ایله قدم بینده سی جمع اولدوقده حدوث بینده سی
ترجیح اولنور

مثلا برکیمسه ک ملککنده دیگر کسینه ک مسیلی اولوبده
حادثر یاخود قدیمردیو بینلرنده اختلاف واقع اوله رق
صاحب خانه انک حدوثنی ادعا ایله رفعنی طلب و
صاحب مسیلی دخی انک قدمنی ادعا ایتدکده صاحب
خانه ک بینده سی ترجیح قلنور

۱۷۶۹ ماده

راجع طرفی اقامه بینده دن اظهار عجز ایتدیکی صورته

مرجوح طرفدن بینه ایستنیلور اثبات ایدرسه فیه
ایده مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیریلور
۱۷۷۰ ماده

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتدیکله
مرجوح طرفی اقامه بینه ایدو بده موجبله حکم اولندقدن
صکره راجح طرفی اقامه بینه ایتک استمدیکی تقدیرده
ارتق اکا التفات اولنماز

(فصل ثالث)

(سوز کیم اولدیغنه و تحکیم حاله دائر در)

۱۷۷۱ ماده

زوج ایله زوجه ساکن اولدقلری خانه درونده کی اشیاده
اختلاف ایتدکلری صورتده نظر اولنور . تفنک و قلمج
کبی یالکز زوجه صالح اولان یا خود اوانی و مفروشات
کبی ایکسینده صالح اولان شیرده زوجه نك بینه سی
ترجیح اولنور . و ایکسینده اثباتدن عاجز اولدقلری
صورتده سوز مع الیمین زوجکدر . یعنی اول اشیا
زوجه سنک اولدیغنه یمین ایدرسه کندوسنک اولدیغنه
حکم اولنور

اما یالکز نسایه صالح اولان البسه و حلیات کبی شیرده

زوجك بینه سی ترجیح قلنور • وایکیسیده اثباتدن عاجز
اولدقلری تقدیرده سوز مع الیمین زوجه نکدر • مکر که
بری دیگره صالح اولان شیرلک صانع و بایعی اونورسه
هر حالده سوز مع الیمین آنک در

مثلا کوپه نسایه مخصوص حلیاتدن اولوب انجق زوج
قیوجی اولدیغی صورتده سوز مع الیمین آنک اولور
۱۷۷۲ ماده

احد زوجینک وفاتنده ورثه مورثک مقامنه قائم اولور
فقط طرفین برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلری تقدیرده
ایکیسنه دخی صالح اولان شیرلده سوز مع الیمین حیاتنده
اولانکدر • وایکیسنی بردن وفات ایتدکاری صورتده
ایکیسنه ده صالح شیرلده سوز مع الیمین زوجک
ورثه سنکدر

۱۷۷۳ ماده

واهب هبه دن رجوع ایتک استیوبده موهوب له دخی
موهوبک تلف اولدیغی دعوی ایتدکده سوز بلا یمین
موهوب له کدر

۱۷۷۴ ماده

امین اولان کیمسه برائت ذمتی حقه ده یمینله تصدیق
اولنور

نه کیم مودع ودیعہ بی دعوی ایدوبده ودیع دخی بن انی
سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعکدر . فقط
یمیندن خلاص ایچون اقامه بینہ ایدہ جک اولور سه
بینہ سی استماع قلنور

۱۷۷۵ ماده

مختلف دیونی اولان کسنه دائننه بر مقدار شی ویردکن
صکره قنغی دیننه محسوباً ویرمش اولدیغنی دعوی
ایدر سه سوز انکدر

۱۷۷۶ ماده

بردکر نیک مدت اجاره سی منقضی اولدقدن صکره
مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویک انقطاعی حسبیلہ
اول مدتک اجریدن حصه سنی تنزیل ایتک ایستیه رک
موجرایله بینلرنده اختلاف واقع اولوبده بینہ دخی
اولدیغنی تقدیرده نظر اولنور

ا کر اختلافلی مدت انقطاعک مقدارنده ایسه مثلاً
مستأجر اون کون ومو جر انجق بش کون انقطاعی
دعوی ایتسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

وا کر اختلافلی اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر
صویک انقطاعی کلیاً انکار ایتسه حال حاضر تحکیم
اولنور . یعنی حکم قلنور . شویله که ا کر صووقت

دعوی و خصوصتده جاری ایسه سوز مع الیمین مو جر کدر
واکر اولوقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر
ماده ۱۷۷۷

بر کیمسه نك خانه سینه اقان صو یولی حقنده حادثدر یا خود
قدیمدر دیو اختلاف اولنویده صاحب خانه مسیلك
حادث اولدیغنی ادما ایله رفه نی ایستدیکی و طرفینك
بینه لری اولدیغنی صورتده نظر اولنور

اكر وقت خصوصتده اول مسیلدن صو جریان ایدر
یا خود اولجه جریانى معلوم اولور ایسه حالى اوزره
ابقا اولنور . و سوز مع الیمین صاحب مسیلك اولور .

یعنی مسیلك حادث اولدیغنه یمین ایتدیریلور
واكر وقت خصوصتده صو جریان ایتزو یا اندن اولجه
جریانى معلوم اولماز ایسه سوز مع الیمین صاحب خانه نك
اولور

(فصل رابع)

(تحالفه دائر در)

ماده ۱۷۷۸

بایع و مشتری ثمنك یا مبیعك و یا ایکیسنك دخی مقدارنده
یا و صفنده و یا جنسنده اختلاف ایتدکری صورتده

هر قنغیسی اقامه بینہ ایلر ایسه انک لهنه حکم اولنور
واکری ایکیسی دخی اقامه بینہ ایدرلر ایسه زیاده بی
اثبات ایدنهک لهسنه حکم اولنور

وایکسی دخی اثباتدن عاجز اولورلر ایسه انلره یا بریکز
او بریکزک دعواسنه راضی اولور یا خود بیعی فسخ
ایلر دینیلور . و بونک اوزرینه بریسی دیگرینک
دعواسنه راضی اولماز ایسه حاکم انلرک هر برینه
دیگرینک دعواسی اوزرینه یمین و برر و ابتدا مشرتیدن
بدأ ایلر هر قنغیسی یمیندن نکول ایدر ایسه آخرک
دعواسی ثابت اولور واکری ایکیسی دخی یمین ایدر سه
حاکم اول بیعی فسخ ایدر

ماده ۱۷۷۹

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ایتمدن اجرتک
مقدارنده موجر ایله اختلاف ایتدکده مثلاً مستأجر
اجرت اون التوندور و موجر اون بش التوندور دیو دعوی
ایتدکاری تقدیرده قنغیسی اقامه بینہ ایدر ایسه قبول
اولنور

وایکسی بردن اقامه بینہ ایدرلر ایسه موجرک بینه سیله
حکم اولنور واکری ایکیسی دخی اثباتدن عاجز اولورلر
ایسه ایکیسیده تحلیف قلنور و مستأجرک تحلیفیه بدأ

اولنور . هر قنغیسی نكول ایدر ایسه نكولیله الزام
قیلنور وایکیسی دخی یمین ایدر ایسه حاکم عقد اجاره‌یی
فسخ ایلر

مدته یاخود مسافده اختلاف ایتدکاری حالده دخی
حکم بو وجهله در شوقدر وارکه ایکسیسی دخی اقامه بینه
ایتدکاری تقدیرده مستأجرک بینه سیمله حکم اولنور
وتخالف صورتده موجرک تحلیفیه بدأ ایدیاور
۱۷۸۰ ماده

مدت اجاره‌نک انقضاسندن صکره موجر و مستأجر ماده
آنفده بیان اولندیخی اوزره اختلاف ایتسه لرتخالف
یوقدر سوز مع الیمین مستأجر کدر
۱۷۸۱ ماده

مدت اجاره ائساننده موجر و مستأجر اجرته مقدارنده
اختلاف ایتسه لرتخالف جاری اولوب باقی مدت حقنده
عقد اجاره فسخ اولنور یکن مدتک حصه‌سنده دخی سوز
مستأجرک اولور

۱۷۸۲ ماده
مشتري ينده مبيع تلف ياخود مانع رد اولور بر عيب
حادث اولدوقدن صکره متبايعان اختلاف ایتسه لرتخالف
یوقدر انجق مشتري تحلیف اولنور

۱۷۸۳ ماده

اجل دعواسنده یعنی مؤجل اولوب اولماقده و شرط
خیارده و ثمنک کلیسنی یا بعضیسنی قبضده تحالف
اولیوب بو اویچ صورتده دخی منکر اولان تحلیف
قلنور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین القتوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل اجد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیه

السید اجد حلمی و مجلس انتخاب احکام

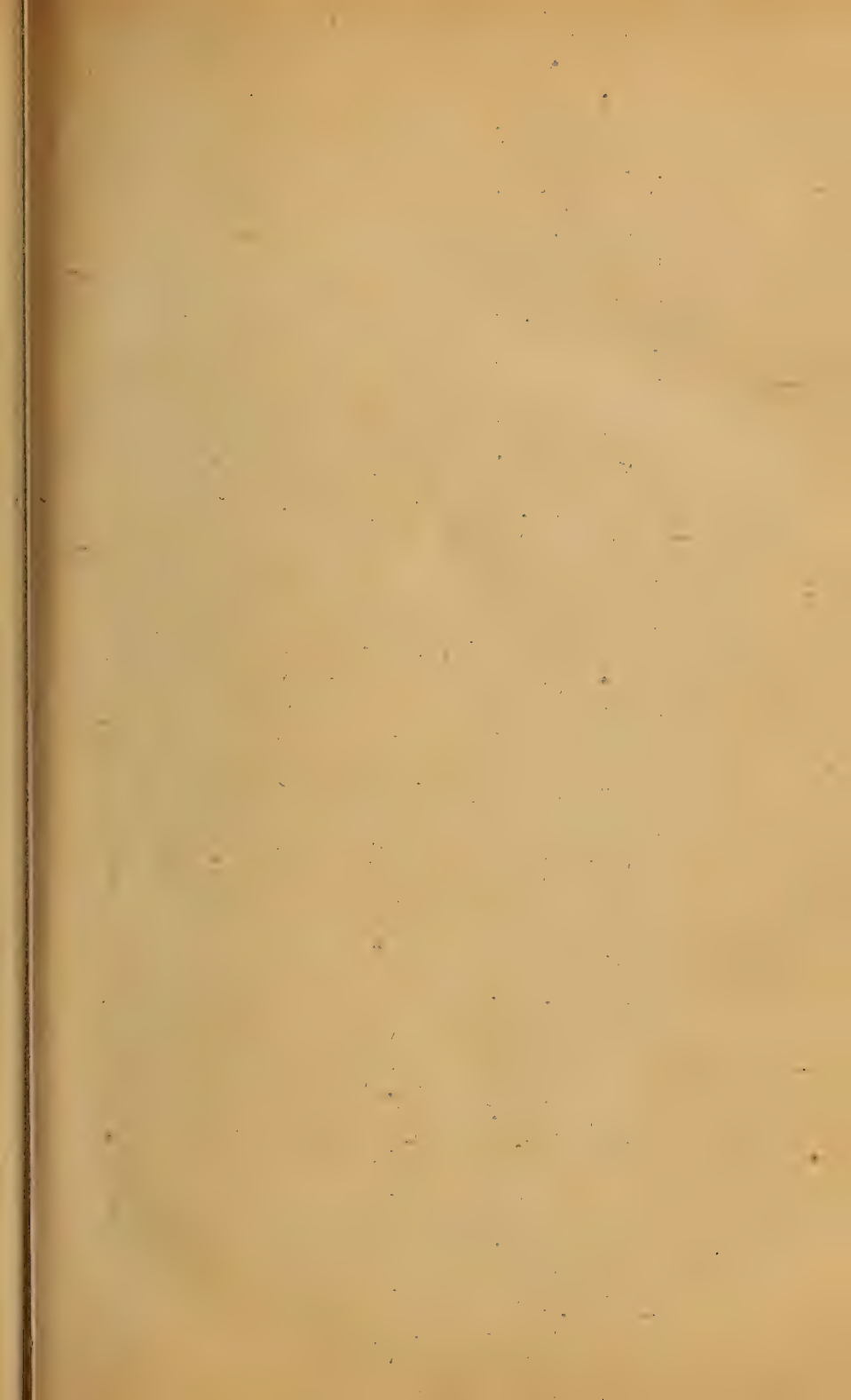
السید اجد خلوصی



مشتشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافه العلیه

عمر حلمی اجد خالد

اعلامات شرعیه ممیزی معاونی

عبد الستار



—  كتاب القضا  —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجب پنجه عمل اولنه)

(كتاب سادس عشر)

(قضا حقه اولوب بر مقدمه ايله درت بابي مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهيه بيانده در)

۱۷۸۴ ماده

قضا . حكم و حاكمك معنارينه كلور

۱۷۸۵ ماده

حكم . بين الناس وقوعبولان دعوى ومخاصمه بي احكام
مشروعه سنه توفيقاً فصل وحسم ايچون طرف سلطانيدن
نصب وتعيين بيور يلان ذاتدر

۱۷۸۶ ماده

حكم . حاكمك مخاصمه بي قطع وحسم ايتلسيدر . بودخي

ايكي قسمدر

قسم اول . حاكمك حكم ايتدم ادا اولنان شئي
ويپر ديمك كي سوزلر ايله محكوم بهي محكوم عليه
الزام ايتسي يعني لازم قيتلسيدر ايشته بوكا قضاء الزام
وقضاء استحقاق دينلور

قسم ثانی . حقك يوقدر منازعه دن ممنوعسين ديمك كبی
سوزلر ايله حاكمك مدعی بی منازعه دن منع ایتسیدر
بوکا دخی قضاء ترك دینلور

۱۷۸۷ ماده

محكوم به . حاكمك محكوم عليه الزام ایلدیکی شیدر
که قضاء الزامده مدعینك حقنی ایفا ایتسی وقضاء تركده
مدعینك منازعه دن واز کچمسیدر

۱۷۸۸ ماده

محكوم علیه . علیه حکم اولنان کسنه در

۱۷۸۹ ماده

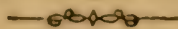
محكوم له . لهسنه حکم اولنان کیمه در

۱۷۹۰ ماده

تحکیم . خصمینك خصومت ودعوالرینی فصل ایچون
رضالریله آخر کیمه بی حاکم اتخاذ ایتلرندن عبارتدر
اول کیمه یه قنحتین ايله حکم ومیمك ضمی و خانك فتحی
وکاف مشدده مفتوحه ايله محکم دینلور

۱۷۹۱ ماده

وکیل مسخر . محکمه یه احضار اولنه میان مدعا علیه
حاکم طرفندن نصب اولنان وکیلدر



(باب اول)

(حکامه دائر اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(حاکم اوصافی بیانده در)

۱۷۹۲ ماده

حاکم . حکیم فہیم مستقیم وامین مکین متین اولملیدر

۱۷۹۳ ماده

حاکم . مسائل فقہیہ و اصول محاکمہ واقف
ودعاوی واقعه‌یی انلرہ تطبیقا فصل و حسمہ مقتدر
اولملیدر

۱۷۹۴ ماده

حاکم تمیز تامہ مقتدر اولسی لازمدر
بناء علیہ صغیر و معتوہ و اعمی و طرفینک صوت قویلرینی
ایشیدہ میہ جک مرتبہ صاغر اولان کسمندک قضاسی
جائز دکلدر

(فصل ثانی)

(حاکم آدابی بیانده در)

۱۷۹۵ ماده

حاکم . مجلس محاکمہ الش و یرش و ملاطفہ کبی

مهابت مجلسی ازاله ایده جک افعال و حرکاتدن اجتناب
ایتملیدر

۱۷۹۶ ماده

حاکم . ایکی خصمدن هیچ بر یسنک هدیه سنی قبول ایتمز

۱۷۹۷ ماده

حاکم مختاصمیدن هیچ بر یسنک ضیافتنه کیتمز

۱۷۹۸ ماده

اشای محاکمه ده حاکم طرفیندن یالکز بر یسنی خانه سنده
قبول ایتمک و مجلس حکمده بر یله خلوت و یا خود ایکی سندن
بر یسنه ال یا کوز و یا باش ایله اشارت ایتمک و یا انلردن
بر یسنه کیرلو لاقردی یا خود دیگرینک بیلدیکی لسان ایله
سوز سولمک کبی تهمت و سوء ظنه سبب اوله بیله جک
حال و حرکته ده بولنمالمیدر

۱۷۹۹ ماده

حاکم بین الخصمین عدل ایله مأموردر
بناء علیه طرفیندن بری هر نقدر اشرافدن و دیگری آحاد
ناسدن اولسه بیله حین محاکمه ده طرفینی اوتورتمق
و کندولره احاله نظر و توجیه خطاب ایتمک کبی محاکمه یه
متعلق معاملاتده تمامیه عدل و مساواته رعایت ایتمسی
لازمدر

(فصل ثالث)

(حاکم وظائف بیانده در)

۱۸۰۰ ماده

حاکم . طرف سلطانیدن اجرای محاکمه و حکم
و کیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا . زمان و مکان ایله و بعض خصوصاتک استثناسیله
تقید و تخصص ایدر

مثلا بر سنه مدت ایله حکمه مأمور اولان حاکم انجق
اوسنه ایچنده حکم ایدر اول سنه نك حلولندن اول
ویامرو رندن صکره حکم ایده مز . و کذا معین بر قضا ده
حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم اول قضاتک هر
محلنده حکم ایدر اما دیگر قضا ده حکم ایده مز .
و بر محکمه معینه ده حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم
انجق اول محکمه ده حکم ایدوب دیگر محله ده حکم ایده مز .
و کذاک مصلحت عامه ملاحظه عادل سنه بناء فلان خصوصه
متعلق دعوی استماع اولنیه دیو امر سلطانی صادر اولسه
حاکم اول دعوائی استماع و حکم ایده مز و یا خود بر
محکمه حاکمی بعض خصوصات معینه استماعنه مأذون

اولوبده ماعداسنی استماعه مأذون اولسه اول حاکم انجق
 مأذون اولدیغنی خصوصاتی استماع و حکم ایدر ماعداسنی
 استماع و حکم ایده من ۰ و کذلک بر مجتهدک بر خصوصده
 رأی ناسه ارفق و مصلحت عصره اوفق اولدیغنه بناء
 انک رأیله عمل اولتمق اوزره امر سلطانی صادر اولسه
 اول خصوصده حاکم اول مجتهدک رأینه منافی دیکر بر
 مجتهدک رأیله عمل ایده من ایدر ایسه حکمی نافذ اولماز
 ماده ۱۸۰۲

بردعوائی معاً استماع و حکم ایتک اوزره نصب اولنان
 ایکی حاکمکن یا لکیز بریسی اول دعوائی استماع و حکم
 ایده من ایدر سه حکمی نافذ اولماز (۱۴۶۵) ماده یه باق
 ماده ۱۸۰۳

متعدد حاکمی اولان بلدهده خصمیندن بریسی بر حاکمک
 و دیکری او بر حاکمک حضورنده مرافعه اولمق ایستیوب
 بوجهله بیلرنده اختلاف واقع اولسه مدعی علیهک
 اختیار ایلدیکی حاکم ترجیح اولنور
 ماده ۱۸۰۴

بر حاکمک عزلی و قوعوب اولوب فقط بر مدت خبر عزل
 کنهویه و اصل اولماغله اول مدته بعض دعاوی استماع
 و فصل ایتش اولسه صحیح اولور

اما خبر عزلك وصولندن صكره وقوعبولان حكمى

صحیح اولماز

۱۸۰۵ ماده

حاکم اکر نصب وعزل نائبه مأذون ایسه دیگر کیسه یی
کندوسنه نائب نصب وانی عزل ایده بیلور دکل ایسه
ایده مز و کندوسنک معرول یافوت اولسیله نائبی منعزل
اولماز (۱۷۶۶) ماده یه باق

بناء علیه بر قضایک حاکمی وفات ایتدکده برینه دیگر حاکم
کنجه یه دکل اول قضاده وقوعبولان دعوایی حاکم متوفانک
نائبی استماع وحکم ایده بیلور

۱۸۰۶ ماده

حاکم استماع ایلدیکی بینه ایله نائبی و نائبک استماع
ایلدیکی بینه ایله کندوسی حکم ایده بیلور
شویله که حاکم بر دعوی حقدده بینه استماع و نائبه اخبار
ایلمه نائبی اعاده بینه ایتدکسزین حاکم اخبار یله حکم
ایده بیلور و حکمه مأذون اولان نائب بر خصوصده
بینه استماع ایدوبده حاکم انها ایلمه حاکم اعاده بینه
ایتدکسزین نائبک انها سیله حکم ایده بیلور اما حکمه
مأذون اولمیو بده انجق تدقیق واستکشاف ایچون بینه

استماعه مأمور اولان کیمسه نك انهاسیله حاکم حکم
ایده مبوب بالذات استماع بینه ایتیمی لازمدر
۱۸۰۷ ماده

بر قضا حاکمی بشقه بر قضا داخلنده کی اراضی دعواسنی
استماع ایده بیلور . فقط کتاب دعواده بیان اولندیغی
وجهله حدود شرعیه سنك بیانی لازم کلور
۱۸۰۸ ماده

محکوم له حاکم اصول و فروغندن بری و زوجہ سی
و حکم اولنه حق مالده شریکی و اجیر خاصی و حاکم
انفاقیه تعیس ایدر آدمی اولماق شرطدر
بناء علیه حاکم بونلردن برینك دعواسنی استماع ایله
لهسیه حکم ایده من
۱۸۰۹ ماده

بر بلده حاکمک یاخود ماده آنفده مذکور منسوباتندن
برینك اول بلده اهاالیسنندن برکسنه ایله دعواسنی
اولدیغی صیرتده اول بلده ده دیگر حاکم وار ایسه
انك حضورنده مرافعه اولرلر

واکر اول بلده ده دیگر حاکم یوق ایسه طرفین کندی
رضالیه نصب ایده جکری حکمک یاخود اول حاکم
نائب نصبنه مأذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب

نائبك و يا خود جو وارده كي ديكر بر قضا حاكمك
حضورنده مرافعه اولورلر

و طرفين بو صورتلردن برينه راضي اولمقلى صورته
طرف سلطانيدن مولى استدما ايدرلر
۱۸۱۰ ماده

حاکم رؤیت دعوا ده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعایت
ایتملیدر

فقط ورودی مؤخر اولان بر دعوانك تعجیلی ایجاب حال
و مصلحتدن کورلديكي حالده انك رؤیتنى تقدیم ایلر
۱۸۱۱ ماده

حاکمک لدی الحاجه آخردن استفتا ایتسی جائز در
۱۸۱۲ ماده

حاکم . غم و غصه و اچلق و غلبه نوم کبی صحت تفکره
مانع اوله بيله جک بر عارضه ايله ذهني مشوش اولديغي
حالده حکمه تصدی ایتاملیدر
۱۸۱۳ ماده

حاکم مرافعاتده اجرای تدقیقات ایتکله برابر ایشی
سور نجمه ده بر اقاملیدر
۱۸۱۴ ماده

حاکم محکمه یه سجلات دفتری وضع ایدوب و یره جکی

اعلامات و سنداتى حيله و فساددن سالم اوله بيله جك
منتظم بر صورتده اول دفتره قيد و تحرير وانك حفظنده
دقت و اعتنا ايدر . و كندوسنك عزلى و قوعبولدقده
يا بالذات و يامينى واسطه سيله سيجلاتى خلفى اولان حاكه
دور و تسليم ايلر

(فصل رابع)
(صورت محاكمه يه دائر در)

۱۸۱۵ ماده

حاكم محاكمه يى علنا اجرا ايدر . فقط قبل الحكم نه وجهله
حكم ايديله جكنى افشا ايتمز

۱۸۱۶ ماده

طرفين لاجل المحاكمه حضور حاكه كلكد كارنده حاكم اول
مدعى يه دعواسنى تقرير ايتديرر . و اكر اولجه دعواسى
تحرير اضبط اولنش ايسه قرائت ايله مضمونى كندوسنه
تصديق ايتديريلور و ثانيا مدعا عليهى استجواب ايلر .
شويله كه مدعى سندن شو و جهله دعوى ايديور نه دير سين

ديو سؤال ايدر

۱۸۱۷ ماده

مدعى عليه اقرار ايدر ايسه حاكم انى اقراريله ازام
ايدر . و اكر انكار ايدرسه حاكم مدعين بينه ايتير

۱۸۱۸ ماده

مدعی بالبینه دعواسنی اثبات ایتدییکی صورته حاکم
انک اوزرینه حکم ایلر . واثبات ایده مدییکی صورته
بریمین حق قالمغله طالب اولور ایسه حاکم انک طلبی
اوزرینه مدعی علیه یمین تسکلیف ایلر

۱۸۱۹ ماده

مدعا علیه یمین ایدرسه یاخود مدعی یمین ویردیرمز ایسه
حاکم مدعی بی مدعا علیه معارضه دن منع ایدر

۱۸۲۰ ماده

مدعا علیه یمیندن نکول ایدرسه حاکم نکولیه حکم ایدر
ونکولیه حکم ایتدکدن صکره یمین ایدرم دیسه ارتق
النفات اولتماز

۱۸۲۱ ماده

اصولنه موافق و شبهه تزویر وتصنیعدن سالم اوله رق
بر محکمه حاکمی طرفندن ویریلان اعلام و سندک بلا بیننه
مضمونیه عمل و حکم جائزدر

۱۸۲۲ ماده

مدعی علیه بوجه بالالیدی الاستجواب لاونعم بر جواب
ویرمیویده سکوتنده اصرار ایدر ایسه سکوتی انکار عد
اولنور

و كذلك اقرارده ایتیم انکارده ایتیم دیو جواب ویررسه
بوجوابی دخی انکار عد اولنور وایکی صورتده دخی
مدعیدن بروجه بالاینه طلب قیلنور

ماده ۱۸۲۳

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جک یرده مدعینک
دعواسنی دفع ایده جک بر دعوی در میان ایتدکده کتاب
دعواده و کتاب بینانده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله
اولنور

ماده ۱۸۲۴

طرفیندن بریسی افادسنی تکمیل ایتدکجه دیگرکی افادهیه
تصدی ایده من ایده جک اولور ایسه حاکم طرفندن منع
اولنور

ماده ۱۸۲۵

طرفیندن لسان بیلیمان کسنه نك افاده سنی ترجمه ایچون
محکمه ده موثوق و مؤتمن ترجمان بولندیریلور

ماده ۱۸۲۶

اقربا بیننده وقوعبولان و یاخود طرفینک صلحه رغبتلری
مأمول اولان مختصمه ده حاکم بر ویا ایکی دفعه طرفینه
مصلحه بی توصیه و اخطار ایدر موافقت ایدرلر ایسه

کتاب صلحه مندرج اولان مسأله توفیقا مصالحه ایدر
و موافقت ایتزلر ایسه محاکمه بی اتمام ایلر
۱۸۲۷ ماده

حاکم محاکمه بی اتمام ایتد کد نصکره مقتضاسنی حکم
و طرفینه تفهیم ایلر واسباب موجب سبیله برابر حکم
و تنبیهی حاوی بر اعلام تنظیم ایدوب محکوم ایه
ولدی الایجاب بر نسخہ سنی دخی محکوم علیه اعطا ایدر
۱۸۲۸ ماده

حکمک سبب و شرطلری تمامیه بولندقد نصکره حاکمک
حکمی تأخیر ایتیمی جائز دکلدو

(باب ثانی)

(حکمه دائر اولوب ایکی فصلی مشتملدو)

(فصل اول)

(حکمک شرطی بیانده در)

۱۸۲۹ ماده

حکمه سبق دعوی شرطدر

شویله که حاکمک حقوق ناسه متعلق بر خصوصی حکم
ایتمی اول امرده اول خصوصی بر کیسه نک آخر کیسه دن
دعوی ایتسمله مشروطدر

دعوی سبق ایتمدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز
 ۱۸۳۰ ماده

حین حکمده طرفینک حضوری شرطدر
 یعنی طرفین بالمواجبه محاکمه ایدلد کدنصکره حکم
 اولنه جنجی وقت مجلس حکمده حاضر اولملری لازمدر
 فقط برکیمسه دیکرندن برخصوصی دعوی ایدوبده مدعا
 علیه دخی اقرارر ایتد کدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن
 غائب اولسه حاکم انک غیابنده اقرارینه بناء حکم
 ایدیلور

کذلک مدعا علیه مدعینک دعواسنی انکار ایدوبده مدعی
 بالمواجبه مدعاسنه اقامه بینه ایتد کدنصکره قبل التزکیه
 والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انک
 غیابنده بینه بی تزکیه وحکم ایدیلور

۱۸۳۱ ماده

مدعا علیه وکیلی مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن
 صکره مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه
 حاکم اول بینه ایل مدعا علیه اوزرینه حکم ایدیلور
 و بالعکس مدعی علیه مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن
 صکره وکیلی مجلسه حاضر اولسه حاکم اول بینه ایل
 وکیلک اوزرینه حکم ایدیلور

۱۸۳۲ ماده

جمله ورثه به خصوصت توجه ایدن دعواده ورثه دن
برینک مواجهه سنده اقامه بینه اولنوبده قبل الحکم
غائب اولسه حا کا اول بینه ایله احضار اولنان دیگر
وارث اوزرینه حکم ایده بیلور اعاده بینه حاجت
یوقدر

(فصل ثانی)

(حکم غیابی بیانده در)

۱۸۳۳ ماده

مدعینک طلب واستدعاسی اوزرینه حا کم طرفدن مدعا
علیه محکمه به دعوت اولنور
معذرت مشروعه سی اولمدیغی حالده محکمه به کلمه کن
و وکیل کوندر مکدن امتناع آیدر سه بالا جبار محکمه به
احضار قیلنور

۱۸۳۴ ماده

مدعا علیه محکمه به کلمه کن و وکیل کوندر مکدن
امتناع ایدوبده جلب واحضاری قابل اولمدیغی تقدیرده
مدعینک طلبیه محکمه به مخصوص اولان ورقه دعوتیه
آرو آرو کونلرده اوچ دفعه کندویه کوندر یلرک
محکمه به دعوت و کلمه کی صورتده حا کم اکا بروکیل

نصبيله مدعينك دعوى و بينه سنى استماع ايدہ جـكنى
كندويه تفهيم ايلر . بونك اوزرينه مدعا عليه
ينه محكمه يه كلز و وكيل كوندر من ايسه حاكم انك
حقوقنى محافظه ايدہ جـك بر كيمسه يى اكا وكيل نصب
ايدوب و كيل من بور مواجهه سنده مدعينك دعوى
و بينه سنى استماع و تدقيق ايدرك مقارن صحت اولديغى
تين ايدرسه بعد الثبوت حكم ايدر

۱۸۳۵ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حكم غيايى مدعى عليه
تبليغ ايديلور

۱۸۳۶ ماده

غيايا عليه حكم اولنان كيمسه محكمه يه حاضر
اولوبده مدعينك دعواسنى دفعه صالح بر دعوايه تشبث
ايدر ايسه استماع و ايجابى وجهله فصل اولنور .
دعوايى دفعه تشبث ايتديكى و يا ايدوبده دفعه صالح
اولديغى تقديرده حكم واقع انفاذ اجرا قيلنور



(باب ثالث)

(دعوانك بعد الحكم رؤيتى حقنده در)

ماده ۱۸۳۷

اصول مشروعه سنه موافق يعنى حكمك سبب و شرط لى
موجود اوله رق حكم و اعلام اوله ان دعوانك تكرار
رؤيت و استماعى جائز اولماز

ماده ۱۸۳۸

بر دعوى حقنده لاحق اولان حكمك اصول مشروعه سنه
موافق اولمديغنى محكوم عليه ادما و عدم موافقت جهتنى
دخلى پسان ايدوبده استيناف دعوى طلبنده بولنديغنى
حالده و قوعبولان حكم لى التحقيق اصول مشروعه
سنه موافق ايسه تصديق اولنور دكل ايسه استيناف
قيلنور

ماده ۱۸۳۹

بر دعوى حقنده لاحق اولان حكمه محكوم عليه قناعت
ايتيوبده اول حكمى حاوى اولان اعلامك تميرنى طلبنده
بولنديغنى حالده لى التدقيق اصول مشروعه سنه
موافق ايسه تصديق قيلنور دكل ايسه نقض اولنور

۱۸۴۰ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدینگی کبی بعد الحکم
دخی صحیح اولور

ایناه علیه بر دعواده محکوم علیه اولان کیسه اول دعوایی
دفعه صالح بر سبب سرد و بیان ایله دفع دعوی ادعا سنده
و اناده محاکمه طلبنده بولندیگی حالده محکوم لهک
مواجهه سنده اشبو ادعاسی استماع و بو خصوص حقنده
محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا بر کیسه دیگر کیسه نک یدتصرفنده اولان بر خانه
پدرندن کندویه موروث اولدیغنی دعوی و اثبات
ایدوبده حاکم دخی حکم ایتدکنصکره اول کیسه نک پدری
اول خانه بی مقدا ذی الیدک پدرینه صائمش اولدیغنی
مبین بر سنده معمول به ظهور ایتدکده ذی الیدن دعواسی
استماع ایله اثبات ایلدیگی تقدیرده حکم اول منتقض و اول
کیسه نک دعواسی مندفع اولور

مصمم

(باب رابع)

(تحکیمه دائر مسائل بیانده در)

۱۸۴۱ ماده

حقوق ناسه متعلق مال دعوا الزنده تحکیم جائز ه

۱۸۴۲ ماده

محکم حکمی انجق کندوسی تحکیم ایدن خصمین
حقنده و تحکیم ایتدکاری خصوصده جائز و نافذ اولوب
انلردن بشقه سنه تجاوز ایتز وانلرک خصوصات سائر سنه
دخی شامل اولماز

۱۸۴۳ ماده

محکم تعددی جائز در

یعنی بر خصوصه ایکی یا خود دهها زیاده کیسه نك حکم
نصب اولنسی جائز در

مدعی و مدعا علیه طرفلرندن برر حکم نصب ایتسه لر
جائز اولور

۱۸۴۴ ماده

بر وجه بالا محکملر متعدد اولدقلری صورتده هپسه نك
رأیی متفق اولوق لازمدر • یالکز بریسی حکم ایده مز

۱۸۴۵ ماده

حکملر طرفیندن تحکیمه مأذون ایتسه لر دیگر بر کیسه یی
تحکیم ایده ییلور لر دکل ایتسه لر ایده مز لر

۱۸۴۶ ماده

تحکیم بر وقت ایله تقیید اولندقه اول وقتک مرور یله
زائل اولور

۶۵۵
مثلا فلان کوندن برآیه قدر حکم ایتک اوزره نصب
اولان حکم انج-ق بو برآی ایچنده حکم ایده بیلور اول
ایک مرورنده حکم ایده من ایدرسه حکمی نافذ اولماز

۱۸۴۷ ماده

محکمک حکمندن اول طرفیندن هر بری آنی عزل
ایده بیلور

شوقدر وارکه طرفین آنی تحکیم ایدو بده طرف سلطانیدن
منصوب ونائب نصبنه مأذون اولان حاکم دخی آنی
مجیز اولسه حاکم آنی استیخلاف ایتش اولسیله اول محکم
بر حاکمک نائی منزله سننده اولور

۱۸۴۸ ماده

حاکم-ملک قضایری داخلنده کی اهاینک بجهله سی حقنده
حکملری نسل که لازم الاجرا ایسه محکمک دخی انلری
تحکم ایدنلر حقنده و محکوم اولدقلری خصوصده حکملری
اولوجهله لازم اولور

بناء علیه حکملر اصول مشروعه سنده موافق اوله رق
حکم ایتدکدن صکره طرفیندن هیچ بریسی اول حکمی
قبولدن امتناع ایده من

۱۸۴۹ ماده

محکم حکمی طرف سلطانیدن منصوب حاکم مرض
اولندقدہ موافق اصول ایسہ قبول وتصدیق ایدر
دکل ایسہ نقض ایلر

۱۸۵۰ ماده

طرفین احکام مشروعه سنہ توفیقاً حکمہ مأذون
قیلدقلمی محکمیری لدی التمسیدب صلحا تسویہ دخی
مأذون ایتسہلر محکمیرک صلحا تسویہ لری معتبر اولور
شویله که طرفیندن بری محکمردن برینی ودیکری دخی
اوبرینی منازع فیہ اولان خصوصک اولوجهله صلحا
تسویہ سنہ دخی توکیل ایدوبده انلری دخی کتاب صلحه
مندرج اولان مسائلہ بالتوفیق صلحا تسویہ ایتسہلر اشبو
صلح و تسویہ بی طرفیندن یری قبولدن امتناع ایدہ من

۱۸۵۱ ماده

برکیمه تحکیم اولندامش اولدیغی حالده ایکی کشی
بیننده کی دعوایی فصل ایتدکدن صکره طرفین اکاراضی
وانک حکمنی مجیز اولسہلر حکمی نافذ اولور (۱۴۵۳)
ماده باق

۱۲۹۳ اراده سنیہ تاریخی فی ۲۶ شعبان سنہ ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمہ تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیہ

السید احمد حلی و مجلس انتخاب حکام

السید احمد خلوصی

مستشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافۃ العلمیہ

عمر حلی احمد خالد

اعلامات شرعیہ ممیزی معاونی

عبد الستار

(مجله احكام عدليه دن كتاب بينات حقنده بعض)

(وصاياتي شامل مذكرة عدليه)

مجله احكام عدليه نك اون بشنجي كتابي اولان كتاب
بينات بوكره رهين حد ختام اوله رق با اراده سنيه
جناب پادشاهي طبع و نشر قلندي

مجله مذكور نك نشر اولنان اون درت كتابي محاكم
شرعيه ده نوجهله معمول به ايسه محاكم نظاميه ده دخی
سياق مطرد اوزره دستور العمل اولق امر طبعيد

ذکر اولنان كتاب بينات دخی كرك محاكم شرعيه ده
و كرك محاكم نظاميه ده مرعي الاجرا اولق لارم كلور

چونكه كتاب مزبور درت بابي مشتمل اولوب . برنجيسي
شهادت و تواتر . ايكنجيسي حجج تحريري و قرينه قاطعه

اوچنجيسي يمين . در دنجيسي ترجيح بينات ايله تحالف .

حقنده در ابواب ثلثه اخيره حقنده برديه جك اوليوب

على الخصوص يمين حقنده محاكم نظاميه ايچون بر نظام

اولمديغي جهتهله محاكم نظاميه نك يمين بانه شدت احتياجي

وار در مناحث سائريه دخی بالجملة محاكم نظاميه نك

احتياجي در كار در

شهادت بحشه كلنجده بيع و شرا حقنده شاهد استماعي

تجارت قانوننامه سنده مندرج اولدیغی حالده هنوز
 کیفیت استماعنه دار بر نظام یا پلامشدر شو حالده باب
 اولک دخی علی العموم محاکم نظامیه مرجع اولسی
 امر طبعیدر شو قدر وار که تجارت قانوننامه سنده
 مصرح شاهد استماعی خصوصی محکمه نك تنسیینه
 معلق اوله رق مندرجدر و شرکت و پولیچه کی نیجه
 مواد تجاریه والتزام و ملتزمیننده عقد شرکت مثلاً
 یک چوق معاملات نظامیه هب سندات و اوراق معتبره
 ایله اجرا اولندرق بولردن متحدت دعاوی و منازعات
 محاکم نظامیه ده حین رؤیتنده یا لکز سندات اعتبار
 اولمق معروف و مرعیدر و تجار بیننده معروف اولان
 شی مشروط حکمده اولمق دخی مجله نك مقدمه سنده
 مندرج اولان اصول فقهیه دندر

بناء علی ذلک بومثلو معاملاتک شهادت اوزرینه بناسی
 قابل اولدیغی کی تجارت محکمه لرده شاهد استماعی
 محکمه نك تنسیینه معلق اوله رق جریان ایدیه یله جکدر .
 کتاب مذکور ده شهادت بحثی ایسه اطلاق اوزره
 مندرج اولدیغندن و سندات اوزرینه تعامل جاری اولان
 خصوصلرده ینه سندا اتمق امر ضروری بولندیغندن

محاکم نظامیہ دہ و علی الخصوص تجارت محکمہ لرنده
نه درلو بخصوص لرنده وقاج غروشه قدر دعوالرده
شاهد استماع اولنه جفته دائر بر نظام یا یلق لازمه حالدن
کوریلور انجق بو نظام یا پلنجه یه قدر محاکم نظامیہ دہ
کافی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرده شاهد استماع
اولنه رق خصوصات سائرده کما کان بینہ تحریریه اراشمی
ومواد سائرده اشبو کتاب بیناتک احکام مندرجه سنه
تمامیه توفیق معامله اولشمی لازمه دن اولغله محاکم
نظامیہ یه بو یولده تبلیغات اجرایی خصوصی دخی امر
وفرمان جناب شهنشاهیدین بولندیغندن اولوجهله ایفای
مقتضای خصوصنه همت

فی ۹ ذی القعدة سنه ۱۲۹۳

❖ بلاینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله یله جک ❖
❖ صورته سندات شرعیه نك تنظيمه دائر تعلیمات ❖

❖ سنیه در ❖

برنجی ماده براسندما محکمه به حواله اولنوب طرفین
محکمه به کادکارنده کرک مدعی و کرک مدعی علیه
شخصی محکمه جه مجهول بولندیغی واقعه اولنان دعوی
کندی دعوالری اولدیغنه دلالت ایدر یدلرنده اوراق
معتبره بولندیغی و یاخود دعواده همان یکدیگری
تصدیق ایدرک برصنعه شائبه سی حس اولندیغی
تقدیرجه شخصلری و اسم و شهرتیه صنعت و مأموریت
و محل اقامتلینی تعریف ایچون محله لری مختارلرندن و یاخود
تابع اولدقلری اصناف کتخدا سندن و یا آمر و ضابطلرندن
و منسوب اولدقلری دوائر ورؤسا طرفلرندن برقطعه
علم و خبر کتوریه جکدر

ایکنجی ماده وکالت تسجیلنه مخصوص اولق اوزره
محکمه ده برجریده طوتیه جقدر طرفیندن بری تسجیل
وکالت ایده جک اولدقده نه صورتله و کیمی توکیل ایتدیکنی
حاکم و یا ناظمی حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینیه
تسجیل جریده سنده یازیلوب کندوسنه امضا و تمهیر

ایتدیریله جک واکر کندوسنک یازوسی یوق ایسه انک
 امر وانجایله دیکری تحریر ایدوب زیرینی کنندی
 مهری و یا اشارت مخصوصه سیه تصدیق ایتدکن
 صکره تقریر وکالت حاکم و یا نائبدن قنغیسی حضورنده
 وقوعبولمش ایسه اول دخی امضا و تمهیر ایده جکدر
 و حین تسجیلده موکلک بابا و دده سنک اسمی دخی سؤال
 اولندرق جریده یه قید اولندجقدن

اوچنجی ماده ماده آنفده بیان اولندیغی وجهله
 بر محکمه حاکم و یا نائی حضورنده وکالت تسجیل
 و جریده مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صکره محاکمه
 ختام بولقسزین اول حاکمک عزل و یا وفاتی وقوع
 بولدیغی تقدیرجه موکل تکرار حاکم لاحق حضورنده
 تسجیل وکالت محتاج اولیوب جریده، مسطور اولان
 قید موجبجه حاکم لاحق خصم مواجهه سنده وکیلک
 وکالتیه حکم ایدوب مرافعه یی رؤیت واستماع
 ایده بیلور

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط کاتبی
 طرفینک افاده لرینی کمال مرتبه دقتله استماع و تأیید
 مدعا ضمنده ابراز ایده جکری اوراق و سنداتی لایقیله

۶۲۳
مطالعہ ایتدکد نصکرہ طرفینک اسم و شہرت و محل
اقامت لری و شخص لری تعریف اولتمش ایسہ معرفلرینک
اسم و شہرت و صورت افادہ لرینی و ابراز اولنسان
سندات و اوراقل خلاصہ لرینی عادی ورقہ اوزرینہ
ضبط و تحریر ایدہ جکدر

بشنجی مادہ مادہ آنفہدہ بیان اولنسان ضبط دعوی
طرفینک اکلا یہ یسلہ جکی آچق بر عبارہ ایلہ یازیلہ جقدر
التبجی مادہ دعوی ضبط اولندقد نصکرہ ضبط کاتبی
طرفین ایلہ برابر مستشاری اولان محکمہ لردہ مستشار
حضورینہ مستشاری اولیمان محکمہ لردہ حاکم و یا نائی
حضورینہ کیروب ضبطی قرائت ایدر و بعد القرائہ
صورت ضبط طرفینک افادہ لرینہ موافق اولوب
اولدیغنی مستشار و یا حاکم و یا نائی آرو آرو
طرفیندن سؤال ایلہ طرفیندن ہر بری صورت ضبطک
افادہ سنہ موافق اولدیغنی تصدیق ایدر ایسہ درحال
واکر تصدیق ایتیمو بدہ ضبطدہ بر سہو و یا نقصان
وقوعندن و یا خود محاکمہ جہ لزومی اولان بعض شیلرک
سؤال و جوابی ضبط و تحریر اولنماسندن طولایی
ضبطک تصحیحہ لزوم کوریلور ایسہ تصحیح ایدلدکدن

صكره محكمه مخصوص اولان ضبط جريده سنده قيد
اولنده رق زيرى طرفينه امضا و تمهیر ايتديريله چكدر
ضبط جريده سنده حك و سلنتى وقوع عيوليه جقدر

يدنجى ماه ضبط بر منوال محرر جريده مخصوصه سنده
تحریر و طرفينه امضا و تمهیر ايتديرلدن صكره
درسه سادته صدرين دائره لرنده مستشار و يا معاونى
و استانبول باب محكمه سنده مستشار بولنديغى حالده
معاون و مشاور لرندن برى محكمه تفتيشده مستشار
بولنديغى تقديرده محكمه نك ميز اولى و محاكم سائر ايله
على العموم طسره محكمه لرنده حاكم و يا نائى و باش كاتبى
ضبطك زيرينى تصديق امضا و يا مهر ذاتيوليله تمهیر
ايده چكدر

سكزنجى ماده محاكمه مباشرت اولندندن صكره
محاكمه نك ختامنه دكين اول محاكمه متعلق جريان
ايده چك بالجملة معاملات و تحقيقاتك جريانى عقبنده
سالف البيان ضبط جريده سنده دعوانك ضبطى زيرينه
خلاصه وجهله قيد و تحریر اولندجنى مثالو محاكمه نك
رنكى دكشوبده طرفينك افاداتنه بعض عباره علاوسى
لازم كلديكى تقديرده ضبطى امضا و تمهیر ايدن مأمورلر

معرفتیله طرفین حضورنده ترقیم و علاوه اولنه رق زیرینی
طرفین و اهمیتتی اولدیغنی حالده مأمورلر دخی امضا
و تمهیر ایده جک کردر

طبقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم
کادکده اولا شاهدلری اولوب اولدیغنی کندوسسندن
سؤال اولنور شاهدلری اولدیغنی بیان و تقریر ایتدیکی
حالده کیملر ایدوکی واسم و شهرتلی وانلردن ماعدا
شاهدلری اولوب اولدیغنی و اولدیغنی تقدیرده انلرک اسم
و شهرتلی صوریلور کرک شاهدلری حقنده واقع اوله جق
افاداتی و کرک اصلا شاهدلری اولدیغنی سویلدیکی حالده
افادات و آنچه سی ضبط جریده سنه قیدیه کندوسسنه امضا
و تمهیر ایتدیریه جک کردر

اوننجی ماده بر محاکمه فصل اولندقدنه وجهله حکم
اولندیغنی و حکمک اسباب موجبده سی خلاصه وجهله
ضبطده شرح ویریلوب وزیری حاکم طرفیندن تمهیر
ایدیلوب بعده اعلام مسوده سی قلمه النور

اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان
ضبط جریده سندن صورت ضبطی عینیه کندو
جریده سنه نقل و تحریر ایدوب اندن تقریر ایدر و محکمه یه

مخصوص اولان جریده محکمه نك بر مأمّن محلّه حفظ
اولنوب لازم کلد بکجه اخراج اولنه جقدر محکمه ده
دعاوینک کثرتی نسبتند محکمه به مخصوص متعدد ضبط
جریده لری طوتیلور

اون ایکنجی ماده جریده ده محرر صورت دعوی
اساس طوتیلورق اعلام مسوده سی اصول صک اوزره
قله النور حین تسویده صورت ضبطک بعض عبارت لرنده
قاعده صک اوزره محو واثبات جائز ایسه ده اساس
مسئله جه تعیر اولماق شرطدر طرفیندن بری اصلا
شاهد لری اولمادیغنی افاده ایتدیکی صورته افاده
مذکور سی عینیه اعلامه درج اولنوب اقامه بینهدن
اظهار عجز تعبیریه اکتفا اولنمیه جقدر

اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده سی قله
الدقندن صکره مسوده اولاد صدرین واستانبول باب
محکمه لرنده وقایع کاتبی و محکمه تفتیشده ممیز اول
طرفلرندن تصحیح و بعده مستشار طرفندن دخی تدقیق
و صورت ضبطه توفیق اولنهرق تصحیح وامضا وضعیه
حاکمه تقدیم اولنور محاکم سارده محکمه نك باش کاتبی
وار ایسه انک طرفندن مسوده تصحیح اولنهرق حاکمه

۹۵۷
تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده بی بالذات
حاکم تقدیم ایدر غلطه و خواص رفیعہ محکمہ لری
کبی مرکز نائی بولنان محکمہ لردہ نائب مستشار و ظائفی
ایفا ایدہ جکدر مسوده حاکم تقدیم او مسدقه بعد النظر
والتدقیق کشیده ایدہ جکی یازیلہ موجبہ اعلامی تحریر
اولنه جقدر

اون دردنجی ماده بر وجه مشروح اعلام یازاردن
صکره ضبط کاتبی اسمنی ظهر اعلامه تحریر و مسوده بی
تدقیق و امضا ایدن مأمور لر ترتیب سابق اوزره اعلامی
دخی مطالعه و ظهرینی امضا و یا تمهیر ایدوب بعده اعلام
حاکم تقدیم اولنور

اون بشنجی ماده حاکم دخی مطالعه ایتدکنصکره
سجله قید و مقابله اولنه دیو اعلامک ظهرینه یازوب
مقیده کوندرر مقید دخی سجله قید و مقابله ایدوب و مقابله
ایتدیکنی ظهر اعلامه شرح و یروب زیرینی تمهیر و حاکم
اعاده ایتدکنصکره حاکم اصول و جهله اعلامی تمهیر ایدر
اون التنجی ماده طشره یه کوندرلک اوزره در سعادت
محاکمندن تنظیم اولنه جق و کالت محترمندن بالاده بیان
اولنان اصول تمامیه اجرا اولنه جقدر

۱۸۸
اون یدنجی ماده طشره حکامی وکالت تقدیری
قضا داخلنده ایسه اول قضانک بدایت محکمه سنده
و مرکز لوا اولان قضاده ایسه لوا بدایت محکمه سنده
کرسی ولایتده ایسه استیناف محکمه سنده اله جقدر

اون سکزنجی ماده بر وجه محرر موکلک تقریری
النقدن صکره صورت تقریری عینله جریدهیه قید
و تحریر اولوب موکله مهر و یا امضا و یا اشارت
مخصوصه ایله تصدیق ایتدیردکن صکره اصول
موضوعه سنه توفیقا وکالت حجتی تنظیم و تهر اولنور

اون طقوزنجی ماده حاکم طرفندن برمنوال محرر
تنظیم قلنسان حجت شرعییه ده بیان اولندیغی اوزره
وکالت تقریرینک کندو حضور لرلنده و قوعبولدیغی
حین تقریرده حاضر بولنان اعضا بامضبطه تصدیق
ایدهجک و بوتصدیق مضبطه سی قضا بدایت محکمه سندن
اعطا قلنش ایسه اول قضانک ملحق بولندیغی ولایت
استیناف محکمه سندن و یاخود لوا بدایت محکمه سندن
تصدیق اولنه جقدر .

یکرمنجی ماده موکلک شخصی مجهول بولندیغی

تقدیرجه برنجی ماده ده بیان اولندیغی وجهله شخصی
تعریف ایتدیه جکدر

یکرمی برنجی ماده طشره ده تنظیم اولنان وکالت
جتلرینک کافی الساباق فتوا خانه دن تدقیق و تطبیق
اجرا اولنه جغی کبی بعدما طشره یه کوندرلک اوزره
درسمادت محاکمندن ویریلان وکالت جتلرینک مهری
مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه دن شرح وریله جکدر
یکرمی ایکنجی ماده بشقه بلده یه کوندرلک اوزره
وراثت ووصایت کبی موادک ثبوتنی حاوی سند شرعی
تنظیمی لازم کلدکده طشره حکامی اون یدنجی ماده
موجبجه مواد مذکوریه بدایت یا استیناف محکمه لرنده
استماع وفضل ایدرو طشره ده تنظیم اولنه جق وکالت
جتلری حقنده بیان اولنان اصول بومثالو سند شرعی
حقنده دخی جاری و معتبردر

یکرمی اوچنجی ماده مأمور وامنار سالیله محکمه
استماع قلنه جق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه ده بر ویا
برقاج خصوص جریده لری طوتیه جقدر و بوجریده لر
ضبط جریده لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدلک لازم
کلدکده مأموره وریله جکدر فصل دعوی و تسجیل وکالت

واقرار و وقف و وصیت و مخانعه و تطلیق و کشف و تقسیم
عقار و صلح و ابرا و اخبار ملک و تصرف و طرفیندن برینی
تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذونابر محله
و یابر قریه یه اعزام قلنان مأور اول محله و یاقریه ده مختاران
واها لیدن بر قاچ ذاتی جلب و جمع ایله بر مجلس عقد ایدوب
خصوصات واقعه یی استماع و بعده خصوص جریده سنه
قید و تحریر وزیرینی مجلسک انعقادینه باعث اولان
اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر
و یا امضا و یا اشارت مخصوصه لریله تصدیق ایتدیردکن
صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه
ترفیق ایدیلان امنا ایله برابر حاکمه انها ایده جکدر
خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت و استقامتی مجرب
و معلوم اولان ذات تعیین ایدلملیدر

یکرمی دردنجی ماده بر حجتک مضمونیه حکم اولنوب
موجبجه اعلامی تنظیم اولندقدده اول حجت محکمه ده
الیقونیلوب دفتر سجلاتک حفظ اولندیغی محلده حفظ
اولنه جقدر حجتلریله برابر طشره دن ورود ایدن تصدیق
مضبطلری دخی حجتلر کبی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه یه بوفیقماً تنظیم

واعطا قلتمان سندات شرعيه نك مضموني خصم طرفدن
اينكار اولندقدرد مجله احكام عدليه نك ۱۱۳۸ و ۱۸۲۱
ماده لری منطوقلرنبجه حكام شرعيه سندات مذ كوره نك
بلا بينه مضمونيله حاكم ايده ييلور فقط لدى التدقيق
بر اعلام و يا حجت و يا بر قيدده تزوير و تصنيع شائبه سی
حس اولنديغی تقدیرجه حاكم اول اعلام و حجت و قيدك
بلا بينه مضمونيله حاكم ايتيوب مضمونه بينه طلب ايدر

في ۴ جادی الاولى سنه ۱۲۹۶

(تعليم اصول تحليف)

مدعا عليه یمین ویرمك لازم كلديكي حالده دعوانك
رؤیت اولنديغی محكمه ده یاخود محكمه طرفدن
وندريلان نائب حضورنده خصمی دخی حاضر
اولنديغی حالده یمین ايتديريلور

شويله حاكم یاخود نائي مسئله یی تصویر ايدرك
بو خصوصه یمین ايدرميسين دیو مدعا عليه دن سوال
ايدوب او دخی اوت ايدرم دیدكن صكره یمینك شكل
و کیفیتنی تصویر ايدرك مجله احكام عدليه نك بیك

یدیوز قرق دردنجی ماده سی حکمنجه (والله) دیو

الله تعالی حضرت تلیک اسمنه قسم ایتدیر

والله یرنده (بالله) یاخود (تالله) دیتلیک دخی جائز

اولور فارسجه ده (بخدا سوکند میخورم) و ترکیه

(الله اند اچیورم) تعبیر لری دخی یمیندر

تحلیفک اصولی مجله احکام عدلیه ده مسطور ایسه ده

یونی بر مرتبه ده ایشاح ایچون زیرده بعض امثله

ایراد اولنده قدر فقط ابتدا بوکا دائر بر وجه اتی

بعض مواد اساسیه بیان قلند قدر

مدعی ادعا ایدوبده مدعا علیهک انکار ایتدیکی نه ایسه

ایک اوزرینه یمین ویرلیک لازم کور ادعا وانکار

اولنان شی اگر مدعا علیهک کند و فعلی ایسه بتاه

و اگر غیر یسک فعلی ایسه عدم علم یمین ویریلور

مجله احکام عدلیه نک (۱۷۶۸) ماده سنه باقی و برده

یمین یاسیه و خود حاصله یعنی مدعینک حاصل دعواسی

اوزرینه اولور ایشته بووجهله دخی یمین ایکی قسمه

تقسیم ایدیلور

شویله که مدعینک دعواسیه مدعا علیهک انکار بنده نظر

اولور اگر مدعی جهت بیان ایتکسزین برحق یاخود

مجله احکام عدلیه نک یک التی یوز یتش سکزنجی ماده سی

حکمنجه ملک مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیه دخی
 انک بودعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور
 واکر مدعی جهت بیان ایدرک برحق یاخود ملک بسبب
 دعوی ایدوبده مدعا علیه انک حاصل دعواسنی انکار
 ایدرسه کنذک حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیه جهت
 ویاسبی انکار ایدرسه او حالده سببه یمین ویریلور نته کیم
 کیفیت امثله آتیه دن متضخ اولور

(بتاته تحلیف حقنجه بعض امثله)

مدعی مدعا علیه دن جهت بیان ایتکسزین سنده شو قدر
 غروش اله جهم وار در انی ایسترم دیو دعوی ولدی
 الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم اکا
 (و الله بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یو قدر) دیو
 یمین ایتدیررکه حاصله تحلیف دیمک اولور

(صورت اخری)

مدعی مدعا علیه کنذک اولان معلوم الحدود بر عقار
 حقنجه بو عقار بنم ملکمدر سن اکا بغیر حق وضع ید
 ایدیورسین اندن کف یدایت دیوعوی ولدی الاستجواب
 مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله

اكا يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اكا (والله اول عقار
 بو آدهك ملكي دكلدر) ديو يمين ايتديرر و بو دخی
 حاصله تخليف قبيلندن اولور

(ديكر مسئله)

مدعی جهت قرضدن سنده شوقدر غروش اله جغم وار
 انی ایسترم دیو دعوی ایتدکده اگر مدعا علیه بورجم
 یوقدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر ایسه حاکم اكا
 كذلك (والله بنم اكا او قدر غروش بورجم یوقدر)
 دیو حاصله یمين ايتديرر و اگر مدعا علیه بن اندن او قدر
 غروش استقراض ایتدم دیو جهتی انکار ایدر ایسه
 اول حالده حاکم اكا (والله بن بو آدمدن او قدر غروش
 استقراض ایتدم) دیو سببه یمين ايتديرر

(ديكر صورت)

مدعی مدعا علیه یدنده بولنان معلوم الحدود بر عقار
 حقنده فلان تاریخده سن بو عقاری اون بیک غروش بدل
 مقابلنده بکا صاتدک بن دخی اشترا ایتدم اول جهتدن
 بو عقار بنم ملکدر اون بیک غروشی اله بو عقاری
 بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اگر مدعا علیه بو عقار
 سنک ملکک دکلدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر

ایسه حاکم اکا (والله بو عقار بو آدمک ملکی دکادر)

دیو حاصله یمین ایتدیرر

وا کر مدعا علیه بن بو عقاری سکا صاتمدم دیو سببی انکار

ایدر ایسه اول حالده حاکم اکا (والله بن بو عقاری بو آدمک

صاتمدم) دیو سببه یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیه بن بنم فلان کسینه ذمتده فلان

جهتدن اله حق حقم اولان شوقدر غروشک اداسنه انک

امر یله کفیل اولمشیدک بناء علیه کفالتک حسبیه

سنده او قدر غروش حقم اولغله انی سندن ایسترم دیو

دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرک مدعی

اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم

اکا (والله بو آدمک بیان وادما ایلدیکی کفالت جهتدن

بنده او قدر غروش حق بو قدر) دیو یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیه بن سنک ذمتکده ثمن مبيع اوله رق شو

قدر غروش اله حق حقم اولوب حتی اول جهتدن او قدر

غروش بورجک اولدیغنی اقرار دخی ایتمشیدک دیو دعوی

ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی کرک

۲۷۶
اصل دینی و کړک مدعا علیهک انی اقرار ایتدیکنی اثباتدن
اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده اقراره یمین
ویرلیوب ماله یمین ویریلور شویله که مدعا علیهه (والله
بنم بو آدمه او قدر غروش بورچم یو قدر) دیو یمین
ایتدیریلور

(عدم علمه تحلیف حقنه بعض امثله)

برکیمسه جهت بیان ایتیه رک بر متوفانک ترکه سندن شوقدر
غروش اله جق دعوی ایدوبده اثباتدن اظهار عجز ایله
متوفانک وارثه یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم انی عدم
علمه تحلیف ایدر شویله که (والله بن مورثمک بو آدمه
او قدر غروش بورچی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیر
(صورت اخری)

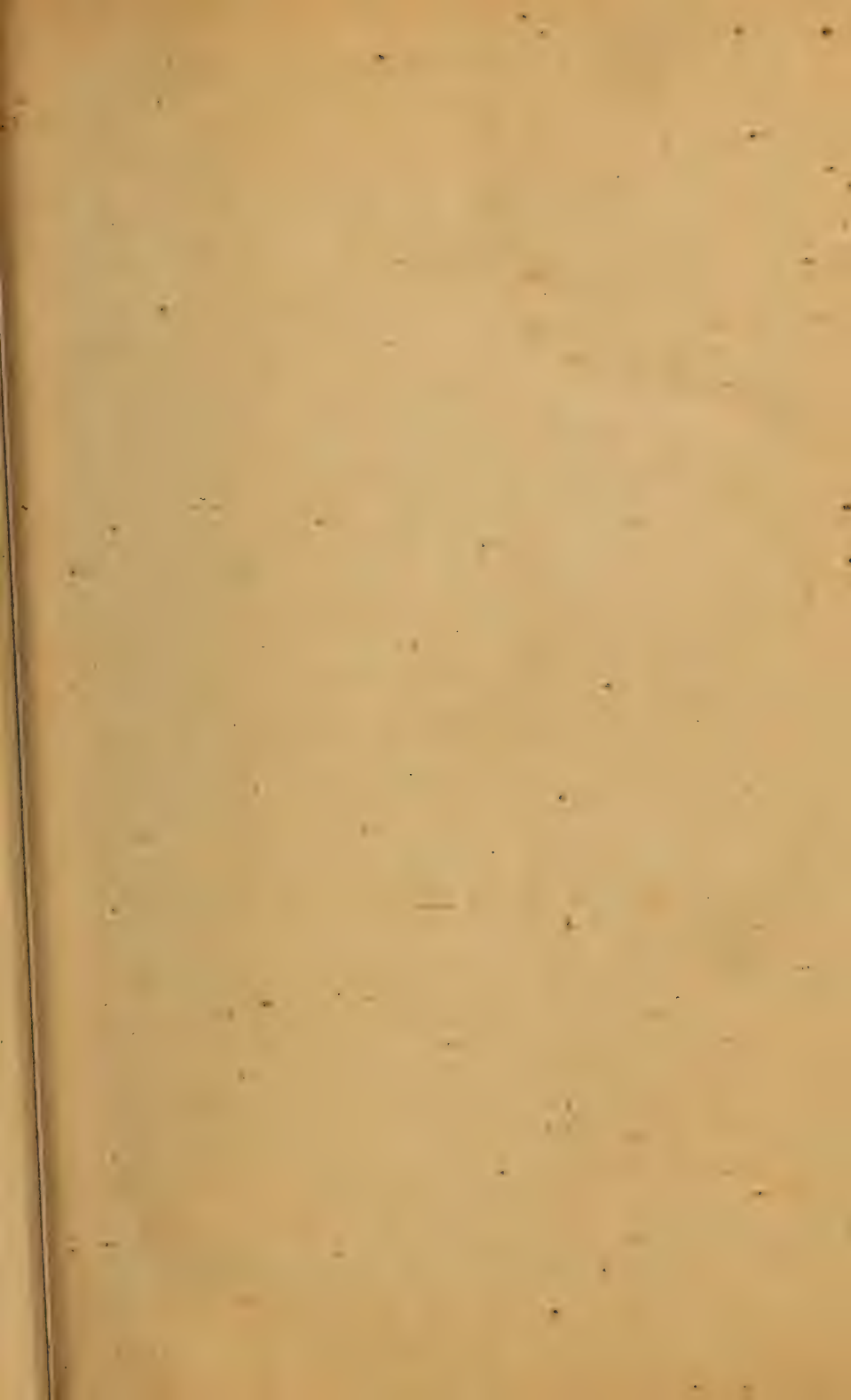
مدعی فلان کسینه حیاته ایکن فلان تارینخده بندن شوقدر
غروش استقراض ایله امورینه صرف ایدوب حالا حقم
اولمغله ترکه سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الانکار اثباتدن
اظهار عجز اولوبده متوفانک وارثه یمین ایتدیرمک
ایستدکده وارث اگر مورثمک اکا بورچی اولدیغنی
انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثمک بو آدمه او قدر
بورچی اولدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیر

واگر استقراضی انکار ایدر ایسه حاکم اگا (والله مورثمک
 بو آدمدن او قدر غروش استقراض ایتدیکنی بیلم) دیو
 یمین ایتدیرر

(دیگر صورت)

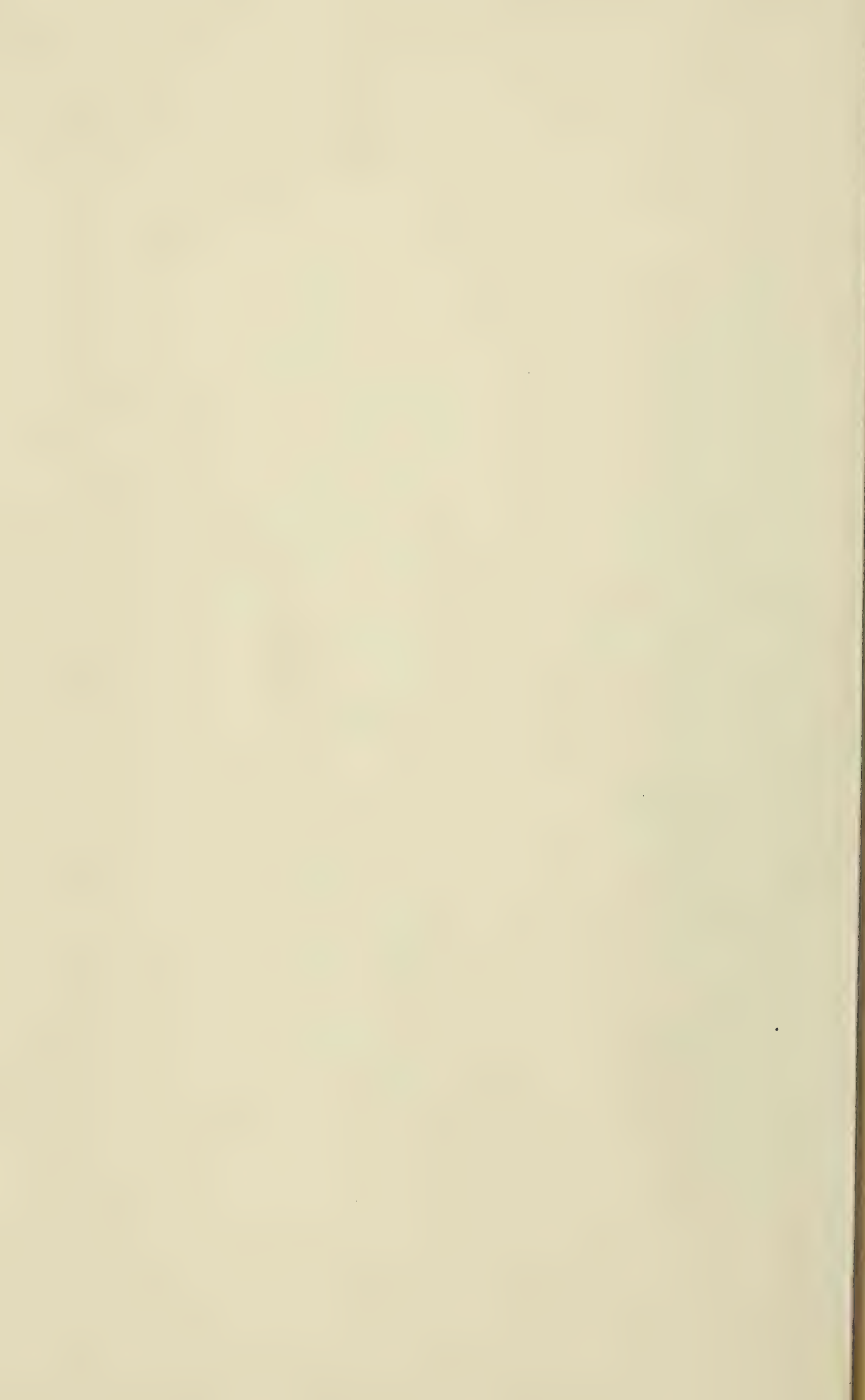
بر آدمک بر شخصدن اشترا ایلدیکی عقاری دیگر کسینه
 اول عقاری دها اول بن او شخصدن اشترا ایتشدم دیو
 دعوی ایدویده اثبات ایده مدیکی جهتله اول آدمه یمین
 ایتدیرمک ایستد کده حاکم اول آدمی عدم علمه یعنی
 کندوسندن اول بو عقاری اول کسندنك اشترا ایلش
 اولدیغنی بیلمدیکنه تحلیف ایدر شوایله که (والله بن
 بو آدمک بو عقاری بندن اول اولی شخصدن صاتون
 الدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیرر

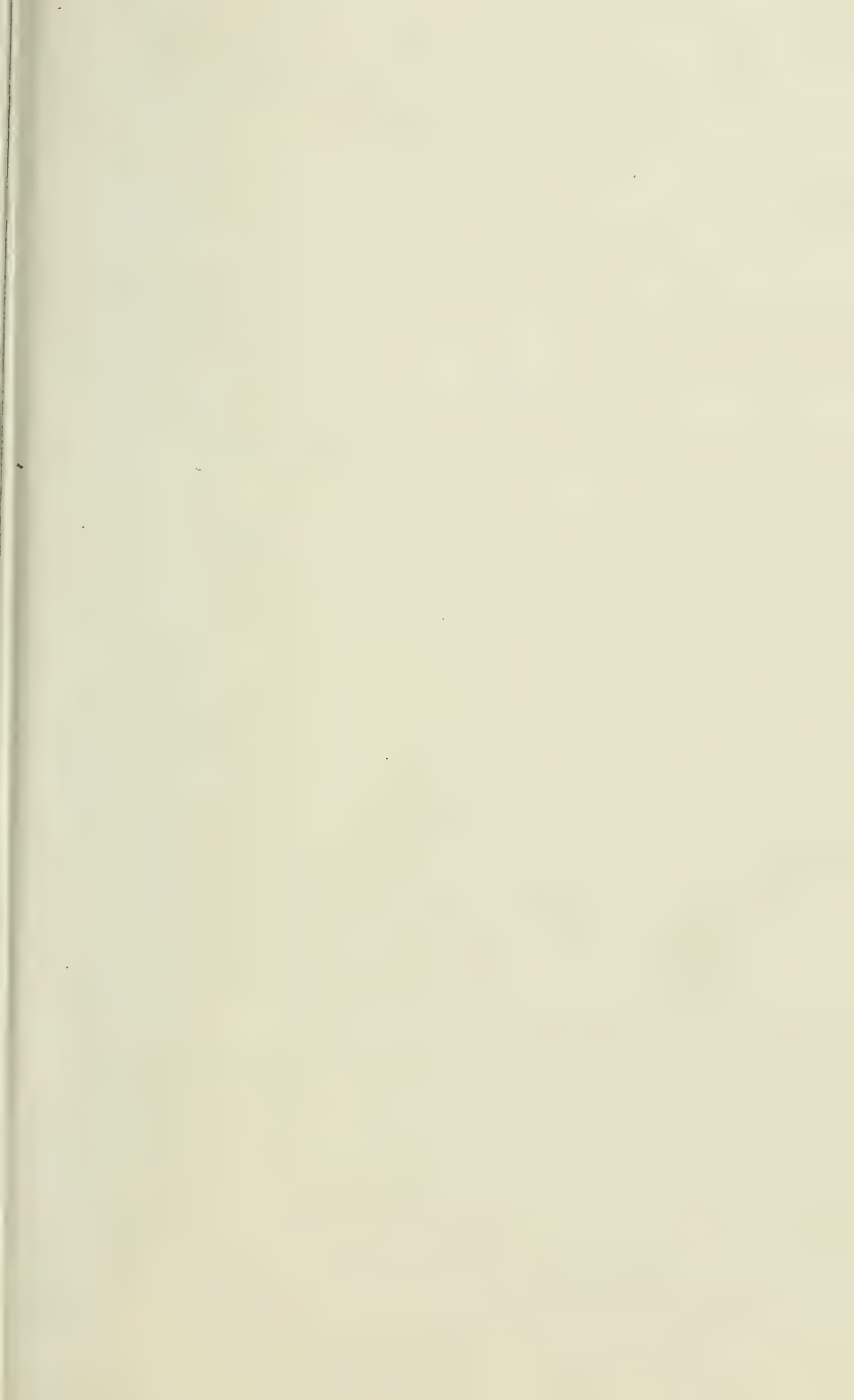
بالاده مذکور اولان صورتلر هب مدعینک طلبی اوزرینه
 ویریلان یمینله مشالدر اما مدعینک طلبی اولقسزین
 حاکم طرفندن یمین ویریلان صورتلر مجله احکام عدایه نك
 بیک یدی یوز قرق التجی ماده سنده مسطور اولمغله
 انلردن بحثه حاجت کورلماشدر

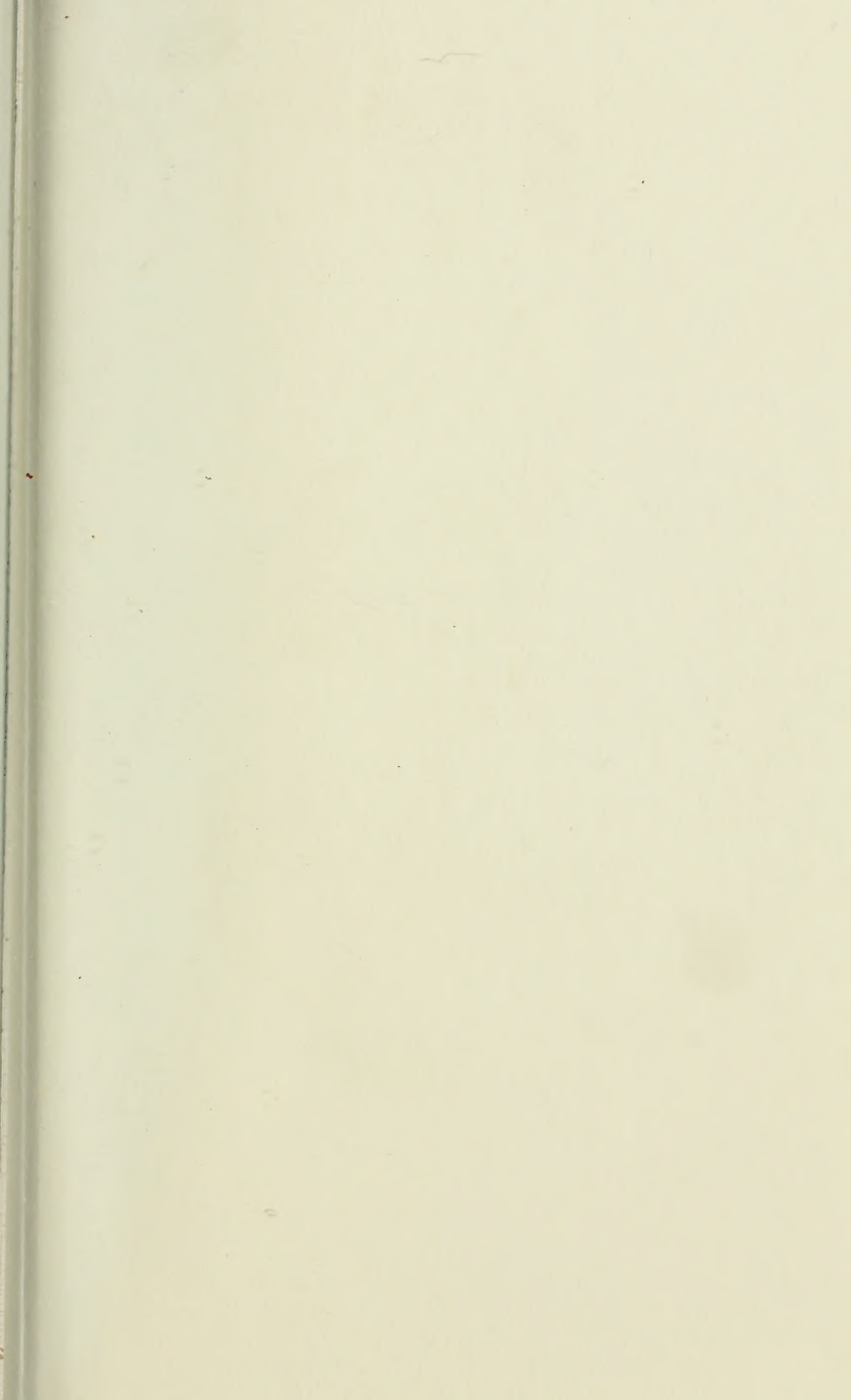


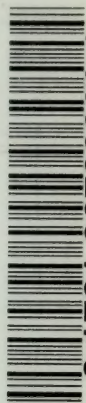


201 (16)









3 1761 06739238 1